

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

سنت پیروزی حق بر باطل در آیات و روایات و جایگاه آن در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	
محمدتقی احمدی پرتو و معصومه خوئینی .....	۳
بررسی مؤلفه‌های انسان‌شناختی در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تکیه بر قرآن	
کامران اویسی .....	۲۵
جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی؛ عنصر دفاعی در مقاومت وحدت‌آفرین و تمدن‌ساز (مؤلفه‌ها و چگونگی‌ها)	
مجید بیشه .....	۴۹
تأثیر مبانی روش‌شناختی اثبات‌گرایی و حکمت متعالیه بر علوم انسانی (مطالعه تطبیقی)	
محمدحسین جمال‌زاده .....	۸۳
خوانش سرمایه اجتماعی در مکتب دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب	
محمود رسولی و مریم رحمانی .....	۱۰۵
بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان در سبک زندگی اسلامی و دیدگاه جامعه‌شناسی	
سیدعلی سجادی‌زاده و رحمت‌آبادی و عاطفه استخری .....	۱۳۳
چارچوب مفهومی افول آمریکا در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)	
محمدعلی فاطمی‌نیا و محمدرضا متقیان‌نژاد .....	۱۶۷
چکیده‌های انگلیسی / علی برهان‌زهی .....	۲۱۲

## راهنمای تدوین مقاله

- مقاله باید علمی - پژوهشی، مستند و دارای نوآوری باشد.
  - مقاله باید بین ۶۰۰۰ تا ۹۰۰۰ کلمه باشد (تعداد کلمات مقاله در واژه‌پرداز word قابل مشاهده است).
  - تیترهای اصلی با شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ... و زیرمجموعه آن‌ها با ۱-۱، ۲-۱، ...، ۱-۲، ۲-۲، ... مشخص شود.
  - چکیده مقاله که آئینه تمام‌نما و فشرده بحث است، به زبان‌های فارسی و انگلیسی، حداکثر در ده سطر ضمیمه شود و واژگان کلیدی مقاله (سه تا هفت واژه) به دنبال هر چکیده بیاید.
  - ارجاعات فارسی [Latin در متن مقاله به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: جلد / صفحه)] (Surname, Pub\_Date: Vol/Page) نوشته شود.
  - اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد، از (همان) (Ibid.) یا (همان: جلد / صفحه) (Ibid.: Vol/Page) و اگر به مأخذ دیگری از همان نویسنده باشد، (همو، سال انتشار: جلد / صفحه) (Id., Pub\_Date: Vol/Page) استفاده شود.
  - ترتیب منابع:
  - کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان)، نام کتاب، نام مترجم، محقق یا مصحح، نوبت چاپ (در صورتی که چاپ نخست باشد، نیاز نیست)، محل نشر، نام ناشر، تاریخ انتشار.
  - مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان)، «عنوان مقاله داخل گیومه»، نام نشریه، دوره / سال، شماره جلد، تاریخ انتشار.
  - نام کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام مؤسسه متبوع وی به دو زبان فارسی و انگلیسی قید شود و همراه با نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال گردد.
  - مجله در ویرایش مقاله آزاد است.
  - ارسال و دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مدیریت نشریات به نشانی <<https://journals.razavi.ac.ir>> انجام می‌گیرد.
  - ارتباط با مجله از طریق رایانامه <[razaviunmag@gmail.com](mailto:razaviunmag@gmail.com)> امکان‌پذیر است.
- ### اصول اخلاقی مجله
- فهرست نام نویسندگان نشان‌دهنده همکاری آن‌ها در تدوین مقاله است و لذا تعیین نام مسئول مقاله و نیز رعایت عدم وجود اسامی غیر مرتبط ضروری است.
  - نویسنده مسئول فردی است که در تهیه، آماده‌سازی و ... مقاله، سهم عمده را بر عهده دارد و نیز مسئولیت هر گونه ایراد قانونی و رعایت ضوابط بر عهده وی می‌باشد.
- ### حقوق نویسندگان و داوران
- اطلاعات شخصی نویسندگان برای عوامل اجرایی و اعضای تحریریه مجله محرمانه بوده و از آن محافظت می‌شود.
  - داوری مقالات توسط داوران، بدون اطلاع از نام نویسندگان انجام می‌گردد.
  - نام داوران مقاله، محفوظ است و به هیچ عنوان در اختیار نویسندگان قرار داده نمی‌شود.
- ### قانون کپی‌رایت
- مقالات ارسالی نباید کپی‌برداری از آثار چاپ‌شده یا ترجمه آثار باشد و قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده یا برای نشریه دیگری به طور همزمان ارسال شده باشد.
  - در صورت تخلف نویسندگان، مطابق با ماده ۳ از فصل دوم قانون حمایت از حقوق پدیدآورنده (تأییدشده در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) رفتار خواهد شد.
  - همپوشانی مقالات چاپ‌شده نویسنده یا نویسندگان تا ۱۰ درصد قابل قبول است و بیشتر از آن شامل قانون کپی‌رایت می‌گردد.

# سنت پیروزی حق بر باطل در آیات و روایات و جایگاه آن در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)\*

- محمدتقی احمدی پرتو<sup>۱</sup>
- معصومه خوئینی<sup>۲</sup>

## چکیده

بر خلاف برخی از دانشمندان علوم اجتماعی غرب که منکر مسئله قوانین ثابت حاکم بر معادلات اجتماعی هستند، اسلام بر این مسئله تحت عنوان سنت‌های الهی تأکید فراوان دارد. از جمله این قوانین ثابت الهی، سنت پیروزی جریان حق بر باطل است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و بررسی برخی از آیات و روایات مربوطه و نمونه‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری با هدف بررسی جایگاه سنت قرآنی پیروزی جبهه حق بر باطل در اندیشه‌های دفاعی معظم‌له نگاشته شده است. در نگاه قرآن، حق پیروز است و باطل به دلیل غیر اصیل بودن پایدار نبوده و از بین می‌رود. بنا بر وعده الهی در آیات قرآن، سنت پیروزی در قالب محو باطل و استقرار حق، نجات رسولان الهی و اهل ایمان و مؤمنان، چیرگی حزب‌الله، وعده استخلاف و جانشینی در زمین، امامت و وراثت و

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) (partoahmadi@mailfa.com).
۲. طلبه سطح ۲ جامعه الزهراء (ع) (z.salar1359@gmail.com).

فرمانروایی بر زمین و... تحقق و نمود پیدا می‌نماید. از منظر رهبر معظم انقلاب، پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس این سنت الهی بوده و تحقق این سنت در هر جریانی، مشروط به شروطی همچون صبر، استقامت، مبارزه، ترسیدن، از دست ندادن امید و... می‌باشد. تأکیدات و استنادات و وعده‌های پیروزی جبهه حق که بارها از زبان ایشان صادر شده است، مانند نمونه‌های فراوان استناد ایشان به این قانون ثابت الهی در تاریخ، از جمله شرایط حساس و پیچیده جنگ ۳۳ روزه، نشان از توجه عمیق به این سنت الهی و جایگاه مهم آن در اندیشه دفاعی ایشان دارد.

**واژگان کلیدی:** سنت پیروزی، جبهه حق، اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای، سنن الهی.

### مقدمه

بررسی و شناخت جریانات تاریخی و قوانین حاکم در جوامع انسانی، از مباحث مهم و چالشی بین جامعه‌شناسان می‌باشد. دیوید هیوم<sup>۱</sup> (۱۷۱۱-۱۷۷۶) بر این باور بود که امور اجتماعی قانونمند نبوده و نمی‌توان از قوانین اجتماعی دم زد. برخی نیز مانند شپنگر<sup>۲</sup> (۱۸۸۰-۱۹۳۶) که امور اجتماعی را قانونمند دانسته است، برای هر جامعه‌ای قوانین خاص خود را متصور شده، قائل‌اند که هیچ جامعه‌ای با جامعه دیگر مشابهت ندارد. بنا بر نظری دیگر که طرفداران بسیاری نیز دارد، دوره‌های تاریخی یک جامعه شبیه به سنین مختلف انسان بوده و اوضاع و احوال مشابه، تنها در داخل یک دوره تاریخی خاص پیدا می‌شود. بنابراین فقط جوامع واقع در یک دوره تاریخی، مشمول قوانین اجتماعی مشترک و واحدند. چهارمین نظریه در این رابطه قائل است که قوانین اجتماعی بی‌شماری هستند که در همه جامعه‌ها -چه در یک دوره تاریخی باشند یا نباشند- به یک سان صادق‌اند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۵۰).

بر خلاف برخی از دانشمندان علوم اجتماعی غرب که منکر مسئله قوانین ثابت حاکم بر معادلات اجتماعی شده‌اند، اسلام بر این مسئله تحت عنوان سنت‌های الهی

1. David Hume.
2. Oswald Spengler.

تأکید فراوان دارد. با نگاهی اجمالی به آیات قرآن و قوانین اسلام، دخالت و عدم تفکیک اسلام از سیاست و رویکرد انضمامی آن به خوبی درک می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۹۳: ۹۸). در همین راستا، قرآن به مباحث سیاسی، اجتماعی، تاریخی ورود کرده و به بحث سنت‌های تاریخی پرداخته است. از دیدگاه اسلام، حرکت تاریخ، حرکتی خردمندانه و بر اساس ضوابط و قوانین است، به طوری که مقررات و سنت‌هایی جاودانه، تخلف‌ناپذیر و جهان‌شمول بر روند جوامع حکومت می‌کنند. قرآن نیز در آیات فراوانی با قالب‌ها و صورت‌های گوناگون، این حقیقت را مطرح نموده است (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۱۱۱ و ۲۳۴). از میان این سنت‌ها، سنت پیروزی جریان حق بر جریان باطل است که از امدادهای غیبی بوده که شاید کشف آن با عقول طبیعی بشر ممکن نباشد. ضرورت و کارکرد ایمان به این سنت الهی بدین گونه است که رهروان راه حق را در برابر موانع و مشکلات، سخت امیدوار و نیرومند و قوی و پراستقامت کرده و به آنان در پیمودن راه‌های سخت انگیزه می‌دهد.

گرچه از نظر افراد مادی، در حساب و معادلات عالم هیچ گونه تفاوتی میان راه حق و باطل و عدل و ظلم نیست و به نظر ایشان، جهان طبیعت کاری به این امور ندارد، اما از نظر انسان الهی، در حساب کلی جهان میان این دو تفاوت وجود دارد؛ حقیقتی وجود دارد و خدا به حمایت مردان راه حق برمی‌خیزد (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۵۰/۳). در عقیده فرد مسلمان معتقد به قضا و قدر الهی، جهان طوری ساخته شده است که اگر او در راه حق و حقیقت فداکاری کند، دستگاه علی و معلولی جهان به حمایت او برخاسته و صدها هزار برابر نیرویی که او در راه هدف مقدس خود صرف نموده، نیروی ذخیره در جهان وجود دارد که در چنین شرایطی به یاری او به کار می‌افتد (همو، ۱۳۷۶: ۹۸).

بنابراین بسیار مهم است که تحولات و جریانات زندگی در طول تاریخ، از کدام زاویه دیده شود؟ قرآن تاریخ زندگی بشر را بسیار منضبط و مشخص دیده و برای آن قوانین ثابتی تعریف نموده است که شناخت و توجه به آن سنن و قوانین که از جمله آن‌ها سنت پیروزی جریان حق بر باطل است، در شناخت و حتی پیش‌بینی حوادث و جریانات کمک فراوانی می‌نماید. در این تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی برخی از آیات و روایات مربوطه و نمونه‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری

حضرت امام خامنه‌ای در این زمینه پرداخته شده است، به دنبال بررسی این سؤال بوده‌ایم که جایگاه این سنت قرآنی در اندیشه‌های دفاعی معظم‌له چگونه بوده است؟

### پیشینه

بحث از قوانین و سنت‌های تاریخی و اجتماعی حاکم بر معادلات زندگی بشر، از مباحث نسبتاً نو بوده و تاریخچه طولانی ندارد. در میان عالمان مسلمان شاید نخستین فردی که به صراحت از سنن و قوانین حاکم بر جامعه نام برده، ابن خلدون (۷۲۳-۸۰۸ ق.) است که در مقدمه معروفش به تفصیل در این باره بحث نموده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). در میان معاصران نیز بزرگانی همچون علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان*، شهید مطهری در کتاب *جامعه و تاریخ*، شهید علامه سیدمحمدباقر صدر در *سنت‌های تاریخ در قرآن* و علامه جوادی آملی در *جامعه در قرآن*، به بحث از سنت‌ها پرداخته‌اند. علی‌رغم اهمیت این موضوع (سنت پیروزی جریان حق) و تأثیری که حتی در میان مباحث آینده‌پژوهی دارد، این موضوع چندان مورد توجه قرار نگرفته است و پژوهشی با این عنوان در نگاه‌های ارزشمند نویسندگان یافت نشد و نگاه‌های قبلی به صورت کلی و عام بوده است. اما این تحقیق با رویکردی خاص به یکی از سنت‌های الهی پرداخته است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران که نمونه‌ای از تحقق این سنت الهی بوده است، بارقه امید را در دل‌های مجاهدان راه حق روشن نموده و بیش از پیش این مسئله را مورد توجه همگان قرار داده است. با توجهات و تأکیدی که در فرمایشات مقام معظم رهبری نسبت به مسئله سنت پیروزی جریان حق در این سال‌ها در دیدارها و سخنرانی‌های ایشان نسبت به اقشار مختلف مردم و مسئولان و حتی علمای دیگر بلاد مشاهده شد، ضرورت بررسی این تحقیق - که تا به حال صورت نگرفته است - آشکار شد تا با بررسی آیات و روایات و فرمایشات معظم‌له، جایگاه این سنت قرآنی در اندیشه‌های دفاعی ایشان مشخص شود.

این بحث ممکن است مرتبط با مباحث سیاست خارجی نیز پیگیری شود؛ چرا که مسئله سنت‌های اجتماعی قرآن در ذیل مباحث ایدئولوژیکی نیز قابل بحث است. ایدئولوژی نوعی نظام اخلاقی به دست می‌دهد و یک چهارچوب ذهنی به وجود می‌آورد

تا بر اساس آن، سیاست‌گذاران واقعیت‌ها را درک کنند. سیاست‌گذاران با بهره‌گیری از ایدئولوژی، به تجزیه و تحلیل نقش‌های ملی و ارائه تصویری از آینده جهان قادر خواهند شد (قوام، ۱۳۷۲: ۱۳۶-۱۳۷). البته جای این بحث در این میان مغفول مانده است که امید است در آینده به عنوان یکی از اصول سیاسی و نظامی اسلام، بیشتر به آن پرداخته شود.

## سنت

سنت که جمع آن سنن می‌باشد، در لغت به معنای طریقه و راه آمده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۹) و در اصطلاح عبارت است از طریقه، سیره، راه و روشی که آفریدگار جهان برای تدبیر امور جهان و انسان مقرر نموده است (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). قرآن به عنوان اولین کتابی که به سنت‌های تاریخی پرداخته و حوادث تاریخی را قانونمند و دارای یک نظم و قانون و خارج از تصادف و اتفاق دانسته است، تأکید دارد که روی حوادث تاریخی، استقراء به عمل آید و با دقت و تدبر و استقراء نوامیس طبیعت و سنن جهان، حقایقی در زمینه علم تاریخ و سنن تاریخی کشف گردد (صدر، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۵۸).

## سنت پیروزی در قرآن و روایات

در نظام هستی، حق دارای اصالت بوده و خیر غالب است. بنابراین باطل غیر اصیل و نابودشدنی است و آنچه پایدار می‌ماند، حق است: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (قصص / ۸۸). تاریخ بشر هم گواهی می‌دهد که حق هر چند در ظاهر مغلوب شود، در نهایت پیروز، و نظام حق بر نظام‌های باطل چیره خواهد شد: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه / ۳۳). قرآن نیز حاکمیت و منصور بودن انبیا را به‌صراحت اعلان نموده است (صافات / ۱۷۱-۱۷۳). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا مقصود قرآن در این آیات، غلبه نظامی است؟ یعنی هر گاه میان یک پیامبر یا پیروان او یا یک ولی خدا، با کسانی از جریان باطل جنگی صورت بگیرد، همیشه طرف مقابل شکست می‌خورد؟ قطعاً چنین نیست و قرآن خود از کشته شدن ناحق انبیا سخن می‌گوید (ر.ک: آل عمران / ۲۱). پس قطعاً مقصود پیروزی نظامی و جنگی نیست؛ چون جنگ

میان این دو جریان، جنگ اعتقادی است، بنابراین پیروزی و شکستشان هم اعتقادی خواهد بود.

همان طور که شخصیت‌های بزرگ در زمان‌های بعد بهتر شناخته می‌شوند، حوادث تاریخی نیز در زمان‌های بعد بهتر شناخته می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱/۱۶۰-۱۶۳). از این رو برای درک بهتر پیروزی یا شکست یک فرد، جریان و حرکت، باید به نتایج، ابعاد و زوایای مختلف آن با دقت نگریسته شود؛ نتایج، ابعاد و زوایایی که ممکن است گاهی صدها سال بعد روشن شود. برای نمونه، حادثه کربلا ممکن است از زوایای مختلفی دیده شود؛ اگر کربلا صحنه فجایع عظیم و جنایت‌ها بوده، از طرفی نمایشگاه روحانیت، معنویت، اخلاق عالی و انسانیت نیز هست (همان: ۴۷/۲). از این رو، حتی اگر تحقق این سنت الهی در صحنه کربلا در آن مقطع تاریخی در چشم مردم ظاهرین دیده نشود، اما به تدریج به شهادت تاریخ و اهل بصیرت و تأمل و تفکر، به خوبی پیروزی جریان حق با سردمداری امام حسین علیه السلام و شکست جبهه باطل با سردمداری یزید و ابن زیاد و ... عیان شد.

از طرفی اگر هدف قیام حضرت، اصلاح انحرافات در امت اسلام و جلوگیری از کژروی و امر به معروف و نهی از منکر (شریفی و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۳۰) و در یک کلمه، زنده نگه داشتن اسلام و جلوگیری از زوال و نابودی دین بود - که توسط دشمنان پی‌گیری می‌شد، باید گفت که قطعاً امام حسین علیه السلام با آن همت عالی هرچند با تار خون خود و یارانش، به آن هدف رسید. از این رو اگر ما مبارزه حسین بن علی علیه السلام با لشکریان یزید و ابن زیاد را از جنبه نظامی در نظر بگیریم، امام حسین علیه السلام شکست خورد و آن‌ها پیروز شدند؛ اما اگر قضیه را دارای ماهیتی فکری و اعتقادی در نظر بگیریم - یعنی حکومت یزید، نماد جریانی بود که می‌خواست فکر اسلامی را از بین ببرد و امام حسین علیه السلام برای احیای فکر اسلامی جنگید، در این صورت باید ببینیم که آیا امام حسین علیه السلام به مقصودش رسید یا خیر؟ آیا توانست یک فکر را در دنیا زنده کند یا خیر؟ می‌بینیم که توانست. ۱۳۰۰ سال است که این نهضت، هر سال یک پیروزی جدید به دست می‌آورد؛ یعنی هر سال عاشورا، عاشوراست و معنای «کلّ یوم عاشوراء» این است که هر روز به نام امام حسین علیه السلام با ظلم و باطلی مبارزه می‌شود و حق و عدالتی احیا می‌گردد. این



پیروزی است و پیروزی بالاتر از این چیست؟ (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۱).

در کنار مسئله نصرت و یاری جریان حق توسط خداوند که در آیات زیادی به آن اشاره شده است، مسئله سرنوشت مبارزه جریان حق و باطل - که تاریخی به گستره کل تاریخ بشر را به همراه دارد- نیز مورد اهتمام قرآن بوده است. قرآن پایان مبارزه جریان حق با باطل را چیزی جز پیروزی به معنای غلبه نهایی برای حق طلبان و شکست و هزیمت جریان باطل نمی داند. البته فهم این قانون ثابت الهی در کنار ایمان به حقانیت قرآن، نیاز به دقت و فهم خاص و ویژه قرآنی دارد؛ بنابراین مورد توجه بسیاری قرار نگرفته و به سادگی از کنار آیات مربوط به آن گذشته‌اند. از طرفی، تحقق این سنت مطلق نبوده و مشروط به لوازم و شروطی است که در آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته است.

جهت گیری قرآن در مبارزه میان مستضعفان و مستکبران - همان طور که ماتریالیسم تاریخی بر اساس منطق دیالکتیک نوید می دهد-، پیروزی نهایی مستضعفان در این نبرد است. این برداشت قرآنی کاملاً با اصلی که از مادیت تاریخی استنتاج شده - که خصلت ذاتی استثمارگری، ارتجاع و کهنه گرایی، و خصلت ذاتی استثمارشدگی، روشنفکری و جنش و انقلاب است- منطبق و هماهنگ با سنت تکاملی آفرینش است (همو، ۱۳۸۹: ۱۷۱-۱۷۲).

### آیات و روایات مرتبط با سنت پیروزی

در آیات زیادی به این موضوع پرداخته شده است که به چند نمونه بسنده می کنیم. قرآن صحنه رویارویی و تقابل دو جریان را در این آیه شریفه به تصویر می کشد: ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُمْ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيٍّ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ (عد/ ۱۷). این آیه مثلی است برای حق و باطل و اینکه باطل محکوم و از بین رفتنی است و حق پایدار است. خداوند در آیه شریفه برای تبیین این تقابل از مثالی عینی استفاده می کند و می فرماید: از آسمان، آب خالص و زلال می بارد و در دره‌ها مطابق وسعت و ضیق آن‌ها نهرها جاری می شود و در روی سیلاب‌ها کف‌ها ظاهر می شود. همچنین موقع ذوب کردن فلزات برای ساخت زیورآلات و مانند آن، بر

روی فلزات مذاب کف ظاهر می‌شود. اما کف‌ها بعد از مدت کمی از بین می‌روند، ولی آب‌ها و فلزات که مورد استفاده می‌باشند، باقی می‌مانند. باطل در جهان به منزله آن کف‌هاست و محکوم به زوال است و حق مانند فلزات و آب است که می‌ماند. از این استفاده می‌شود که باطل به طور کلی معدوم نمی‌شود که دیگر اثری از آن نماند؛ بلکه محکوم می‌شود و موقعیت خود را از دست می‌دهد. دزدی، شرک، ظلم، کفر و امثال آن در دنیا خواهند بود، ولی به صورت محکوم شده و منفور که حتی مرتکبان آن‌ها نیز از آن‌ها بیزار می‌جویند. ناممکن است که ظالم بگوید: من ظالمم؛ زیرا ظلم از نظر وجدان بشری محکوم است، بلکه خواهد گفت: من عادل هستم (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۲۲۶/۵-۲۲۸).

در آیات الهی، پایان این جنگ و درگیری این گونه ترسیم شده است: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...﴾ (انبیاء/ ۱۸). کلمه «قذف» به معنای دور انداختن است و کلمه «دمغ» به معنای شکافتن فرق تا مغز سر است و کلمه «زهوق» به معنای هلاک شدن است. اینکه فرمود: «نقذف»، به خاطر اینکه استمرار را می‌رساند و دلالت دارد بر اینکه حق را به چنگ باطل انداختن، سنت جاری و همیشگی خداست. در اینکه فرمود: ﴿نَقْذِفُ... فَيَدْمَغُهُ﴾، دلالت دارد بر اینکه همیشه غلبه با حق است، و در اینکه فرمود: ﴿فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾، دلالت بر این معناست که این درگیری حق با باطل ناگهانی صورت می‌گیرد و وقتی که دیگر کسی امید ندارد که حق غالب شود و باطل فرار کند، اعتقاد حق هیچ وقت در زمین ریشه کن نمی‌شود، هرچند که در بعضی ادوار، حاملان آن در اقلیت قرار گیرند و یا ضعیف شوند، و نصرت الهی هرگز از رسولان خدا جدا نمی‌شود، هرچند که گاهی به اصطلاح، کارد به استخوان برسد، آن‌چنان که مایوس شوند و خیال کنند که به کلی تکذیب شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴/۲۶۲-۲۶۳).

از نگاه قرآن، پیروزی نهایی در مبارزه جبهه حق و باطل، برای حق‌طلبان است، هرچند در ظاهر امر، جبهه حق متحمل رنج‌ها، خسارات و نامالیماتی نیز شود، اما در نهایت آنچه می‌ماند، جریان حق است که اصیل می‌باشد و آنچه از بین خواهد رفت، جریان باطل است. تحقق این سنت در قرآن در اشکال مختلفی مورد توجه قرار گرفته است:

- ۱- محو باطل و استقرار حق: ﴿يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُجِئُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ﴾ (شوری / ۲۴): «خدای متعال باطل را نابود می‌سازد و حق را با کلمات خویش استقرار می‌دهد».
  - ۲- نجات رسولان الهی و اهل ایمان و مؤمنان: ﴿ثُمَّ نُتَجَّى رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس / ۱۰۳): «آنگاه فرستادگانمان و نیز کسانی را که ایمان آورده‌اند، می‌رهانیم. بر عهده ماست که مؤمنان را نجات دهیم».
  - ۳- چیرگی حزب الله: ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ﴾ (مائده / ۵۶): «به راستی گروه خدای متعال، چیره و غالب است».
  - ۴- وعده استخلاف و جانشینی در زمین: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (نور / ۵۵): «خدای متعال به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که در زمین جانشینشان سازد...».
  - ۵- امامت و وراثت و فرمانروایی بر زمین: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً وَجَعَلْنَاهُمُ الْوَارِثِينَ ۝ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص / ۵-۶): «می‌خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین زبون شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایانی سازیم و آنان را وارث و در آن سرزمین فرمانروایی شان دهیم».
- در روایات نیز این مسئله به کرات مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این سنت اشاره فرموده و حالت و اوصاف مسلمانان صدر اسلام در مبارزه در راه حق و نتیجه آن را چنین توصیف می‌نماید:
- «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَقُتِلُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاؤَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا وَمُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَصَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ وَجِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ، ... فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا حِرَانَهُ وَمَتَّبُونًا أَوْطَانَهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴: ۹۱، خطبه ۵۶): به درستی که ما -در میدان کارزار- با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم. با پدران، پسران، برادران و عموهای خویش می‌جنگیدیم. این جنگ و خویشاوندکشی بر ایمانمان می‌افزود که در راه راست پابرجا بودیم و در سختی‌ها شکیبا و در جهاد با دشمن کوشا... چون خداوند -ما را آزمود و- صدق ما را مشاهده فرمود، دشمن ما را خوار ساخت و رایت پیروزی ما را برافراخت؛ چندان که اسلام به هر شهر و دیار رسید و حکومت آن در آفاق پایدار گردید.

البته تحقق این سنت، مشروط به شروطی می‌باشد. بنا به فرمایش مقام معظم رهبری: «[اگر] اهل حق و کسانی که طرفدار حق‌اند، نیت کنند، همت کنند، صبر کنند، ایستادگی کنند، مبارزه کنند، بلاشک پیروز خواهند شد؛ هر جایی که این اتفاق افتاده است - از دوران دور تاریخ- این جور است. در مورد انبیا هم همین جور است؛ بله ما در انبیا هم داریم مواردی که این‌ها را به قتل رساندند، نابود کردند، مسخره کردند و کارهایی مانند این‌ها کردند، اما در خود قرآن و در روایات، مواردی را دارید که انبیا موفق شدند، مسلط شدند. این به خاطر همین است که شرایط تفاوت می‌کرده. آنجایی که طرفداران حق سستی به خرج دادند، اهمال به خرج دادند، آن‌جوری شده؛ آنجایی که ثبات و ایستادگی و استقامت و مبارزه و بصیرت و مانند این‌ها به خرج دادند، پیروز شدند... امروز هم وقتی که این حرکت، این نهضت به وسیله امام بزرگوار شروع شد، خب مردم پیروی کردند، آمدند داخل میدان؛ پیر، جوان، مرد، زن، قشرهای مختلف، جاهای مختلف وارد میدان شدند، از کشته شدن ترسیدند، ایستادگی کردند، پیروز شد. در جنگ هم همین جور. در هر جای دیگر هم که ما به اصطلاح این همت را کردیم، مسلماً پیروزی به دست آمده است. امروز هم همین جور است؛ امروز هم اگر ما به شرایط، درست عمل نکنیم، پیروزی قطعی است و در قرآن کریم آیاتی که این نکته قطعیت پیروزی را به ما یادآوری می‌کند و تعلیم می‌دهد و خبر می‌دهد، آیات زیادی است؛ از جمله آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد/ ۷)؛ آیه «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج/ ۴۰)؛ آیه «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/ ۱۲۸) که در چند جا تکرار شده، این‌ها همه نشان‌دهنده این است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).<sup>۱</sup>

بنابراین از شروط تحقق این سنت، صبر و ایستادگی و مبارزه است. همچنان که بنا به فرمایش حضرت ایشان، علاوه بر ایستادگی و صبر، ویژگی‌هایی مانند ترسیدن و از دست ندادن امید و ملتزم بودن به لوازم حرف حق مانند دوری از دنیا و دنیاگرایی و رفاه‌طلبی در مبارزه، از شروط تحقق سنت پیروزی جبهه حق می‌باشد (ر.ک: بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۲).

بنابراین توجه و اهتمام به این سنت در کنار التزام به قواعد و شرایط مبارزه، مورد تأکید فراوان آیات و روایات بوده و در سیره پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام

۱. بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له (Khamenei.ir) قابل مشاهده است.

به عنوان قانون و سنتی قطعی قلمداد شده است؛ به گونه‌ای که همواره مدّ نظر قرار دادن آن در سخت‌ترین شرایط و بحران‌ها، به مؤمنان و مجاهدان راه حق توصیه شده است.

### سنت پیروزی جبهه حق بر جبهه باطل در بیان مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب اسلامی به صورت ویژه همواره به این سنت الهی پایبند بوده و توجه، ایمان و تقید به آن را بارها به عموم مجاهدان راه حق و مدافعان حریم اسلام گوشزد نموده است. در اینجا به بخشی از بیانات ایشان در دیدارهای مردمی و جلسات با مسئولان نظامی، دولتی، قضایی و میهمانان خارجی می‌پردازیم. ابتدا به اصل طرح سنت‌ها در دیدگاه ایشان و سپس به سنت خاص پیروزی پرداخته می‌شود.

عنوان	بیانات
سنت‌های الهی در قرآن	«سنت یعنی قانون، قاعده؛ خدای متعال در عالم طبیعت، در عالم انسان قواعدی دارد، قوانینی دارد. ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ﴾ <sup>۱</sup> . این‌ها همه قانون است دیگر. ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ﴾ <sup>۲</sup> . این‌ها قانون است، قوانین جاری است، منتها قوانین جلوی چشم است. قانون جاذبه یک قانون جلوی چشم است و همه می‌فهمند، [اما] قوانینی هم دارد که همه قادر به فهم آن‌ها نیستند. واقعاً سرتاسر قرآن پُر است از بیان این قوانین؛ [مثلاً] ﴿أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ <sup>۳</sup> ، ﴿مَنْ جَاهَدْنَا فَأِنَّمَا يَجَاهِدْ لِنَفْسِهِ﴾ <sup>۴</sup> و امثال این‌ها که حالا تعدادی‌اش را عرض خواهم کرد. این‌ها هم قانون است. ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ <sup>۵</sup> چه کسی راستگوتر از خداست؟ خدا می‌گوید این قانون است» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷).
سنت الهی یعنی قانون	«سنت الهی یعنی قانون... قانون یک موضوع دارد، یک حکم دارد؛ یک موضوع دارد، یک نتیجه دارد. شما خودتان را با آن موضوع منطبق کنید، نتیجه قطعاً مترتب خواهد شد...» (همان).

۱. «و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است؛ تقدیر آن عزیز دانا این است \* و برای ماه منزل‌هایی معین کرده‌ایم» (بِس / ۳۸-۳۹).
۲. «نه خورشید را سِزَد که به ماه رسد» (بِس / ۴۰).
۳. «و بدانید که خدا با تقوایبندگان است» (بقره / ۱۹۴).
۴. «هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد» (عنکبوت / ۶).
۵. «و چه کسی در سخن، از خدا راستگوتر است؟» (نساء / ۱۲۲).

<p>«از اول قرآن تا آخر قرآن، همین طور که نگاه کنید، دائم سنت‌های الهی تبیین می‌شود و تکرار می‌شود. چند جا هم بیان شده: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَكِنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾<sup>۱</sup>... که خدا [می‌فرماید] سنت‌های الهی تغییر پذیر نیست؛ قوانین الهی، قوانین متغی است» (همان).</p>	<p>ویژگی تغییرناپذیری سنت‌های الهی</p>
<p>«بنده به هر طرف که نگاه می‌کنم، از هر جهت که محاسبه می‌کنم، می‌بینم در این مواجهه ملت ایران در زیر سایه جمهوری اسلامی با دنیای ظلم و استکبار و کفر، پیروز نهایی ملت ایران است. ما پیروزی راهبردی داریم ان شاء الله. هم آیات قرآن و وعده الهی این را به ما نوید می‌دهد، هم تجربه این چهل سال، این را برای ما عینی می‌کند» (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۰/۰۷/۱۳۹۸).</p>	<p>پیروزی راهبردی</p>
<p>«سیاسیونی که در مساند قدرت نشسته‌اند، از این پیروزی بزرگی که در عرصه سیاسی برایشان پیدا شد، بر اثر این حادثه مغرور نشوند: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾<sup>۲</sup>. من و شما کاره‌ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. من و شما وسائلی هستیم که اگر عقل به خرج بدهیم، اختیار خودمان را به کار بیندازیم، وارد میدان بشویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما می‌ماند. اما اگر ما هم نباشیم: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾<sup>۳</sup>. این جور نیست که، بار خدا بر زمین نمی‌ماند، پیش خواهد رفت. یک حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است. ﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ با تعبیرات مختلف در جاهای مختلف قرآن آمده: ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾. این سنت الهی است: ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئُوا الْأَدْبَارُ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ وَلَا يَجِدُونَ لِيَا وَلَا نَصِيرًا﴾<sup>۴</sup> سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ<sup>۵</sup>. این، یک جایش است: ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾<sup>۵</sup>. یعنی اگر شما بیاید توی میدان، بر دشمنان پیروز خواهید شد؛ یعنی این سنت الهی است. حالا این پیروزی ممکن است یک روزه و یک ساله نباشد، اما در نهایت پیروزی است. این پیروزی قطعاً حاصل خواهد شد. شکست و انهزام در جبهه حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند، کار لازم را نکنند؛ این است</p>	<p>شکست و انهزام در جبهه حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند!</p>

۱. «سنت الهی از پیش همین بوده است و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت» (فتح / ۲۳).
۲. «(و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند» (انفال / ۱۷).
۳. «(به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند» (مائده / ۵۴).
۴. «(و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یابوری نخواهند یافت \* سنت الهی از پیش همین بوده است» (فتح / ۲۲-۲۳).
۵. «(و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت» (فتح / ۲۳).

<p>دیگر. بنابراین، کار، کار خداست: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ﴾. اینجا هم همین جور است» (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۶/۰۶/۱۳۸۸).</p>	
<p>«خداوند متعال در آیات مکرر قرآن، این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی اند. آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت می‌کند. ممکن است قربانی بدهند، اما در نهایت شکست نمی‌خورند. آن‌ها پیروز هستند در این صحنه. قربانی دارند، اما ناکامی ندارند. از مثال‌های آیات کریمه قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر می‌کنم. جوان‌های عزیزی که اهل قرآن‌اند، به این‌ها مراجعه کنند، روی آن‌ها فکر کنند. ﴿أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾؛<sup>۱</sup> خیال می‌کنند دارند زمینه‌سازی می‌کنند، توطئه برای جبهه حق و مقاومت درست می‌کنند، [اما] نمی‌دانند که توطئه علیه خود آن‌ها دارد چیده می‌شود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه دیگر: ﴿وَتُرِيدُونَ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup> تا آخر آیه. آیه دیگر: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَتُنَبِّئْ أَعْدَاءَكُمْ﴾<sup>۳</sup> آیه دیگر: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾<sup>۴</sup> آیات فراوان قرآن، همه همین عاقبت را نوید می‌دهند به آن کسانی که در راه مقاومت‌اند. این هم یک استدلال. یک بخشی از استدلال قوی و منطوق قوی امام، همین آیات است - ده‌ها آیه است در قرآن کریم- که من حالا سه چهار آیه را خواندم» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸).</p>	<p>سنت پیروزی جبهه حق در آیات قرآن</p>
<p>«پیروزی انقلاب برحسب محاسبات متعارف دنیا امر محالی بود. هیچ کس باور نمی‌کرد که در کشوری مثل ایران با حساسیتی که قدرت‌های استکباری روی آن داشتند... در یک چنین جایی، در یک چنین کشوری، با این چنین حکومت سرکوبگر و ظالم که بی‌محابا با مردم روبه‌رو می‌شد، و با سایه سنگین آمریکا بر این کشور به حسب محاسبات عادی محال بود که یک انقلاب بر مبنای دین، بر مبنای اعتقاد دینی و ایمان مردم، به دست مردم، با رهبری مرجع تقلید و روحانی شاخص به پیروزی برسد. این محال بود... هیچ قاعده مادی و محاسبه مادی‌ای چنین چیزی را قبول نمی‌کرد، ممکن نمی‌دانست؛ اما شد. اینکه شد، نشان‌دهنده این است که</p>	<p>پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس سنت الهی بود</p>

۱. «آیا می‌خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه‌ها گرفتار می‌شوند» (طور / ۴۲).

۲. «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم» (قصص / ۵).

۳. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گم‌هایتان را استوار می‌دارد» (محمد / ۷).

۴. «و خداوند کسانی را که یاری او کنند، یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است» (حج / ۴۰).

بر این عالم کون، بر این عالم وجود، قوانینی حاکم است که اهل ماده آن قوانین را نمی‌شناسند، آن قوانین را نمی‌بینند: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ»؛<sup>۱</sup> در جای دیگر: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ»؛<sup>۲</sup> سنت خدا یعنی قوانین الهی. قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، این‌ها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین‌جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با چشم‌های کم‌سو نمی‌توانند درک بکنند؛ اما وجود دارد. خب، وقتی که ما زمینه این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم می‌کند. آتش سوزندگی دارد؛ باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد. ملت ایران این زمینه را فراهم کرد. این حرف‌ها را بزرگان ما گفته‌اند، هم قرآن مکرر فرموده است، هم در کلمات ائمه علیهم‌السلام، در کلمات رسول خدا، این‌ها وجود دارد. «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا، أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكِبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ».<sup>۳</sup> امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: صادقانه وارد میدان بشوید، ایستادگی بکنید، خدای متعال دشمن شما را سرکوب خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد. این قاعده کلی و قانون است. این قاعده در انقلاب تحقق پیدا کرد؛ مردم صادقانه وارد میدان شدند و ایستادگی کردند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

«ما یک جبهه وسیع دشمن در مقابل خودمان داریم... خیلی کارها هم می‌توانند بکنند، حملات تبلیغاتی می‌کنند. تمام این دستگاه‌های رسانه‌های دنیا در مشیت این‌هاست. علیه جمهوری اسلامی هر چه دلشان می‌خواهد می‌پراکنند. کلیدهای اقتصادی دست این‌هاست. قدرت‌های سیاسی دست این‌هاست. نظام‌های امنیتی دست این‌هاست. سرویس‌های اطلاعاتی مال این‌هاست. این‌ها در مقابل نظام جمهوری اسلامی هستند. خب، یک عده‌ای وقتی چشمشان به این جبهه می‌افتد، دلشان می‌ریزد. این به خاطر این است که از آن کلیدواژه مهم سنت الهی غفلت می‌کنند. خب، همین دشمنی‌ها و بالاتر از این دشمنی‌ها با خود انقلاب بود؛ انقلاب پیروز شد. امروز هم همان دشمنی‌هاست؛ امروز هم شما اگر چنانچه به

پیامدهای  
غفلت از  
سنت‌های  
الهی!

۱. «درباره کسانی که پیشتر بوده‌اند، [همین] سنت خدا [جاری بوده] است» (احزاب / ۶۲).

۲. «سنت الهی از پیش، همین بوده است» (فتح / ۲۳).

۳. «چون خداوند - ما را آزمود و - صدق ما را مشاهدت فرمود، دشمن ما را خوار ساخت و رایت پیروزی ما را برافراخت» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۴: ۹۱، خطبه ۵۶).



<p>لوازمش عمل بکنید، شما پیروز خواهید شد؛ برو برگرد ندارد. «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَيْبَ»<sup>۱</sup> این امروز هم صادق است. من و شما وقتی صادقانه وارد میدان بشویم، به لوازمش عمل بکنیم، ایستادگی کنیم، بصیرت به خرج بدهیم، به موقع اقدام بکنیم، درست حرف بزنیم، درست عمل بکنیم، صادقانه وارد میدان بشویم، همان حرفی که امیرالمؤمنین فرموده، وجود دارد: «أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَيْبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ»<sup>۲</sup> پیروزی مال ماست، کبت و سرکوبگری متعلق به دشمن است» (همان).</p>	
<p>«﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخِشُوهُمْ فَأَازَمُوا إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ»<sup>۳</sup> ... جنگ أحد تمام شد ... تعداد زیادی شهید شدند، خسته و فرسوده و زخمی شده برگشتند مدینه. حالا قریش ... گفتند امشب حمله کنیم ... عوامشان آمدند داخل مدینه، شروع کردند هراس افکنی ... گفتند ... لشکر فراهم آورده اند، می خواهند پدر شما را دریابورند! ... این هایی که مخاطب این هراس افکنی بودند، «﴿قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾»؛ [گفتند: نخیر، ما نمی ترسیم، خدا با ماست. پیغمبر فرمود آن کسانی که امروز در أحد زخمی شدند، جمع بشوند. آن ها جمع شدند. گفت بروید مقابل این ها. رفتند آن ها را شکست دادند و برگشتند: «﴿فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ﴾»؛ یک مقدار زیادی غنیمت آوردند و هیچ مشکلی هم برایشان پیش نیامد ... بنابراین، اگر چنانچه در مقابل هراس افکنی دشمن، شما به معنای واقعی کلمه معتقد شدید که «﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾» و به وظایفتان عمل کردید، نتیجه اش این است» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷).</p>	<p>سنت الهی در ماجرای پیروزی پس از جنگ أحد</p>
<p>(ملت هایی که فکری دارند، هویتی دارند، انگیزه ای دارند، متکی به خدا هستند، متوکل علی الله هستند، می ایستند و خدای متعال به آن ها کمک خواهد کرد. «﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ سَنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۴</sup>؛ این سنت الهی است؛ اگر مسلمان ها بایستند، بر همه</p>	<p>یمن و فلسطین به خاطر ایستادگی و مقاومتشان</p>

۱. «چون خداوند ما را آزمود و صدق ما را مشاهده فرمود، دشمن ما را خوار ساخت» (همان).

۲. «دشمن ما را خوار ساخت و رایت پیروزی ما را برافراخت» (همان).

۳. «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند، پس از آن ها بترسید»، و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است» \* پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود» (آل عمران / ۱۷۳-۱۷۴).

۴. «و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یآوری نخواهند یافت \* سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت» (فتح / ۲۲-۲۳).

پیروز  
خواهند شد

سازوبرگ قدرت‌های طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد. امروز مردم یمن سخت‌ترین شکنجه‌ها را دارند از ناحیه دولت سعودی و همراهانش و آمریکا -پشتیاننش- تحمل می‌کنند. لکن بدانید قطعاً ملت یمن و انصارالله پیروز خواهند شد. آن‌ها شکست نمی‌خورند. ملت فلسطین شکست نمی‌خورند. تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دستپاچه کرده که به حرف‌های یاهو متوسل می‌شوند، به کارهای غلط متوسل می‌شوند، ایستادگی ملت‌های مسلمان است و این ایستادگی نتیجه خواهد داد» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴).

### تبیین فرمایشات رهبری در سنت‌های الهی

پذیرش حضور خداوند و عوامل فراطبیعی دیگر در زندگی انسان و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی، از ویژگی‌های خاص علم دینی است. بر خلاف پارادایم‌های رایج علوم اجتماعی که تصویری سه‌بعدی از ماهیت علوم اجتماعی -بدون در نظر گرفتن رابطه با خدا و ماوراء- ترسیم می‌کنند، مفروض در پارادایم علم اجتماعی اسلامی، تصویری چهاربعدی شامل رابطه انسان با خدا، با خود، با دیگر انسان‌ها و طبیعت می‌باشد. برخی از فیلسوفان متأخر علوم اجتماعی نیز امکان تأثیر عوامل فراطبیعی بر واقعیات اجتماعی را از موضع رئالیسم انتقادی پذیرفته‌اند (بستان، ۱۳۹۲: ۳۷، ۳۶).

در همین راستا بنا بر نظر رهبر معظم انقلاب، خداوند در عالم طبیعت و در عالم انسان، قواعد و قوانینی دارد که از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود. برخی از این قوانین و سنت‌ها برای همگان قابل فهم بوده و فهم برخی از آن‌ها برای عده‌ای از خواص می‌باشد. ویژگی این قوانین، تغییرناپذیر بودن آن سنت‌هاست که با انطباق افراد و جریان‌ها بر آن‌ها محقق می‌شود. سنت پیروزی جبهه حق در آیات قرآن به فراوانی مورد تصریح قرار گرفته که توضیح آن گذشت. از این رو شکست و انهزام در جبهه حق معنا ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق در میدان حاضر نشوند! امام خامنه‌ای نیز در استنادات خود به برخی از این آیات استناد نموده است. از منظر رهبر معظم انقلاب، پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس این سنت الهی بوده و تحقق این سنت در هر جریانی مشروط به شروطی همچون صبر، استقامت، مبارزه، ترسیدن، از دست ندادن امید و... می‌باشد.

ایشان با بیان این نکته که غفلت از سنت‌های الهی موجب ترس و وحشت و ناامیدی می‌شود، به بیان سنت الهی در ماجرای پیروزی پس از جنگ اُحد پرداخته است.

نکته مهم دیگر، وعده پیروزی مبارزات مردم مظلوم یمن و فلسطین بر اساس تحقق سنت الهی نصرت و پیروزی به شرط مقاومت است. در دنیایی که بسیاری از تحلیلگران برجسته نظامی و امنیتی در مراکز تحقیقات راهبردی و آینده‌پژوهی، در پیش‌بینی معادلات منطقه‌ای و جهانی، کمترین اقبالی برای پیروزی ملت‌های محروم و مستضعفی مانند یمن و فلسطین قائل نیستند و روی همین حساب، شکست حریف ضعیفی مانند یمن را در مدت حداکثر یک یا دو ماه پیش‌بینی می‌کنند، پیش‌بینی ایشان بنا بر ایمان به وعده الهی و تکیه بر سنت پیروزی جبهه حق تحقق می‌یابد. این سنت قطعی قرآنی - که در سخت‌ترین شرایط جبهه حق، نوید پیروزی مجاهدان راه حق را در صورت عمل به لوازم جهاد و دفاع داده است - بارها در عصر حاضر نیز با جری و تطبیق بر شرایط مختلف در تحولات انقلاب اسلامی به ویژه در مقاطع حساس جنگی و هجمه دشمن، مورد استناد رهبر معظم قرار گرفته که نشان‌دهنده جایگاه ویژه این سنت مهم در سیاست‌گذاری‌ها و تبیین افق پیش روی جهاد و دفاع و مبارزه است.

### نمونه تحقق سنت پیروزی در عصر حاضر

یکی از نمونه‌های محقق‌شده این سنت در اندیشه دفاعی رهبری معظم انقلاب اسلامی از زبان شهید سرافراز جبهه مقاومت جهانی، سردار حاج قاسم سلیمانی در مورد جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی این گونه بیان شده است:

«تقریباً هفته اول که سپری شد، از تهران اصرار داشتند من به تهران بیایم تا درباره جنگ توضیح بدهم. من از یک راه فرعی برگشتم. آن وقت رهبر معظم انقلاب در مشهد بودند و من خدمت ایشان رسیدم برای جلسه سران سه قوه و مسئولان اصلی که عضو شورای امنیت ملی بودند و غالباً در بخش‌های امنیتی و اطلاعاتی حضور داشتند. در جلسه مشهد، من گزارشی از حادثه دادم که گزارش تلخی بود؛ یعنی مشاهدات من، افقی از پیروزی را نشان نمی‌داد. جنگ کاملاً جنگ متفاوت و دقیقی بود. اهداف با دقت انتخاب می‌شد. ساختمان‌های ۱۲ طبقه با یک بمب با زمین یکسان می‌شدند... آقا شروع به صحبت کردند. چند مطلب را فرمودند، از جمله اینکه فرمودند: "نکاتی

که فلانی گفتند پیرامون جنگ، همین طور است؛ این جنگ، جنگ بسیار سخت و شدیدی است؛ اما من تصور می‌کنم این جنگ شبیه جنگ خندق است.“ آیات جنگ احزاب یا همان جنگ خندق را قرائت کردند و حالت مسلمان‌ها، حالت اصحاب و یاران پیغمبر، حالتی را که بر صف آن‌ها حاکم بود، بیان کردند. بعد فرمودند: “اما من تصورم این است که پیروزی این جنگ، همانند پیروزی جنگ خندق خواهد بود.“ من در دلم تکان خوردم، چون اصلاً چنین ظنی از نظر نظامی نداشتم. یعنی در دلم تمنا کردم کاش آقا این را نمی‌فرمودند که نتیجه این جنگ، پیروزی است. جنگ احزاب، پیروزی بزرگ پیامبر بود» (روزنامه جام جم، ۱۰ مهر ۱۳۹۸، ش ۵۴۹۳).<sup>۱</sup>

بر پایه همین ایمان و وعده نصرت بود که دبیرکل حزب‌الله لبنان، پیروزی لبنان را از قبل اعلام کرده و دلیل آن را وعده پیروزی توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران عنوان کرده بود. اکرم الکعبی دبیرکل مقاومت اسلامی نُجباء عراق در سخنانی که برای نخستین بار به مناسبت سیزدهمین سالگرد جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی منتشر شد، گفت:

«در آن زمان، سیدحسن نصرالله به یکباره با اطمینانی فراتر از یک برآورد ساده، در رسانه‌ها بشارت پیروزی قطعی داد و همه را غافلگیر کرد. مدتی بعد از پایان جنگ [لبنان]، من و جمعی از برادران مجاهد به لبنان سفر کردیم تا ضمن دیدار با سیدحسن، پیروزی بزرگ حزب‌الله را به ایشان تبریک بگوییم. در مسیر، سؤالی ذهنم را درگیر کرده بود و تصمیم گرفتم به محض ملاقات، آن را مطرح کنم؛ اینکه سیدحسن بر چه اساسی وعده پیروزی داد؟ به محض دیدار با سیدحسن - که شهید عماد مغنیه هم حضور داشت- سؤالم را مطرح کردم. ایشان پاسخ داد که پس از شدت یافتن محاصره، پیامی از [حضرت آیه‌الله العظیم سیدعلی خامنه‌ای] رهبر انقلاب اسلامی [ایران] دریافت کردم که در آن تأکید شده بود به همه مجاهدان توصیه کنم دعای “جوشن صغیر” را بخوانند و در ادامه بشارت دادند که قطعاً نصر و پیروزی و عزت و کرامت از آن مقاومت خواهد بود» (خبرگزاری مهر، ۲۳ مرداد ۱۳۹۸).<sup>۲</sup>

شبیه همین، رهبر معظم انقلاب در دیدار با هیئتی از جنبش انصارالله یمن، نوید پیروزی را به مردم یمن نیز داد (همان).

1. <<https://www.jamejamdaily.ir/newspaper/item/41259>>.

2. <<https://www.mehrnews.com/news/4692444>>.

## نتیجه گیری

- ۱- قرآن تاریخ زندگی بشر را - بر خلاف برخی از دانشمندان علوم اجتماعی غرب - بسیار منضبط و مشخص دیده و برای آن قوانین ثابتی تعریف نموده است که شناخت و توجه به آن سنن و قوانین، که از جمله آن‌ها سنت پیروزی جریان حق بر باطل است، در شناخت و حتی پیش‌بینی حوادث و جریانات کمک فراوانی می‌نماید. در این تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی برخی از آیات و روایات مربوطه و نمونه‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای در این زمینه پرداخته شد، به دنبال بررسی جایگاه این سنت قرآنی در اندیشه‌های دفاعی معظم‌له بودیم.
- ۲- با بررسی برخی از آیات و روایات مرتبط با سنت پیروزی، جایگاه این سنت و قانون مهم و سرنوشت‌ساز روشن شد. قرآن کریم در آیات فراوانی ضمن تبیین رویارویی جبهه حق و باطل در طول تاریخ، به آشکال مختلف تحقیق پیروزی جبهه حق در صورت تحقق شرایط و لوازم آن همچون صبر و مقاومت اشاره و تصریح نموده است. در نگاه قرآن، حق پیروز است و باطل به دلیل غیر اصیل بودن پایدار نبوده و از بین می‌رود. بنا بر وعده الهی در آیات قرآن، سنت پیروزی در قالب محو باطل و استقرار حق، نجات رسولان الهی و اهل ایمان و مؤمنان، چیرگی حزب‌الله، وعده استخلاف و جانشینی در زمین، امامت و وراثت و فرمانروایی بر زمین و...، تحقق و نمود پیدا می‌کند.
- ۳- سنت پیروزی جبهه حق در آیات قرآن به فراوانی مورد تصریح قرار گرفته است. از این رو، شکست و انهزام در جبهه حق معنا ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند! از منظر امام خامنه‌ای، پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس این سنت الهی بوده و تحقق این سنت در هر جریانی، مشروط به شروطی همچون صبر، استقامت، مبارزه، نترسیدن، از دست ندادن امید و... می‌باشد. ایشان با بیان این نکته که غفلت از سنت‌های الهی، موجب ترس و وحشت و ناامیدی می‌شود، به بیان سنت الهی در ماجرای پیروزی پس از جنگ اُحد پرداخته و وعده پیروزی مبارزات مردم مظلوم یمن و فلسطین را بر اساس تحقق این سنت الهی داده است.
- ۴- بنابراین تأکیدات و استنادات و وعده‌های پیروزی جبهه حق که بارها از زبان

رهبر معظم انقلاب صادر شده است، نشان‌دهنده عمق ایمان و اعتقاد ایشان به این سنت الهی و جایگاه آن در اندیشه دفاعی ایشان می‌باشد. معظم‌له به تحقق قطعی پیروزی جبهه حق در سخت‌ترین شرایط و بحران‌ها به شرط فراهم نمودن لوازم آن، باور عمیق داشته و وعده‌های پیروزی که برای آینده انقلاب اسلامی و سایر جنبش‌های حق‌طلبانه و ظلم‌ستیز در جهان بیان فرموده است، از این عقیده نشئت می‌گیرد و نمونه‌های فراوان استناد ایشان در مقاطع مختلف از جمله شرایط حساس و پیچیده جنگ ۳۳ روزه، به خوبی عمق اعتقاد ایشان به این قانون الهی را نشان می‌دهد.

۵- پیشنهاد می‌شود با توجه به تأکیدات و دیدگاه رهبری -به عنوان سیاست‌گذار اصلی و کلان در ساختار انقلاب اسلامی- در مسئله سنت‌های قرآنی، در ادامه و تکمیل این تحقیق، سیاست‌گذاری‌های کلان انقلاب اسلامی مبتنی بر این سنت و سایر سنت‌های اجتماعی در قرآن تحلیل گردد و به عنوان قوانین در مطالعات اجتماعی به استحضار جامعه علمی و سیاست‌گذاران و مجریان سیاست رسانده شود.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
  ۲. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
  ۳. بستان (نجفی)، حسین، گامی به سوی علم دینی؛ روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
  ۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
  ۵. شریفی، محمود و همکاران، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام: ترجمه کتاب موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ترجمه علی مؤیدی، قم، معروف، ۱۳۷۸ ش.
  ۶. صدر، سیدمحمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سیدجمال موسوی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
  ۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
  ۸. قرشی بنابی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
  ۹. قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، قم، سمت، ۱۳۷۲ ش.
  ۱۰. کرمی فریدنی، علی، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار، ۱۳۸۳ ش.
  ۱۱. محمدی، سیدمحمدحسین، «اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها با تأکید بر علل سقوط تمدن‌ها از منظر کلام وحی»، فصلنامه تاریخ درآینه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، زمستان ۱۳۸۷ ش.
  ۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
  ۱۳. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، چاپ شانزدهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ ش.
  ۱۴. همو، جامعه و تاریخ، چاپ بیست و چهارم، تهران، صدرا، ۱۳۸۹ ش.
  ۱۵. همو، حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۷۷ ش.
  ۱۶. همو، مجموعه آثار (۳) (امدادهای غیبی در زندگی بشر)، چاپ هشتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۰ ش.
  ۱۷. همو، نبرد حق و باطل، تهران، صدرا، ۱۳۹۶ ش.
  ۱۸. میرمحمدی، سیدجمال‌الدین، دین، سیاست و مدیریت، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۳ ش.
19. <<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=1848&npt=7#12287>>.
20. <<https://www.jamejamdaily.ir/newspaper/item/41259>>.
21. <<https://www.mehrnews.com/news/4692444>>.





# بررسی مؤلفه‌های انسان‌شناختی در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) باتکیه بر قرآن\*

□ کامران اویسی<sup>۱</sup>

## چکیده

مقاله حاضر در صدد است مؤلفه‌های انسان‌شناختی دخیل در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری را که در بیانات ایشان آمده است، استخراج و با مطالعه در بستر قرآن، آن‌ها را تبیین کند. مطالعات انسان‌شناسی در این باره بر سه محور کلی بینشی، گرایشی، کنشی - واکنشی، یا باورها، امیال، مناسک طبق نگاه ریویر، بر اساس سه ویژگی تعقل، احساس، رفتار انجام می‌شود. مستندسازی قرآنی مؤلفه‌های مذکور در بیانات مقام معظم رهبری در مقوله دفاع و تبیین آن‌ها، هدف پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در نظریه دفاعی مقام معظم رهبری، دشمن‌شناسی مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده باور انسان مدافع، میل به معنویت و عدم میل افراطی به دنیا از مهم‌ترین مصادیق در بُعد امیال انسان مجاهد با بیشترین تبلور در مقوله جاسوسی و فرار از جبهه، در بُعد کنشی، یاری دین و اولیای الهی، مقاومت و ایستادگی،

ارتقای همه‌جانبه بنيه دفاعی از جمله مؤلفه‌های انسان‌شناختی است.  
**واژگان کلیدی:** انسان‌شناسی، دفاع، قرآن، مقام معظم رهبری.

### مقدمه

از آنجا که فرایند دفاع، توسط عنصر انسانی انجام می‌پذیرد، مداخله انسانی چه در طراحی و چه در اجرای دفاع، مهم‌ترین رکن تشکیل‌دهنده آن است. از سوی دیگر، انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است که بنا بر جهان‌بینی اسلامی، نمی‌توان عمل انسان را خالی از تأثیر یکی از آن‌ها دانست؛ بلکه هم جسم و هم روح در به فرجام رسیدن اعمال انسان مؤثرند. مقوله دفاع نیز از این قاعده مستثنا نبوده، هم فعالیت جسمانی بر آن اثرگذار است و هم کنش‌های روحانی. در صورتی می‌توان به منظومه فکری مقام معظم رهبری اشراف کامل پیدا کرد که علاوه بر مؤلفه‌های مدیریت و سازمانی دفاع، به مؤلفه‌های انسان‌شناختی بیان‌شده یا مورد تأکید از سوی ایشان نیز توجه داشت؛ زیرا چنان که محققان دفاع‌پژوه بیان داشته‌اند، فرهنگ‌سازی در مقوله دفاع همراه با یک انسجام درون‌گفتمانی میان گفتمان مقام معظم رهبری و قرآن، ترسیم قانون ملی و آرمانی تنازع بقاء مادی و معنوی دولت و ملت با توسل به نیروهای مختلف از جمله معنویت برای نیل به امنیت نسبی در شرایط جنگ و صلح است (ر.ک: اسدیپور و احمدی اهنک، ۱۳۹۵: ۴۲). از سوی دیگر، فرهنگ نظامی از نگرش‌ها و ارزش‌ها و دانشی تشکیل شده است که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۹) و مباحث انسان‌شناختی نیز یکی از این عناصر است. به عبارت بهتر، دفاع آن نهاد ارتقاء یافته‌ای است که هنر دفع خطر بر اساس موازین و معیارهای مکتبی و استفاده بهینه از ابزار مادی و معنوی مداخله‌گر در جسم و روح انسان را که سبب دفاع شایسته و مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد، دارد (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۶۶).

بنابراین ضروری است تا مداخلان دفاعی از قبیل نظریه‌پرداز، کنشگر نظامی در مقام تصمیم‌ساز یا مجری در صحنه نبرد را با منظومه فکری دفاعی مقام معظم رهبری در ساحت انسان‌شناختی آشنا سازد؛ یعنی شئون رهبری، فرماندهی قوای نظامی،

اسلام‌شناسی و فقهات، ترکیبی است که جمع آن‌ها در یک شخص و شخصیت، سبب می‌گردد تا در منویات شخص صادرکننده اوامر یا پیشنهاد یا طرح‌های مرتبط با دفاع نیز از نگاه ایدئولوژیک دیده شود. برخی پژوهشگران علوم اجتماعی بر این مطلب صحه گذارده‌اند که افراد دارای مسئولیت‌های اجتماعی، به فراخور بالاتر بودن مسئولیت و منصب، مسئولیت اجتماعی بیشتری نسبت به تحقق مردم‌سالاری و دموکراسی دارند (ترکزاده و امیری، ۱۴۰۰: ۱۵۵). البته این مهم در نظام اسلامی باید در چارچوب مردم‌سالاری دینی شکل گیرد. بر پایه این نظر، دیدگاه مقام معظم رهبری از اهمیت بالاتری نسبت به دیگر مسئولان نظامی برخوردار خواهد بود.

همچنین از مهم‌ترین ضرورت‌های پرداختن به این نوشتار، قلم زدن در مقوله‌ای میان‌رشته‌ای از جهت قرآنی بودن و نیز داشتن صبغه امنیت اجتماعی است. از آنجا که در قلمرو انسان‌شناختی، سه ساحت فکر و میل و عمل، یا به تعبیر علوم اجتماعی، باور و میل و مناسک را برای بشر در نظر گرفته و افکار و امیال و اعمال او را به عنوان بایدها و نبایدهایی که به عنوان قاعده لازم است رعایت گردد، تقسیم‌بندی می‌نمایند، پژوهش حاضر تلاش دارد تا مؤلفه‌های انسان‌شناختی نظریه دفاعی مقام معظم رهبری را با تکیه بر قرآن بررسی نماید.

## ۱. روش پژوهش

مقاله حاضر در صدد است تا با مطالعه منویات مقام معظم رهبری در زمینه مؤلفه‌های انسان‌شناختی در مسئله دفاع، پی‌جوی ریشه قرآنی آن بوده تا تحلیل بیشتری نماید یا در صورت عدم صراحت در استفاده از گزاره‌های دینی، آن را با توجه به تاب گزاره مورد نظر و عدم خروج از ظاهر کلام، به قرآن مستند سازد. از این رو، پژوهش حاضر از جهت هدف پژوهش، تحقیقی - کاربردی، از منظر سطح تحلیل، دارای ماهیت توصیفی - استنباطی و از لحاظ روش، اسنادی - تحلیلی است. همچنین گرچه از مطالعه کتابخانه‌ای بهره برده است، اما جهت مستندسازی کلام مقام معظم رهبری به وبگاه رسمی ایشان مراجعه نموده است.

## ۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش، کشف گزاره‌های مبتنی بر تصریح یا اشاره به مؤلفه‌های انسان‌شناختی مؤثر در مقوله دفاع، آن هم با تکیه بر قرآن است. اما از جمله اهداف فرعی، مستندسازی بخشی از منویات مقام معظم رهبری، جهت نشان دادن عمق شناخت ایشان از تفقه دینی و تلاش برای کاربردی‌سازی دین در مقوله‌های مختلفی چون دفاع است. همچنین از جمله اهداف فرعی دیگر این نوشتار، نشان دادن استفاده حداکثری ایشان از دین و به ویژه قرآن در اندیشه‌های خود از جمله در منظومه فکری دفاعی است.

## ۳. پیشینه پژوهش

تا کنون مؤلفه‌های انسان‌شناختی نظریه دفاعی مقام معظم رهبری با تکیه بر قرآن، مورد بررسی واقع نشده است. اما برخی کتب و مقالات در زمینه دفاع و مشتقات و مشابهات آن در بیانات ولیّ فقیه مانند امام خمینی و نیز مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند که به عنوان پیشینه عام می‌توانند یاد شوند که به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱- کتاب فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی (مطهرنیا، ۱۳۷۸). این کتاب به دفاع از منظر فرهنگی پرداخته است و یک اثر کلی و عام و غیر تخصصی نسبت به حیطه انسان‌شناختی و یا امامین انقلاب محسوب می‌شود.

۲- مقاله «دفاع هوشمند و قدر معنوی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای» (درویش‌شانی، ۱۳۸۶، ج ۱). این مقاله گرچه سعی نموده تا عنصر معنویت را از بیانات مقام معظم رهبری تا حد توان استخراج کند، اما هم استقراء ناقص انجام داده و هم منحصر به دفاع هوشمند گشته است.

چنان که ملاحظه شد، کتاب و مقاله مذکور به مباحث قرآنی - حدیثی و نیز انسان‌شناختی اشاره نداشته و برخی نیز عام بوده و ممحصّص در کلمات رهبر انقلاب نشده‌اند.

## ۴. مبانی نظری

از آنجا که نوشتار پیش رو در صدد است تا با توجه به مطالعه انسان‌شناختی، به

بررسی مؤلفه‌های معنویت‌زا یا معنویت‌محور در مقوله دفاع از دیدگاه مقام معظم رهبری پردازد، سزاوار است تا مبانی انسان‌شناختی نیز مورد توجه قرار گیرد. انسان دارای سه بُعد تفکر و تعقل، احساس و میل، و رفتار و کردار است که به ترتیب، نگرش و بینش، گرایش و کشش، کنش - واکنش و منش نامیده می‌شود (ر.ک: جلالی، ۱۳۸۰: ۴۵). اما بومی‌سازی شده آن در حیطه علوم اجتماعی می‌تواند به صورت باورها، میل و رغبت و مناسک تعبیر شود (ر.ک: ربویر، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۲۵۹).

#### ۱-۴. ابعاد سه‌گانه انسان‌شناختی

گرچه انسان به دو بُعد کلی یعنی جسم و روح بر اساس خلقت و آفرینش بشر قابل تقسیم است، اما توجه به حیطه فکر و احساس و اخلاق و عمل انسان، پژوهشگر انسان‌شناس را وادار می‌دارد تا به ترتیب، حداقل در سه حیطه بینش، گرایش، و منش توأم با کنش - واکنش، او را مطالعه کند. اما از بعد دیگر و نگاه انسان - اجتماعی‌شناختی دینی، باورهای دینی دو لحاظ صورت و محتوا را دارند. همچنین در میان باورها باید اسطوره‌ها را رمزگشایی نمود (ر.ک: همان: ۸-۱۲) تا باورهای دینی راستوار از اسطوره تمیز داده شود. در این پژوهش به سبب ملاک قرار دادن قرآن که سراسر حق و راستی است (طارق/۱۳)، نیازی بدین نوع از پالایش وجود ندارد. بنابراین اگر مطالعه مؤلفه‌های انسان‌شناسی سه‌گانه، در بستر علوم اجتماعی قالب‌ریزی شود، ساختار آن به شکل باورها و امیال و مناسک پیگیری می‌شود (ر.ک: همان: ۱۲۴-۲۵۹).

#### ۱-۱-۴. باور

باور از یک بینش مبتنی بر جهان‌بینی و شناخت پدیدار می‌شود؛ یعنی نتیجه سلسله اعتقادات و باورهایی از جهان و خدا و انسان و روابط آن‌هاست. این تعریف را حتی با نگاه علوم اجتماعی نیز می‌توان صادق دانست؛ زیرا تعریفی است پایه و بر اساس تصدیق اولیات و بدیهیات و مشهوراتی که عقلا در منطقی بدان اذعان دارند. البته تعریف خاصی از باور نیز در علوم اجتماعی وجود دارد که به باور انسان نسبت به قوانین هستی اجتماعی اطلاق می‌شود (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). نکته مهم، اذعان برخی از جامعه‌شناسان مانند کوهن و لاکاتوش درباره تأثیر مباحث متافیزیکی در باورها و حتی پیش‌فرض‌های

پایه‌ای و پارادایم‌های علمی است (ر.ک: امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۹).

#### ۲-۱-۴. میل

میل یا به تعبیر دیگر گرایش، آن کشش درونی است که انسان نسبت به اعیان و افعال و افکار پیدا می‌کند؛ مانند تمایل به جاودانگی، مادیات، دنیا (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ۵۰۱-۴۹۲/۳). میل به خوبی و عدم رغبت به بدی به صورت فطری در انسان نهادینه شده است؛ اما خود بشر است که این فطرت پاک را آلوده می‌سازد و با میل غلط به امیال خود جهتی خطا می‌دهد: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ﴾<sup>۱</sup> (حجرات/۷).

بنابراین یک دسته از امیال در انسان به صورت طبیعی وجود دارند که افراط یا تفریط در آن‌ها سبب خروج آن‌ها از حالت طبیعی می‌گردد. این نکته در دیدگاه متخصصان جامعه‌شناسی علم، مانند دورکیم و شلر نیز گاه دیده می‌شود که از تأثیر اراده، انگیزه، نیاز و میل بر فعالیت علمی و عملی سخن گفته‌اند (ر.ک: امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

#### ۳-۱-۴. کنش - واکنش و منش و مناسک

رفتار انسان گاه عملکردهایی است که ظهور آن‌ها به شکل صفات در شخصیت انسان نشان داده می‌شود که قرآن از آن، تعبیر به شاکله کرده است و در این نوشتار به آن منش اطلاق می‌شود. منش، عادت‌های رفتاری یک فرد است که در اثر تأثیرهای بینش و گرایش بر انسان ایجاد می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ۵۰۱-۴۹۲/۳). برخی از علمای اخلاق، منش و شخصیت را به یک معنا استعمال کرده (موسوی لاری، ۱۳۷۶: ۹۰) و هر دو را حاکی از یک واقعیت می‌دانند؛ ولی بعضی از روان‌شناسان اخیر، میان این دو اصطلاح تفاوت قائل شده و اصطلاح منش را برای جنبه‌های اخلاقی و ملکات فاضله و ردائل انتخاب نموده‌اند. به عبارت دیگر، منش برای ارزیابی شخصیت با مقیاس‌های اخلاقی یعنی خوبی و بدی است؛ در حالی که شخصیت را معرف تمام کیفیات روحی و اخلاقی و عقلی و عاطفی و حتی بدنی می‌دانند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

۱. «لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت».

رفتار گاه بروزهای عملکردی خارجی است که در این حالت به آن کنش - واکنش گفته می‌شود. در واقع رفتار، تنها ابزارِ ذاتاً و از پایه در دسترس و تحت اختیار ما برای مدیریت شرایط محسوب می‌شود که مهم‌ترین میزان این اختیار، در نگرش نمود دارد و البته تأثیر دائمی محیط و شخصیت بر هم نیز موجب ایجاد رفتار می‌شود (ر.ک: اسمیت و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶۵/۱).

جامعه‌شناسان بیشتر بُعد اجتماعی رفتار انسان را لحاظ می‌نمایند که تعامل دین و انسان در اجتماع، به شکل ادای مناسک بروز می‌کند. منسک در لغت به معنای عبادت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۹۹/۱۰).

در گذشته مناسک را در قالب دین جستجو می‌کردند. اما در سده نوزدهم، این باور شکل گرفت که مناسک دینی، چیزی جز اسطوره نیست و سپس در ربع آخر قرن بیستم، آن را واکاوندۀ دوره معاصر قلمداد کردند؛ یعنی برخی به سبب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، منسک‌گرا بودند و برخی به جهت زندگی در یک مکان مدرنیته‌شده، تعهدشان به منسک کمتر می‌شد. ولی همزمان می‌توان مناسکی شدن معنویت‌های دیگر را نیز شاهد بود (ر.ک: ربوی، ۱۳۹۷: ۱۹۴). اما در اینجا مناسکی شدن آموزه‌های دینی، به معنای سیاسی شدن و نمایش نیست، بلکه نوعی تمهید برای افسون‌زدایی احتمالی است؛ گرچه قرآن خود ذاتاً این مهم را بر عهده گرفته و مناسک خود را از سرچشمه علم خدا و معصومانه و دور از خطا توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به جامعه رسانده است (ر.ک: شعراء/ ۱۹۲-۱۹۵).

#### ۲-۴. قلمرو دین در اندیشه مقام معظم رهبری

بحث از قلمرو دین برای این است که آیا می‌توان در علومی چون دانش‌های نظامی و دفاعی، از مباحث دینی نیز بهره‌مند شد. گرچه ایشان در سخنرانی‌ها یا منویات خاص و عام نسبت به تأثیر معنویات در مقوله‌هایی چون جهاد و دفاع با نگاه تلقی به قبول به این نوع از تأثیر معنویات افاضه فرموده است، اما می‌توان بحث را دقیق‌تر و در قالب نظریه‌پردازی‌های ایشان نیز پی‌گیری نمود. مقام معظم رهبری در علوم تجربی، نگاه حداکثری را نمی‌پذیرد و در علوم انسانی معتقد است که دین باید اصول، مبانی و اهداف

علوم انسانی را توصیف کند و اما در جهت هنجاری، دین باید به طور حداکثری پاسخگوی نیازهای انسان‌ها باشد و ارزش‌گذاری کند (ر.ک: قره‌باغی و الهی‌راد، ۱۳۹۹: ۳۷-۴۷). از آنجا که دانش دفاعی و نظامی، یک علم ترکیبی و متشکل از مباحث و مسائل عمومی چون علوم سیاسی و تحقیقات استراتژیک، مدیریت به ویژه با فرع و شاخه‌های آینده‌پژوهی و امنیت ملی و سایبری و راهبردی و جنگ است و حتی در برخی موارد، مسائلی از مباحث فنی و مهندسی و حتی پزشکی را داراست، نمی‌توان به صورت قاطع نسبت به تمام مسائل دانش دفاع نظر داد و باید نسبت به مسئله خاص یا چالش پیش‌آمده یا راهبرد دفاعی که اتخاذ شده، ماهیت آن نوع از علم دفاعی را تشخیص داد. بنابراین در اینجا به قدر متیقن از نظریه قلمرو دین مقام معظم رهبری اخذ می‌شود که نتیجه آن، قول به حداقل دیدگاه در تفصیل‌های ایشان در قلمرو دین یعنی اصول و مبانی و اهداف یک دانش است که می‌توان از دین در آن‌ها استفاده نمود. بنابراین اگر مبانی دانش دفاعی بخواهد از قرآن و حدیث اخذ شود یا به آن‌ها عرضه شود، یکی از مبانی مسلم این خواهد بود که معنویت در دانش دفاعی مسلمانان مؤثر است. به عبارت دیگر، اعتقاد به خدا و نبوت و معاد و دیگر مسائل دینی که لازم است یک مسلمان به آن‌ها باور داشته باشد و نیز جهت‌دهی به تمایلات قلبی و نفسانی و گاهی کنترل آن‌ها و جلوگیری از افراط و تفریط و نیز انجام عمل صالح به عنوان سرزدن رفتار شایسته از یک مؤمن، از مباحثی است که انجام آن‌ها برای تقویت روحیه دفاعی یا تحصیل امدادهای غیبی در مقوله دفاع اثرگذار است و نیز موانعی چون بی‌اعتقادی به باورهای اسلامی یا کم‌اعتقادی بدان‌ها و برخی امیال نفسانی چون دنیاپرستی و بعضی از رفتارهای غلط مانند گناه، سبب دوری از قرب الهی و حرمان از نصرت الهی در زمان دفاع خواهد شد.

## ۵. مؤلفه‌های انسان‌شناختی دفاع

مؤلفه‌های انسان‌شناختی چنان که در مبانی نظری تحقیق ذکر شد، از حیث جامعه‌شناختی و تقسیم‌برگرفته از مباحث انسان - جامعه‌شناختی کلود ریویر، به سه نوع باورها، امیال، کنش‌ها و واکنش‌ها و مناسک قابل تقسیم است.



## ۱-۵. باورها

باور همان شناخت یا نتیجه شناخت است که به شکل گیری یک اعتقاد منجر می‌شود. در زمینه دفاع در بیانات مقام معظم رهبری، آنچه بیش از همه به عنوان یک مؤلفه انسان‌شناختی مطرح شده است، دشمن‌شناسی است.

### ۱-۱-۵. آگاهی نسبت به دشمن و ابزارهای آن

یکی از مشکلات فردی و به ویژه اجتماعی انسان امروز، عدم شناخت دشمن خویش است. در واقع، دشمنان انسان با به کارگیری ابزارهای پیشرفته و انواع روش‌های جنگ روانی، خودشان را از او مخفی داشته و در لباس دوست، ضرباتشان را بر او وارد می‌کنند (برهانیان، ۱۳۸۳: ۱۰). از این رو، شناخت و تشخیص دشمن و نوع تهدید و ابزار و تجهیزات هجومی او، از اولین گام‌های دفاعی است تا باورهای خویش را در مسیر دفاع از خود و جامعه به کار گیرد. به تعبیر دیگر، بصیرت‌افزایی نسبت به دشمن‌شناسی، از جمله اقدام‌های لازم یک دفاع منطقی است. به گفته برخی پژوهشگران، صاحبان بصیرت مسلماً در زمره بندگان صالح و پروا پیشگان‌اند (درویش شانی، ۱۳۸۶: ۲۴۳/۱). این نکته حائز اهمیت است که گرچه دشمن‌شناسی از مسائل مهم دانش جنگ و دفاع در سطح جهان به شمار می‌رود، اما در کلام مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید شده و استناداتی که یا ایشان به کار برده یا می‌توان از قرآن و حدیث اصطیاد کرد، نیز بر این بحث اشاره ارشادی و تأکیدی دارند. رهبر انقلاب در بیاناتی درباره دشمن اصلی ملت ایران در حال حاضر می‌فرماید:

«دشمن چه چیزی را هدف گرفته؟ من این را به شما می‌گویم. شما برادران عزیز من، فرزندان من و جوانان من هستید. گزارشی هم که فرماندهان عزیز ما اینجا دادند، نشان می‌دهد که شما علاوه بر آموزش نظامی، آموزش بصیرت و معنویت و نگاه سیاسی و مانند این‌ها هم دارید. دشمن دنبال چیست؟ هدف دشمن در جمهوری اسلامی چیست؟ دشمن چه چیزی را هدف گرفته است؟» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسدار امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).<sup>۱</sup>

بر این اساس، بصیرت و هوشیاری و دشمن‌شناسی از مهم‌ترین ارکان‌های دفاعی

۱. بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له (Khamenei.ir) قابل مشاهده است.

است. بصیرت را می‌توان شناخت دقیق و قلبی انسان از موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها به منظور جلوگیری از افتادن در دام‌هایی دانست که سبب انحراف و زیان وی می‌شود (قربانی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲). گسترش رسانه‌های الکترونیکی در عصر کنونی به حدی است که جمعی از اندیشمندان و متفکران، از آن به عنوان انقلاب الکترونیکی و انقلاب اطلاعاتی یاد می‌کنند. برخی از نظام‌های سلطه‌جو از رسانه‌های پیشرفته و نوین در جهت تضعیف و یا تخریب هویت ملی و دینی جوامع دیگر بهره می‌گیرند که این اقدامات اصطلاحاً در مقوله جنگ نرم می‌گنجد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲/۴۸۷).

مقام معظم رهبری نیز در منویات و کلمات خود همیشه بر این مسئله تأکید داشته که: «دشمن را باید شناخت؛ روش‌های دشمن را باید شناخت» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷).

تا سال‌های قبل یعنی تا حدود ۱۹۴۵ م.، غالب جنگ‌ها «جنگ سخت» بودند. پس از آن، با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و غرب، دور جدیدی از رقابت‌ها به نام «جنگ سرد» آغاز شد که ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم بود؛ یعنی در طی آن، دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در عین تهدیدهای سخت، از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند. با پایان یافتن جنگ سرد، کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می‌توانند با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها، به اهداف مورد نظرشان دست یابند، که در ادبیات سیاسی به جنگ نرم شهرت یافت (ر.ک: اسدیپور و احمدی اهنک، ۱۳۹۵: ۳۵).

رهبر انقلاب در اهمیت توجه به جنگ نرم در تخریب انگیزه دینی می‌فرماید: «امروز از همه طرف با انگیزه دینی مردم دارد دشمنی می‌شود؛ برای اینکه ایمان‌ها را اول در جوان‌ها و بعد در طبقات گوناگون دیگر به عناوین مختلف، به اشکال مختلف از بین ببرند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

البته جهاد اسلامی بر خلاف آنچه دشمنان معاند تبلیغ می‌کنند، هرگز به معنای تحمیل عقیده نیست و اصولاً عقیده تحمیلی در اسلام ارزشی ندارد؛ بلکه جهاد مربوط به مواردی است که دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می‌کند یا آزادی‌های خداداد را از او می‌گیرد یا می‌خواهد حقوق او را پایمال کند و یا ظالمی گلوی مظلومی

را می‌فشارد که بر مسلمانان فرض است به یاری مظلوم بشتابند، هرچند منجر به درگیری با قوم ظالم شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۰۹/۲۱).

در آیه‌ای از قرآن نسبت به خطر برخی اهل کتاب و نقشه‌کشی آن‌ها برای مسلمانان هشدار داده شده است: ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾<sup>۱</sup> (آل عمران / ۶۹). دشمنان اسلام به ویژه یهود برای دور ساختن تازه‌مسلمانان از اسلام، از هیچ کوششی فروگذار نبودند و حتی طمع داشتند که بتوانند یاران مخصوص پیامبر ﷺ را از اسلام باز گردانند و بی‌شک اگر می‌توانستند در یک یا چند نفر از یاران نزدیک آن حضرت نفوذ کنند، ضربه بزرگی بر اسلام وارد می‌شد و زمینه برای تزلزل دیگران نیز فراهم می‌گشت. آیه مذکور ضمن افشای این نقشه دشمنان، به آن‌ها یادآور می‌شود که دست از کوشش بیهوده خود بردارند؛ چرا که تربیت مسلمانان در مکتب پیامبر ﷺ به اندازه‌ای حساب شده و آگاهانه بود که احتمال بازگشت وجود نداشت. آن‌ها اسلام را با تمام هستی خود دریافته بودند و به آن عشق می‌ورزیدند؛ بنابراین دشمنان نمی‌توانستند آن‌ها را گمراه سازند (ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۱۰۶۰۹/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۶۰/۳). این آیه، خبر از کینه‌های مکتبی می‌دهد و یکی از پیام‌های آن این است که شناخت دشمن و برنامه‌های او، لازمه در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۳۷/۱).

آیه‌ای دیگر نیز شناخت دشمنان دوست‌نما را توصیه می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُم وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup> (مجادله / ۱۴). مراد از کسانی که با گروه مورد غضب واقع شده، طرح دوستی ریختند، منافقان هستند. از جمله پیام‌های آیه، لزوم جدا کردن خودی از غیر خودی و شناخت دشمن و منافق است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۶/۲۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۲۰/۹)؛ به گونه‌ای که این گروه نه از مؤمنان هستند و نه از یهودیان دشمن اسلام (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۰/۹؛ فخرالدین رازی،

۱. «گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند؛ ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و [این را] نمی‌فهمند».

۲. «آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آن‌ها نه از شما هستند و نه از آنان، و با اینکه خود می‌دانند، به دروغ سوگند می‌خورند [که از شما هستند]».

۱۴۲۰: ۲۹/۴۹۷) و به همین سبب، شناخت آن‌ها مشکل است.

نمونه دیگر از آیاتی که نکته‌ای بصیرتی درباره دشمن‌شناسی دارد، آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ۖ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾<sup>۱</sup> (بقره/ ۲۰۴-۲۰۵) است و معنایش چنین باشد که چون از نزد تو بیرون می‌شود، وضعش غیر آن وضعی می‌شود که در حضور تو داشت؛ در حضور تو دم از صلاح و اصلاح و خیر می‌زد و می‌گفت که در این راه سعی خواهد کرد، ولی چون بیرون می‌شود، در راه فساد و افساد سعی می‌کند. او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین، فساد می‌انگیزد و در نابودی انسان می‌کوشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۹۶). همه این سخنان، حکایت از آن دارد که از جمله کلیدواژگان مهم و پرکاربرد در کلام رهبر انقلاب، بصیرت نسبت به شناخت دشمن و ابزارهای جدیدی است که به کار می‌برد تا بتوان به همان اندازه در دفاع، نوآورانه و پیروزمندانه عمل نمود.

## ۲-۵. امیال

میل به خوبی و عدم رغبت به بدی، در فطرت بشر نهادینه است. در بحث دفاع نیز با توجه به تأثیر متافیزیکی که برخی از دانشمندان علوم اجتماعی پذیرفته‌اند، نباید از این امیال غافل شد. چه بسا افراط و تفریط در این امیال، سرنوشت یک جنگ را تغییر دهد؛ مانند میل برخی مسلمانان به جمع‌آوری غنائم در جنگ احد و ترک محل نگهداری بر خلاف توصیه رسول خدا ﷺ که سرنوشت جنگ را تغییر داد (ر.ک: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۲۵۰). ریشه انسان‌شناختی این گونه واکنش‌های اجتماعی به ویژه در دفاع و مجاهده، گاه در امیال نفسانی یا فطری است.

## ۱-۲-۵. میل به معنویت

نیروی انقلابی دفاعی به ویژه ارتشی مسلمان، باید بتواند به دفاع گروهی که در

۱. «و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی پست [دنیا] تو را شگفت زده می‌کند و خدا را بر آنچه در دلش دارد، گواه می‌گیرد و حال آنکه او، سرسخت‌ترین دشمنان است \* و هنگامی که روی برمی‌تابد [یا به حکومت می‌رسد]، در زمین کوشش می‌کند تا در آن فساد کند و زراعت و نسل را نابود سازد، و خدا تباہکاری را دوست نمی‌دارد».

مجرای فی سبیل الله هويت می‌یابد، حرکت کند (ر.ک: برزگر، ۱۳۷۹: ۱۴۷). مقام معظم رهبری، یک شخص نظامی را بنا بر عرف اسلامی «مجاهد» می‌داند که برای دفاع از آنچه در راهش جهاد می‌کند، با جان و هستی خود وارد میدان می‌شود (بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری، ۱۳۸۳/۰۷/۲۳).

مدافع از حریم اسلام و نظام اسلامی یا به تعبیر عرفی‌تر، مجاهد فی سبیل الله کسی است که در راه خدا و حفظ دین جهاد نموده باشد، و این تعبیر چنان مطلق و عام است که شامل زمان پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت و نواب خاص و ولی فقیه نیز می‌گردد. همچنین شرط جهاد این نیست که حتماً در جنگ کشته شوند؛ بلکه همین که در جبهه جنگ و میدان مبارزه به منظور جهاد با دشمن و دفاع از حریم اسلام شرکت کنند، بر آنها مجاهد اطلاق می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ۴۲۱/۲).

برخی محققان از بعضی آیات، روحیه و حرکت جهادی را فهمیده‌اند. در قرآن آمده است: «وَلَيَكُونَنَّ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»<sup>۱</sup> (فتح / ۲۰)؛ یعنی مسلمانان می‌توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می‌تواند زمینه را برای پیروزی‌های آینده هموار سازد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۳۰/۱۷).

در آیه‌ای دیگر آمده است: «إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ»<sup>۲</sup> (ممتحنه / ۱). در اینجا آیه را چنین معنا کرده‌اند که اگر به راستی دم از دوستی خدا می‌زنید و به خاطر او از شهر و دیار خود هجرت کرده‌اید و طالب جهاد فی سبیل الله و جلب رضای او هستید، این مطلب با دوستی دشمنان خدا سازگار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲۴). این نشان می‌دهد که حرکت جهادی علاوه بر جنگ و دفاع، تحمل دوری از وطن و قطع ارتباط با برخی افراد را حتی اگر از خویشان باشند، نیز در پی دارد و این است که یک نهضت و حرکت جهادی لازم است و یک جهاد فردی کافی نیست. به همین سبب است که برخی از قرآن‌پژوهان، خشنودی خدا از حرکت جهادی مسلمانان

۱. «و تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما را به راهی راست رهنمون شود».

۲. «اگر شما برای جهاد در راه من و در طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید، [با آنان طرح دوستی نیفکنید] به پنهانی با آنان دوستی می‌کنید».

مکه را از آیه پیش گفته استنباط کرده‌اند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۵۲/۲۲).

البته تمامی مطالب مذکور، زمانی حرکتی جهادی و اسلامی تلقی می‌شود که برخاسته از روحیه معنوی مجاهدان و مدافعان باشد. رهبر انقلاب بر این باور است که مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی فرد مسلح است (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشکده افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۸۷/۰۷/۲۸). نیز ایشان قاعده‌ای مطرح می‌کند که هر چه رابطه با خدا مستحکم‌تر شود، توفیقات و هدایت الهی بیشتر می‌گردد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۰۷/۲۹).

ایجاد روحیه معنوی در نیروهای مسلح از راه‌هایی چون یاد خدا شروع می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾<sup>۱</sup> (مریم / ۵۹). آیه شریفه اشاره به گروهی از بنی‌اسرائیل دارد که در طریق گمراهی گام نهاده، خدا را فراموش کردند، پیروی از شهوات را بر ذکر خدا ترجیح دادند، جهان را پر از فساد نمودند و سرانجام در دنیا به نتیجه اعمال سوء خود رسیدند و در آخرت نیز خواهند رسید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۱/۱۳).

## ۲-۲-۵. دنیاگریزی

مقام معظم رهبری درباره دل‌بستگی به دنیا معتقد است که نیروهای مسلح در ارتش باید این را قدر بدانند، چیزی که اسلام را نجات می‌دهد، بی‌اعتنایی به زرق و برق‌هاست (بیانات در مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های زمینی، هوایی و دریایی سپاه، ۱۳۷۲/۰۷/۰۷).

قرآن در آیات فراوانی به این خصیصه مذموم اشاره فرموده و انسان را نسبت به پالایش از این رذیله تشویق، و از دچار شدن بدان بر حذر داشته است؛ مثلاً در آیه ﴿وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ﴾<sup>۲</sup> (مذثر / ۶)، گرچه استکثار به دو معنای زیاده‌خواهی مذموم مانند پرخوری، ثروت‌اندوزی و... و نیز زیادانگاری عبادات شخصی یا خوبی‌هایی که در حق دیگران کرده، مانند منت‌گذاری پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردم به سبب ابلاغ رسالت، تفسیر شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۱/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۴/۲۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۳۷/۲۹)، اما با توجه به عمومیت متعلق نهی از استکثار و فزون‌طلبی، هر نوع فزون‌طلبی از جمله زیاده‌خواهی دنیوی مذموم است.

۱. «و از شهوات پیروی نمودند و در آینده [عذاب] گمراهی [خود] را ملاقات خواهند کرد».

۲. «و منت‌گذار و فزون‌مطلب».

حتی کار به جایی می‌رسد که برخی آخرت خویش را به دنیایی اندک می‌فروشند. به فرموده قرآن، چنین افرادی، تخفیفی در مجازات نخواهند داشت: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾<sup>۱</sup> (بقره/ ۸۶). فروختن آخرت به دنیا را می‌توان در مصادیق متعددی پیدا نمود. در مقوله دفاع و جهاد و جنگ، مهم‌ترین نوع آن فرار از جبهه و یا خودفروختگی در قالب جاسوسی و خبرچینی برای دشمن است. قرآن درباره فرار از جبهه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُلُوهُمُ الْأَدْبَارَ ۚ وَمَنْ يُولَهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۲</sup> (انفال/ ۱۵-۱۶).

بنا بر آیه مذکور، هر نوع فراری از مقابل دشمن در جبهه جنگ، مگر به عنوان تاکتیک عقب‌نشینی یا پیوستن به دیگر صفوف هم‌زمان در مناطقی دیگر، نهی شده و گناهی بزرگ با وعده عذاب و جهنم شمرده شده است. البته این آیات در میان آیات مربوط به جنگ بدر آمده است، ولی اختصاص به آن ندارد و یک قانون کلی نظامی اسلام را بیان می‌کند (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۹/۸-۵۰).

همچنین قرآن کریم از برخی جاسوسان در میان مسلمانان به نفع یهودیان خبر می‌دهد که در جنگ و جهاد و حتی در جنگ نرم نیز کاربرد دارد: ﴿... وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِيَكْذِبَ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ...﴾<sup>۳</sup> (مانده/ ۴۱). گرچه سبب نزول این آیه، اختلاف دو قبیله

۱. «همین کسانی‌اند که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند. پس نه عذاب آنان سبک گردد و نه ایشان یاری شوند».

۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‌آورند، به آنان پشت مکنید \* و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر آنکه [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از هم‌زمانش] باشد - قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد و جایگاهش دوزخ است و چه بد سرانجامی است».

۳. «ای پیامبر! کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، تو را غمگین ن سازند: [چه] از آنان که با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم»، و حال آنکه دل‌هایشان ایمان نیاورده بود، و [چه] از یهودیان: [آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بپایان] برای تکذیب [تو بیایند]، و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند، خبرچینی [جاسوسی] می‌کنند، کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند: «اگر این [حکم] به شما داده شد، آن را بپذیرید، و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید» و هر که را خدا بخواهد، به فتنه درآفکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید. اینان‌اند که خدا نخواست به دل‌هایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی، و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود».

یهودی بنی‌نضیر و بنی‌قریظه بر سر حکم قصاص برای قاتل یهودی شخصی یهودی بر اساس تورات و داوری و حکمیت پیامبر ﷺ برای آنان و دسیسه‌های پشت پرده عبدالله بن ابی و همکاری او با برخی از یهودیان در این زمینه بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۸-۳۳۹)، اما از آنجا که نوعی نسخه کلی را در زمینه هشدار نسبت به دسیسه‌چینی بر اساس جاسوسی تجویز می‌کند، قابلیت دارد تا بر اساس قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» (معرفت، ۱۴۱۰: ۲۶۱/۱) - به معنای اصل عبور از یک مورد خاص نزول به سمت عمومی کردن آن - قابل تعمیم به دیگر موارد مشابه از جمله جنگ‌های امروزی باشد. بنابراین هر نوع جاسوسی به نفع دشمن، از مصادیق دنیاگرایی است. از این روست که مقام معظم رهبری بر روی کلیدواژه دنیاگریزیِ مدافعان نظامی تأکید دارد.

### ۵-۳. کنش - واکنش و مناسک

مؤلفه‌هایی است در حیظه عمل و رفتار انسان که در عملکرد او به عنوان یک مدافع تأثیر دارد. در این نوشتار به مهم‌ترین آن‌ها از دید مقام معظم رهبری یعنی یاریگری اولیای الهی، مقاومت، و ارتقای نیروی دفاعی پرداخته می‌شود. دو مورد اخیر را می‌توان علاوه بر معنویت فردی یا تاکتیک و راهبرد دفاعی مستند به قرآن برای یک شخص، برای جامعه ایمانی مدافعان نیز تسری داد و تجویز نمود. البته اصطلاح مناسک بنا بر نگاه ریویر، عبادات در بستر جامعه را مدنظر قرار داده است (ر.ک: ریویر، ۱۳۹۷: ۱۹۴) که گاه کنش‌های مدنظر در عین اینکه یک فعالیت شخصی و فردی است، می‌تواند جمعی و اجتماعی نیز بروز یابد؛ مثلاً یاری دین خدا گاه به تنهایی انجام می‌پذیرد و گاه در میان یک لشکر رزمنده. اینجاست که قرآن فرموده است: ﴿... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيِ...﴾ (سبأ/ ۴۶).

### ۵-۳-۱. یاری اولیاء و دین خدا

مقام معظم رهبری بر این باور است که طبق آیه شریفه ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ (حج/ ۴۰)، نصرت الهی امری طبیعی و بدیهی است و شامل امت مسلمانان ایران که

۱. «دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید».



همه‌گونه دین خدا را یاری کرده‌اند، می‌شود (بیانات در مراسم تفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۷۶/۰۵/۱۲). البته که از مصادیق یاری و نصرت دین خدا، دفاع از کیان نظام و سرزمین اسلامی است؛ چنان که شیخ طوسی دو احتمال نصرت اولیاء خدا و دوم نصرت دین خدا را از معانی آیه گفته‌شده دانسته است (طوسی، ۱۴۱۰: ۳۲۱/۷).

مقصود وعده خدا در آیه مذکور این است که مدافعان اسلامی تصور نکنند در میدان مبارزه حق و باطل و در مقابل انبوه دشمنان، تنها وانهاده شده‌اند. همین وعده الهی یکی از اسبابی بود که مدافعان و مجاهدان مسلمان با اینکه در بسیاری از میدان‌های جنگ از نظر تعداد نفرات و ابزارآلات جنگی در اقلیت بودند، بر دشمنان ظفر می‌یافتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۱۴). البته این تا وقتی بود که مسلمانان دین خدا را یاری می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۶/۱۴). نیز این وعده تنها به کسانی داده شده است که تمام نیروهای خود را بسیج کنند و با همه توان به میدان آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۰/۱۴).

شبهه آیه پیش گفته در جای دیگری نیز آمده است: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ (محمد/۷) و این آیات به نوعی خبر دادن از آینده است؛ زیرا مهاجران در آینده‌ای نزدیک توانستند با تعداد کمی که داشتند، بر بت‌پرستان پیروز گردند (ر.ک: زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۳۱/۱۷). بنابراین با توجه به وحدت ملاک یعنی دفاع از دین و اولیاء دین، می‌توان تنقیح مناط نمود و این پیشگویی را شامل حال دیگر مدافعان و مجاهدان بعد از صدر اسلام نیز دانست؛ چنان که مقام معظم رهبری با استناد به آیه ذکرشده، یاری خدا را برای یاری دهندگان و ناصران دین طبیعی دانست.

### ۵-۳-۲. مقاومت و ایستادگی

در فرمایشات مقام معظم رهبری، ایستادگی بر سر اصول اسلام، کلید فتح و فرج است. این عامل به وسیله ایمان صادقانه به وعده خدا تضمین می‌شود (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). «ایستادگی» ترجمه واژه «دفاع» است و زمانی که توکل در فضای روح و روان انسان حاکم گردید و او با آگاهی و ایمان کامل، امور زندگی خود را به خداوند سپرد، اعتماد به نفس قدرتمندی را در خود احساس خواهد

کرد و به این واسطه، راه موفقیت را خواهد پیمود (ر.ک: عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). این موفقیت در نیروی مسلح، یعنی دفاع خوب و جامع. بنابراین با استنباط از کلام رهبر انقلاب می‌توان ایستادگی و مقاومت را رمز موفقیت نظامی یعنی پیروزی و دفاع شایسته دانست.

قرآن نیز در برابر ظالم، دست مظلوم را نبسته و او را از گرفتن حق خویش باز نداشته است؛ بلکه برای اینکه ریشه ظلم و فساد قطع شود و برای اینکه قانون عدالت در روی زمین حکمفرما باشد، به مظلوم اجازه و بلکه فرمان می‌دهد که در برابر ظلم و ستمگر مقاومت و ایستادگی نماید و عادلانه از وی انتقام گیرد. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾<sup>۱</sup> (بقره/۱۹۴).

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چگونه خدای تعالی با اینکه معتدین و متجاوزین را دوست نمی‌دارد، در این آیه به مسلمانان دستور داده که به متجاوزین تجاوز کنند؟ جوابش این است که اعتداء و تجاوز وقتی مذموم است که در مقابل اعتدای دیگران واقع نشده باشد و به عبارتی «تجاوز ابتدایی» باشد؛ اما اگر در مقابل تجاوز دیگران باشد، در عین اینکه تجاوز است، دیگر مذموم نیست، همان طور که تکبر با اینکه از رذائل است، در مقابل متکبر، از فضائل می‌شود و سخن زشت گفتن با اینکه زشت است، برای کسی که به او ظلم شده، پسندیده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۳/۲). به تعبیر روشن‌تر، تجاوز در مقابل متجاوز، دفاع از عزت و خشم در مقابل ذلت است.

همچنین قرآن به اولیای مقتول اجازه داده است که در صورت عمدی بودن قتل، قاتل را قصاص کنند و به تاوان مقتول او را بکشند: ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾<sup>۲</sup> (اسراء/۳۳).

در صورتی که نه تنها قتل نفس، بلکه کمترین و کوچک‌ترین آزار یک انسان از نظر اسلام مجازات دارد و می‌توان با اطمینان گفت این همه احترام که اسلام برای خون و جان و حیثیت انسان قائل شده است، در هیچ آیینی وجود ندارد؛ ولی درست به همین

۱. «هر کس به شما تعدی کند، شما نیز به اندازه تعدی وی، از او انتقام بگیرید.».

۲. «یعنی هر کس مظلوم کشته شود، به ولی‌اش سلطه [حق قصاص] دادیم؛ ولی او هم نباید در قتل اسراف ورزد.».

دلیل، مواردی پیش می‌آید که احترام خون برداشته می‌شود و این در مورد کسانی است که مرتکب قتل و یا گناهی همانند آن شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۱۲). نکته این است که مقاومت و ایستادگی در برابر هر ناحقی از جمله خون به ناحق ریخته‌شده، با توجه به مبنای اصول فقهی، بر هر حکم دیگری حکومت یا ورود دارد و این نیز از مصادیق ایستادگی در برابر ظلم است.

### ۵-۳-۳. ارتقای نیروی دفاعی

از جمله مؤلفه‌های منظومه بیانات رهبر انقلاب مربوط به نظام دفاعی، حفظ آمادگی و ارتقای نیروی دفاعی قوای مسلح است. به باور ایشان، نیروهای مسلح باید این را وظیفه خود بدانند که حصار مستحکم در مقابل توطئه‌های دشمنان علیه ملت ایران خواهند بود؛ این احتیاج دارد به اینکه آمادگی ایجاد کنند (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۰۷/۱۳).

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: ﴿وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ﴾<sup>۱</sup> (نساء/۱۰۲). این آیه شریفه، کیفیت نماز خوف را بیان می‌کند و خطاب را متوجه رسول خدا ﷺ می‌نماید و او را امام جماعت فرض می‌کند و می‌فرماید: تو نماز را برای لشکر اقامه می‌کنی؛ نیمی از لشکر با تو در نیمی از نماز شرکت می‌کنند و می‌روند و نیمی دیگر به جماعت می‌ایستند. این در حقیقت از قبیل بیان حکم در قالب مثال است، تا بیان برای شنونده واضح‌تر شده و در عین حال مختصرتر و زیباتر از کار درآید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۲/۵). از آیه مذکور می‌توان استنباط نمود که حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان، وظیفه مسلمانان است. اگر این وظیفه به گروه تخصصی مانند ارتش واگذار شود، بهتر است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۳/۴).

آیه دیگر عبارت است از: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ﴾<sup>۲</sup> (انفال/۶۰). این آیه شریفه برای تمام مکان‌ها، زمان‌ها، کشورها و ادوار تاریخ الهام‌بخش است؛ زیرا از اسلحه خاصی سخن نمی‌گوید که با گذشت زمان از رده خارج شود، بلکه تعبیر به

۱. «و باید آمادگی‌شان را حفظ کنند و سلاح‌هایشان را برگیرند».

۲. «هر نیرویی در توان دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید. همچنین اسب‌های ورزیده خویش را برای میدان نبرد آماده کنید».

«قوه» می‌کند؛ یعنی مسلمانان برای حفظ آمادگی خویش باید از هر سلاحی کمک بگیرند، در هر عصر و زمان باید مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی دنیا باشند. کلمه «قوه» حتی سلاح‌های دیگر، غیر از سلاح‌های جنگی را هم شامل می‌شود؛ مثلاً وسایل تبلیغاتی که نیرویی قوی برای نابودی دشمن به شمار می‌رود نیز مشمول «قوه» می‌باشد، همان‌گونه که این کلمه شامل امور اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی نیز می‌شود و خلاصه، هر چیزی که در نبرد با دشمن کارساز باشد و جلوی تجاوز دشمن را بگیرد و در دفاع در برابر دشمن، ما را یاری کند، مشمول آیه می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ الف: ۳۰۸). از نظر منطقی، هر کشوری جهت حفظ اقتدار خود و با توجه به پیشرفت‌های تجهیزاتی دشمن، لازم است خود نیز بنیه دفاعی‌اش را ارتقا بخشد. بنابراین فرهنگ دفاعی ایجاب می‌کند که ارتش در ارتقاء بنیه دفاعی کشور - چنان که تا کنون نیز همین بوده است - بکوشد. بنیه دفاعی، مجموعه قابلیت‌ها و توانمندی‌های مادی و معنوی پایدار در همه ابعاد قدرت ملی برای دستیابی به اهداف امنیت ملی یک کشور است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۷۶). قدرت و افزایش بنیه دفاعی در جمهوری اسلامی، به عکس نظام‌های سکولار و لائیک، هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف انسانی و حفظ هویت انسانی، اسلامی و ایرانی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است. چنین قدرتی، افزون بر اینکه باید یک ارتش مقتدر و مجهز به ابزارها و سلاح‌های نظامی هوشمند و به عبارتی قدرت مادی داشت تا در جهت صیانت از استقلال و تمامیت ارضی جامعه و حفظ مرزهای جغرافیایی و سیاسی آن تلاش نمود، که در بیانات مقام معظم رهبری نیز این مورد به خوبی نمایش داده شده است (اسدیور و احمدی اهنک، ۱۳۹۵: ۵۷)؛ برای نمونه، ایشان در حکم انتصاب ریاست مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی می‌فرماید:

«لازم است با بهره‌گیری از افراد زنده و اندیشمند و ارتباط با مراکز علمی و تحقیقاتی در چارچوب اساسنامه مصوب مرکز و سیاست‌های ابلاغی، ظرفیت‌های علمی و عملی این مرکز را توسعه داده و محصولات آن را به منظور ارتقاء بنیه دفاعی کشور ارائه دهید» (حکم انتصاب ریاست مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی و معاون بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۸۴/۰۷/۰۴).

قسمتی از آیه ۶۰ سوره انفال که قبلاً به بخشی از آن اشاره شد، بر این مهم دلالت دارد:

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup> (انفال / ۶۰). آیه متضمن دستوری برای امروز مسلمانان است و آن اینکه تنها نباید روی دشمنان شناخته‌شده خود تکیه کنند و آمادگی خویش را در سرحد مبارزه با آن‌ها محدود سازند؛ بلکه دشمنان احتمالی و بالقوه را نیز باید در نظر بگیرند و حداکثر نیرو و قدرت لازم را فراهم کنند و اگر به راستی، مسلمانان چنین نکته‌ای را در نظر می‌داشتند، هیچ‌گاه گرفتار حملات غافلگیرانه دشمنان نیرومند نمی‌شدند. پایان این آیه، اشاره به موضوع مهم دیگری می‌کند و آن اینکه تهیه نیرو و قوه کافی و ابزار و اسلحه جنگی و وسایل مختلف دفاعی، نیاز به سرمایه مالی دارد؛ لذا به مسلمانان دستور می‌دهد که باید با همکاری عموم، این سرمایه را فراهم سازید و بدانید هر چه در این راه بدهید، در راه خدا داده‌اید و هرگز گم نخواهد شد (و آنچه در راه خدا انفاق کنید، به شما پس داده خواهد شد) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۷/۷-۲۲۸).

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته‌شده درباره مسئله دفاع و بررسی آن در کلمات مقام معظم رهبری و مستندات قرآنی آن، می‌توان به این مهم دست یافت که مؤلفه‌های انسان‌شناختی دخیل در نظریه دفاعی ایشان، سبب ارتقاء بُعد ولایت‌پذیری نیروهای مسلح حتی در عناصر معنوی مقوم نهاد دفاع می‌شود. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که مؤلفه‌های بینشی، گرایشی، کنشی - واکنشی بر اساس دیدگاه انسان‌شناسی روان‌شناختی، و باورها، امیال، کنش - واکنش و مناسک بر اساس دیدگاه انسان - جامعه‌شناسی ریور قابل تقسیم است. بر اساس قالب مذکور و فرض این نکته که تمیز اسطوره در باورها و خرافات در مناسک، درباره قرآن و آموزه‌های مبتنی بر آن به سبب وحیانی بودنش جایی ندارد، در باورها دیدگاهی تقریباً انحصاری از سوی مقام معظم رهبری بر دشمن‌شناسی یعنی شناخت نقاط قوت و ضعف دشمن و ابزارهای او، و در بُعد امیال با لحاظ فطری بودن میل به خوبی و عدم تمایل به بدی، بر رغبت به معنویات تأکید شده

۱. «و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد».

است که برخی از متخصصان جامعه‌شناسی علم مانند دورکیم و شلر، به اثرگذاری متافیزیک بر علم و عمل صحنه گذاشته‌اند. دنیاگرایی مصادیق متعددی دارد که در معنای متضاد آن یعنی دنیاگرایی بیشتر قابل تبلور و تجسم است. در این صورت، دنیاگرایی یا عدم دنیاگرایی هر دو مساوی خواهند بود. مصادیقی چون فرار از جبهه و جاسوسی، از جمله مصادیق دنیاگرایی در مقوله دفاع هستند. مؤلفه‌های کنشی یا مناسکی مانند یاری دین و اولیاء الهی، مقاومت و ایستادگی، ارتقای همه‌جانبه بنیه دفاعی به عنوان مهم‌ترین عمل با خلوص نیت و توجه به آیات قرآن در این زمینه جهت افزایش انگیزه معنوی این کنش، از جمله عناصر معنوی تشکیل‌دهنده نظریه دفاعی ایشان در بعد انسان‌شناختی است.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، دار الذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. اسدپور، عهدیه، و کاظم احمدی اهنک، «بازنمایی هویت اسلامی - ایرانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و دوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۱۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۴. اسمیت، ادوارد، سوزان نولن هوکسیما، باربارا فردریکسون، جفری لافنس، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران، شهرآب و آینده‌سازان، ۱۳۸۶ ش.
۵. امیری طهرانی‌زاده، سیدمحمدرضا، پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹ ش.
۶. اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، ۱۳۸۲ ش.
۷. برزگر، ابراهیم، «صراط، ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۹ ش.
۸. برهانیان، عبدالحسین، دشمن‌شناسی در قرآن، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۳ ش.
۹. ترک‌زاده، جعفر، و مهدی امیری، «کاش قرآنی در موانع پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۰. جلالی، حسین، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها»، ماهنامه معرفت، سال دهم، شماره ۵۰، بهمن ۱۳۸۰ ش.
۱۱. درویش‌شانی، محمد، «دفاع هوشمند و قدر معنوی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای»، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، جلد اول، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. ربویر، کلود، جامعه - انسان‌شناسی ادیان، ترجمه و توضیح علیرضا خدای، تهران، نی، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیلة و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. طبیب، سید عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۲۲. عسگری، محمود، و احمد آقاجانی، «عوامل شکل دهنده و ویژگی های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله نامه دفاع*، شماره ۳ (پیاپی ۲۶)، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. قرائتی محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. قربانی مقدم، محمد، *بصیرت در نهج البلاغه*، تهران، حیات طیبه، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. قره باغی، حسن، و صفدر الهی راد، «قلمرو دین در اندیشه آیه الله العظمی خامنه ای»، *ماهنامه معرفت*، سال بیست و نهم، شماره ۴ (پیاپی ۲۷۱)، تیر ۱۳۹۹ ش.
۲۷. کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد دوم: قدرت هویت)*، ترجمه حسن جاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. مطهرنیا، مهدی، *فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی*، تهران، وزارت دفاع، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ سوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، چاپ سوم، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶ ش. (الف)
۳۲. همو، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. همو، *زندگی در پرتو اخلاق*، قم، سرور، ۱۳۸۶ ش. (ب)
۳۴. موسوی لاری، سید مجتبی، *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، چاپ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. نوروزی، محمد تقی، *فرهنگ دفاعی - امنیتی*، تهران، سنا، ۱۳۸۵ ش.
۳۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. همو، *فرهنگ قرآن*، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.



# جوانانِ تراز گام دوم انقلاب اسلامی؛

## عنصر دفاعی در مقاومت و وحدت‌آفرین و تمدن‌ساز

### (مؤلفه‌ها و چگونگی‌ها)\*

□ مجید بیشه<sup>۱</sup>

#### چکیده

برابر معارف انقلاب اسلامی و منظومه فکری امامین انقلاب، خطی که نظام جمهوری اسلامی ایران طی می‌کند، رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. از این منظر و در راستای افق تمدنی انقلاب اسلامی، پرداختن به شایستگی‌های جوانانِ تراز گام دوم انقلاب اسلامی و نیز تبیین نحوه نقش‌آفرینی آنان با نگاه وسیع فرامرزی و امتداد عمق راهبردی (به تعبیر رهبر معظم انقلاب: از واجب‌ترین واجبات کشور) و تغییر نظم نوین جهانی در عرصه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و... با شاکله دفاعی مقاومت با بهره‌مندی از ظرفیت وحدت‌تمدن‌ساز در سطح امت اسلامی، از جمله ضرورت‌هایی است که باید مورد اهتمام و تأکید قرار گیرد. بدین منظور در این مقاله تلاش گردید با رویکرد استقرایی و روش کیفی، با تحلیل مضمون متن بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن معرفی شایستگی‌های جوانان تراز در قالب ۳ مضمون اصلی و ۷۲ مضمون

فرعی، مبتنی بر سپهر اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مراتب وحدت تمدن‌ساز و چگونگی نقش آفرینی جوانان تراز ذیل نظریه مقاومت نیز تبیین گردد. مبتنی بر یافته‌های پژوهش حاضر و به منظور پیوند حوزه نظر و عمل و زمینه‌سازی نقش آفرینی مؤثر جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی در عرصه‌های جهانی با رویکرد تمدن نوین اسلامی، پیشنهادهایی در سطوح راهبردی و عملیاتی با رویکرد زنجیره گفتمان‌سازی - نظام‌سازی ارائه گردید.

**واژگان کلیدی:** تمدن نوین اسلامی، جوانان تراز، گام دوم انقلاب،

مقاومت، وحدت تمدن‌ساز.

### مقدمه

برابر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، خط سیر نظام جمهوری اسلامی ایران، رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. از منظر آیه‌الله خامنه‌ای به مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی، مقصود نهایی از انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسلامی در زنجیره‌ای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است و برای تحقق آن باید پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در مسیر تمدن‌سازی پشت سر گذاشته شوند که در حال حاضر، تلاش برای مرحله سوم یعنی دولت اسلامی از اهمیتی ویژه برخوردار است. معظم‌له گام نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق تمدن اسلامی دانسته، خاطر نشان کرد:

«تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست، بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است» (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶).<sup>۱</sup>

ایشان به نسل جوان اعتماد و اعتقادی ویژه دارد و معتقد است که آینده انقلاب و ایران با تلاش و کوشش این قشر رقم می‌خورد و محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی و تمدن نوین اسلامی، جوانان هستند:

«این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است؛ ولی برای اجرای

۱. بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له (Khamenei.ir) قابل مشاهده است.

شایسته آن، چشم امید به شما جوان‌هاست، و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ *«إن شاء الله»* (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

در گام دوم انقلاب، جوانان به عنوان موتور پیشران حرکت، نقش اساسی و محوری در برپایی دولت اسلامی دارند. همان گونه که لازمه گام برداشتن حرکت است و لازمه حرکت نیز وجود نیروی محرکه و به تعبیری پیشران است، در گام دوم انقلاب، جوانان موتور پیشران حرکت در نظر گرفته شده‌اند. جوانان به جهت ظرفیت‌های آینده‌ساز خود به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی کشورها محسوب می‌شوند. بدین جهت از یکسو پرداختن به شایستگی‌های مورد انتظار از جوان تراز گام دوم انقلاب به عنوان پیشران و بازیگر کلیدی در فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی ایران در راستای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی ضروری به نظر می‌رسد. از دیگر سو، از این حیث که حضرت آیه‌الله خامنه‌ای برای گام دوم انقلاب، مأموریت‌هایی از جمله ساختن تمدن نوین اسلامی از طریق مدیریت جهادی و انقلابی، توسعه و گسترش علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی را به جوانان واگذار کرده است و دستگاه استکبار جهانی نیز به جهت مقابله با آرمان و افق تمدنی انقلاب اسلامی، جنگی ترکیبی و همه‌جانبه را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و... برنامه‌ریزی نموده است، مقوله دفاع نیز از حوزه‌های امنیتی فراتر رفته و معطوف نمودن جوانان تراز گام دوم نیز به عنصر فعال دفاعی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این میان، یکی از ارکان انسجام در سطح امت اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی کلمه وحدت و مجاهدت در وحدت کلمه بوده که زمینه‌ساز قدرت امت اسلامی و مقاومت در برابر سیاست‌های استکباری کشورهای سلطه‌گر در جهان است. در ادبیات علوم سیاسی، وحدت یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت به شمار می‌رود و این جهت‌گیری با نگاه توحیدی از اهمیت بالایی نیز برخوردار است.

بنابراین تبیین نحوه نقش‌آفرینی جوانان تراز گام دوم انقلاب در راستای افق تمدنی انقلاب اسلامی با نگاه وسیع فرامرزی و امتداد عمق راهبردی - از واجب‌ترین واجبات کشور- (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰) و تغییر نظم نوین جهانی در عرصه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و... با شاکله دفاعی مقاومت با بهره‌مندی از ظرفیت وحدت تمدن‌ساز در سطح امت اسلامی، از دیگر الزام‌هایی است که باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد؛ مقاومتی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ارمغان‌آور پیروزی، پیشرفت و صیانت از کشور است (بیانات در دیدار پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس، ۱۴۰۱/۰۶/۳۰) و در قالب نظریه هم‌جزء نظریه‌های اصیل و درست بوده و در مقام عمل نیز مقاومت را به عنوان یک جریان، حق جوان‌هایی می‌داند که در مقابل آمریکا مقاومت می‌کنند؛ جوان‌هایی از عراق، سوریه، لبنان، شمال آفریقا، مناطق شبه قاره و اطراف آن‌ها (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲). «دوران فعلی دوران گذر به یک نظم جدید جهانی است. در کنار بازیگران سنتی، بازیگران جدید در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین وارد عرصه شده‌اند و در تلاش‌اند جایگاه خود را در نظم جدید پیش رو، تثبیت کنند» (دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و... با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۰۵/۲۲). بنابراین جریان مقاومت با محوریت جوانان می‌تواند به عنوان یکی از ظرفیت‌های کلیدی در تغییر نظم نوین جهانی مدنظر قرار گیرد. «شرایط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظم نوین در حال تولد یافتن باشد» (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

به همین جهت در این مقاله، ابتدا به این سؤال‌ها پاسخ خواهیم داد: جوان تراز گام دوم انقلاب به عنوان بازیگر کلیدی در افق تمدنی انقلاب اسلامی، از چه شایستگی‌های مورد انتظار باید برخوردار باشد؟ تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی از منظر وحدت به عنوان عرصه میدان مقاومت جوان تراز، چه مراتبی دارد؟ پایش نقش‌آفرینی جوانان تراز معطوف به افق تمدنی انقلاب اسلامی و وحدت تمدن‌ساز در عرصه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و... چگونه میسر خواهد شد؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به منظور رعایت انسجام و سیر منطقی مطالب مرتبط با موضوع مورد بحث، در تدوین مطالب ابتدا به موضوع کلان‌تر یعنی تمدن نوین اسلامی، جوان تراز گام دوم انقلاب اسلامی (معطوف به شایستگی‌ها)، و سپس به مرور ادبیات مقاومت و وحدت تمدن‌ساز در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب پرداخته خواهد شد.

### تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای

بر خلاف سایر معانی رایج تمدن در چند دهه اخیر و بر اساس فرهنگ دینی، تمدن را می‌توان چنین تعریف کرد: «به مجموعه تلاش‌های یک جامعه جهت پاسخگویی به مجموعه نیازهای خود بر اساس امکانات بومی و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از این تلاش‌ها، تمدن نام نهاده می‌شود». این تعریف از تمدن، هرچند که از جامعیت جهت پوشش کلیه جوامع بشری و تمدن‌های ناشی از آن‌ها برخوردار است، اما بیشترین انطباق را با حوزه تفکر اسلامی دارد. جامعه اسلامی بر اساس قاعده «نفی سبیل»<sup>۱</sup>، جامعه‌ای است که خود پاسخگوی نیازهای خود است و جهت ادامه مسیر و حیات، نیازمند سایر جوامع - به ویژه جوامع غیر مسلمان - نیست و می‌تواند به نیازهای واقعی انسان - اعم از مادی و معنوی - پاسخ گوید تا مفهوم حیات طیبه و دنیا و آخرت حسن را محقق کند (کوشکی، ۱۳۹۳). آیه‌الله خامنه‌ای همواره تلاش داشته است به کمک مبانی دینی و قرآنی، به بازتعریف تمدن نوین اسلامی بپردازد. در همین راستا، ایشان مراحل پنج‌گانه‌ای را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی طراحی فرموده است:



نمودار ۱: سیر تکاملی انقلاب اسلامی (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۲۶)

۱. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱)؛ و خداوند برای کافران، تسلطی بر مسلمانان هرگز قرار نداده است.

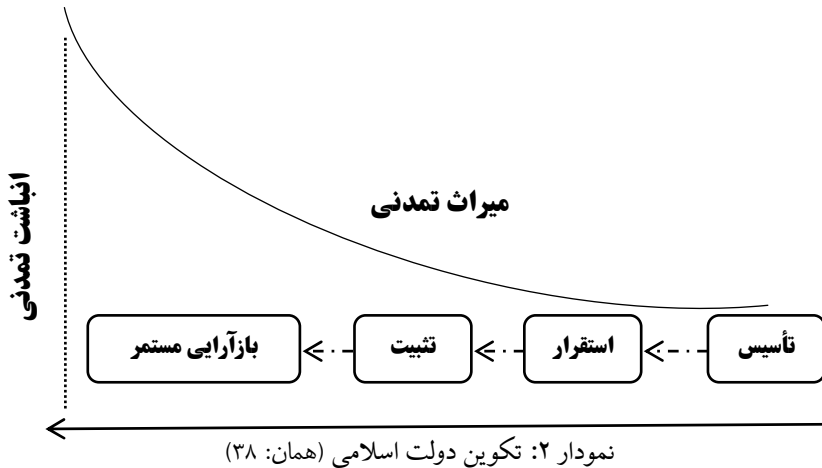
با توجه به بازخوانی و مرور فرمایشات آیه‌الله خامنه‌ای می‌توان نتیجه گرفت که در سیر تکوین تمدن اسلامی، در حال حاضر تمرکز روی مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی است. ایشان گام نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق تمدن اسلامی دانست که همزیستی و وحدت امت اسلامی گسترش خواهد یافت و خاطر نشان کرد که تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست، بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶). یکی از کارکردهای معنویت در جامعه، ایجاد وحدت و حفظ انسجام اجتماعی است. در جامعه اسلامی، «اخوت دینی» عامل همبستگی اجتماعی است. از جمله ابعاد معنویت، اعتقاد عمیق نسبت به خداوند و ائمه اطهار علیهم‌السلام است. اعتقاد به یگانگی خداوند و سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام (به طور خلاصه، قرآن و عترت) نقش مؤثری در ایجاد وحدت دارد (رودساز و بیسه، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

برابر بیانات امام خامنه‌ای، شاخص‌های دولت اسلامی را می‌توان در هفت محور خلاصه نمود: ۱- شاخص اعتقادی و اخلاقی؛ ۲- خدمت به خلق؛ ۳- التزام به عدالت؛ ۴- سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد؛ ۵- قانون‌گرایی؛ ۶- حکمت و خردگرایی؛ ۷- تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶). همچنین در باب وظایف دولت اسلامی به وظایفی مانند وظایف تربیتی (۱۳۸۰/۰۲/۱۲)؛ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵: ۱۳۹۳/۰۲/۲۳؛ وظایف اقتصادی (۱۳۸۰/۰۲/۲۸)؛ ۱۳۸۱/۰۲/۲۹: ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۹۰/۰۵/۲۶: ۱۳۹۰/۰۵/۰۳: ۱۳۹۱/۰۵/۱۴: ۱۳۹۲/۰۳/۱۴: ۱۳۹۲/۰۸/۱۲: ۱۳۹۴/۰۲/۰۹، وظایف فرهنگی (۱۳۸۱/۱۲/۰۶)؛ ۱۳۸۱/۱۲/۰۶: ۱۳۸۵/۰۳/۲۹: ۱۳۸۶/۰۴/۰۹: ۱۳۸۸/۰۶/۱۶، وظایف سیاسی (۱۳۸۰/۰۲/۰۴)؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸: ۱۳۹۴/۰۵/۲۶، وظایف امنیتی (۱۳۸۰/۰۲/۲۸)؛ ۱۳۹۴/۰۲/۰۶ و وظایف اجتماعی (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)؛ ۱۳۸۱/۰۲/۲۲: ۱۳۸۱/۰۹/۱۵: ۱۳۸۴/۰۶/۰۸: ۱۳۸۸/۰۱/۰۱: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷: ۱۳۹۳/۱۱/۰۱: ۱۳۹۴/۰۳/۱۴) اشاره فرمود.

با توجه به سؤالی که آیه‌الله خامنه‌ای در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه مطرح نمود: «این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت؟» (۱۳۷۹/۰۷/۱۴)، ذکر این نکته تحلیلی و استنباطی نیز ضروری است که مؤلفه‌ها و میزان شایستگی‌های

مورد انتظار مرحله استقرار (پیدایش) دولت اسلامی، با مرحله گذار، تثبیت (ماندگاری) و تعالی (استواری) دولت اسلامی می‌تواند متفاوت باشد.

سیر تکوین دولت اسلامی نیز در نمودار ۲ به خوبی ترسیم شده است و بیانگر آن است که هر چه دولت از بدو تأسیس به مرحله تثبیت و بازآرایی مستمر می‌رسد، آثار تمدنی بیشتری تولید و خلق می‌کند و میراث تمدنی افزایش می‌یابد (جعفری، ۱۳۹۹).



از این رو می‌توان استدلال نمود همان طور که در مرحله انقلاب اسلامی، جوانانی به رهبری امام خمینی توانستند انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند، تضمینی وجود نخواهد داشت که همان نسل اول انقلاب اسلامی بتواند در مرحله استقرار دولت اسلامی پیروزی‌بخش باشد و گواه این استدلال نگارنده، مفاد بیانیه گام دوم انقلاب بوده که چهار دهه آینده نظام اسلامی را از جوانان امروز مطالبه‌گری می‌نماید. همان گونه که امام خمینی به جوانان آن زمان اعتماد و اطمینان کرد، مسئولان امروز کشور نیز به جوانان فعلی کشور اعتماد کرده و زمام امور حکمرانی را با تکیه بر تجربه خود، به آن‌ها و اسپارند، تا تلفیق توان و انگیزه جوانی و تجربه و پختگی پیشکسوتان، طریق نوینی را در گام دوم انقلاب پیش روی حکمرانان باز نماید. بنابراین به طور عام، پرداختن به عامل و رکن جوان شایسته در تراز گام دوم انقلاب اسلامی و نیز به طور خاص، پرداختن به رکن جوان شایسته در تراز سیر تکوین دولت اسلامی از مرحله تأسیس تا بازآرایی مستمر به مثابه نقطه تعالی دولت اسلامی قابل توجه و تأمل است.

## جوان‌گرایی از دیدگاه امام خامنه‌ای

رهبر معظم انقلاب شرط اساسی و اصلی در باب جوان‌گرایی را صرفاً سن تقویمی در قالب اعداد مثلاً بین ۳۰ و ۳۵ و مانند این‌ها نمی‌داند و معتقد است افرادی که عنصر ایمان و انگیزه صادقانه و انقلابی همراه با فکر نو، توانایی یافتن شیوه‌های نو، جرئت اقدام، و میل کامل به حرکت تحولی در آن‌ها وجود داشته باشد، جوان تلقی می‌شوند (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰/۰۲/۲۱). ایشان معتقد است:

«دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان [یعنی] یک دولت سر پا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کار افتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوان‌اند. حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید - شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم - شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده می‌ماند و بنده زنده می‌ماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم، یعنی کنار نمی‌گذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات، افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می‌توانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد» (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸).

از مفهوم جوان، دو برداشت کلی می‌توان کرد؛ یکی برداشت ظاهری که معطوف به سن و تقویم زندگی افراد است و دیگری برداشت باطنی که به معنای ویژگی‌ها و افعال و رفتار افراد و سبک عملکردی آن‌هاست. آنچه مسلم است، منظور امام خامنه‌ای از واژه جوان در اعتقادش به نقش‌آفرینی اجتماعی و عرصه‌های جدی جامعه اسلامی، صرفاً جوان تقویمی و سنّ او نیست، هرچند این هم خود یک ملاک و معیار اصلی است. به هر حال آنچه مهم است، خصوصیات رفتاری و ویژگی‌های عملکردی حکمرانانی است که سگان حکمرانی را در گام دوم انقلاب در دست خواهند گرفت. بنابراین بر مبنای سخنان ایشان، به نظر می‌رسد اصالت مفهوم جوان، مشروط به عملکرد بهتر و کارآمدی است. بنابراین شناسایی مؤلفه‌های شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی در



شناسایی و نقش آفرینی هر چه مؤثرتر جوانان تراز در اولویت قرار می‌گیرد.

## شایستگی

واژه شایستگی در ادبیات دانشگاهی از چندین نظرگاه تعریف شده است که برخی از آن‌ها از دید صاحب‌نظران مختلف عبارت‌اند از:

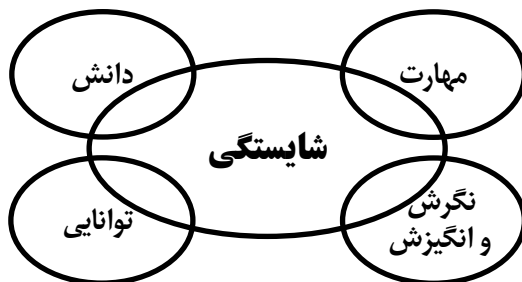
- شایستگی، به عنوان دانش، مهارت، توانایی و ویژگی شخصیتی در نظر گرفته می‌شود و یا ترکیبی از دانش، مهارت و توانایی مورد نیاز یک فرد برای کسب موفقیت در یک کار (Suhairom et al., 2019, 206).

- شایستگی، یک توانایی نشان داده‌شده برای انجام فعالیت‌های استثنایی در یک محیط پویاست که منجر به نتایج مورد انتظار بر اساس استانداردهای تعریف‌شده و پذیرفته‌شده می‌شود (Chen et al., 2019: 457).

- شایستگی، هم یک مهارت است و هم یک نگرش (Hwang & Kuo, 2018: 21).

- شایستگی عبارت است از رفتارهایی که افراد با عملکرد برتر در مقایسه با افراد با عملکرد متوسط، با ثبات بیشتری نمایش داده و ابراز می‌دارند (Campion et al., 2011: 225).

شکل ۱، بیانگر مؤلفه‌های شایستگی در تعاریف مختلف است. این شکل برگرفته از کار مؤسسه اسکابنور<sup>۱</sup> در مورد شایستگی‌ها و صورت کامل‌شده آن است.

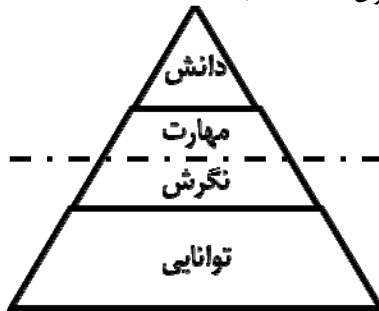


شکل ۱: مؤلفه‌های شایستگی (درگاهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۹)

شکل ۲، اجزای شایستگی را در قالب مدل کوه یخ نشان می‌دهد. در این مدل، توانایی و نگرش، شایستگی‌های زیر سطح هستند که به راحتی قابل مشاهده نبوده و

1. Schabnover Associates.

ارزیابی و توسعه آن‌ها به مراتب سخت‌تر از شایستگی‌های روی سطح آب، یعنی مهارت و دانش است (رعنائی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸).



شکل ۲: مدل کوه یخ شایستگی (همان)

شایستگی‌ها می‌توانند بر اساس الگوهای اندازه‌گیری و سنجش‌پذیری تبیین گردند. سوهایروم و همکاران معتقدند که شایستگی‌ها در قالب الگوهای اندازه‌گیری و سنجش دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، رفتارها و دیگر ویژگی‌های شخصیتی مفهوم‌سازی می‌شوند (Suhairom et al., 2019, 206).

آیه‌الله خامنه‌ای در زمینه شایسته‌سالاری ضمن اشاره به حدیث نبوی: «فلیس الأكبر هو الأفضل، بل الأفضل هو الأكبر»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۱/۲۱)، می‌فرماید: «افضل یعنی شایسته‌تر. این شایسته‌سالاری است... در همه نظامات جمهوری اسلامی، در قوای مجریه، مقننه، قضاییه، در نیروهای مسلح و نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و مسائل شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییر و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد، بر این اساس است» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه (با اندکی تصرف)، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

رهبر انقلاب مأموریت و وظایف مهمی را بر عهده جوانان به عنوان کنشگران اصلی انقلاب اسلامی نهاده است. اهم این وظایف عبارت‌اند از:  
- نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگ تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید ولایت عظمی (أرواحنا فداه)؛

۱. «آن کسی که بزرگ‌تر است، لزوماً برتر نیست؛ بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگ‌تر است».

- جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ به مثابه الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی؛

- راندن ترس و ناامیدی و پرورش نهال امید به آینده در خود و دیگران (نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد)؛

- صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن؛

- تسلیم‌ناپذیری و جلوگیری از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور؛

- تلاش برای کاهش فاصله بین واقعیت‌ها و باید‌ها؛

- تلاش برای بسط و استقرار عدالت علوی در کشور، رفع محرومیت‌ها و برطرف کردن

شکاف‌های عمیق طبقاتی؛

- شناخت صحیح گذشته و درس گرفتن از تجربه‌ها؛

- بهره‌برداری از دستاوردهای ۴۰ ساله و شناسایی ظرفیت‌های مغفول و استفاده نشده

طبیعی و انسانی (اعم از مادی و معنوی)؛

- ایجاد جهش در پیشرفت‌های مادی و معنوی کشور؛

- شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن؛

- جهاد علمی با احساس مسئولیت بیشتر نسبت به گام اول انقلاب؛

- تلاش برای بسط اخلاق و معنویت در کشور با فعالیت در نهادهای اجتماعی؛

- پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛

- فهم و تبیین این منطق که راه حل همه مشکلات کشور در داخل کشور است؛

- جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه برای مقابله با ترویج سبک زندگی غربی در ایران.

بنابراین ضامن موفقیت در برابر چنین مأموریت‌های خطیری، برخورداری از روح و

اراده و همت بلند و استقامت در مسیر پرچالش گام دوم انقلاب از سوی جوانان تراز

است؛ همان طور که به گواهی تاریخ انقلاب اسلامی و حوادث عبرت‌آموز آن،

موفقیت‌های بزرگ از دل چالش‌های بزرگ محقق می‌شود؛ مقاومتی که به تعبیر رهبر

معظم انقلاب، ارمغان‌آور پیروزی، پیشرفت و صیانت از کشور است (بیانات در دیدار

بیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس، ۳۰/۰۶/۱۴۰۱).

بنابراین حکومت اسلامی با داعیه تمدن نوین اسلامی باید از راهبردهای دفاعی

هوشمندانه در مقابله با جریان سلطه و استکبار و دشمنان اسلام برخوردار باشد.

## مقاومت وحدت‌گرایانه و تمدن‌ساز

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا بر این باور بوده و هست که کانون بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و منشأ طوفان بزرگ علیه منافع استکبار و استعمار، انقلاب اسلامی ایران است و بر این اساس، استراتژی خود را بر براندازی نظام اسلامی پی‌ریزی کرده و در طول سه دهه گذشته در سه جبهه سخت، نیمه‌سخت و نرم، علیه انقلاب فعالیت کرده و پس از شکست در جبهه سخت و نیمه‌سخت، حرکت خود را روی جنگ نرم استوار ساخته است. دشمن در جبهه جنگ نرم از هر ابزار و وسیله‌ای برای استحاله و براندازی نظام استفاده خواهد کرد (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

با بررسی تفاوت دشمنی‌ها در عصر امام خمینی و عصر امام خامنه‌ای و ذکر مشخصه‌های دشمنی در عصر هر دو بزرگوار، می‌توان نتیجه گرفت که در عصر امام خمینی برای دشمنان نظام اسلامی، جنگ سخت اولویت داشته است و به دلیل نوپا بودن نظام، امید به شکست انقلاب داشته‌اند؛ ولی بعد از مقاومت‌های جانانه مردم شریف ایران، دشمن به تدریج از تهدیدات سخت به تهدیدات نرم روی آورده و به تدریج در عصر امام خامنه‌ای جنگ نرم را در دستور کار خود قرار داده است (شیرازی، ۱۳۹۸).

همان گونه که رهبر معظم انقلاب معتقد است:

«ما با جنگ نرم، با مبارزه نرم از سوی دشمن مواجهیم... در این جنگ نرم، شما جوان‌های دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان؛ چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچ گونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می‌گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهانِ طراح قرارگاه‌ها و یگان‌های بزرگ، چون آن‌ها طراحی‌های کلان را می‌کنند. افسر جوان تو [ی] صحنه است؛ هم به دستور عمل می‌کند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا این‌ها افسران جوان‌اند. دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو [ی] صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار می‌کنند» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸).

معظم‌له با اشاره به نقش حساس جوانان در عرصه جنگ نرم به عنوان افسران جنگ نرم، برخورداری از موضع تهاجم را توصیه می‌فرماید که در اندیشه دفاعی ایشان نیز منحصر به فرد است:

«در باره آینده کشور عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، این عقیده، عقیده‌ای است انقلابی، محکم، مستدل. این در روحیه دشمن اثر می‌گذارد. من که گفتم شما افسر جنگ نرمید، خب این‌ها لازمه افسری جنگ نرم است. این‌ها جنگ نرم است. در جنگ نرم همیشه که در موضع دفاع نباید انسان قرار بگیرد؛ در موضع تهاجم [هم] باید قرار بگیرد. این تهاجم است؛ یکی از وظایف این است؛ حضور فکری. مواضع شما روشن باشد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲).

از این رو، یکی از راهبردهای اساسی امام خامنه‌ای در مواجهه با دوران جنگ‌های ترکیبی دستگاه استکبار جهانی، راهبرد استحکام ساخت درونی است.

استحکام ساخت درونی قدرت نظام، ترکیب هنرمندانه و هوشمندانه‌ای از قدرت نرم و سخت است. قدرت نرم از عناصری نظیر ایمان، هویت، مشروعیت، مقبولیت، وحدت ملی و تقریب مذاهب داخل کشور و سایر مؤلفه‌های نرمی که می‌تواند در استحکام ساخت درونی قدرت نظام دخیل باشد، تشکیل می‌شود (داودی، ۱۳۹۸). بنابراین در مقیاس جهان اسلام نیز وحدت امت اسلامی، شرط لازم و ضروری استحکام‌بخش قدرت نظام اسلامی در عرصه جهانی است.

آنچه مسلم است، این است که نقش وحدت در گسترش همبستگی و یکپارچگی امت را نمی‌توان انکار کرد و حفظ اتحاد، ارزش بسیار عمیق و مهمی است که پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام ما را به آن دعوت نموده‌اند. مسئله وحدت یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی است که بسیاری از اندیشمندان، صاحبان نظر، مصلحان و رهبران جهان اسلام به آن توجه داشته و دارند (همان).

مقام معظم رهبری در تعریف وحدت می‌فرماید:

«وحدت مردم یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند، می‌توانند کنار هم باشند، می‌توانند دعا نکنند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶).

وحدت به معنای یکی شدن نیست. وحدت به معنای هماهنگی و همدل بودن است.

ایشان با اشاره به شاخص‌های قوت جهان اسلام می‌فرماید:

«یکی از مصادیق قوت را امروز دنیای اسلام دارد مشاهده می‌کند و آن، راهپیمایی اربعین است؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». راهپیمایی اربعین قوت اسلام است، قوت حقیقت است، قوت جبهه مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی راه می‌افتند به سمت کربلا، به سمت حسین، به سمت قله و اوج افتخار فداکاری و شهادت که همه آزادگان عالم باید از او درس بگیرند» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۸/۰۷/۲۱).

همبستگی و انسجام در سطوح و لایه‌های مختلف طی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب، جبهه مقاومت را از جمهوری اسلامی به منطقه‌ای گسترده‌تر از غرب آسیا و شمال آفریقا گسترش داده است. جبهه مقاومت در حرکت رو به رشد انقلاب اسلامی جهت تداوم آرمان‌ها و دستیابی به اهداف آن، ظرفیت‌ها و فرصت‌های گسترده‌ای را در اختیار انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی قرار داده است.

یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفاع از حقوق مسلمانان و حمایت از مستضعفان در هر کجای عالم است. این موضوع در اصول مختلف قانون اساسی بیان، و به عنوان چارچوب سیاست‌گذاری و رفتاری نظام تعیین شده است. در صدر مقدمه قانون اساسی آمده است:

«قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: مقدمه).

بنابراین با توجه به ذات ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی موظف است در هر نقطه جهان که مظلومان و مستضعفان علیه ظلم و استکبار مبارزه می‌کنند، از آنان حمایت کند و زمینه را برای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی فراهم آورد. در این

رابطه در دیدگاه رهبر انقلاب، مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و حمایت از مظلومان و طرفداری از اسلام، از جمله اصول مستحکم سیاست خارجی است؛ آنجا که می‌فرماید:

«دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه‌نپذیرفتن از زورمند و زرمند و پافشاردن بر حقیقت، ارزش‌هایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود... این‌ها را باید دنبال کنیم؛ اصول این‌هاست» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶).

مقام معظم رهبری در خصوص مقاومت می‌فرماید:

«﴿فَلْيَدْلِكْ قَادِحٌ وَأَسْتَقِيمٌ﴾؛ هم دعوت لازم است، هم استقامت لازم است؛ مقاومت یعنی این» (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶).

«معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

طبق اصل ۱۵۲ قانون اساسی:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

بر همین مبنا، جمهوری اسلامی به عنوان پیشگام مقاومت در منطقه و جهان اسلام، همواره از گروه‌ها و کشورهایی که در راه مبارزه با سلطه‌طلبی غرب، رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین گام برمی‌دارند، حمایت و پشتیبانی کرده است.

رهبر معظم انقلاب با درک دقیق از شرایط و اوضاع جهان و منطقه، همواره بر ادامه جریان مقاومت تأکید کرده است:

«نظریه مقاومت در مقابل دشمن قوی‌بنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر. نظریه مقاومت، یک نظریه اصیل و درست

است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل. از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوان‌ها خیلی خوب می‌توانید این نظریه مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوان‌های دیگر. نظریه مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه بر ملت‌هاست، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است. از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حق جوان‌ها می‌دانیم؛ جوان‌های عراق، جوان‌های سوریه، جوان‌های لبنان، جوان‌هایی در شمال آفریقا، جوان‌هایی در مناطق شبه قاره و اطراف آن‌ها. یک مشت جوان‌هایی هستند که در مقابل آمریکا مقاومت می‌کنند، ایستاده‌اند؛ حق این‌هاست، ما حق این‌ها می‌دانیم. تقویت این جریان‌ها به معنای تقویت نظریه مقاومت است» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به صراحت به نقش والای انقلاب اسلامی در مواجهه با مستکبران عالم و شکل‌گیری جریان مقاومت اشاره فرموده و بیان می‌دارد:

«ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌روست؛ اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است، و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است، و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).



مقام معظم رهبری در رابطه با عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید:

«این هر سه، شاخه‌هایی از اصل "عزت، حکمت و مصلحت" در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمینگیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگران‌اند. پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا، حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی، محصولی نخواهد داشت» (همان).

بنابراین در جهان کنونی، کشورها به چهار گروه تقسیم می‌شوند: کشورهای سلطه‌گر (آمریکا و...)؛ سلطه‌پذیر (سعودی و...)؛ سلطه‌ستیز (جبهه مقاومت و...)؛ بی‌طرف یا خنثی (اندونزی و...). در این تقسیم‌بندی، جمهوری اسلامی باید با جبهه مقاومت و سلطه‌ستیزان و آزادی‌خواهان ائتلاف تشکیل دهد و از آن‌ها حمایت کند، با کشورهای بی‌طرف روابط را تقویت کند، در مقابل سلطه‌پذیران از موضع روشنگری و... موضع تعاملی اتخاذ کند و در مقابل سلطه‌گران ایستادگی کند (اکبری، ۱۳۹۷: ج ۲).

از این رو، نقش‌آفرینی مؤثر در جهانی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب در آستانه یک نظم جدید است، از اهمیتی مضاعف برخوردار است، ایشان با اشاره به این مهم می‌فرماید: «امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است. این جنگ اوکراین را به نظر من باید یک مقداری با یک دید عمیق‌تری نگاه کرد. این جنگ صرفاً یک حمله نظامی به یک کشور نیست. ریشه‌های این حرکتی که امروز انسان دارد در اروپا مشاهده می‌کند،

ریشه‌های عمیقی است و آینده‌های پیچیده و دشواری را انسان حدس می‌زند که وجود داشته باشد. خب اگر فرض کنیم که این حدس ما حدس درستی باشد و دنیا در آستانه یک نظم جدید باشد، آن وقت همه کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند - حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری- که بتواند امنیت کشور را و منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند. خب اگر قرار شد که کشور بخواهد یک چنین کار بزرگی را انجام بدهد، یعنی حضور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری داشته باشد، در تشکیل نظم جدید جهانی، بیشترین مسئولیت به عهده کیست؟ صفوف مقدم چه کسانی هستند؟ دانشجویها، دانشگاهیان؛ یعنی شماها باید جلوتر از همه باشید؛ شماها بایستی تأثیرگذارترین قشرها باشید» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۴۰۱/۰۲/۰۶).

با مرور اجمالی و هدفمند بیانات رهبر معظم انقلاب و فرازهایی از متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پیرامون مسئله مورد پژوهش که مورد اشاره قرار گرفت و همچنین بررسی پیشینه پژوهش مرتبط با موضوع در ادبیات علمی مدیریت و انقلاب اسلامی به شرحی که گذشت، قابل تبیین است که پرداختن به موضوع شایستگی‌های مورد انتظار و معطوف به افق تمدنی انقلاب اسلامی برای جوانان تراز جهت نقش‌آفرینی مؤثر در گام دوم انقلاب اسلامی و به عنوان بازیگر کلیدی جهت تغییر نظم جدید جهانی مبتنی بر نظام تک‌قطبی مطرود مورد مطالبه رهبر معظم انقلاب (۱۴۰۱/۰۷/۲۲) با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظریه مقاومت در دو مقام نظر و عمل و مراتب وحدت تمدن‌ساز، موضوعی منحصر به فرد است که می‌تواند نقطه اثر و تحولی در گفتمان‌سازی و نظام‌سازی با رویکرد دفاعی ارزش افزوده ایجاد نماید.

### روش پژوهش

از آنجا که در تحقیق حاضر، شناسایی مؤلفه‌های شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی مدنظر است، پس می‌توان بر اساس منطق اجرا از استدلال استقرایی بهره برد؛ بر اساس ماهیت داده‌ها در زمره کیفی و بر اساس قصدی که دنبال می‌شود، آن را تحقیقی توسعه‌ای قلمداد کرد و در نهایت از حیث روش یا طرح کلی اجرا نیز توصیفی محسوب می‌گردد. انتخاب روش‌شناسی، خواه کیفی و خواه روش‌های ترکیبی، مطمئناً به هدف و

سؤالات تحقیق شما بستگی خواهد داشت (لونبرگ و آیری، ۱۳۹۳: ۱۳۳). به منظور شناسایی مؤلفه‌های شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب، مراتب وحدت تمدن‌ساز و چگونگی پایش نقش‌آفرینی جوانان تراز در عرصه‌های گوناگون تمدن‌نویین اسلامی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، از روش تحلیل مضمون بهره‌برداری شده است. در پژوهش‌های کیفی که مبتنی بر متن صورت می‌پذیرد، نمونه‌گیری از مدارک دقیقاً مثل گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه و مشاهده است. در نمونه‌گیری از مدارک، پژوهشگر بین کدگذاری و نمونه‌گیری در رفت و آمد است و در روش تحلیل مضمون، محقق کدها را بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و علائم، شاخص‌ها و شواهدی را که با این نظریه حمایت می‌شوند، می‌شناسد و کدگذاری می‌کند (تولایی و محمدزاده علمداری، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

در تحقیق حاضر، به منظور اهتمام به رعایت دقت و غنای نمونه به عنوان معرف جامعه متناسب با مسئله و سؤال‌های پژوهش، متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی و نیز میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی که به طور سالیانه در فرصت فرخنده اعیاد مبعث، فطر و هفته وحدت (میلاد رسول خدا ﷺ) بیان می‌فرماید، شناسایی و کدگذاری گردید.

با توجه به بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی، شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش نیز متناسب با کتابخانه‌ای انتخاب گردیده است و با توجه مقاصد مورد انتظار از انجام این پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش نیز مراجعه به متن سخنرانی‌های آیه‌الله خامنه‌ای و متن بیانیه گام دوم انقلاب و فیش‌برداری مورد نظر پژوهشگر خواهد بود.

در یک نگاه کلی، فرایند انجام پژوهش در مقاله حاضر، پس از مرور ادبیات و مطالعات کتابخانه‌ای، اعم از کتاب‌ها، مقالات و... مرتبط با مباحث تمدن‌نویین اسلامی، شایستگی، مقاومت و وحدت، اطلاعات مورد نیاز بر اساس مراجعه به اسناد و مدارک (متن بیانیه گام دوم انقلاب و بیانات رهبر معظم انقلاب در مناسبت‌های اعیاد فطر، مبعث و هفته وحدت) گردآوری گردید و پس از کدگذاری بر اساس روش پژوهش کیفی تحلیل مضمون (مضامین اصلی و فرعی)، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد و در نهایت مبتنی بر معیارهای چهارگانه باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری، اعتبارسنجی پژوهش ارائه گردید.

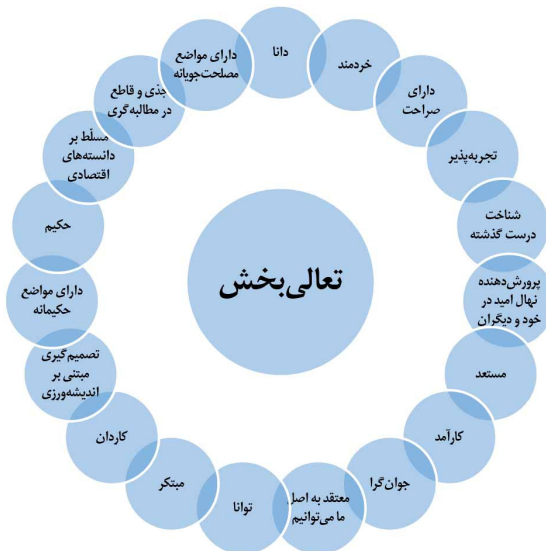
## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر از روش تحلیل مضمون به دست آمده که در قالب جدول شماره ۱، به نمونه‌هایی از کدها و مضامین فرعی و اصلی اشاره گردیده است.

جدول ۱: کدگذاری و استخراج مضامین فرعی و اصلی (نمونه)

مضامین اصلی	نشانگر	مضامین فرعی	متن منتخب
تحول‌گرا	گ ۰۰۱	وجدان آرمان‌خواه	«بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران).
تعالی‌بخش	گ ۰۰۲	دانا	«در آینده با حضور نسل جوان و مؤمن و دانا و پرانگیزه، با قدرت طی خواهد شد» (همان).
تمدن‌ساز	گ ۰۰۳	دارای مواضع انقلابی	«حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از مواضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند» (همان).

نگارنده در پایان کدگذاری‌های متن بیانیه گام دوم انقلاب به روش تحلیل مضمون، ۷۲ مضمون فرعی شناسایی شده را در سه مضمون اصلی تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز دسته‌بندی نمود (شکل ۳).





نگارنده با عنایت به ویژگی اساسی این پژوهش مبنی بر بهره‌گیری از روحیه نوگرایی و تولید در عرصه پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی که به آن اشاره گردیده بود، از آنجایی که در مبانی مکتب اسلام ناب، مراتب عبودیت و حاکمیت ارزش‌های اسلامی، مبتنی بر رابطه انسان با خدا بسط و تحقق پیدا می‌کند که همان مقاصدی که در طرح هندسی تمدن نوین اسلامی و نیز بیانیه گام دوم انقلاب نوید داده شده است، در دسته‌بندی مضامین شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی، استدلال‌های عناصر شایستگی در ادبیات علمی مدیریت منابع انسانی (دانش، مهارت و منش و ویژگی‌های شخصیتی)، مراحل خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی (مستخرج از متن بیانیه گام دوم انقلاب) و نیز مراحل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی (سیر تکاملی انقلاب اسلامی) را ملاک قرار داده است و این تولید مضامین متناسب با عصر معنویت است که برخی پژوهشگران در سیر تطور تاریخ بشریت پس از گذر از دوره‌هایی چون انقلاب صنعتی، اطلاعات، هم‌راستا با شأن جانشینی و خلیفه‌اللهی انسان بر روی زمین، قائل به عصر معنویت هستند (بیشه، ۱۳۹۱).

پس از احصای مؤلفه‌های شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی و اخذ نظر از اساتید محترم حوزه منابع انسانی، علوم سیاسی و تاریخ و تمدن، و متناسب با منطق و سیاق بیانات منتخب آیه‌الله خامنه‌ای در حوزه‌های جهان‌بینی، خداشناسی، معرفت‌شناسی و...، اصلاحاتی به صورت رفت و برگشتی صورت پذیرفت که نتایج آن در سه بخش «تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز» دسته‌بندی گردید.

همچنین با تحلیل بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدارهای مختلف سران کشورهای اسلامی (در اعیاد مبعث، فطر و هفته وحدت) مراتب وحدت معطوف به تمدن نوین اسلامی نیز استخراج گردید:

• عالی‌ترین سطح	اتحاد در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی
• سطح دوم	هم‌افزایی و همکاری با یکدیگر از لحاظ علمی، ثروت، امنیت، قدرت سیاسی و...
• سطح سوم	اتحاد واقعی و کافی در برابر دشمن مشترک و دفاع از یکدیگر
• پایین‌ترین سطح	به یکدیگر ضربه زدن و با هم معارضه کردن

شکل ۴: مراتب چهارگانه وحدت و اتحاد دنیای اسلام در گفتمان آیه‌الله خامنه‌ای

## تجزیه و تحلیل یافته‌ها

هدف اصلی هر تحقیق، دستیابی به یافته‌هایی است که بتوان از آن‌ها برای ارائه راهکارهای عملی و کاربردی بهره گرفت. همچنین بهره‌گیری از این یافته‌ها می‌تواند راهنما و راهگشای دیگر پژوهشگران در انجام پژوهش‌های مشابه باشد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی، معطوف به افق تمدنی انقلاب اسلامی است تا بتوان از یکسو با شناسایی و معرفی شایستگی‌های جوانان تراز، نقش آفرینی مؤثر جوانان تراز را در راستای تحقق مقاصد عالی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی به ارمغان آورد.

برابر آنچه که در مبانی نظری پژوهش نیز اشاره گردید، شایستگی ترکیبی از دانش، مهارت (توانایی) و ویژگی‌های شخصیتی (نگرش) در نظر گرفته شد. مضامین اصلی شایستگی احصاشده نیز ناظر بر وجوه دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی است؛ به نحوی که با بهره‌گیری از استعارهٔ قالب الگوی کوه یخ، ارزیابی و رشد وجه نگرش از وجوه شایستگی به علت آنکه زیر سطح آب است و به راحتی قابل مشاهده نیست، سخت‌تر از شایستگی‌های روی سطح آب یعنی دانش و مهارت است. به عبارت دیگر، مضامین متناسب با مضمون تحول‌گرایی، سخت‌تر از مضامین تعالی‌بخش و تمدن‌ساز است.

مبتنی بر گفتمان امام خامنه‌ای می‌توان مصداق بارز تحول‌گرایی و مبدع نظریه نظام انقلابی را نیز بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی دانست (قربانی‌زاده، بیشه و جهان‌بین، ۱۳۹۹: ۱۵۷):

«این خصوصیتی که امروز بحث می‌کنیم، جزو مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیات امام بزرگوار است و آن عبارت است از روحیه تحول‌خواهی و تحول‌انگیزی امام بزرگوار. امام روحاً هم یک انسان تحول‌خواه بود، هم تحول‌آفرین بود» (سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۹/۰۳/۱۴).

به عبارتی می‌توان چنین گفت که ویژگی ممتاز و برجسته امام در تحول‌گرایی، سبب اعتماد ایشان به جوانان بود. مقام معظم رهبری سیرهٔ حضرت امام را چنین گوشزد می‌فرماید:

«امام به جوانان اعتماد و اعتقاد داشتند؛ لذا مثلاً فرماندهان اولیه سپاه پاسداران - که هسته اولیه سپاه را این‌ها گذاشتند- این مجموعه عظیم را تشکیل دادند و سپاه در جنگ، آن همه نقش آفرید. وقتی این‌ها به امام معرفی شدند و امام این‌ها را شناختند، به هیچ وجه نگفتند که شما جوانید، چطور می‌خواهید این کار را بکنید؟! نخیر؛ بلکه استقبال هم کردند. یا مثلاً در کابینه شهید رجایی، یک عده جوانان خیلی خوب بودند. اولین کابینه‌ای که جوانان را به معنای واقعی کلمه وارد مسئولیت کرد، کابینه شهید رجایی بود» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

برابر آنچه که در متن بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷) نیز آمده است:

«مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن، نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است».

بنابراین در بحث جوان‌گرایی، اهتمام ویژه به ظرفیت جوانان مستعد و شایسته دهه ۶۰ حائز اهمیت است؛ جوانانی که همواره در کنار آفرینش‌های علمی، پژوهشی، مهندسی، صنعتی و... در عرصه‌های ایمانی، جهادی و فرهنگی مانند مناسک اعتکاف رجبیه، مناجات رمضانیه، راهپیمایی تمدنی اربعین حسینی، اردوهای جهادی و... سرآمدند.

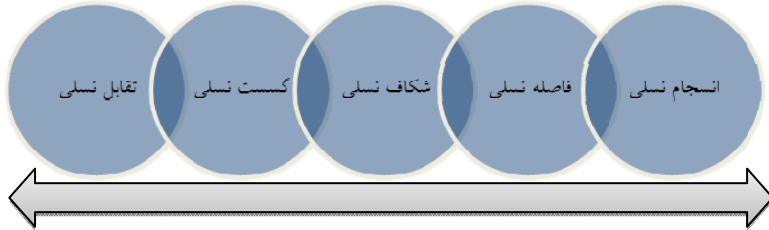
با عنایت به حضور نسل‌های متنوع در جوامع اسلامی، راهبرد اهتمام به الگوسازی نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ به گونه‌ای که آیه‌الله خامنه‌ای، «الگوسازی» را از اساسی‌ترین کارها برای جوانان می‌داند:

«الگوسازی، یکی از اساسی‌ترین کارهاست. ما الگوهای خوب خیلی داریم. این قدر جوان‌های خوب، این قدر چهره‌های نورانی - در تاریخ که بماند- در زمان خودمان داریم که همین قدر کافی است با تعریف هر کدام از این‌ها - تعریف به معنای معرفی کردن- یک چهره برجسته و یک الگو جلوی جوانانمان بگذاریم» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۰۲/۱۳).

این الگوسازی نیز با توجه به پیوستار حالت‌های پنج‌گانه نسلی، اعم از تقابل نسلی (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰)، گسست نسلی (همان)، شکاف نسلی (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۹۱: ۵۲)،



فاصله نسلی (شیخی، ۱۳۸۰: ۳۵۶) و انسجام نسلی (یورجیلی و عابدینی، ۱۳۹۱: ۵۲) می‌تواند نقش کلیدی و ممتازی را در انسجام نسلی ایفا نماید (بیشه، ۱۴۰۱: ۲۰۹؛ به شرح شکل ۵).



شکل ۵: پیوستار حالت‌های پنج‌گانه نسلی (همان: ۲۱۰)

نگارنده با بهره‌گیری از معارف قرآنی: «وَاللَّجِيمُ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل/۱۶)، نیروهای جوان مستعد (نجم) را راهبردی مؤثر در جهت شناسایی شایستگی‌های جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی و هدایت هوشمندانه این افراد جهت نقش‌آفرینی مؤثر در افق تمدنی انقلاب اسلامی می‌داند. افزون بر اینکه به تعبیر آیه‌الله خامنه‌ای، در کارهای چندنسلی انتظار تحقق در زمان کوتاه وجود ندارد:

«این کارها، کارهای چندنسلی است. مقاصد و نتایجی که مورد نظر ماست، انتظار نداریم حتماً در زمان کوتاهی تحقق پیدا کند؛ لیکن توقع داریم که تحرکی به وجود بیاید و احساس پیشرفت شود» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷).  
 «کارهای بزرگ ممکن است گاهی در طول یک نسل به دست بیاید؛ باید دنبال کرد، باید حرکت کرد. خیلی از کارها هست که ما اگر در ده سال پیش، پانزده سال پیش این کارها را شروع می‌کردیم، امروز به نتایجی رسیده بودیم» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۰۴/۰۲).

بر اساس تحلیل یافته‌ها و مبتنی بر دو جریان الهام‌بخش «عاشورا» و «ظهور» در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، دو راهبرد «دفاع از هویت انقلابی و دینی با حمایت از ملت فلسطین و دشمن‌ستیزی» و نیز «مقاومت وحدت‌گرایانه و امیدآفرین» را می‌توان به عنوان عوامل مؤثر در نظر گرفت که دولت اسلامی را در تحقق تمدن نوین اسلامی در گذار از چالش‌های پیش رو در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز امت اسلام یاری خواهد رساند. به باور آیه‌الله خامنه‌ای با «کلمه وحدت» و «مجاهدت در وحدت کلمه» روی مبانی و اصول معارف اسلامی، می‌توان

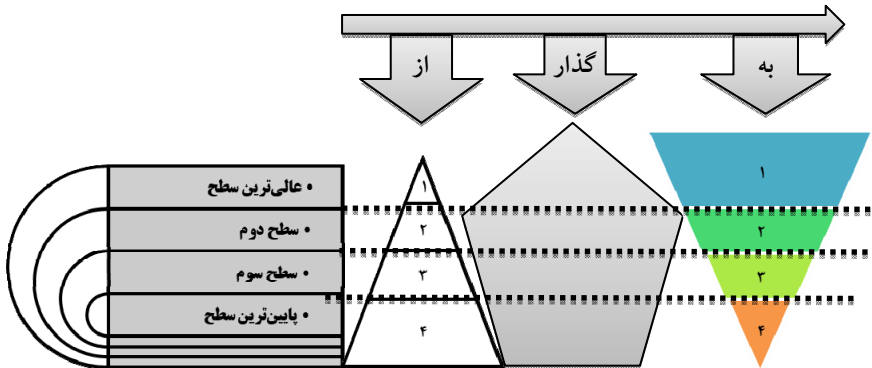
اتحاد امت اسلامی را به ارمغان آورد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹). در گفتمان معظم‌له، از مراتب وحدت‌افزا در امت اسلامی در سطح مردمی (نه لزوماً دولت‌ها)، وحدت‌آفرینی امت اسلامی در برابر دشمنان اسلام، طبق قاعده قرآنی ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ است که این اصل به عنوان یکی از وظایف سیاسی دولت اسلامی در عرصه سیاست خارجی و در راستای دفاع از آرمان قدس شریف و حمایت از جبهه مقاومت فلسطین و مبارزه با صهیونیسم، همواره مورد تأکید امامین انقلاب بوده و از راهبردهای اساسی نظام جمهوری اسلامی است که مورد اهتمام ویژه‌ای قرار دارد.

ایشان دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی و به طور کلی استکبارستیزی با محوریت فلسطین را که از مصادیق جهاد فی سبیل الله می‌داند، از لوازم تمدن‌سازی برمی‌شمارد و معتقد است که چنین جنگی قابل ستایش نیز هست و برابر آیه شریف قرآن کریم: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ﴾، مصداق جهاد فی سبیل الله بوده و ممدوح است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۸/۰۱/۱۴).

از حیث مراتب چهارگانه وحدت و اتحاد دنیای اسلامی نیز معتقد است:

«وحدت مراتبی دارد؛ اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد. پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند؛ این هم یک قدم بالاتر است. از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آن‌هایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند، بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی؛ منتها تمدن متناسب با این زمان؛ تمدن نوین اسلام. این‌ها مراتب وحدت است» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴).

با عنایت به مراتب چهارگانه وحدت امت اسلامی در گفتمان آیه‌الله خامنه‌ای (به شرح شکل ۴)، می‌توان از آن به عنوان یک الگو و دستگاه محاسباتی در دیپلماسی دنیای اسلام جهت پایش وضعیت امت اسلامی در مناسبات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، دفاعی - امنیتی و... بر پایه وحدت و نقش‌آفرینی جوانان تراز، مورد بهره‌برداری قرار داد؛ به نحوی که امت و دولت‌های اسلامی با بازیگری کلیدی جوانان تراز، از سطح حداقلی مراتب چهارگانه (وضع موجود) به سطح حداکثری (وضع مطلوب) اهتمام ورزند.



شکل ۶: چگونگی نقش‌آفرینی جوانان تراز در وحدت تمدن‌ساز مطابق با گفتمان آیه‌الله خامنه‌ای همان‌طور که در شکل ۶ نیز قابل مشاهده است، امت‌ها و دولت‌های اسلامی به منظور تحقق تمدن نوین اسلامی باید حرکت شتاب‌دهنده‌ای را جهت گذار از نقطه «از» آغاز و به نقطه «به» به عنوان وضعیت مطلوب، که بیانگر بیشترین میزان وحدت بین امت و دولت‌های اسلامی است، در پیش بگیرند. در حال حاضر نیز تجلی این موضوع در مناسبات فرهنگی مانند راهپیمایی جهانی اربعین (سطح ۲)، همبستگی امت‌های اسلامی در روز جهانی قدس (سطح ۲)، شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی در مناسبات دفاعی - امنیتی (سطح ۳)، و رویدادهای علمی جهان اسلام مانند جایزه علمی مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله (سطح ۲) قابل تحلیل است.

از حیث لزوم بهره‌مندی از برکات اندیشه‌ورزی در دوران جنگ سخت و نرم، رهبر معظم انقلاب معتقد است:

«از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این

کار که چه کسی برود، کی برود، چه جوری برود، تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصه بسیار وسیعی است و روزه‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد گسترده‌تر می‌شود و خیلی هم خطرناک‌تر از جنگ سخت است - یعنی در جنگ سخت، جسم‌ها به خاک و خون کشیده می‌شوند، [ولی] روح‌ها پرواز می‌کنند و می‌روند به بهشت؛ [اما] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسم‌ها پرواز می‌شوند و سالم می‌مانند، [ولی] روح‌ها می‌روند به قعر جهنم؛ فرقی این است؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است - هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد» (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳).

نقش آفرینی جوانان تراز در قالب هیئت‌های اندیشه‌ورزی در عرصه جنگ نرم و ترکیبی دستگاہ استکبار جهانی مورد توجه است و این اهتمام با منویات معظم‌له در تحلیل متن بیانیه گام دوم انقلاب در راستای تصمیم‌گیری مبتنی بر اندیشه‌ورزی هم‌راستا است.

بنابراین با عنایت به شایستگی‌های جوانان تراز گام دوم انقلاب که به آن پرداخته شد، می‌توان جوانان تراز را در قامت بسیج سفیران تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز با جهت‌گیری‌های تمدنی نظام جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب، به بهره‌گیری مؤثر و هوشمندانه از دستگاہ محاسباتی در دیپلماسی جهان اسلام مبتنی بر منظومه فکری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در مناسبات مختلف بر پایه وحدت اسلامی هدایت نمود، تا در راستای متوازن‌سازی بین عبرت‌ها و عبرت‌پذیرها گام برداریم، که «مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَأَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹).

به منظور اعتباریابی و بررسی تأیید دقت علمی پژوهش کیفی، پژوهشگر معیارهای چهارگانه قابلیت اعتماد گوبا و لینکلن شامل: باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری را مورد استفاده قرار داده است. در باورپذیری که با میزان باور داشتن به یافته‌های تحقیق ارتباط دارد، و از انسجام‌بخشی و همبسته بودن داده‌ها نیز به عنوان یکی از شاخص‌های باورپذیری یاد شد، پژوهشگر با دقت در انتخاب حجم نمونه (متن بیانیه گام دوم انقلاب و نیز بیانات آیه‌الله خامنه‌ای)، به داده‌های پژوهش انسجام بخشید و نتیجه آن نیز یافته‌های پژوهشی است که شرح و بررسی آن به طور مبسوط در بخش

بحث و بررسی پرداخته شد.

همچنین در اطمینان‌پذیری که دلالت دارد بر توانایی شناسایی جایی که داده‌های یک مطالعه معین از آنجا آمده و چگونه گردآوری شده و چطور به کار رفته‌اند، پژوهشگر هم‌راستا با مقاصد اصلی پژوهش خود که شایستگی‌های جوانان تراز گام دوم انقلاب و چگونگی نقش‌آفرینی جوانان تراز در وحدت تمدن‌ساز را مورد مطالعه قرار داد، به سراغ بیانات آیه‌الله خامنه‌ای در جمع مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و نیز میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی رفت و به صورت تمام‌خوانی متن بیانات، فیش‌برداری متناسب با موضوع شایستگی‌ها و نحوه نقش‌آفرینی جوانان انجام شد. در تأییدپذیری نیز که به استانداردهای روش‌ها تا حد امکان و نیز یادداشت کردن همه بینش‌ها اشاره دارد و مبتنی بودن یافته‌ها بر داده‌ها را نشان می‌دهد، نگارنده همواره در حین فیش‌برداری و کدگذاری‌های سه‌گانه، به یادداشت نگرش‌ها و بینش‌های متناسب با موضوع مورد پژوهش اقدام نمود که نتایج آن نیز در بخش بحث و بررسی یافته‌ها به روشنی قابل‌پایش است که نشان‌دهنده تطابق یافته‌ها با داده‌های پژوهش است.

از حیث انتقال‌پذیری نیز که با کاربردپذیری یافته‌های پژوهش ارتباط دارد، پژوهشگر با دغدغه نظام‌سازی مبتنی بر کیفیت استدلال یافته‌های خود، اهتمام ویژه‌ای نسبت به کاربردی نمودن یافته‌های پژوهش خود داشت؛ به گونه‌ای که به عنوان مثال می‌توان به «بسیج سفیران تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز»، «نجم»، «الگوسازی»، و «انسجام نسلی» که در سطح نظام‌سازی تدوین شده است، اشاره کرد.

## نتیجه‌گیری

ظهور گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر معارف ناب اسلام محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و با قرائت مسلط و غالب رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی با بهره‌گیری از فلسفه قرآنی اطاعت از خدا و اجتناب از طاغوت به صورت توأمان (ایجابی و سلبی): ﴿أَنِ انْعَبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل / ۳۶)، در بین مکاتب فکری جهان و دو ابرقدرت سیاسی یعنی غرب و شرق (لیبرالیسم و کمونیسم)، پدیده‌ای معجزه‌گون و معجزه‌آسا

بود که مطابق با مشی قرآنی ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۷۹) در ستیز با سیاست‌های سلطه‌گری دیگر کشورها و مستکبران جهان بروز و تجلی پیدا کرد. این تقابل و هم‌آوردی کم‌نظیر در عرصه جهانی در برابر چشم دوستان امیدآفرین بود و برای دشمنان بیم‌آفرین. بنابراین رهبری و هدایت انقلاب اسلامی مبتنی بر معارف قرآنی و اسلام ناب محمدی همواره مشی اصلی امامین انقلاب در ادوار تاریخ انقلاب اسلامی در افق تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حکومت مهدوی بوده است.

این پژوهش در راستای افق حرکتی انقلاب اسلامی و جهت‌گیری خط سیر نظام اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی و به منظور مشارکت در تولید محتوای علمی حوزه علوم انسانی اسلامی و با هدف شناسایی مضامین شایستگی جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی و چگونگی نقش‌آفرینی جوانان تراز در عرصه‌های گوناگون تمدن نوین اسلامی با رویکرد مقاومت و وحدت تمدن‌ساز انجام گرفته است.

به طور خلاصه از براینده مباحث اشاره شده در شایستگی‌های جوانان تراز گام دوم انقلاب اسلامی می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی با شناسایی و هدایت نیروهای جوان مستعد (نجم) و هم‌افزایی نجم در قالب «بسیج سفیران تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز»، برابر وعده‌ها و سنن الهی: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/ ۷)، ﴿وَرُبُّدٌ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص/ ۵)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (حج/ ۳۸)، ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ (حج/ ۴۰)؛ ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم/ ۴۷)، خواهد توانست در افق تمدنی انقلاب اسلامی و جایگاه رفیع مؤمنان: ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۳۹) در جهان و عرصه‌های بین‌المللی تأثیرگذار باشد و بشریت نیز از آفرینش‌های آن تأثیر بپذیرد و در نهایت با شناخت حکیمانه و درست گذشته و درس گرفتن از تجربه‌های انقلابی، گام‌های مجاهدانه و استوارتری: ﴿يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/ ۷) در جهت تمدن‌سازی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) در آینده بردارد.

همان‌طور که اشاره شد، اساس شکل‌گیری پیشنهادها مبتنی بر نتایجی است که به آن‌ها پرداخته شد. بنابراین هر محققى آرزومند است که نتیجه کارش «سودمند» باشد. مطلب مهم در هر پژوهش علمی این است که کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و

اظهار نظر توأم باشد و محقق در پایان کار و بر اساس مطالعات انجام شده، به طور قاطع نظر خود را درباره موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید. مبتنی بر یافته‌های پژوهش حاضر و به منظور پیوند حوزه نظر و عمل و زمینه‌سازی نقش‌آفرینی مؤثر جوانان تراز گام دوم انقلاب در عرصه‌های جهانی با رویکرد تمدن‌نوین اسلامی، پیشنهادهای اجرایی به شرح ادامه ارائه می‌گردد:

- هویت و انسجام بخشی به جریان مقاومت اسلامی در بستر ظرفیت اجتماع جوانان تراز در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...، مانند اربعین حسینی، رویدادهای علمی جهان اسلام، مسابقات ورزشی سیزم و...؛

- فعال نمودن جهاد تبیین و ظرفیت‌گفتمانی، اندیشه‌ورزی و دیپلماسی دولت‌ها و ملت‌های اسلامی با تمرکز بر تربیت و پرورش جوانان تراز از طریق سازوکارهایی مانند هیئت‌های اندیشه‌ورزی مسئله‌محور، گردشگری اسلامی، بهره‌مندی از تجارب موفق و ناموفق کشورهای اسلامی از یکدیگر نسبت به موضوع مورد اشاره؛

- الگوسازی و روایت هدفمند از چهره‌های بین‌المللی مقاومت و پیشکسوتان تراز انقلاب اسلامی و جریان مقاومت اسلامی جهت معرفی به نسل جوان؛

- شناسایی جوانان تراز مبتنی بر شایستگی احصاشده از طریق سازوکارهای متقن ارزیابی شایسته‌محور؛

- تشکیل بانک اطلاعاتی نیروهای جوان مستعد (نجم)؛

- شناسایی نشانگاه‌های گلوگاهی و تعیین نقاط آسیب‌پذیر در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و... جهان اسلام به منظور هدایت و نقش‌آفرینی جوانان تراز در سطوح مختلف؛

- برگزاری نشست‌های صمیمانه و چهره به چهره نیروهای جوان مستعد (نجم) با پیشگامان عالی‌رتبه جریان مقاومت اسلامی به منظور انتقال دانش بین نسلی در جهت انسجام نسلی و پیشگیری از انقطاع نسلی؛

- طراحی نظام آموزشی و تربیتی تراز به منظور تأمین سازوکارهای پشتیبان فرایند شایسته‌یابی و شایسته‌گزینی سطوح و عرصه‌های نقش‌آفرینی جوانان؛

- بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌گفتمان‌سازی در سطوح سازمانی، ملی و فراملی

به منظور بیدار نمودن باور و اراده‌های عمومی نسبت به مقاومت و وحدت تمدن‌ساز؛  
- شناسایی و تقویت تشکلهای و انجمن‌های تراز آرمان‌ها و مقاصد عالی انقلاب  
اسلامی به منظور شناسایی و پرورش جامعه هدف دانش‌آموزی و دانشجویی با رویکرد  
کادرسازی برای جریان مقاومت اسلامی؛

به طور کلی «بسیج سفیران تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز» - با توجه به استدلال  
اشاره‌شده و امکان‌پذیری آن در سطح نظام‌سازی - مبتنی بر نیروهای جوان مستعد (نجم)  
می‌تواند در پیاده‌سازی و دستیابی به پیشنهادهای ارائه‌شده قابلیت‌سازی نماید.



## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اکبری، حسین، «رابطه عزت ملی و حمایت از جبهه مقاومت در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم»، مقاله در: مجموعه مقالات گام دوم انقلاب: الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز؛ عزت ملی و روابط خارجی، جلد دوم، ۱۳۹۷ ش.
۴. بهمنی، محمدرضا، «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)»، نقد و نظر (فصلنامه فلسفه و الهیات)، سال نوزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۴)، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۵. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ش. قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به نشانی <<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>>.
۶. پیشه، مجید، نقش معنویت اسلامی در بروز رفتار شهروندی سازمانی در سازمان ثبت احوال کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱ ش.
۷. همو، «هم‌فزایی کارگزاران تراز به مثابه سفیران تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز (شایستگی‌ها و راه‌های تقویت آن)»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۱ ش.
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به نشانی <<https://khamenei.ir>> - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (مجموعه بیانات).
۹. پورجلیلی، ربابه، و صمد عابدینی، «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر پدیده انسجام بین نسلی در میان جوانان (نسل جدید) و مقایسه آن با والدین (نسل قدیم)»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۱ ش.
۱۰. تولایی، روح‌اله، و مهرداد محمدزاده علمداری، فنون و ابزارهای روش تحقیق در مدیریت، تهران، جهاد دانشگاهی، واحد صنعتی امیرکبیر، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. جعفری، روح‌الله، گزارش حکمرانی پیشرفت، تهران، پژوهشکده اندیشه دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی ودجا، ۱۳۹۹ ش.
۱۲. داودی، محمد، «راهبردهای وحدت ملی در استحکام‌بخشی قدرت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۸ ش.
۱۳. درگاهی، حسین، محمدحسن علیپور فلاح‌پسند، و هادی حیدری قره‌بلاغ، «ارائه مدل شایستگی در توسعه منابع انسانی؛ مطالعه موردی شایستگی مدیران فرهنگسراهای سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران»، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۴. رعنائی، حبیب‌اله، مریم سلطانی، و حمیدرضا یزدانی، «شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی مدیران: تحلیل محتوای مدل‌های شایستگی مدیران»، فصلنامه مطالعات منابع انسانی، سال اول، شماره ۳، بهار ۱۳۹۱ ش.
۱۵. رودساز، حبیب، و مجید پیشه، «نقش معنویت اسلامی در بروز رفتار شهروندی سازمانی»، فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۶. سعیدی شاهرودی، علی، گفتمان اصولگرایی، قم، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.

۱۷. شیرازی، جعفر، «الگوی دشمن‌شناسی مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۸ ش.
۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، <<https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707>>.
۱۹. قربانی‌زاده، وجه‌الله، مجید بیشه، و فرزاد جهان‌بین، «شایستگی‌های کارگزاران تراز دولت اسلامی ایران با رویکرد تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۲۰. لونتبرگ، فردریک سی.، و بورلی ج. آیری، روش‌شناسی تحقیق و نگارش پایان‌نامه در علوم اجتماعی (چگونه یک پایان‌نامه یا رساله موفق بنویسیم؟)، ترجمه وجه‌الله قربانی‌زاده و سیدمحمدتقی حسینی‌میرام، تهران، بازتاب، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
22. Campion, Michael A. & Alexis A. Fink & Brian J. Ruggenberg & Linda Carr & Geneva M. Phillips & Ronald B. Odman, "Doing Competencies Well: Best Practices in Competency Modeling", *Personnel Psychology*, Vol. 64(1), 2011.
23. Chen, Tao & Meiqing Fu & Rui Liu & Xuanhua Xu & Shenbei Zhou & Bingsheng Liu, "How do project management competencies change within the project management career model in large Chinese construction companies?" *International Journal of Project Management*, Vol. 37(3), 2019.
24. Hwang, Huei-Lih & Tian-Yuan Kuo, "Competency in delivering health education: A concept analysis", *Journal of Interprofessional Education & Practice*, Vol. 11, 2018.
25. Suhairom, Nornazira & Aede Hatib Musta'amal & Nor Fadila Mohd Amin & Yusri Kamin & Nur Husna Abdul Wahid, "Quality culinary workforce competencies for sustainable career development among culinary professionals", *International Journal of Hospitality Management*, Vol. 81, 2019.

# تأثیر مبانی روش‌شناختی اثبات‌گرایی و حکمت متعالیه بر علوم انسانی (مطالعه تطبیقی)\*

□ محمدحسین جمال‌زاده<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از مکاتب متداول علم در دنیای مدرن، اثبات‌گرایی است که مبانی روش‌شناختی آن، نه تنها در علوم طبیعی و تجربی، بلکه در علوم انسانی نیز تأثیر گذاشته است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای داده‌ها، پنج مبنای اصلی مکتب اثبات‌گرایی شامل مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، جامعه‌شناختی و ارزش‌شناختی، مبتنی بر مبانی حکمت متعالیه نقد می‌شوند. انحصار هستی در ماده، عدم سازگاری آزادی انسان و ضرورت، عدم تطابق ذهن با عین، واقعیت جامعه و رهایی ارزش‌ها، از مهم‌ترین نقدهای حکمت متعالیه به روش‌شناسی مکتب اثبات‌گرایی است. مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر این است که اثبات‌گرایان با انتخاب روش‌های کمی و منحصراً بر پژوهش بر داده‌های تجربه‌محور، در روش‌شناسی علوم انسانی رویکرد وحدت‌همگرایی روشی دارند؛ در حالی که حکمت متعالیه با

توجه به روش کیفی و کمی و عدم انحصار منابع شناخت در علوم تجربی، از تمام ظرفیت روش‌های عقلی، نقلی و تجربی در علوم انسانی استفاده کرده و رویکرد تنوع همگرای روشی را در علوم انسانی انتخاب کرده است.

**واژگان کلیدی:** روش‌شناسی، اثبات‌گرایی، حکمت متعالیه، علوم انسانی، پژوهش.

## ۱. مقدمه

مباحث روش‌شناسی به معنای مصطلح آن، که به دنبال بررسی روش‌های تحقیق در علوم انسانی است، در دنیای مدرن مطرح شده است و حکمای اسلامی چنین ورودی به مباحث روشی نداشته‌اند. البته به این معنا نیست که حکمای اسلامی روش نداشته‌اند یا پایبند به روش نبوده‌اند، بلکه روش به عنوان ابزاری برای فعالیت‌های علمی‌شان محسوب می‌شده است؛ بر خلاف علم مدرن که روش صرفاً ابزار نبوده و در فرایند تحقیق محوریت دارد و از این جهت به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از جریان‌هایی که در فضای علوم انسانی به تبیین روش خود پرداخته است، اثباتی‌گرایان هستند که با تکیه بر روش‌های علوم طبیعی به پژوهش در علوم انسانی می‌پردازند. یکی دیگر از جریان‌هایی که در مقابل اثبات‌گرایان ایستاده و مکتب خود را تبیین کرده است، تفسیری‌ها هستند، و در نهایت جریان انتقادی با تکیه بر هر دو جریان قبلی و با نگاه انتقادی نسبت به آن‌ها، مکتب روشی دیگری را طرح کرد. طبیعتاً هر کدام از روش‌های پژوهش در علوم انسانی مبتنی بر مبانی مقبولی شکل گرفته‌اند که اثر مستقیمی در علوم انسانی برآمده از آن مبانی داشته‌اند. حکمت متعالیه با تکیه بر مبانی عقلی و نقلی، نگاه متفاوتی نسبت به اثبات‌گرایی ارائه می‌دهد که اگر این مبانی در عرصه روش‌های پژوهشی در علوم انسانی مورد بررسی قرار گیرد، ثمرات قابل توجهی خواهد داشت.

در این مقاله تلاش می‌شود مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و ارزش‌شناسی حکمت متعالیه، مبانی روش‌شناختی اثبات‌گرایی بررسی شوند و با نقد روش‌شناسی این مکتب، روش پژوهش در علوم انسانی مبتنی بر مبانی حکمت متعالیه تبیین گردد.

## ۲. مسئله پژوهش

با انتخاب حکمت متعالیه به عنوان مبنا، مسئله پژوهش این است که نقدهای وارد بر مبانی روش‌شناختی مکتب اثبات‌گرایی در علوم انسانی چیست؟ به بیان دیگر، پژوهش حاضر به دنبال مقایسه مبانی روش‌شناختی مکتب اثبات‌گرایی و حکمت متعالیه در علوم انسانی با یکدیگر است و این مقایسه در پنج موضوع هستی، انسان، معرفت، جامعه و ارزش صورت می‌گیرد تا مقایسه‌ای جامع از مبانی روش‌شناختی هر دو صورت بگیرد.

## ۳. مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

پوزیتیویسم و اثبات‌گرایی به عنوان یکی از راهبردهای تحقیق و پژوهش، بیش از ۶۰ سال است که با باز شدن پای جامعه‌شناسی در ایران توسط غلامحسین صدیقی، مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده و در یکی دو دهه اخیر با توجه به رشد فلسفه علم در ایران، دیدگاه‌های انتقادی نسبت به آن قوت بیشتری گرفته است. خرمشاهی (۱۳۹۸) در کتاب *پوزیتیویسم منطقی؛ رهیافتی انتقادی*، ریشه‌های معرفتی اثبات‌گرایی را بررسی و نقد کرده است. بنتون و کرایب (۱۳۹۸) در *فلسفه علوم اجتماعی؛ بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی* نیز از اثبات‌گرایی به عنوان یکی از مکاتب فلسفه علوم اجتماعی سخن گفته و به نقد آن پرداخته‌اند. کچویان و کریمی (۱۳۸۵) به بررسی زمینه‌های پوزیتیویسم در جامعه‌شناسی ایرانی پرداخته‌اند. محمدپور (۱۳۸۹) نیز از زاویه نگاه معرفت‌شناختی، به اثبات‌گرایی و تأثیر آن در علوم انسانی پرداخته است.

از سوی دیگر، توجه به حکمت متعالیه به عنوان مکتبی فلسفی - که می‌تواند در علوم انسانی امتداد داشته باشد و مبانی روش‌شناختی آن منجر به تولید علوم انسانی شود - نیز مورد توجه محققان بوده است. رضا لک‌زایی (۱۳۹۵) تأثیر پیشینی و پسینی حکمت متعالیه بر علوم انسانی را بررسی کرده است. راستیان (۱۳۹۹) نیز با توجه به نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، آن را به عنوان امتداد حکمت متعالیه در علوم انسانی معرفی کرده است.

هرچند تحقیقات جداگانه‌ای درباره هر یک از اثبات‌گرایی و حکمت متعالیه و

بررسی مبانی آن‌ها صورت گرفته و تأثیر هر یک در علوم انسانی بررسی شده است، اما بررسی تطبیقی مبانی روش شناختی مکتب اثبات‌گرایی و حکمت متعالیه مسبوق به سابقه نیست. صرفاً نرجس عبداللهی (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی مبانی هستی‌شناختی علوم انسانی از دیدگاه حکمت متعالیه و پوزیتیویسم پرداخته است، ولی به سایر مبانی روش‌شناختی این دو مکتب متعرض نشده است. از این رو، تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها، در مطالعه تطبیقی تأثیر مبانی روش‌شناختی اثبات‌گرایی و حکمت متعالیه بر علوم انسانی است.

#### ۴. مفاهیم پژوهش

##### ۱-۴. اثبات‌گرایی

از حیث واژه‌شناسی پوزیتیویسم از مصدر لاتین ponere به معنای وضع کردن و تعیین کردن اخذ شده است. پوزیتیو به معنای معرفت‌هایی است که دارای قطعیت علمی بوده و مابازاء خارجی دارد و پوزیتیویست (اثبات‌گرا) به کسی گفته می‌شود که دارای معلومات قطعی و عینی است (فولکیه، ۱۳۶۶: ۱۵۰، به نقل از: حسینی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). بنابراین آنچه بیش و پیش از همه با واژه پوزیتیویسم گره خورده است، رویکرد این پارادایم نسبت به شناخت و کسب معرفت است. بهره‌گیری از حواس برای کسب معرفت، غالباً همراه با دستیابی به حکمی قاطع و عینی است. اثبات‌گرایی یا پوزیتیویسم در بیان ساده به مفهوم به کارگیری روش علمی تجربی در کسب معرفت است. بشر منابع گوناگونی برای کسب معرفت دارد که روش علمی تجربی یا بهره‌گیری از حواس، تنها یکی از این منابع به شمار می‌آید. از نظر تاریخی، اثبات‌گرایی بیش از آنکه پارادایمی برای مطالعه پدیده‌ها و واقعیت‌های انسانی و اجتماعی باشد، روش مطالعه پدیده‌های تجربی و طبیعی بوده است. به همین جهت، اصول و قواعد حاکم بر این پارادایم برگرفته از روش‌هایی است که برای مطالعه یک پدیده تجربی به کار می‌رود. با این حال با تسری این نگرش به حوزه علوم اجتماعی و علوم انسانی، تغییری در نوع نگاه این پارادایم نسبت به پدیده‌ها رخ نداده است. بنابراین از منظر اثبات‌گرایی، همان

قواعدی که برای بررسی پدیده‌های تجربی به کار می‌رود، در مطالعه پدیده‌های اجتماعی و انسانی نیز قابل استفاده است.

## ۲-۴. حکمت متعالیه

این کلمه نام نظام فلسفی محمد بن ابراهیم شیرازی، مشهور به ملاصدراست که حد فاصل سال‌های ۹۸۰ تا ۱۰۴۵ هجری قمری زندگی می‌کرده است. صدرالمتألهین در این مکتب فلسفی با استفاده از روش‌های عقلی و علوم وحیانی و همچنین کشف و شهود، مبانی فلسفی خود را بنیان گذاشت و با طرحی نو، مسائل فلسفه را بررسی کرد. هرچند این عنوان توسط ابن سینا در ادبیات فلسفه اسلامی وارد شد و برخی دیگر از حکما نیز از آن استفاده کردند، اما صدرالمتألهین با نام‌گذاری مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثرش به *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، به نوعی این نام را برای نظام فلسفی خود برگزید (آشتیانی، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

نظام فلسفی حکمت متعالیه از حیث منابع، به قرآن، حدیث، کلام، عرفان و فلسفه‌های پیشین رجوع می‌کند و از حیث روش، ترکیبی از معرفت قرآنی و عرفانی و شهودی را به کار می‌گیرد. نوآوری‌های حکمت متعالیه را می‌توان از دو حیث دسته‌بندی کرد:

الف) ارائه راه‌های جدید برای حل برخی از مسائل اختلافی میان فیلسوفان؛

ب) بیان مسائل جدید در فلسفه اسلامی و نظریه‌پردازی درباره آن‌ها (همان: ۱۲۰).

## ۵. بحث و نظر

مبانی روش‌شناختی پارادایم اثبات‌گرایی در پنج عرصه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و ارزش‌شناسی با حکمت متعالیه مقایسه و نقد می‌شود.

### ۱-۵. هستی‌شناسی

اصل اساسی هستی‌شناختی پارادایم اثبات‌گرایی مبتنی بر نفی متافیزیک و پندار انحصار علیت در امور مادی (به معنای فلسفی آن) است (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۸۳: ۸۹)؛ در حالی که در حکمت متعالیه، عوامل فرامادی و اصل علیت حقیقی، جایگاه متفاوتی را در مبانی روش‌شناختی دارند.

## ۱-۱-۵. نفی متافیزیک

کانت با نفی مابعدالطبیعه به عنوان قلمرو شناخت، مبنای علم مدرن را شکل می‌دهد (صنمی، ۱۳۸۱: ۳۹) و اثبات گراها بر اساس همین دیدگاه، هستی را منحصر در ماده می‌دانند. در این نگاه، طبیعت دارای نظم و انسجامی است که با تبعیت از قانون علیت عمل می‌کند و این قانون خود با تجربه ثابت می‌شود. علیت از نگاه کانت، یکی از مقولات دوازده گانه در سوژه است که تابع حکم قضیه شرطیه است (کاپلستون، ۱۳۸۴: ۲۵۶/۶). البته علیتی که علم مدرن از آن صحبت می‌کند، غیر از علیتی است که حکمای اسلامی بیان می‌کنند. پس از هیوم، رابطه ضروری میان علت و معلول نفی شد و اساساً علیت چیزی جز تعاقب پدیده‌ها نیست (همان: ج ۵). از نگاه هیوم، از تعاقب همین پدیده‌هاست که قانون شکل می‌گیرد؛ قوانینی که چهارچوب جهان طبیعی را شکل می‌دهند و بر اساس مشاهدات تجربی به دست می‌آیند (نیومن، ۱۳۹۷: ۱۷۲/۱).

## ۱-۲-۱.۵. علت تحقق متافیزیک

انکار واقعیت فراماده و انحصار آن در عالم ماده و نیل به خودبنیادی سوژه، بنیادی‌ترین خطایی است که منشأ شکل‌گیری علوم انسانی مدرن شد (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۸۳: ۱۳۰). بی‌شک وقتی هستی محدود به طبیعت شود، علیت جایگاه اصلی خود را از دست می‌دهد و گرفتار اشکالات فیلسوفانی همچون هیوم می‌شود (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۳). بر خلاف تصور برخی از فیلسوفان مدرن همچون هیوم که پیش‌فرض علیت را عالم ماده می‌پنداشته‌اند، علیت بیان‌کننده حقیقت فرامادی هستی است. آنچه فیلسوفان مسلمان از علیت بیان می‌کنند، بدین نحو است که هر امر ممکن علیتی دارد؛ چرا که وجود و عدم برای آن امر ممکن یکسان است و نیاز به مرجحی دارد که آن را از حالت استوا خارج کند. بنابراین هر ممکنی علیتی دارد. حال علت یا ممکن است یا ممکن نیست. اگر ممکن باشد، خوب نیازمند به علتی است و اگر ممکن نباشد که *علة العلیل* و بی‌نیاز از علت است (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۲۲). از سوی دیگر، هرآنچه در عالم ماده یافت می‌شود، یقیناً ممکن و محتاج علت است؛ پس *علة العلیل* نمی‌تواند در عالم ماده وجود داشته باشد (دهقانی، ۱۳۹۱: ۵۶۵/۲). به بیان فلاسفه مسلمان، اساساً موجودات مادی که



فاقد کمالات موجودات مادی دیگر هستند، نمی‌توانند علت ایجادی آن‌ها باشند. علت ایجادی موجودات مادی، صرفاً فرامادی است و علتی که در میان موجودات مادی است، از نوع علت اعدادی است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۱۱۶/۶، حاشیه علامه طباطبایی).

### ۳-۱-۵. انحصار علل اعدادی در طبیعت

از نگاه حکمای اسلامی، دو نوع علت حقیقی و علت اعدادی وجود دارد (همان: ۱۳۷/۲). علت حقیقی همان علتی است که وجود معلول را به او می‌دهد و او را از حالت استوا خارج می‌کند؛ ولی علت اعدادی صرفاً بستر علت حقیقی را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۵۳/۴). تمام علل در عالم ماده از سنخ علت اعدادی هستند؛ برای مثال، پدر و مادر علل اعدادی هستند که بستر تأثیرگذاری علت حقیقی و نفخ روح در انسان را فراهم می‌کنند و علت ایجادِ نفس انسانی، حقیقتی فرامادی است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، اساساً علتی که در فلسفه مدرن از آن صحبت می‌شود، علت حقیقی نیست و از نگاه فیلسوفان مسلمان، علت اعدادی به حساب می‌آید. بر همین اساس، اشکالات هیوم و امثال او ناظر به علل اعدادی است که روابط عالم ماده را نشان می‌دهند. همچنین از منظر حکما، ملاک نیازمندی معلول به علت، حدوث ذاتی است (ابن سینا، ۱۴۰۳: ۷۷-۷۳) و حدوث زمانی که مورد نقد هیوم قرار می‌گیرد، مورد انتقاد فیلسوفان مسلمان هم بوده است. بنابراین نه‌تنها علت منحصر در عالم ماده نیست، بلکه علت حقیقی نشان‌دهنده وجود عوالم فرامادی است.

### ۲-۵. انسان‌شناسی

مسئله اصلی پارادایم اثبات‌گرایی در انسان‌شناسی، جبر و آزادی انسان و نسبت آن با نظام علت حاکم بر هستی است.

### ۱-۲-۵. جبران‌گرایی انسان

در نگاه اثباتی، انسان موجودی مادی، منفعت‌طلب و لذت‌جوست که صرفاً طبق قوانین علی و معلولی عالم طبیعت عمل می‌کند و از آنجا که علت یکسان، تأثیر مشابه در تمام افراد انسانی می‌گذارد (نیومن، ۱۳۹۷: ۱۷۳/۱)، با کشف علل می‌توان رفتار انسانی

را پیش‌بینی کرد. به بیان دیگر، انسان اسیر محیط مادی است که حاکم بر تمام رفتارهای اوست و اگر دانشمندی بخواهد انسان را پیش‌بینی کند، باید بتواند قوانین حاکم بر زندگی او را شناسایی کند. اثبات‌گرایان تمام وجود انسان را به عالم مادی و فیزیکی فرو می‌کاهند و همان‌طور که روان را به امور فیزیکی تقلیل می‌دهند، به دنبال این هستند که تمام رفتارهای اجتماعی انسان را نیز بر اساس تجربه تبیین کنند (پارسانیا، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

سیطره قانون عام محیط که از رابطه علت و معلولی تبعیت می‌کند و کاملاً ضروری، عمومی، تجربی و مشاهده‌پذیر است، بر انسان و زندگی اجتماعی‌اش سایه افکنده است (فتوتیان، ۱۳۹۱: ۹۳). محرک‌های محیطی بر انسان اثر می‌گذارند و همه نگرش‌ها و گرایش‌های او را تعیین می‌کنند. اثبات‌گرایان بر این باورند که رفتار انسان‌ها یا نهاد‌های اجتماعی، وابسته به اراده و اختیار انسان نیستند و ذیل قوانین علی-معلولی شکل می‌گیرند و به همین جهت، ایده مختار بودن انسان بیشتر شبیه یک افسانه است که علم هنوز آن را کشف نکرده است (نیومن، ۱۳۹۷: ۱/۱۷۴). شاید تعداد معدودی از اثبات‌گرایان به صراحت ایده جبرانگاری مطلق انسان را مطرح کرده‌اند (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۲۵)، ولی لازمه تبعیت از علیت در عالم ماده، پذیرش نوعی جبر در زندگی بشری است.

## ۲-۲-۵. تفاوت جبر با ضرورت

در میان فیلسوفان غرب، دوگانه جدی بین اختیار انسان و پذیرش علیت در عالم وجود دارد؛ به این معنا که اگر علیت را بپذیرند، باید منکر آزادی انسان شوند و اگر اختیار انسان را قبول کنند، علیت را رد می‌کنند. یکی از علت‌های شکل‌گیری این دوگانه، انحصار علیت در عالم ماده است و از آنجا که اکثر موجودات مادی بیرون از بدن طبیعی انسان است، اگر ضرورت و کلیت قوانین عالم را بپذیریم، انسان را مجبور محیط مادی فرض کرده‌ایم؛ چرا که انسان طبیعی، بخشی از عالم طبیعت و تحت تأثیر قوانین علیت در عالم ماده است. از سوی دیگر، اگر بخواهیم منشأ تصمیمات انسان را درونی بدانیم و به آزادی او اذعان کنیم، باید منکر روابط ضروری موجودات مادی شویم.

بر اساس بیان گذشته مشخص شد که دو سنخ رابطه علیت وجود دارد: علیت حقیقی و مابعدالطبیعی و علیت اعدادی، و صرفاً در علل حقیقی ضرورت و وجوب

وجود دارد. از سوی دیگر، فیلسوفان حکمت متعالیه میان ضرورت و جبر تفاوت قائل اند و آنچه در رابطه علت و معلول وجود دارد، جبر نیست، بلکه ضرورت است؛ چرا که اساساً جبر اثرگذاری یک عامل بیرونی است که اراده و اختیار انسان را سلب می‌کند، ولی علت حقیقی، حقیقتاً عامل بیرونی نسبت به معلول محسوب نمی‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۲۴۶/۳-۲۴۹). به بیان دیگر، معلول وجود متباین از علت حقیقی خود ندارد که چنین برداشت شود علت از بیرون بر معلول خود اثر می‌گذارد و اساساً علت، باطنی‌ترین مرتبه معلول و معلول ظهور علت خودش است (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۰۴). به بیان شهید مطهری، علت حقیقی انسان همان من‌عالی و الهی اوست که در مرتبه مادی تجلی یافته است و من‌دانی او را ظاهر کرده است. بر این اساس، علت انسان یا من‌الهی او اساساً امری بیرون محسوب نمی‌شود که تبعیت از آن، نشان‌دهنده جبر عوامل فرامادی بر انسان تلقی شود (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۶۷/۱۵).

### ۳-۲-۵. پندار آزادی

تمام عوامل طبیعی که به عنوان جبر محیطی از آن یاد می‌شود، از سنخ علل اعدادی هستند که اولاً ضرورت و وجوب ندارند و صرفاً بستر ظهور علت حقیقی را فراهم می‌کنند و ثانیاً خود تحت تأثیر علل حقیقی فرامادی هستند. لذا محیط هیچ‌گاه انسان را مجبور نمی‌کند؛ بلکه اثرگذاری را فراهم می‌کند و البته انسان‌ها خودشان در شکل‌گیری این علل اعدادی بسیار مؤثرند. طبیعتاً اگر انسان علل اعدادی را فراهم کرد، ضرورتاً علت فاعلی ایجاد می‌کند. در این شرایط دیگر نمی‌توان انسان را مجبور محیط دانست، بلکه خود انسان‌ها عوامل محیطی را فراهم می‌کنند؛ برای مثال، انسان با اراده‌ی خویش دستش را به سوی آتش می‌برد که این از عوامل اعدادی محسوب می‌شود، ولی اگر دست و آتش در وضعیت خاصی نسبت به هم قرار بگیرند، بالضروره دست می‌سوزد و این، لازمه حقیقت عوامل اعدادی است که انسان خود فراهم کرده است (همو، ۱۳۹۶: ۷۲).

### ۳-۵. معرفت‌شناسی

محوری‌ترین مباحث مبنایی که در مسائل روش تأثیر مستقیم داشته است، مبنایی معرفت‌شناختی است. به همین جهت، این قسم را بیشتر توضیح خواهیم داد و تلاش

می‌کنیم نسبت پارادایم اثبات‌گرایی با مبانی معرفت‌شناسی را به خوبی نقد و بررسی کنیم.

### ۵-۳-۱. مطابقت یا عدم مطابقت

از منظر اثبات‌گرایان، ذهن همچون لوح سفیدی است که از هر گونه اطلاعات پیشینی خالی است و صرفاً پدیده‌ها در آن منعکس می‌شوند. ذهن صرفاً متأثر از محسوسات خارجی است و فاعل شناسا نقش حداقلی در تولید علم دارد (طالعی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴). در این نگاه، هیچ ایده ذاتی برای ذهن وجود ندارد و ذهن آدمی صرفاً شبیه ماشینی است که وظیفه‌اش تنظیم و تطبیق داده‌ها با واقعیت است. در نگاه اثبات‌گرایی، معرفت باور صادق موجه است؛ بدین معنا که معرفت فاعل شناسا مطابق با واقع باشد و به این معرفت یقین داشته باشد و دلیل کمی و قابل آزمونی هم برای باور صادق خود داشته باشد تا موجه شود و علم شکل بگیرد (فتوتیان، ۱۳۹۱: ۹۰).

هرچند که تمام ادعای اثبات‌گراها مبتنی بر مطابقت ذهن با عین شکل گرفته است، ولی باید بپذیرند که مبانی کافی برای تبیین این مطابقت ندارند و اگرچه این جریان خود را تابع کانت می‌داند، ولی شبهه کانت پیرامون مطابقت ذهن و عین، دامن آن‌ها را گرفته است و در عرصه معرفت‌شناختی گرفتار شده‌اند. پرسش اصلی کانت این است که چگونه انسانی که از زاویه ذهن خود به خارج می‌نگرد، می‌تواند مطابقت ذهن با عین را تشخیص دهد؟ مگر ممکن است که انسان از ذهن خود فراتر رود و فارغ از ذهن خود، عین خارجی را ببیند و حکم به وجود عین خارجی و مطابقت ذهن با عین کند؟

از نگاه فیلسوفان غربی، این پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده است، ولی از منظر حکمای اسلامی، این شبهه از اساس منحل است؛ چرا که فیلسوفان حکمت متعالیه، حقیقت ذهن را مادی نمی‌دانند؛ بلکه مرتبه‌ای از مراتب نفس انسانی می‌دانند که مجرد از ماده و فراتر از بدن مادی است (اکبری و راستیان، ۱۳۹۲: ۵۷). در واقع، نفس مجرد از ماده است و بر خلاف تصور عموم انسان‌ها، نفس در بدن انسانی محبوس نیست و صرفاً به آن تعلق دارد و بر همین اساس، هر جا که نفس توجه کند، آنجا حاضر می‌شود. زمانی که انسان به موجود خارجی نگاه می‌کند، نفس آنجا حاضر می‌شود و به نحو حضوری، آن موجود را درک می‌کند و در این لحظه، انسان صرفاً تصویری از موجود

خارجی را به علم حصولی مشاهده نمی کند، بلکه به نحو حضوری آن را می یابد و البته ذهن انسان، صورت شیء خارجی را در خود انشاء می کند و مفهوم شیء خارجی نزد انسان حاضر می شود (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۲۳۹). بنابراین اساساً علم انسان به خارج صرفاً از سنخ علم حصولی و مفهومی نیست که شبهه کانت طرح شود که آیا ذهن با عین مطابقت دارد یا خیر؛ بلکه از سنخ حضور است که در آنجا ذهن و عین با هم متحد هستند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۳/۳۱۳-۳۲۰).

### ۵-۳-۲. اصالت تجربه

از نگاه پارادایم اثبات گرایی، صرفاً علمی موجه هست که از طریق تجربه به دست آمده باشد؛ چرا که تنها منبع معرفت انسانی طبیعت است و انسان صرفاً به واسطه قوای پنج گانه حس می تواند واقعیت را درک کند. غلبه نگاه علم مدرن در جامعه، آن قدر زیاد است که اکثر انسان ها علم را مساوی با تجربه می دانند (نیومن، ۱۳۹۷: ۱/۱۶۹) و سایر معارف بشری از جمله دین، عرفان و فلسفه را مهملائی بیش نمی دانند که انسان را از علم دور می کنند. کلیدواژه های علمی و مهمل به پوزیتیویست ها اجازه می داد که هر چیزی را که فراتر از احساس آن ها بود یا به مشاهده و تجربه آن ها در نمی آمد، مردود بدانند. به همین خاطر، هرآنچه مربوط به متافیزیک و ماوراءالطبیعه بود، مهمل، بی معنا و دست نیافتنی نامیده شد. در بهترین حالت، گزاره های غیر تجربی می توانند به عنوان پیش فرض ها یا در نهایت فرضیه هایی باشند که در بوته آزمایش باید سنجیده شوند. در این دیدگاه، معارف غیر تجربی صرفاً وظیفه هموار کردن راه برای علوم تجربی را دارند و خودشان به صورت مستقل علم محسوب نمی شوند (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۲۹).

### ۵-۳-۳. حقیقت علم و اقسام آن

مبتنی بر حکمت متعالیه، حقیقت علم حضور است و منشأ این حضور، قلب انسانی است که در مقام تعلیم اسماء و در نشئه لاهوتی قرار دارد و حقیقی ترین حقایق عالم در آن مرتبه کشف می شود (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۵/۱۹۵). قلب که منشأ اسماء الهی است، به واسطه تزکیه و طهارت نفس به دست می آید. دیگر منابع علمی انسان از جمله عقل، مثال و طبیعت هستند که به واسطه برهان، عرفان و تجربه به ادراک انسان درمی آیند.

در علوم تجربی نیز صرف ادراک حسی کفایت نمی‌کند و نیازمند حضور یک برهان عقلی است تا تجربه یک علم محسوب شود. علم تجربه به دنبال رسیدن به گزاره‌ای حقیقی است؛ گزاره‌ای فرازمان و فرامکان که یک حکم کلی و ثابت و ضروری را نشان می‌دهد و آنچه صرفاً حس و استقراء می‌تواند تشخیص دهد، گزاره‌های واقعی است که در زمان و مکان خاص رخ می‌دهند. کارکرد عقل این است که بتواند علت گزاره‌های واقعی را کشف کند و بر اساس آن، گزاره حقیقی را بیان کند. حتی برای جریان‌های تفسیری که منکر قوانین ثابت و کلی در علوم انسانی هستند و کشف نیت و افکار جوامع بشری را محور پژوهش خودشان قرار داده‌اند، حس و استقراء به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ چرا که رسیدن به نیت و افکار جوامع با صرف مشاهده به دست نمی‌آید و نیازمند حضور عقل انسانی است که از مجموع شواهد بتواند یک گزاره باطنی را که منشأ رفتارهای یک جامعه شده است، بیان کند.

از نگاه فیلسوفان حکمت متعالیه، علم به دنبال کسب گزاره‌های حقیقی است و البته تنها راه شناخت گزاره‌های حقیقی، فهم علت حقیقی حکم است. از نگاه حکمای حکمت متعالیه، انسجام علم بر اصول عقلی و بدیهی همچون امتناع تناقض و سنخیت علت و معلول مبتنی است (جمال‌زاده و حاجی‌حیدری، ۱۴۰۰: ۱۲۴). آنچه در علوم به عنوان علت یک رخداد در علوم تجربی یا علوم انسانی مطرح می‌شود، از نگاه یک حکیم مسلمان، علل اعدادی محسوب می‌شود. در علوم تجربی، علل اعدادی که بستر تأثیرگذاری علل حقیقی هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بدین نحو که در مطالعات آزمایشگاهی، اگر اثرگذاری پدیده‌ای دائمی و اکثری بود، به عنوان علت اعدادی اثرگذار شناخته می‌شود که بستر علل حقیقی را فراهم می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۳۷۶-۳۷۷). بنابراین علوم تجربی به هیچ عنوان نمی‌تواند علت ایجاد پدیده‌ها را کشف کند و صرفاً به علل اعدادی می‌پردازد. همچنین علوم تجربی نمی‌تواند بدون قوه عاقله از طریق اثرگذاری دائمی و اکثری، علل اعدادی را کشف کند.

#### ۴-۵. جامعه‌شناختی

هرچند شناخت جامعه دارای سطوح و لایه‌های متفاوتی است، ولی در این قسمت

صرفاً به مبانی هستی‌شناسی حیات‌های اجتماعی پرداخته می‌شود. یکی از تفاوت‌های اصلی پارادایم اثباتی، به نحوه وجود حیات اجتماعی انسان بازمی‌گردد. در این قسمت، واقعیت یا برساخت بودن جامع، حقیقی یا اعتباری بودن جامعه و در نهایت وحدت یا کثرت جوامع تقریر می‌شود.

#### ۱-۴-۵. جامعه؛ واقعیت یا برساخت

در نگاه اثباتی، علوم انسانی همچون علوم طبیعی ناظر به اجتماعات و ساختارهای عینی بحث می‌کند که فارغ از فاعل شناسا تحقق خارجی دارد و در فرایند پژوهش می‌توان قوانین طبیعی حاکم بر آن را کشف کرد و همچون طبیعت، متعلق شناخت قرار می‌گیرد (نیومن، ۱۳۹۷: ۱/۱۷۲-۱۷۳). این جریان واقعیت را یا به صورت فردگرایانه و اتمیستی یا به صورت کل‌گرایانه و در قالب نظریه‌های سیستمی و کارکردگرا تبیین می‌کند.

در نگاه اثبات‌گرایان، قوانین علی-معلولی حاکم در جهان مادی، بر واقعیت اجتماعی نیز حاکم است. از آنجا که آن‌ها قوانین حاکم بر عالم ماده را یکسان، کلی و ضروری می‌دانند، نمی‌توانند کثرت جوامع را توضیح دهند و بدتر از آن، پیرامون ماهیت جوامع به شدت سطحی و غیر دقیق تحلیل می‌کنند. از سوی دیگر، تفسیری‌ها با انکار هستی، واقعیت اجتماع و برساخت بودن واقعیت اجتماعی، گرفتار یک کثرت بی‌حد و مرز می‌شوند که هیچ وحدتی در آن نیست.

#### ۲-۴-۵. جامعه از اعتبار تا حقیقت

از منظر حکمای اسلامی، اجتماع دارای دو سطح است؛ سطحی حقیقی و فرامادی که ثابت و ضروری و کلی است، و سطحی اعتباری که در عالم ماده محقق می‌شود و متکثر و جزئی و نسبی است. به بیان دیگر، از نگاه فیلسوفان حکمت متعالیه، هم جامعه اصالت دارد و هم فرد؛ جامعه از آن حیث که یک حقیقت جمعی فرامادی است، واقعیت دارد و افراد از آن حیث که در عالم ماده حضور دارند و با اراده و اختیار خودشان رفتارها و تعاملاتی انجام می‌دهند (بوذری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۲). از آنجا که حقیقت جمعی جامعه، حقیقت و باطن حیات اجتماعی دنیوی است و هر باطن در ظاهر حضور دارد، آن حقیقت در واقعیت اجتماعی حضور دارد.

بر همین اساس، علاوه بر تعاملات فردی که بسیار متکثر و متنوع است، یک همگرایی در افراد جامعه وجود دارد و لذا می‌توان در عین پذیرش تحقق خارجی واقعیت جامعه و قوانین حاکم بر آن، تکثر تعاملات اجتماعی را پذیرفت؛ با این تفاوت که این قوانین ثابت، به حقیقت فرامادی جوامع مربوط می‌شوند که حقیقت جوامع را نشان می‌دهند و دارای اصالت هم هستند. به بیان دیگر، جامعه در مقام حقیقی و فرامادی اش اصیل و حقیقی است، ولی در مقام دنیوی، اعتباری است. رابطه باطن و ظاهر جامعه، همچون رابطه نفس و بدن انسان است. نفس هر انسانی تمام کمالات مطلوب را به نحو اندماجی داراست، ولی به واسطه بدن و قوای جسمانی اش تفصیلاً به ظهور می‌رسد. به همین خاطر، هرچند که نفس، باطن و حقیقت بدن مادی است، ولی در مقام ظهور کمالات به بدن نیاز دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۸۷-۸۸). حقیقت جامعه هم که امری تکوینی است، حقیقت اجتماع است و جامعه اعتباری با تعاملات افراد جامعه، زمینه ظهور کمالات آن جامعه را فراهم می‌کند. همچنین همان طور که انسان در ابتدای حدوثش جسمانی است و در ادامه به مقام روحانیت می‌رسد، جامعه نیز در ابتدا اعتباری است که به واسطه همین اعتبارات، زمینه ظهور حقیقت جامعه را فراهم می‌کند.

### ۳-۴-۵. جامعه از کثرت تا وحدت

بنابراین هرچند که جامعه حقیقی، تمام کمالات انسانی را داراست، ولی جامعه اعتباری بستر ظهور آن حقیقت را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، انسان‌ها با یکدیگر تعاملات مختلفی دارند و به تعبیر تفسیری‌ها، اجتماعات تجربه‌های زیستی مختلفی دارند. این تنوع جوامع انسانی نشان می‌دهد که انسان‌ها مختار هستند و هر کدام با افرادی، تعاملات اختیاری و هدفمندی را شروع می‌کنند و از آنجا که این تعاملات با اراده و در راستای رسیدن به اهداف خاصی است، به تدریج دارای روح جمعی واحدی می‌شوند؛ روحی که دلالت بر حقیقت جامعه انسانی دارد. حال اگر این جامعه به دنبال تحقق اهداف متعالی انسان باشد، مظهر جامعه توحیدی می‌شود؛ ولی اگر به دنبال تحقق اهداف حیوانی است، مظهر جامعه کفر می‌شود.

بر اساس نگاه حکمای اسلامی، جامعه در باطن خود اصیل است و منشأ قوانین



ثابت، کلی و ضروری در اجتماع است و بر خلاف اثبات‌گرایان که این ضرورت و کلیت را به قوانین مادی نسبت می‌دهند، این قواعد به نظام علیت فرامادی بازمی‌گردد. همچنین از منظر فیلسوفان حکمت متعالیه، جامعه در سطح ظاهری خود کاملاً اعتباری است و افراد جامعه طبق اصل اعتبار استخدام برای پاسخ به نیازهای مادی و معنوی خود به سمت جامعه حرکت می‌کنند و از آنجا که نیازهای انسان متفاوت و متکثر است، جوامع متنوعی شکل می‌گیرند که مستقل از انسان استقلالی ندارند و با اعتبار انسان‌ها شکل می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). از نظر فلاسفه اسلامی، مبدأ و غایت شکل‌گیری جامعه صرفاً نیازهای مادی و حیوانی نیست و نیازهای فطری که در تمام انسان‌ها مشترک است، می‌تواند مبدأ تعاملات اجتماعی باشد. بنابراین در ضمن پذیرش تنوع جوامع می‌توان به یک همگرایی در جوامع انسانی حکم کرد که حاکم بر تمام اجتماعات بشری است و انسان را به سوی ظهور جامعه توحیدی سوق می‌دهد.

### ۵-۵. ارزش‌شناسی

مسئله ارزش و نسبت آن با علم، زمانی مطرح شد که اثبات‌گرایان پرداختن به ارزش‌ها در فرایند علمی را محل رشد علم می‌دانستند و به همین جهت، ارزش را از علم تفکیک کردند. در این قسمت، معنای حقیقی ارزش‌ها و اقسام آن بیان می‌شود.

### ۵-۵-۱. رهایی ارزش‌ها

اثبات‌گرایان بر این باورند که علم صرفاً مربوط به واقعیت‌های مادی است که ذیل قوانین کلی و ضروری شکل می‌گیرند؛ ولی ارزش‌ها که ناظر به باید‌ها و نبایدهای شخصی، متغیر و نسبی انسان‌ها هستند، ذیل قوانین کلی و ضروری قرار نمی‌گیرند و به همین خاطر، گزاره‌های ارزشی معنادار و علمی نیستند. به بیان دیگر، مفاهیم خیر و شرّ و خوبی و بدی و حق و باطل، از مفاهیم بی‌معنا هستند که ذیل قواعد علمی قابل تبیین نیستند؛ بلکه هر کدام دلالت بر یک گرایش شخصی می‌کند. بر همین اساس، هر یک از مفاهیم کلیدی اخلاقی بر یک گرایش شخصی دلالت دارد؛ مثلاً خیر بر لذت، و شر بر درد دلالت می‌کند و خوب و بد نشان‌دهنده شادی و غم هستند. همان‌طور که اثبات‌گراها تلاش می‌کنند تا پدیده‌های اجتماعی را به صورت فیزیکی تبیین کنند،

همچنین به دنبال تقلیل ارزش‌های انسانی به امور مادی نیز هستند (پارسانیا، ۱۳۹۰: ۲۶). تجربه‌گرایان با فروکاستن ارزش‌ها به امور طبیعی صرفاً به تبیین علل مختلف صدور گزاره‌های ارزشی از جانب افراد می‌پردازند. بر این اساس، عبارت «ظلم بد است» از نظر یک اثبات‌گرا، یک جمله نامعقول و بی‌معناست؛ ولی عبارت «اکثر مردم از ظلم بدشان می‌آید»، یک گزاره علمی است که قابل بررسی تجربی است و در نهایت، عقل در چنین گزاره‌ای حکم می‌کند که انسان باید به امیال و گرایش‌هایش پاسخ مناسب دهد (تقی‌لو، ۱۳۹۰: ۶۱). بر همین اساس، الگوی هدف - وسیله از سوی پوزیتیویست‌ها مطرح شد. طبق این الگو، واقعیت تجربی امری واحد و قابل مشاهده همگانی است و ارزش‌ها چندگانه، متکثر و محل مناقشه هستند و در نتیجه، واقعیت‌های تجربی چیزی درباره ارزش‌ها به ما نمی‌دهند. پژوهشگر باید بتواند ضمن تفکیک بین ارزش‌ها و اهداف، از واقعیت به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند (مدنی‌فر و باقری، ۱۳۹۶: ۵۲).

در واقع اثبات‌گرایان ارزش‌ها را شخصی و غیر قانونمند می‌دانند و برای کشف قوانین ثابت به دنبال حذف ارزش‌های انسانی هستند (نیومن، ۱۳۹۷: ۱۹۴/۱).

## ۵-۲. حقیقت ارزش‌ها

فیلسوفان حکمت متعالیه بر خلاف اثبات‌گرایان بر این باورند که ارزش‌ها گزاره‌های اعتباری هستند که منشأ حقیقی و فرامادی دارند و منشأ شکل‌گیری رفتارهای انسانی هستند. معیار ارزش در درجه نخست، حسن و قبح عقلی است؛ یعنی عقل می‌تواند ملاک خوبی و بدی افعال اختیاری آدمی را بشناسد. بنابراین حکم به خوبی و بدی بعضی از افعال، مانند خوبی عدل و بدی ظلم، مورد پذیرش همه عقلاست. در نتیجه، ارزش‌افعالی که ریشه در فطرت انسانی دارند و بدون هیچ قید و شرطی با هدف اصلی و مطلوب نهایی آدمی، یعنی کمال او، ارتباط دارند، تغییرناپذیرند و عقل نیز توانایی درک آن‌ها را داراست و قادر است رابطه بین فعل و نتیجه مطلوبش را کشف کند.

ارزش‌ها انواع و مراتب مختلفی دارند و به شکل سلسله‌مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی ارتباط دارند. غایت زندگی در واقع، همان ارزش نهایی است که منشأ تمامی

ارزش‌های دیگر است و همه ارزش‌ها منشأ و معنای خود را از غایت زندگی کسب می‌کنند. از آنجا که خداوند از حیث وجودی، خیر بنیادین و بنیاد هر خیر است، قرب به خداوند دارای ارزشمندی مطلق است که روح تمام ارزش‌های انسانی محسوب می‌شود. بر همین اساس، خداوند ارزش غایی خلقت انسان است و همه امور و افعالی که در مسیر قرب خدا و رضوان الهی قرار می‌گیرند، ارزش ابزاری هستند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۱۳۶-۱۴۴).

### ۵-۳. ارزش‌های مطلق و نسبی

ارزش‌های انسانی را می‌توان به ارزش‌های مطلق و نسبی دسته‌بندی کرد. مطلق بودن ارزش‌ها، ثبات کامل آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف به دنبال دارد؛ یعنی برخی ارزش‌ها می‌توانند به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی معتبر باشند و به طور مطلق با ارزش تلقی گردند؛ یعنی همیشه و در همه جا با ارزش‌اند. پاره‌ای از ارزش‌ها نیز تنها با توجه به شرایط و موقعیت‌های خاص، ممکن است مطلوب واقع گردند. ارزش‌های نسبی در بستر زمان و مکان دگرگون می‌شوند و اعتبارشان تاریخی یا جغرافیایی است و از آنجا که وابسته به موقعیت زمانی و مکانی عامل هستند، با تغییر موقعیت، ارزش‌ها نیز تغییر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

### ۶. یافته‌های پژوهش

طبیعتاً مبانی هستی‌شناسی پارادایم اثبات‌گرایی پیرامون انسان و جامعه و به تبع آن در معرفت و ارزش، خودش را نشان می‌دهد. نتیجه این مبانی خودش را در روش‌های پژوهشی ظهور می‌دهد. اثبات‌گرایان به شدت در روش‌های پژوهشی در علوم انسانی همگرا می‌شوند و به طور جازم بر تجربه‌گرایی تأکید دارند. در حالی که بر اساس مبانی حکمت متعالیه، یک تنوع همگرای روشی در عرصه پژوهش در علوم انسانی وجود دارد که ذیل روش مجتهدانه ظهور می‌کند.

### ۱-۶. همگرایی روشی

از آنجا که اثبات‌گراها تنها منبع معرفت را طبیعت و تنها ابزار کشف واقعیت را قوای

حسی می‌دانند، قائل به وحدت روشی در تمام علوم از جمله علوم انسانی هستند. تنها راه تشخیص علم از غیر علم به پیروی تمام علوم از روش تجربی برمی‌گردد. در نگاه اثبات‌گراها، علوم انسانی همچون علوم طبیعی از روش‌های استقرایی و تجربی استفاده می‌کنند (نیومن، ۱۳۹۷: ۱۷۷/۱-۱۷۸). بر اساس همگرایی مطلق روشی پوزیتیویست‌ها، پژوهش‌های علوم انسانی باید همچون علوم طبیعی در پی تبیین و رسیدن به روابط علی و معلولی باشند و در نهایت با کاربردی کردن دانشی که محصول تجربه است، به دنبال تغییر وضع موجود برای رسیدن به موقعیت مطلوب باشند. منظور از تبیین، کشف روابط علی و معلولی در علوم انسانی و پیش‌بینی موقعیت‌های مشابه در آینده است که تحت قالب قانون بیان می‌شود (همان: ۱۷۱/۱).

در همین راستا، اثبات‌گراها برای پژوهش در حوزه علوم انسانی، از الگوی هدف - وسیله استفاده می‌کنند. در این الگو، تلاش بر این است که کنش‌های انسانی مورد بررسی قرار گیرد و با کشف قوانین حاکم در علوم انسانی بتوانند فرایند رسیدن به اهداف مطلوب را ترسیم کنند (باقری، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). برای مثال، یادگیری هدفی است که از فرایند تدریس حاصل می‌شود. پژوهشگر فرایندهای مختلفی را در تدریس بررسی می‌کند تا بتواند همبستگی بین تدریس و یادگیری را نشان دهد. محوری‌ترین رویکرد در عرصه پژوهش‌های علوم انسانی اثباتی، روش‌های کمی است. در روش‌های کمی که با فرضیه شروع می‌شود، پژوهشگر پرسش‌نامه طراحی شده در جامعه آماری خود را طرح و داده‌های مطلوب خود را جمع‌آوری می‌کند و مبتنی بر ابزارهای تحلیل، روش‌های آماری و جداول توصیفی داده‌های به دست آمده را تحلیل می‌کند.

## ۲-۶. تنوع همگرای روشی

از نگاه حکمای اسلامی می‌توان علت حقیقی رخدادهای علمی را کشف کرد؛ ولی نه از طریق تجربه که اساساً با علل اعدادی سروکار دارد. فهم علل حقیقی، راهی جز عبور از زمان و مکان و به تبع آن، درک علل فرامادی ندارد و اساساً مشاهدات و تجربه در زمان و مکان رخ می‌دهد و همان‌طور که بیان شد، علل اعدادی بستر تأثیرگذاری علل حقیقی در گذشته و حال و آینده را نشان می‌دهد، ولی اساساً نمی‌تواند

خود علت حقیقی را کشف کند. در گزاره‌های عقلی محض که در فلسفه مورد بررسی قرار می‌گیرند، علل حقیقی کشف می‌شوند و از این جهت، فلسفه یک علم محسوب می‌شود؛ ولی چون فیلسوف با کلیات سروکار دارد، در امور جزئی نمی‌تواند علت حقیقی را نشان دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۹).

راه دیگر کشف گزاره‌های حقیقی با کشف و شهود مستقیم نسبت به حقایق الهی عالم شکل می‌گیرد. در این روش، پژوهشگر به مباحث نظری اکتفا نمی‌کند و فهم سالکانه‌ای نسبت به گزاره‌های حقیقی به دست می‌آورد (یثربی، ۱۳۹۹: ۳۵). ولی از آنجا که این روش شخصی است و حیثیت بین‌الذلهانی آن مخدوش است، یا باید در قالب ادله عقلی و به صورت برهانی بیان شود و یا با استمداد از آیات و روایات تبیین شود. در غیر این صورت، حجیتی برای افراد دیگر که مشاهده نکرده‌اند، ندارد.

بنابراین بر خلاف علم مدرن که روش تجربی را تنها روش کشف واقع معرفی می‌کند و مابقی معارف را به عنوان پیش‌فرض یا فرضیه می‌پذیرد، فلسفه و دین هم می‌توانند علم محسوب شوند که البته با روش‌های خاص خودشان باید مورد بررسی قرار گیرند (نصر و شریفیان، ۱۳۸۶: ۱۵).

به بیان دیگر، علم دارای انواع و اقسامی است و عقل، نقل و تجربه، از مصادیق این علم هستند که هر کدام روش خاص و کارکرد خودشان را دارند و حجیتشان به علم دیگری وابسته نیست. بر همین اساس، پژوهشگر در پژوهش‌های علوم انسانی می‌تواند از ادله عقلی و نقلی و تجربی استفاده کند و از آنجا که هر کدام جایگاه و نقطه اثری دارند، می‌توانند مکمل همدیگر در پژوهش‌های علوم انسانی محسوب شوند.

از آنجا که موضوع علوم انسانی، انسان است و انسان دارای دو سطح حقیقی و اعتباری است، باید از تمام ظرفیت روش‌های پژوهشگری استفاده کرد. در سطح حقیقی، قوانین عقلی و نقلی به پژوهشگر کمک می‌کند که قواعد عام و کلی انسان‌شناسی را درک کند و مبدأ نیازهای مادی و معنوی انسان و اهداف غایی او را بشناسد. به بیان دیگر، عقل و نقل مسیر رسیدن به گزاره‌های حقیقی نسبت به انسان را فراهم می‌کنند که در مسیر پژوهش در علوم انسانی بسیار مفید و مؤثر هستند. سطح اعتبارات که البته مبتنی بر حقیقت انسان است و ظاهر حقایق او را نشان می‌دهد، دارای دو قسم است؛

قسم اول مربوط به شریعت است که سازوکار تعالی انسان‌ها را بیان کرده است و با رجوع به آن، پژوهشگر علوم انسانی باید بتواند مسائل شرعی را فهم کند. قسم دوم مربوط به تجربه است و به پژوهشگر کمک می‌کند تا به واسطه تحقیق‌های کمی و کیفی، اقتضانات محیطی، فرهنگی و جغرافیایی جوامع مختلف بشری را بهتر درک کند و با طراحی راهکارهای مناسب با نیازهای زمانی و مکانی و متناسب با نیازهای حقیقی انسان، مسیر رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را برای انسان‌ها هموار کند.

### نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که پژوهشگر علوم انسانی در نگاه حکمت متعالیه، یک فرایند اجتهادی را باید طی کند؛ یک حرکت علمی دَوْرانی بین عقل و نقل تا فهم جامعی نسبت به انسان و احکام حقیقی و اعتباری او به دست آورد و همچنین یک چرخه علمی بین مبانی و تجربه تا بتواند متناسب با شرایط متنوع فرهنگی و جغرافیایی، بهترین روش‌های متناسب با جامعه خود را از مبانی استخراج کند. هرچند پژوهشگر در این نگاه به دنبال کشف گزاره‌های کلی است، ولی این گزاره‌ها اولاً فقط از تجربه به دست نمی‌آید و ثانیاً به تنوع افکار و نیات انسان‌ها در جوامع بی تفاوت نیست. همچنین پژوهشگر به دنبال تحول دائمی و انقلاب جوامع به سمت کمال مطلوب دنیوی و اخروی است که با نقد و اصلاح پیوسته انسان رخ می‌دهد. نیز باید توجه داشت که پژوهش‌های کیفی و کمی که در تجربه به کار گرفته می‌شوند، لزوماً رابطه انحصاری با مبانی خود ندارند؛ به این معنا که روش‌های کمی صرفاً از مبانی اثباتی، و روش‌های کیفی صرفاً از مبانی تفسیری استنباط می‌شوند و با توجه به مبانی حکمی می‌توان در دو سطح از آن‌ها استفاده کرد: سطح جزئی که در آن بر تمایز انسان‌ها و ویژگی‌های متمایز آن‌ها در علوم انسانی تمرکز می‌شود که در این سطح روش‌های کیفی پاسخگو هستند، و سطح کلان که به ویژگی‌های عمومی جامعه در علوم انسانی توجه می‌شود که در این سطح روش‌های کمی مفید هستند. بنابراین روش‌های کمی و کیفی بر اساس مبانی حکمی، مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند که در فرایند تجربه به پژوهشگر کمک می‌کنند تا فضای واقعی جامعه خود را فهم کند.

## کتاب‌شناسی

۱. آشتیانی، سیدجلال‌الدین، *منتخبانی از آثار حکمای الهی ایران (از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر)*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳ ش.
۲. ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، *المبدأ والمعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
۳. اکبری، رضا، و ابراهیم راستیان، «امتناع تعریف حقیقی بر اساس مبانی وجودشناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی ملاصدرا»، *دوفصلنامه پژوهش‌های هستی‌شناختی*، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۴. باقری، خسرو، *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ ش.
۵. بنتون، تد، و یان کرایب، *فلسفه علوم اجتماعی؛ بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد، چاپ نهم، تهران، آگاه، ۱۳۹۸ ش.
۶. بوذری‌نژاد، یحیی، کیوان سلیمانی، و الهه طالب‌زاده، «فرد و جامعه؛ کشاکش آراء فلاسفه معاصر مسلمان»، *دوفصلنامه آموزه‌های فلسفه اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۷. پارسانیا، حمید، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۰ ش.
۸. همو، *علم و فلسفه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۹. تقی‌لو، فرامرز، «مبانی و مسائل فرانظریه سیاسی پوزیتیویستی»، *فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، سال چهارم و یکم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۱۰. جمال‌زاده، محمدحسین، و حامد حاجی‌حیدری، «بررسی تطبیقی دیدگاه انتقادی شهید مطهری و هابرماس به پوزیتیویسم»، *دوفصلنامه آموزه‌های فلسفه اسلامی*، سال شانزدهم، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *شریعت در آینه معرفت (بررسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت)*، قم، اسراء، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین، *پوزیتیویسم منطقی؛ رهیافتی انتقادی*، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸ ش.
۱۳. دهقانی، محسن، *فروع حکمت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۱۴. راستیان، ابراهیم، «نظریه اعتباریات، امتداد حکمت متعالیه در علوم انسانی»، *فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدررا*، سال نهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۹ ش.
۱۵. سیدامامی، کاووس، *پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)*، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۹۱ ش.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، حاشیه علامه طباطبائی، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۷. همو، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیه*، مشهد، مرکز الجامعی للنشر، ۱۳۶۰ ش.
۱۸. صنمی، علی‌اصغر، «فلسفه‌های پوزیتیویسم؛ باورها و ارزش‌ها»، *مجله حوزه*، سال نوزدهم، شماره‌های ۱۰۹-۱۱۰، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. طالعی اردکانی، محمد، «پیش‌فرض‌های علم از دیدگاه پوزیتیویسم و ملاصدرا؛ بررسی مقایسه‌ای»، *ماهنامه معرفت*، سال بیست و یکم، شماره ۱۷۵، ۱۳۹۱ ش.

۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *اصول فلسفه رئالیسم*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. همو، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقدمه و پاورقی مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۴ ش.
۲۲. همو، *الرسائل التوحیدیه*، بیروت، مؤسسة النعمان، ۱۴۱۹ ق.
۲۳. همو، *نهایة الحکمه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. عبداللهی، نرجس، «مقایسه مبانی هستی‌شناختی علوم انسانی از دیدگاه حکمت متعالیه و پوزیتیویسم»، *فصلنامه فرهنگ پژوهش*، سال هفتم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۲۵. فتوتیان، علی، و حسن عبدی، «بررسی رابطه انسان‌شناسی و روش‌شناسی در پارادایم‌های اثبات‌گرایی و رئالیسم انتقادی»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال سوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۲۶. کاپلستون، فردریک چارلز، *تاریخ فلسفه: از ولف تا کانت (جلد ششم)*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
۲۷. کچویان، حسین، و جلیل کریمی، «پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی (مطالعات جامعه‌شناختی جدید)*، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۵ ش.
۲۸. لکزایی، رضا، «تأثیر حکمت متعالیه در علوم انسانی اسلامی»، *فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا*، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۲۹. محمدپور، احمد، *روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹ ش.
۳۰. مدنی‌فر، محمدرضا، و خسرو باقری، «تبیین ماهیت عمل تربیتی از منظر الگوی هدف - وسیله»، *دوفصلنامه فلسفه تربیت*، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، *انسان و سرنوشت*، تهران، صدرا، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. همو، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، ۱۳۸۷ ش.
۳۳. نصر، احمدرضا، و فریدون شریفیان، «رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی در پژوهش‌های تربیتی»، *فصلنامه حوزه و دانشگاه (روش‌شناسی علوم انسانی)*، سال سیزدهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۳۴. نیومن، ویلیام لاورنس، *روش‌های پژوهش اجتماعی (رویکردهای کمی و کیفی)*، ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، تهران، ترمه، ۱۳۹۷ ش.
۳۵. یشربی، یحیی، عرفان نظری (تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف)، ویرایش دوم، چاپ هشتم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۹ ش.



# خوانش سرمایه اجتماعی در مکتب دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب\*

- محمود رسولی<sup>۱</sup>
- مریم رحمانی<sup>۲</sup>

## چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در ارتباط با یک کشور، مسئله حفظ امنیت آن و دفاع در برابر تهدیدات مختلف می‌باشد. در گذشته، امنیت هر جامعه فقط با قدرت نظامی و سلاح و تجهیزات سنجیده می‌شد؛ اما امروزه تنها قدرت تسلیحاتی برای جوامع امنیت نمی‌آورد، بلکه با استفاده از ابزارهای دیگری همچون «قدرت نرم» نیز می‌توان در جامعه امنیت‌سازی کرد و به دفاع در برابر تهدیدات پرداخت. این بعد جدید از قدرت، اگرچه ادبیات آن توسط اندیشمندان غربی مانند جوزف نای نظریه‌پردازی شده است، با وجود این، زیربنای نهضت امام خمینی، جز با استفاده از همین مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی که امروز در قالب قدرت نرم تبلور می‌یابد، به پیروزی نرسید. امروزه نیز جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت حساس استراتژیک و ژئوپلیتیک خود ناگزیر است ضمن تقویت جنبه‌های مختلف

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه زنجان (rasooli@znu.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول) (rahenomr@gmail.com).

قدرت سخت (توان نظامی و اقتصادی)، به تقویت ابعاد قدرت نرم نیز پردازد. در این میان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حاکم بر قدرت نرم، سرمایه اجتماعی است که امام خامنه‌ای با تبیین صحیح و کاربست دقیق و نیز شناخت همه‌جانبه از روحیات و فرهنگ افکار عمومی بالاخص جوانان، از آن به عنوان پلی برای پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی یاد می‌کند. اهمیت این مقوله به اندازه‌ای است که موفقیت جوامع، افراد و به نوعی دفاع از دستاوردهای جامعه به آن بستگی دارد. با این رویکرد، نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با خوانش بیانیه گام دوم انقلاب، به تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی در مکتب دفاعی امام خامنه‌ای پرداخته است. تبیین هویت انقلاب و سرمایه اجتماعی آن در چهل ساله دوم عمر خود در بیانیه گام دوم، تلاشی در تثبیت و تقویت مؤلفه‌های دفاعی و امنیت پایدار است که نهایتاً با اتخاذ الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی به خلق تمدن نوین اسلامی می‌انجامد.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، قدرت نرم، مکتب دفاعی، بیانیه گام دوم انقلاب.

### مقدمه

پس از پایان جنگ سرد، مفهوم قدرت نرم، در دانشگاه‌ها و رسانه‌ها رواج پیدا کرد. این تأثیر جداییت از طریق فرهنگ، سیاست‌ها و ارزش‌ها - مانند «وادار کردن دیگران به آنچه می‌خواهید»- از قدرت سخت یا اجبار با استفاده از قدرت اقتصادی و یا نیروی نظامی متمایز شده است (Marklund, 2020: 291). برخی پروفیسور حمید مولانا را نظریه‌پرداز قدرت نرم می‌نامند و خود ایشان نیز ادعایی دارد که آن را در سال ۱۹۸۶ در کتاب *اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل* با عنوان قدرت نامحسوس مطرح کرده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴)؛ اما محافل دانشگاهی اعتقاد دارند که قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم، برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای مطرح شد و به همین دلیل از وی به عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود.

با حاکم شدن این گفتمان بر محیط امنیتی نظام جهانی، ماهیت مفاهیمی چون قدرت، تهدید، دفاع، امنیت و نحوه ارتباط میان آن‌ها در حال دگرگونی است (جهان‌بین و امامی، ۱۳۹۳: ۴۹)؛ به طوری که امروزه نشانگان تهدید از یکسو دارای ابعاد اجتماعی بوده و از طرف دیگر در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی منعکس می‌شوند.

ویلیامز<sup>۱</sup> و نظریه پردازانی همانند: فریدمن<sup>۲</sup>، جونز<sup>۳</sup>، دافیلد<sup>۴</sup>، توماس<sup>۵</sup> و کافمن<sup>۶</sup> که در دانشگاه‌های کشورهای آنگلو ساکسون<sup>۷</sup> به فعالیت آموزشی مشغول‌اند، موضوع تهدید نرم‌افزاری را به عنوان بخشی از واقعیت‌های امنیتی کشورهای در حال گذار می‌دانند. به این ترتیب با توسعه ابزارهای قدرت نرم در جهان غرب، زمینه برای ظهور نشانه‌های مختلفی از تهدیدات امنیتی برای کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است. تهدیدات امنیتی جدید را باید در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سازوکارهای اقتصادی، گفتمان‌سازی و قالب‌های مفهومی دانست که زمینه‌های لازم را برای تأثیرگذاری بر امنیت ملی کشورهای هدف به وجود می‌آورد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

در همین راستا، دولت‌ها نیز افزون بر سیاست‌های خود در حوزه افزایش توان نظامی، اقتصادی و فنی، لازم است به افزایش میزان سرمایه اجتماعی خود همت گمارند تا بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی و همچنین دفاع در برابر تهدیدات خارجی توفیق یابند. به عبارت دیگر، تأمین امنیت بدون برخورداری از سرمایه قابل توجه در حوزه اجتماعی میسر نیست یا دست کم بسیار دشوار است (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). یکی از مهم‌ترین سیاست‌های مورد نیاز برای دفاع در مقابل تهدید نرم و افزایش ضریب امنیتی، اتخاذ رویکرد نرم‌افزارانه یا امنیت نرم است. از منظر برخی کارشناسان، بازیگران اصلی برقراری امنیت نرم در جامعه، افراد آن هستند؛ لذا با عضویت در گروه‌ها و ایجاد سرمایه اجتماعی می‌توان تحقق امنیت نرم را تسهیل نمود (باقری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۶).

منابع سرمایه اجتماعی اشتراک‌های زیادی با مؤلفه‌های امنیت هر کشور دارند که از سویی به صورت مستقیم، و از سویی دیگر به صورت غیر مستقیم (اعتمادسازی)، زمینه را برای گام‌های بعدی در مسیر پیشرفت میسر می‌سازند (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

1. Williams.
2. Friedman.
3. Jones.
4. Duffield.
5. Thomas.
6. Kaufman.
7. Anglo-Saxon.

توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب نیز به مثابه راهبردهای کلان جهت حرکت تمدنی جامعه ایرانی است و همان گونه که از تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری استنباط می‌شود، فراوانی کاربرد مولفه‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌سازی نوین اسلامی در بیانات ایشان، نشانگر اهمیت این مقوله در منظومه فکری ایشان و تأثیر آن در استحکام ساخت درونی قدرت نظام به شمار می‌آید (ر.ک: بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵؛ بیانات در دیدار مردم لار، ۱۳۸۷/۰۲/۱۹؛ بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).<sup>۱</sup> تبیین مفاهیم و احصاء اندیشه‌های امام خامنه‌ای در ارتباط با سرمایه اجتماعی و حوزه دفاعی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم ما را در تدوین دکترین و راهبردهای دفاعی، هدایت و راهنمایی می‌نماید. در همین ارتباط، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین سند‌های کشور در چهل ساله دوم انقلاب نیز به این مهم پرداخته است. یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های راهبردی ما در این مقاله آن است که تلاش کنیم تا با مطالعه دقیق آن، درک کامل‌تری از بیانات رهبری را شناسایی، تدوین و برای استفاده در شیوه‌های دفاعی و حفظ امنیت کشور و همچنین دفاع از انقلاب اسلامی استفاده نماییم.

### پرسش‌ها و فرضیه پژوهش

آنچه نوشتار حاضر، سعی در پاسخگویی به آن دارد، این است که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ و تأثیر این مؤلفه‌ها بر اثربخشی در عملکرد دفاعی، در بازساخت قدرت نرم چگونه است؟ در پاسخ به این سؤالات، فرض نویسندگان بر این امر استوار است که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری و قدرت نرم، رابطه‌ای دوسویه برقرار است و می‌توان با تأکید بر گزاره‌های مثبت بخش و ارتقادهنده سرمایه اجتماعی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، شیوه‌های کارآمدتری در جهت تقویت عملکرد دفاعی کشور در بازتولید قدرت نرم اتخاذ کرد.

۱. بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در سرتاسر مقاله، در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له (Khamenei.ir) قابل مشاهده است.

## پیشینه پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، پیشینه آن در چند بخش قابل ملاحظه است: بخش اول، پژوهش‌های حوزه سرمایه اجتماعی در اندیشه رهبری است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- مقاله «تبیین الگوی سرمایه اجتماعی بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری» (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۸). در این مقاله، جمعیت جوان کشور و حضور مردم و در صحنه ماندن آن‌ها به عنوان پدیده محوری سرمایه اجتماعی مطرح شده که با مشارکت داوطلبانه و نقش آفرینی‌شان به ایجاد یک ثروت ارزشمند برای کشور منجر می‌شوند.

- مقاله «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی» (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷). این پژوهش همان‌طور که از نامش پیداست، به بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی پرداخته است. این پژوهش، یکی از خلأهای موجود در جامعه کنونی را نبود مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌داند.

در سخنان رهبری که در پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی ایشان موجود است، نیز بارها شاهد تأکید بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستیم.

بخش دوم، مقالاتی در حوزه اندیشه دفاعی رهبری می‌باشند، که از جمله آن‌ها، مقاله «دفاع در عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه‌های دفاعی فرماندهی کل قوا، امام خامنه‌ای» (محمدی‌الستی، ۱۴۰۱) است. این مقاله با بررسی شناخت ابعاد اندیشه‌های دفاعی رهبری، سعی در تبیین الگوی دفاع در عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه دفاعی ایشان داشته است. این پژوهش موضوع را در پنج بُعد «نظامی، سیاسی، علمی - فرهنگی، اقتصادی و جغرافیا» تبیین و بررسی کرده است. سایر آثاری از این دست که طی «مجموعه مقالات همایش‌های تبیین اندیشه دفاعی» به چاپ رسیده، هر کدام موضوع را از زوایا و ابعاد خاصی مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از ابعاد مهم در بحث تبیین این مبانی، توجه به بیانیه گام دوم و اهمیت آن در ادامه مسیر انقلاب و رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. با بررسی‌های

به عمل آمده در پیشینه پژوهش و توجه به خلأهای پژوهشی موجود در این زمینه، به این نتیجه دست یافتیم که: بررسی سرمایه اجتماعی در مکتب دفاعی امام خامنه‌ای در بستر بیانیه گام دوم انقلاب، می‌تواند در راستای تکمیل پژوهش‌های قبلی، به تبیین هر چه دقیق‌تر این مبحث و راهبردهای دستیابی به آن کمک نماید. لذا در این مقاله به بررسی آن پرداختیم.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مطالعات دقیق کتابخانه‌ای (استفاده از اسناد و مدارک) به منظور فراهم ساختن مبانی نظری از مقالات منتشر شده در مجلات مختلف و همچنین سخنان رهبری با استفاده از پایگاه‌های داده انجام شد.

### ۱. تعریف مفاهیم

#### ۲-۱. سرمایه اجتماعی

اندیشمندان مختلفی (Jacob, 1961; Coleman, 1998; Bourdieu, 1986; Putnam, 1995; Cox, 1995; Woolcock, 1997; Portes, 1998; Fukuyama, 1999; Paxton, 1999) سرمایه اجتماعی را تعریف کرده‌اند. فیلد<sup>۱</sup> آن را در واژگانی کوتاه، «مسئله روابط» تعریف می‌کند یا فوکویاما آن را «ذخیره جامعه از ارزش‌های مشترک» می‌داند. پوتنام یکی از اندیشمندان تأثیرگذار در این زمینه، سرمایه اجتماعی را به عنوان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های پیوند تعریف می‌کند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را تسهیل نموده و نتیجه آن، انواع متفاوتی از کنش جمعی است (Walters, 2002: 377). کلمن برای سرمایه اجتماعی خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است که کنشگران با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران به اطلاعات مورد نیاز دست می‌یابند و در فرایند کنش

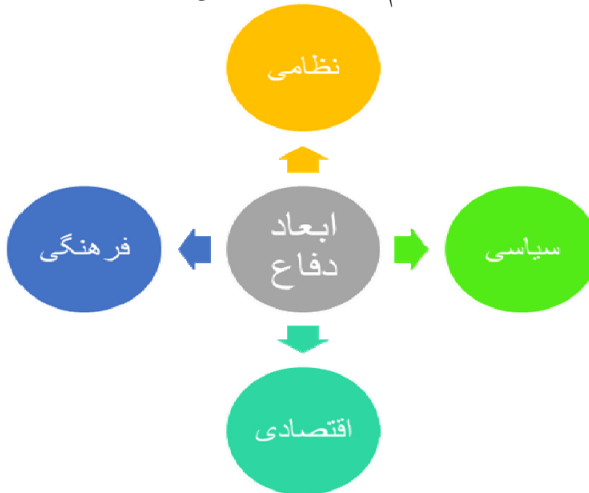
1. Field.

جمعی از حمایت جمعی برخوردار می‌گردند (An & Western, 2019: 193). بنابراین سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده کنش‌هاست. در دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی نوعی فرصت پدیدآمده از حیات جمعی است که می‌تواند درون‌گروهی یا بین‌گروهی باشد و کنش‌های کنشگران فردی یا جمعی را تسهیل نماید (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). امروزه سرمایه اجتماعی و فرهنگی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام‌بخش میان انسان‌ها و سازمان‌ها با هم می‌باشند. در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی است، سایر سرمایه‌ها بهره‌وری کمتری خواهند داشت (Hennekam et al., 2019: 731). از این رو، موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده است (حسنوند، ۱۳۹۷: ۲۸).

## ۲-۲. مفهوم دفاع

دفاع، نظام یا الگویی مرتبط با ساخت و کارکرد روانی است که از طریق آن، فرد یا گروه واکنش لازم را برای مقاومت یا دفع خطر خیالی یا واقعی به منظور حفظ تعادل و تمامیت خود نشان می‌دهد. دفاع نوعی حق ذاتی، مشروع و طبیعی است که از جانب خداوند در موجودات به ودیعه قرار داده شده تا بتوانند در مقابل تجاوز از خود محافظت کنند و به حیات خود ادامه دهند. در مبانی دینی نیز دفاع به عنوان نیازی حیاتی تعریف شده که سبب رشد و بالندگی و امنیت و هدایت جامعه می‌شود و در صورت ترک یا سستی در آن، پیامدهایی همچون افزایش توطئه‌ها، گرفتاری‌ها و انواع بلاها و فتنه‌ها، سلب شدن قدرت فکر و تصمیم‌گیری جامعه و... را در پی خواهد داشت (حبیبیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰). در اسلام، بحث دفاع در قالب جهاد آورده شده و دفاع را در مقابل هر عاملی که باعث تضعیف کرامت انسانی و نفی آزادی بشود، واجب می‌داند. دفاع دارای ابعاد مختلفی است که در تصویر زیر آورده شده است و علاوه بر عرصه نظامی، شامل عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌شود. اصلی‌ترین و مشخص‌ترین آیه در این زمینه که می‌توان از آن به عنوان مجوز دفاع همه‌جانبه یاد کرد، آیه شریفه ۶۰ از سوره انفال است که به خوبی می‌رساند نظام اسلامی باید

برای بسیج همه‌جانبه نیروها در تمام زمینه‌ها و تخصص‌ها فعال باشد (کاظمی، ۱۳۹۷: ۵).



شکل ۱: ابعاد مختلف دفاعی (همان)

## ۳-۲. مفهوم قدرت نرم

برخی اندیشمندان، پروفیسور حمید مولانا را نظریه‌پرداز قدرت نرم می‌نامند و خود ایشان نیز ادعایی دارد که آن را در سال ۱۹۸۶ در کتاب *اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل* با عنوان قدرت نامحسوس مطرح کرده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴)؛ اما محافل دانشگاهی اعتقاد دارند که قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم، برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای<sup>۱</sup> مطرح شد و به همین دلیل از وی به عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. وی مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار در مقاله‌ای در نشریه *آتلانتیک*<sup>۲</sup> با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» مطرح کرد (Nye, 2004). به نقل از: افضل‌ی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). مفهوم قدرت نرم را می‌توان در آثار هانس جی. مورگنتا،<sup>۳</sup> کلوکس کنور<sup>۴</sup> و رای کلاین<sup>۵</sup> پیگیری کرد (Gill & Huang, 2006).

1. Joseph Samuel Nye.
2. *Atlantic*.
3. Hans J. Morgenth.
4. Kloss Knorr.
5. Ray Klein.



به نقل از: افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۴). رواج گفتمان نرم در مطالعات سیاسی و امنیتی دهه پایانی قرن بیستم، افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل اجتماعی و راهبردی به وجود آورده است. اتصال این صفت به موصوفاتی چون قدرت، تمام خصوصیات آن‌ها از جمله ماهیت، اهداف، ابزار، فرایند تولید، ویژگی و منابع را دستخوش تغییر و تحول نموده است (جهان‌بین و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱).

### ۳. روش‌شناسی

#### ۳-۱. یافته‌های بحث

ظرفیت‌های بالقوه هر کشوری در جهت دستیابی به قدرت نرم برای دفاع در مقابل تهدیدات دشمن، ناشی از عناصری در حیطه توانایی‌ها و قابلیت‌های سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک آن کشور است. جمهوری اسلامی ایران به واسطه ابتدا بر فرهنگ غنی اسلام و برخورداری از میراث تمدنی و ارزش‌های سیاسی مطلوب و پرجاذبه، دارای عناصر فراوانی از قدرت نرم است که طی چند سال اخیر، بخشی از آن بالفعل شده و نتیجه آن، دفاع در مقابل تهدیدات مختلف (جنگ، تحریم، ترور و...) و همچنین افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و الهام‌بخشی به ملت‌های جهان به ویژه جهان اسلام گردیده است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت حساس استراتژیک و ژئوپلیتیک خود ناگزیر است ضمن توجه و تقویت جنبه‌های مختلف قدرت سخت، (توان نظامی و اقتصادی) به تقویت ابعاد قدرت نرم خود نیز بپردازد. بر همین اساس، شناخت عناصر الهام‌بخش قدرت نرم و تلاش در جهت استحکام‌بخشی و استوارسازی آن، در حفظ و افزایش کارایی قدرت نرم جمهوری اسلامی نقش اساسی دارد. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان چشم‌انداز تصویری از ایران آرمانی آینده، می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای تداوم و استحکام‌بخشی این مسیر در چهل ساله دوم انقلاب باشد (حسن‌بینگی و رئیسی دهکردی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). در همین راستا، ابتدا به واکاوی این مفاهیم در اندیشه امام خامنه‌ای می‌پردازیم.

## ۲-۳. دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای

توجه به نکات مطرح شده از سوی امام خامنه‌ای، گزاره‌های زیر را در ارتباط با اندیشه دفاعی ایشان برجسته‌تر می‌کند:

فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد اندیشه دفاعی	
دفاع از اسلام و انقلاب	«دولت و ملت، مردم و نمایندگان آن‌ها و مسئولان گوناگون، در هر جای این کشور محکم ایستاده‌اند تا از اسلام و انقلاب دفاع کنند» (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و پرستاران و پرسنل نیروی دریایی ارتش، ۱۳۶۹/۰۹/۰۷).
حفظ قدرت دفاعی و رزمی	«به شما عزیزان... تأکید می‌کنم که نظام جمهوری اسلامی باید قدرت دفاعی و رزمی‌ای متناسب با داعیه‌ها و آرمان‌های انقلابی خود داشته باشد. این، تنها با کار و تلاش و حفظ روحیه و آمادگی شما فرزندان اسلام و امام میسر خواهد شد» (پیام به مجمع سالانه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۶/۲۶).
دفاع از حق و حقیقت	«همهٔ آحاد امت اسلامی موظف‌اند که خود را برای دفاع از حق و حقیقت، برای دفاع از حقوق خود در مقابل متجاوزان، برای استقرار امنیت و برای حفظ عزت خود آماده کنند» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشکده افسری دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۵/۰۹/۰۴).
والا ترین ارزش‌ها دفاع است	«این دفاع به معنای به میدان آوردن جان و هستی و سلامت خود و به معنای فداکاری... [برای] والا ترین ارزش‌های انسانی و الهی است» (بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۸۳/۰۷/۲۲).
عمق بخشی دفاعی	«من به شما برادران و خواهران عزیز - که فرزندان من هستم - مؤکداً توصیه می‌کنم که به عمق‌ها توجه کنید و آن را بطلید؛ از ظواهر هم دست نکشید» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۵).
دفاع، حق انسانی	«ما از حق خودمان دفاع می‌کنیم... ما که نمی‌خواهیم توسعه‌طلبی کنیم. ما که برای دخالت در امور دیگران، به آن سمت دنیا لشکرکشی نمی‌کنیم؛ اما دشمنان ما این کارها را می‌کنند. بنابراین آن‌ها محکوم به شکست‌اند» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).
لزوم تفکر دفاعی	«از رفتار یک جامعه می‌شود فهمید که آیا این جامعه، قادر به دفاع از هویت و حیثیت خود هست یا نه. جامعه‌ای که مردم آن به مسائل شخصی بیشتر اهمیت بدهند تا مسائل کشور و مسائل جمعی، جوانان رو به فساد روند، افراد مؤثر آن نسبت به مصالح انقلاب و کشور بی‌تفاوت شوند و

اختلافات سیاسی و مذهبی و گروهی و صنفی و قومی اوج بگیرد، این جامعه قادر به دفاع از خود نیست» (بیانات در دیدار افشار مختلف مردم (با اندکی تصرف)، ۱۳۶۸/۰۷/۰۵).	
«این احساس شعور نسبت به امت اسلامی را امام در دنیا به وجود آورد. این بزرگ‌ترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).	دفاع جمعی و دفاع فردی
«ما داریم از حیثیت و شرف و دین و انقلاب و حقوق انسانی و استقلالمان دفاع می‌کنیم. هر ملتی که از حقوق حقیقی خود با آگاهی و ایمان و تصمیم دفاع کند، قطعاً پیروز خواهد شد» (همان (با اندکی تصرف)).	وجوب هوشیاری در دفاع
«خواهران بسیجی ما در این دفاع مقدس و بااهمیت سهمیم هستند و نقش برجسته‌ای در حضور میلیونی بسیج دارند» (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور (با اندکی تصرف)، ۱۳۶۸/۰۴/۰۶).	حضور زنان در دفاع
«بسیج برای دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آمد. آمادگی برای دفاع، امروز و همیشه یک وظیفه اسلامی و انقلابی و ملی است. بنابراین نیروی مقاومت بسیج باید کار جذب و سازمان‌دهی بسیجیان عزیز را با برنامه‌ریزی صحیح ادامه دهد» (پیام به گردهمایی فرماندهان پایگاه‌ها و نواحی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲).	نقش بسیج در دفاع

در همین راستا، اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری در چشم‌انداز بیست‌ساله ایران بر این مبانی استوار است:

- تحکیم و ارتقاء امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی با تأکید بر تقویت نقش مردم و استفاده از قدرت نرم سرمایه اجتماعی؛

- تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های ذی‌ربط برای مقابله و دفاع در برابر هر نوع اخلال در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم؛

- تقویت زیرساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی؛

- ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای با تأکید بر کسب دانش و فناوری‌های نو و نرم‌افزارهای پیشرفته دفاعی، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های صنعتی

کشور، اهتمام به حضور نیروهای مردمی در امنیت و دفاع از کشور و انقلاب، با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان، گسترش پدافند غیر عامل، امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل مؤثر مرزها (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۵۰).

### ۲-۳. قدرت نرم از منظر امام خامنه‌ای

انقلاب اسلامی مولود قدرت نرم بود و جمهوری اسلامی مبتنی بر قدرت نرم شکل گرفت و در ایران سال ۱۳۵۷، مردم بر اساس ایمان و اعتباری که برای امام خمینی قائل بودند، باعث جوشش قدرت و ایجاد نظم‌ی جدید شدند، «شرعی کردن سیاست» استراتژی امام خمینی در انقلاب اسلامی بود. نکته‌ای که باید به آن اشاره کنیم، این است که با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب، خاستگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، متفاوت از قدرت مورد توجه غرب است. در حقیقت قدرت نرم، ابعاد و ماهیت انقلاب اسلامی و آموزه‌های دینی آن با گره انسان‌شناسانه، هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه از ابعاد قدرت نرم مورد نظر ژوزف نای و دیگر اندیشمندان متفاوت بود. همان طور که آبراهامیان اشاره کرده، منظومه فکری امام خمینی مبنی بر ابعاد نظری با خاستگاه آموزه‌های دینی است (حسن‌بیگی و رئیسی دهکردی، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

برخی بیانات مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای در ارتباط با قدرت نرم بدین شرح است:

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با جنگ نرم	
سلسله قدرت نرم جمهوری اسلامی	نماز جمعه به عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های سلسله قدرت نرم نظام اسلامی است. البته زنجیره قدرت نرم ما زنجیره طولانی و مفصلی است. قدرت نرم در زمان فعلی راهگشا و تأثیرگذار است.
بی‌اعتمادی به قدرت‌های سلطه‌گر	«یکی از اجزای مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی، بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های سلطه‌گر و در رأس آن‌ها آمریکا است و این بی‌اعتمادی باید روزبه‌روز گسترش یابد» (دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۶/۲۸).
آرمان‌گرایی عین عقلانیت است	«آرمان‌گرایی عین عقلانیت است؛ زیرا اگر ملتی بدون آرمان شود، همانند وضعیت امروز جوامع غربی، از درون تهی و پوچ خواهد شد» (همان).

«ایشان با اشاره به تأثیرگذاری گسترده فضای مجازی به عنوان یک قدرت نرم فوق‌العاده در عرصه‌های مختلف... افزودند: لازمه حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی، «تمرکز در تصمیم‌گیری»، «جدیت در اجرا بدون از دست دادن زمان»، «هماهنگی میان دستگاه‌ها» و «پرهیز از موازی‌کاری و تعارض» است» (دیدار رئیس و اعضای شورای عالی فضای مجازی با رهبر انقلاب، ۱۳۹۴/۰۶/۱۶).

### ۳-۳. سرمایه اجتماعی در دیدگاه امام خامنه‌ای

نقش بی‌بدیل سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ و ارتقای آن قابل توجه است. بی‌شک سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در واقعی و ناب‌ترین شکل آن، در صحنه انقلاب اسلامی ایران متجلی شد. پیروزی انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس، مرهون شناخت کامل حضرت امام از تأثیر مهم این عامل بود که توانست با بهره‌گیری از این سرمایه معنوی، بر قدرت سخت نظام حاکم غلبه یابد. مقام معظم رهبری تعریف مناسب به این ضرورت حیاتی را در ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی و تبادل آرا و اندیشه‌ها برای جریان‌های سیاسی کشور دانسته، می‌فرماید:

«سرمایه اجتماعی کشور، پیامدهای داخلی بیشتری نسبت به پیامدهای خارجی آن دارد. ایشان مهم‌ترین پیامد سرمایه اجتماعی کشور را بقای نظام مقدس جمهوری اسلامی و همراهی مردم با نظام عنوان می‌کنند» (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۷).

امیدآفرینی، نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه، اعتمادافزایی به ویژه با رفتار و عملکرد مسئولان و حسن ظن می‌تواند در افزایش قدرت نرم و ناکامی قدرت نرم دشمن مؤثر واقع شود. در نگاه مقام معظم رهبری:

«دشمنان ما بیش از آنکه به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی که منابع قدرت ما هستند، چشم طمع دارند. آن‌ها می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، اگر یک ملت غیرت ملی و وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت

کنند» (بیانات در دیدار مردم استان همدان، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵، به نقل از: قدسی، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

### ۳-۴. قابلیت‌های سرمایه اجتماعی و اثرات آن بر دگردیسی قدرت نرم

در قدرت نرم، همه بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی، امنیتی و غیر امنیتی، در تأمین امنیت نقش دارند. براینکه تلاش آن‌ها برای تأمین منافع فردی و گروهی خود می‌تواند به تأمین امنیت و آرامش تک‌تک آن‌ها و در نهایت جامعه منجر شود. تأمین نیازهای اولیه جامعه و فراهم آوردن بسترهای لازم برای رشد و توسعه جامعه، خودبه‌خود بخشی از نیازهای امنیتی جامعه را برطرف می‌سازد یا زمینه‌های شکل‌گیری و بروز تهدیدات امنیتی را از بین می‌برد. در امنیت نرم، برقراری امنیت اساساً به موازات اجرای سیاست‌های درست و اصولی دولت در سایر زمینه‌ها صورت می‌گیرد. در این بخش‌ها، کارشناسان هر حوزه وظایف خود را به نحو مناسب و ممکن انجام می‌دهند. آموزش‌ها و تجارب آن‌ها در این زمینه است و انتظار می‌رود در رشته خود بهترین باشند. عمل به شکل مناسب به معنای تأمین بستر لازم برای تأمین امنیت در جامعه است. در همین حال، توجه به رفع نیازهای جامعه در حوزه‌های گوناگون غیر امنیتی عملاً بدون ایجاد حساسیت، به رفع نیازهای امنیتی جامعه منجر شده و هزینه‌های دولت را در جامعه برای برقراری امنیت کاهش می‌دهد (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۲۷). با پایان یافتن جنگ سرد، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و حاکم شدن گفتمان نرم امنیت بر محیط امنیتی نظام بین‌الملل، مشارکت و اعتماد و شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی، وفاداری مردم به دولت و افزایش مشروعیت سیاسی، و در یک کلام افزایش سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم در تأمین امنیت ملی و مقابله با تهدیدات امنیتی یافته است. بر همین اساس، مطالعات و برنامه‌های امنیتی در سال‌های پایانی قرن بیستم به شدت متوجه مقولاتی چون سرمایه اجتماعی شده‌اند و حتی معادلات و توانمندی‌های نظامی و فناوری را در همین چارچوب فهم و تجزیه و تحلیل می‌کنند. نتیجه آنکه دولت‌ها افزون بر سیاست‌هایشان در حوزه افزایش توان نظامی و اقتصادی و فنی، لازم است برای افزایش توان دفاعی خود، به افزایش میزان سرمایه اجتماعی‌شان همت گمارند تا اینکه بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی توفیق یابند (ابوالفتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱). در بحث ارتباط ابعاد سرمایه‌های اجتماعی

با قدرت نرم می‌توان گفت که آنچه بحث محققان و نظریه‌پردازان قدرت نرم را از مباحث پیشین در مورد قدرت متمایز می‌سازد، تأکید بر گزاره‌های اجتماعی در تولید قدرت است.

بر این اساس می‌توان گفت کشوری که دارای عناصری چون ثبات سیاسی، پاسخگویی، انسجام و آگاهی اجتماعی، دلبستگی ملی، هویت جمعی، تعهد و رضایتمندی باشد، از قابلیت اثرگذاری بیشتری برخوردار است و قدرت نرم آن افزون‌تر از کشورهای دیگر است. هر چقدر انسجام ملی یک جامعه بیشتر باشد، آن جامعه از قدرت نرم بیشتری برخوردار است و بیشتر قادر است که نتایج بهینه‌تری کسب کند و در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی، واکنش دفاعی کارآمدتری نشان دهد. بنابراین از آنجا که سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم در افزایش اعتماد و وفاداری ملی به دولت و به تبع آن افزایش مشروعیت سیاسی دارد، می‌تواند به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی افزایش قدرت نرم در حوزه دفاعی مورد توجه قرار گیرد (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹).



شکل ۲: میزان و نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر امنیت داخلی (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۵۵)

همان‌طور که در نمودار فوق نشان داده شده است، سرمایه اجتماعی نقشی مهم در

تأمین امنیت ملی و دفاع در مقابل تهدیدات امنیتی و نیز افزایش میزان قدرت دفاعی کشورها یافته و به عنوان گنج پنهان در هر جامعه‌ای شناخته می‌شود، اگرچه به صورت عینی و ملموس نیست، ولی در واقع در زیر پوست هر جامعه‌ای به عنوان یک پدیده قابل بررسی است (جهان‌بین و امامی، ۱۳۹۳: ۴۹).

در همین راستا و در جهت اهداف پژوهش، به بررسی این مؤلفه‌ها در بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازیم.

### ۳-۵. بررسی نقش دفاعی سرمایه اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، چشم‌انداز تصویری از ایران آرمانی آینده است که هویت اسلامی و انقلابی آن مورد تأیید امام خامنه‌ای بوده است. در واقع، این سند باید به مثابه روح در کالبد همه طرح‌ها و برنامه‌ها و تحولات امنیتی کشور به گونه‌ای عمل کند که در سال ۱۴۰۴، ایران به کشوری توسعه‌یافته در منطقه تبدیل شود و بتواند جامعه‌ای ایثارگر، مؤمن، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی تربیت کند. دستیابی به اهداف چشم‌انداز نیازمند شکل‌گیری جنبش تعالی‌ساز اجتماعی و نهضت همگانی است که به طور قطع، قسمت عمده آن از جنس فعالیت‌های علمی و به زبان دیگر، فعالیت‌های نرم‌افزاری است که موجب تحول اساسی در ماهیت قدرت گردیده، آن را به قدرت نرم تبدیل کرده است.

با عنایت به تعاریف مطرح‌شده پیرامون قدرت نرم، می‌توانیم عناصر سازنده قدرت نرم را در پنج بخش سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دسته‌بندی کنیم. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های سیاسی، فرهنگی و ارزش‌های اسلام بنا نهاده شده، بر مؤلفه‌های فرهنگی و ارزش‌های سیاسی تأکید بسیار دارد و این امر را موجب تفاوت ماهیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از دیگر نظام‌ها می‌داند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۸). از این جهت، بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری که در این پژوهش بدان اشاره شد، مؤلفه‌های درونی و عوامل راهبردی مؤثر در استحکام نظام جمهوری اسلامی که قدرت نرم جمهوری اسلامی محسوب شده و موجبات استقلال و اقتدار نظام را فراهم می‌آورند، عبارت‌اند از: وفاق و همگرایی ملی، ولایت‌مداری،



مشارکت عمومی (دفاع، جهاد، سازندگی و حفظ آرمان‌ها)، سازمان‌دهی اقتصادی، گسترش و تعمیق معارف اسلامی، قانون‌گذاری و قانون‌مداری، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، اقتدار نظامی و دفاعی (شیرودی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). این مؤلفه‌ها در بیانیه گام دوم ذیل هفت سرفصل، جهت تدوین چشم‌انداز چهل ساله دوم انقلاب تدوین شده که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

### ۳-۵-۱. تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، دستیابی به اهداف چشم‌انداز ایران آینده، نیازمند شکل‌گیری جنبش تعالی‌ساز اجتماعی و نهضت همگانی است که قسمت عمده آن از جنس فعالیت‌های علمی و نرم‌افزاری است. در همین راستا در بیانیه گام دوم، رهبر انقلاب با برشمردن چهار مرحله نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و رسیدن به تمدن‌سازی، به تشریح انقلاب اسلامی و وضعیت کشور پرداخته است. بیانیه گام دوم از دو بخش تشکیل شده است:

بخش اول، تشریح گام اول یعنی انقلاب اسلامی است و مرحله نظام‌سازی را شامل می‌شود. این بخش ابتدا به بیان وضعیت ایران پیش از انقلاب اسلامی پرداخته و سپس به نظریه انقلاب اسلامی اشاره کرده است. نکات اصلی در مورد انقلاب و فرهنگ انقلابی بودن که در این ارتباط برشمرده شده، در چند مورد خلاصه می‌شود: فرهنگ انقلابی به دلیل فطری بودن، تاریخی نیست و تجدیدنظر در فرهنگ انقلابی روا نیست؛ نظریه نظام انقلابی، ضامن تداوم فرهنگ انقلابی است؛ آرمان انقلاب، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت است. مرحله دوم در بیانیه، دولت‌سازی است. دولت‌سازی اسلامی به این دلیل بر ایجاد جامعه اسلامی مقدم دانسته شده که به دلیل حجم و گستره محدود دولت، اسلامی کردن آن آسان‌تر از جامعه گسترده است و دولت اسلامی باید تلاش کند تا جامعه را اسلامی کند. در این بخش، ایشان دگرگونی و پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور را در عرصه‌های مختلف برشمرده است. همچنین با تأکید بر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی ایران، بر بهره‌برداری از این ظرفیت‌های استفاده‌نشده و ارتقای تولید و اقتصاد ملی تمرکز گردیده است.

در بخش دوم بیانیه، هفت سرفصل مهم برای ایجاد، تقویت جامعه اسلامی و دفاع از ارزش‌های انقلاب مطرح می‌گردد؛ عرصه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، که سبک زندگی مستقیماً با ایجاد مرحله چهارم یعنی تمدن‌سازی اسلامی پیوند می‌خورد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶). سابقه و سند‌های این هفت محور عبارت‌اند از: سخنرانی‌های محوری سال ۱۳۷۵ در جمع مردم اهواز با تأکید بر نوسازی معنوی و اخلاق؛ سخنرانی سال ۱۳۹۱ در جمع جوانان استان خراسان شمالی با محوریت سبک زندگی، ابلاغ سند اقتصاد مقاومتی در ۲۴ بند سال ۱۳۹۲، سخنرانی سال ۱۳۹۰ در حرم رضوی با تأکید بر نقش علم و فناوری، سخنرانی‌های سالروز قیام نوزدهم دی در جمع مردم قم و دیدار با اعضای خبرگان رهبری در سال ۱۳۹۲، و نیز سخنرانی سال ۱۳۹۷ در جمع سفرا و مسئولان وزارت خارجه با تأکید بر عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در هر هفت سرفصل مذکور، وضعیت کشور را تشریح می‌فرماید و تأکید دارد که باید در جهت تقویت این شاخصه‌ها گام برداشت. سبک زندگی، آخرین مؤلفه و سرفصل از هفت سرفصل است که بنا بر متن بیانیه، به تمدن‌سازی ختم می‌شود.

### ۳-۵-۲. تبیین مفهومی سرفصل‌های هفت‌گانه گام دوم

#### ❖ علم و پژوهش

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. یکی از بالندگی‌ها و شکوفایی‌های جمهوری اسلامی، رشد علمی کشور است (دارابی، ۱۳۹۶: ۱۷۸). رشد علمی کشور بدون تلاش و همت متخصصان و نخبگان کشور امکان‌پذیر نبود. حال انقلاب گام دوم خود را آغاز کرده و پژوهش و مباحث علمی در نقطه بسیار مطلوبی قرار گرفته است. اما نکته مهمی که وجود دارد، این است که رشد علمی باید تداوم داشته باشد تا شاهد اتفاقات چشمگیری در زمینه علمی باشیم (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۹). به دلیل اهمیت جایگاه علم و دانش، در سند چشم‌انداز کشور نیز دستیابی به جامعه برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و

فناوری، متکی به سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم مورد توجه قرار گرفته و سازمان‌ها و نهادهای علمی کشور ملزم به ایجاد بسترهایی برای تحقق مفاد سند شده‌اند (حسین‌پور طولازدهی، ۱۳۹۴: ۱).

### ❖ معنویت و اخلاق

معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۱۰). عمل اخلاقی، عملی است که در آن، ملاحظات سوداندیشانه راه نداشته باشد و انسان تنها به سبب حکم وجدان الهی و فطری خویش، به آن متمایل باشد و در این حال، حتی از منافع و مطامع مادی خویش نیز درگذرد. معنویت در برداشت و روایت اسلامی، امری است که تمام ساحات و شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد و انسان مؤمن، چه در عالم نظر و چه در عالم عمل، فقط و فقط رضایت خدای متعال را مبنا و اساس می‌انگارد (جمشیدی، ۱۳۹۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بصیرت‌افزایی و ارتقاء معنویت در کشور، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب به شمار می‌رود. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که پس از انقلاب، همگام با رشد کمی و کیفی هیئت‌های مذهبی، برای اولین بار واژه‌هایی مانند ایمان، تقوا، شهادت، و موضوعاتی مانند حج دانش‌آموزی و دانشجویی یا مراسم اعتکاف و... در جامعه مورد توجه جدی آحاد مردم به ویژه جوانان قرار گرفت (دارابی، ۱۳۹۶: ۱۸۱). با توجه به اینکه «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همهٔ حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است... [و] شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد» (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۱۰)، لذا با وجود این تحولات و خط سیر، شاهد تنوع و حجم انتشارات در موضوعات مختلف، توسعه و افزایش شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی جمهوری اسلامی در داخل کشور و آن سوی

مرزها، احداث و توسعه فرهنگسراها و مراکز فرهنگی و هنری، برگزاری ده‌ها و بلکه صدها نمایشگاه داخلی و بین‌المللی کتاب، افزایش میزان مطالعه در بین مردم، افزایش کمی و کیفی آثار نمایشی به ویژه در بخش فیلم و کسب موفقیت‌های جهانی در این زمینه و مهم‌تر از همه، ارتقاء بینش و آگاهی‌های عمومی و اجتماعی در سطح جامعه و... بوده‌ایم (دارابی، ۱۳۹۶: ۱۸۱).

#### ❖ اقتصاد

«اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است... اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید» (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۱۰).

مقام معظم رهبری قابلیت‌های جغرافیای طبیعی و سرزمینی ایران را به عنوان عوامل اصلی افزایش قدرت ملی مورد تأکید قرار داده است. راهبرد ایشان در قبال توانمندی‌های محیطی کشور، راهبردی فرصت‌محور و منطبق بر برنامه‌ریزی مدون برای اتکا به فرصت‌های مادی کشور بر مبنای استفاده پایدار و بهینه از فرصت‌های جغرافیایی جهت هموار شدن مسیرهای تعالی و توسعه اقتصادی کشور است. مقام معظم رهبری مزیت‌های جغرافیایی کشور را از عوامل زمینه‌ساز درون‌گرایی اقتصاد، پایداری اقتصادی و کاهش وابستگی به کشورهای خارجی عنوان می‌نماید (امینی و پناهی، ۱۳۹۸: ۵۳)؛ یعنی دولت اسلامی باید به گشایش و رونق اقتصادی جامعه اهتمام بورزد و تنگدستی معیشتی مردم را برطرف کند تا زمینه برای وصول فرد و جامعه به تعالی معنوی و اخلاقی و دفاع همه‌جانبه از ارزش‌های انقلاب فراهم شود (جمشیدی، ۱۳۹۸).

#### ❖ عدالت و مبارزه با فساد

متأسفانه مسئله فساد (اداری، اقتصادی، مالی، سیاسی) در کشور ما به یک معضل اساسی تبدیل شده است. حضرت امام خمینی فرمان ۸ ماده‌ای برای مبارزه با فساد صادر می‌کند و خواهان تشکیل ستادی پیگیر و جدی برای مبارزه بی‌امان با فساد

می‌شود و تأکید می‌کند که اگر در این زمینه تعلل صورت گیرد، شخصاً وارد کارزار مبارزه با فساد خواهد شد (دارابی، ۱۳۰۶: ۲۸۹). رهبر انقلاب حضرت آیه‌الله خامنه‌ای نیز به این امر توجه فراوان داشته و برای مبارزه با فساد، بر عدالت تأکید می‌کند. ایشان می‌فرماید:

«عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست» (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۱۱).

تحقق هر یک از ارزش‌های اجتماعی در جامعه، نیازمند الزاماتی است که عدالت نیز از این رویه مستثنا نیست. رهبر معظم انقلاب اسلامی به برخی از این الزامات چنین اشاره دارد:

«[عدالت] اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد. این هم جزو پیش شرط‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت است» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹).

### ❖ استقلال و آزادی

«استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و... حکومت‌ها موظف به تأمین این دواند» (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۱۱).

یک کشور در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید دارای استقلال باشد. اگرچه هر سه، مانند حلقه به هم وصل هستند، اما اگر ملتی استقلال سیاسی داشته و تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی به خودکفایی برسد، اما فرهنگ و باورهای بیگانگان هنوز در آن کشور رواج داشته باشد، نمی‌تواند به استقلال برسد.

بنابراین برای رسیدن به استقلال همه‌جانبه و دفاع از ارزش‌های انقلاب باید اول به استقلال اندیشه‌ای برسیم (جلال‌منش، ۱۳۹۸).

### ❖ عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمینگیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. بیانیه «گام دوم انقلاب» در این ارتباط، تبیین‌کننده فصل نوین حرکت انقلابی و عمل جهادی ملت بزرگ ایران و امت اسلام و جبهه مقاومت است. در این منشور با تحلیلی روشن از گذشته، نقشه راه برای تحکیم نظام انقلابی پویا، توانمند و پیشتاز در راستای دستیابی به تمدن اسلامی و بهبود جدی عملکرد ارکان نظام ارائه شده است (رحمانی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۱).

### ❖ سبک زندگی

«تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست» (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷: ۱۲).

اسلامی - ایرانی شدن سبک زندگی در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بوده است که علی‌رغم تلاش‌های انجام گرفته، جامعه فعلی ما به علت تأثیرپذیری از زندگی قبل از انقلاب اسلامی و از سوی دیگر به دلیل تهاجم فرهنگی بیگانگان، نتوانسته است بین باورهای دینی و شیوه زندگی خود ارتباطی تنگاتنگ ایجاد کند، مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به افق ترسیم‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب و پیشرفت مورد قبول در حوزه سبک زندگی عبارت‌اند از: اصلاح

نگرش و تقویت باورهای دینی، عمل به آموزه‌های دینی از سوی رهبران دینی و مدیران نظام، ترویج فرهنگ صحیح استفاده از رسانه، اصلاح مدیریت رسانه‌ها، نهادینه شدن فرهنگ نظارت و تقویت روحیه جهادی (عیسی‌زاده و عراقی، ۱۳۹۸: ۱). اتخاذ سبک زندگی مورد نظر در بیانیه گام دوم، موجب تقویت سرمایه اجتماعی شده و همان طور که پیشتر ذکر شد، سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم در دفاع نهادینه و پایدار بر اساس مؤلفه‌های قدرت نرم دارد.



شکل ۳: مؤلفه‌های مقوم امنیت در گام دوم

دستیابی به دفاع پایدار بر اساس مؤلفه‌های قدرت نرم در بیانیه گام دوم، بستر ایجاد الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی می‌باشد.

### ۳-۶. تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

با وجود اینکه همبستگی ملی ایران دارای ریشه‌های مستحکمی است و از سرمایه اجتماعی قابل توجهی برخوردار است، اما با توجه به تحولات روزافزون، در صورتی قادر به استحکام بیشتر و تقویت همبستگی خود خواهد بود که در کنار توجه و استفاده از عناصر قدرت سخت در دفاع، بتواند از عناصر قدرت نرم که در بیانیه گام دوم بدان اشاره شد نیز برای افزایش قدرت خود و بالا بردن ضریب دفاعی استفاده کند. بر همین اساس، پایدارترین عامل ثبات در دستیابی به امنیت پایدار و سطح بالای دفاعی، حرکت

در مسیر و نیز تلاش در دستیابی به مقوم‌ترین عنصر مرتبط با سرمایه اجتماعی ایران، یعنی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی بر مبنای نظریات مقام معظم رهبری است. بومی‌سازی و اسلامی‌سازی پیشرفت، به این معناست که در تدوین برنامه‌های مربوط، پیشرفت شاخص‌های ملی درون‌گفتمانی در راستای تمدن اسلامی در نظر گرفته شود. به شاخصه‌های این الگو در سرفصل‌های بیانیه گام دوم پرداخته شده و همان طور که مشاهده شد، این مؤلفه‌ها در راستای ایجاد معانی گفتمانی منطبق با نیازهای چهل ساله دوم انقلاب و در نظر گرفتن شرایط جامعه امروز و دفاع از دستاوردهای جامعه تدوین شده است.

تلاش جهت دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی باید در عرصه‌های مختلف فکر (یعنی تحول در آموزش و پرورش و رسانه‌ها)، علم (یعنی شتاب‌بخشی در تولیدات علمی و نظریه‌پردازی در جهت رسیدن به استقلال علمی)، زندگی (یعنی توجه به ارتقای شاخصه‌های عدالت، امنیت، رفاه، استقلال، آزادی و معنویت در جامعه) و معنویت (یعنی تقویت روحی و انگیزه پیشرفت واقعی در تمام عرصه‌ها) صورت بگیرد تا بسترهای واقعی برای رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه در کشور در راستای دفاع از منافع ملی فراهم شود (پایا، ۱۳۸۸: ۵۵). با توجه به اینکه بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، لزوم استفاده از قدرت نرم سرمایه اجتماعی در دفاع ملی از اهمیت زیادی برخوردار است، دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی نیز زمانی میسر است که در راستای ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی و هماهنگ با آن باشد. لذا تبیین هویت انقلاب و سرمایه اجتماعی آن در چهل ساله دوم عمر خود در بیانیه گام دوم، تلاشی در تثبیت و تقویت مؤلفه‌های دفاعی و امنیت پایدار است که نهایتاً با اتخاذ الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی، به خلق تمدن نوین اسلامی می‌انجامد.

### نتیجه‌گیری

توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، به مثابه راهبردهای کلان جهت حرکت تمدنی جامعه ایرانی است و به عنوان چشم‌انداز تصویری از ایران آرمانی آینده می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای تداوم و استحکام‌بخشی این مسیر در چهل ساله دوم انقلاب باشد. این بیانیه، تجدید مطلعی است خطاب به



ملت ایران و به ویژه جوانان، که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. بیانات امام خامنه‌ای در گام دوم انقلاب، دستاوردهای بسیار ارزشمندی داشته و در اصل هدایتگر به سوی شناخت راه صحیح استفاده از سرمایه اجتماعی در دفاع از ارزش‌های انقلاب می‌باشد. بیانات ایشان به خوبی بیانگر اهمیت حضور مردم و مردمی‌سازی مقوله‌ها که بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی است، می‌باشد. از منظر بسیاری از اندیشمندان سیاسی و نظامی، استفاده از این مؤلفه قدرت نرم (سرمایه اجتماعی) سیاست دفاعی، تدابیر - رهنمودها و خط‌مشی‌های تدوین شده برای تأمین اهداف ملی می‌باشد. لذا همین تدابیر و خط‌مشی‌ها نشئت گرفته از اندیشه دفاعی آن جامعه برای مقابله با تهدیدات خواهد بود. آنچه مهم است، نهادینه کردن و مدیریت علمی جامعه بر اساس این بیانیه برای رسیدن به الگوی مناسب جهت ایجاد امنیت پایدار در جامعه می‌باشد که فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - نظامی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر قدرت درونی یعنی سرمایه اجتماعی که در این پژوهش به تفصیل بیان شد، معتقد است که مقابله با تهدیدات احتمالی فرارو و دفاع از کشور با اقداماتی از قبیل تلفیق قدرت نرم با قدرت سخت و حرکت در جهت اتخاذ الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت میسر هست.



شکل ۴

با رویکرد فوق لازم است سیاست گذاران در جمهوری اسلامی، سرمایه اجتماعی را به عنوان انرژی و منبع اصلی توسعه در نظر گرفته و به آن بیش از سرمایه‌های ارزی یا منابع طبیعی اهمیت دهند. این نوع نگاه به نیروی پیشران جامعه تازگی نداشته و در سال‌های گذشته و دیدارهای قبلی نیز با ادبیات متنوعی همگی نشان از این دارد که بیانیه گام دوم اگر بخواند توان عینی و تحقق خارجی خود را تجربه نماید و به منصفه ظهور برسد و منشأ تحول و اثر قرار گیرد، باید در سطوح رسمی و قلمروهای غیر رسمی و مردمی، شاهد حضور نیروهای مستعد، مؤمن، انقلابی و بالخصوص جوان باشیم تا کمترین اتلاف انرژی را در خصوص منابع و توان و اقتدار فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و... در کشور داشته باشیم. براین امر، افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام سیاسی و تثبیت و تقویت مؤلفه‌های دفاعی و امنیت پایدار است که نهایتاً با اتخاذ الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی، به خلق تمدن نوین اسلامی می‌انجامد.

## کتاب‌شناسی

۱. امینی، داوود، و حمید پناهی، «تحلیلی بر بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه بهره‌برداری از جغرافیای طبیعی در توسعه اقتصادی کشور»، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲. پایا، علی، «آیا "الگوی توسعه ایرانی - اسلامی" دست‌یافتنی است؟»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، سال پانزدهم، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۳. جلال‌منش، امین، «برنامه گام دوم، برنامه "سیاست‌نامه" با موضوع "ویژه تبیین بیانیه گام دوم انقلاب، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و استقلال"»، *صدای جمهوری اسلامی ایران*، صدای اندیشه‌ها، مدیر بنیاد فرهنگ و اندیشه اعتلا، شبکه رادیو گفت‌وگو، ۱۳۹۸/۳/۱۱ شش.
۴. جمشیدی، مهدی، «تلیخیص شده درس گفتار اخلاق و معنویت»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۵. جهان‌بین، فرزاد، اعظم امامی، «سرمایه اجتماعی، حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۶. حبیبیان، سجاد، حجت‌اله صحرایی، و جواد منزوی بزرگی، «ارائه راهبردهای دفاع فرهنگی با بهره‌گیری از تکنیک swot با اتکاء بر اندیشه‌های دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، مقاله در: همایش ملی تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، دوره چهارم، ۱۳۹۷/۸/۱ ش.
۷. حسن‌بیگی، ابراهیم، و ابراهیم رئیسی دهکردی، «مقوم‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر الهام‌بخشی»، *فصلنامه امنیت ملی*، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴ ش.
۸. حسونند، مهدی، «رابطه بین سرمایه اجتماعی - فرهنگی و احساس امنیت در بین زنان شهرستان خرم‌آباد»، *فصلنامه دانش‌انظامی لرستان*، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۹. حسین‌پور طولازدهی، شهره، «جایگاه علم، پژوهش و فناوری در ایران: موانع، راهکارها»، مقاله در: اولین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و آموزش در ایران، تهران، ۱۳۹۴ ش. <<https://civilica.com/doc/430138>>.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *درآمدی بر دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*، گردآوری سیداصغر جعفری و همکاران، تهران، دفاع، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. دارابی، علی، *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی؛ بیم‌ها و امیدها*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. رحمانی، سیدبهنم، و محمد رحیمی، «بررسی و تحلیل عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس مدل SWOT»، مقاله در: اولین همایش سراسری قدرت نرم انقلاب اسلامی با محوریت «چهاردهه مقاومت و بایسته‌های فرهنگی گام دوم انقلاب اسلامی»، تهران، ۱۳۹۸ ش. <<https://civilica.com/doc/1134589>>.
۱۳. رحمانی، مریم، محمدتقی حیدری، و خدیجه حیدری، «تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی، نظم و امنیت بر پایه مکتب شهید سلیمانی در افق گام دوم انقلاب اسلامی با رویکرد پلیس ارزش‌آفرین» (مقاله در: دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز، تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ ش.)، *مجموعه مقالات سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی*، دوره دوم، شماره پیاپی ۲، ۱۳۹۹ ش. <<https://civilica.com/doc/1159707>>.
۱۴. رحیمیان، محمد، عباس کشاورز شکری، یوسف ترابی، «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی»، *دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن‌نویین*

- اسلامی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۵. شیرودی، مرتضی، «قدرت نرم، تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، *فصلنامه تمدن اسلامی و دین‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۱۶. عابدینی، علی، حسن زارعی متین، و حسین عابدینی، «تبیین الگوی سرمایه اجتماعی بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مدیریت اسلامی*، سال بیست و هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸ ش.
۱۷. عباس‌زاده، هادی، و کامران کرمی، «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۱)، بهار ۱۳۹۰ ش.
۱۸. عبداللهی، محمد، و میرظاهر موسوی، «سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۱۹. عیسی‌زاده، عیسی، و جلال عراقی، «گام دوم انقلاب و راهکارهای دستیابی به سبک زندگی اسلامی (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، مقاله در: همایش ملی جستارهای پژوهشی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، گرگان، ۱۳۹۸ ش.، <<https://civilica.com/doc/977026>>.
۲۰. قدسی، امیر، «قدرت نرم و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران در پرتو بازتولید سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۲۱. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، کامران کرمی، و هادی عباس‌زاده، «قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل‌دهی به قدرت نرم»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۲۲. کاظمی، مجتبی، «استراتژی دفاع در عمق بر اساس فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر بستر اندیشه و نظر حضرت امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>»، مقاله در: چهارمین همایش تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>، تهران، ۱۳۹۷ ش.، <<https://civilica.com/doc/1236780>>.
۲۳. محمدی‌الستی، مسعود، «دفاع در عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه‌های دفاعی فرماندهی کل قوا، امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال سی و یکم، شماره ۱۲۰، پاییز ۱۴۰۱ ش.
۲۴. محمدی، منوچهر، «منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پانزده خرداد*، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷ ش.
۲۵. مرادپیری، هادی، «الگوی دفاعی در اندیشه دفاعی حضرت امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>»، *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۲۶. یزدان‌فام، محمود، «امنیت نرم و چرایی اهمیت آن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۸ ش.
27. Hennekam, Sophie & Steve McKenna & Julia Richardson & Subramaniam Ananthram, "Perceptions of demotion decisions: A social capital perspective", *European Management Journal*, Vol. 37(6), December 2019.
28. Marklund, Carl, "Soft Power", *International Encyclopedia of Human Geography*, 2<sup>nd</sup> Ed., Oxford, Elsevier, 2020.
29. Portes, Alejandro, "Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology", *Annual Review of Sociology*, Vol. 24, August 1998.
30. Walters, William, "Social Capital and Political Sociology: Re-imaging Politics?", *Sociology*, Vol. 36(377), 2002.

## بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان

### در سبک زندگی اسلامی و دیدگاه جامعه‌شناسی\*

- سیدعلی سجادی‌زاده<sup>۱</sup>
- رحمت‌آبادی<sup>۲</sup>
- عاطفه استخری<sup>۳</sup>

#### چکیده

از ابعاد سلامتی انسان، سلامت اجتماعی است که ضرورت آن به خصوص برای نسل جوان که موتور متحرک جامعه هستند، فراوان است. مقوله سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام، دارای اهمیت فراوانی است و بایسته‌هایی در سبک زندگی اسلامی و از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌توان برای این بُعد از سلامت در نظر گرفت. در سبک زندگی اسلامی، فردی را می‌توان دارای سلامت اجتماعی دانست که از الگوی شایسته پیروی کند و دارای امیدواری، انگیزه و نشاط، مسئولیت‌پذیری، تعاون، عدالت‌مندی و رضایت از زندگی باشد، و از دیدگاه جامعه‌شناسی، بایسته‌هایی از جمله همبستگی، انسجام، مشارکت، شکوفایی و پذیرش اجتماعی را برای آن

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (sajjadizadeh@razavi.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس (a\_rahmatabady@yahoo.com).

۳. فارغ‌التحصیل سطح ۳ مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس (نویسنده مسئول) (estakhri313@gmail.com).

می‌توان برشمرد. در این تحقیق از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، نرم‌افزارها و اینترنت بهره برده شده و با روش توصیفی - تحلیلی، سعی شده تا جنبه‌های مختلف موضوع در ابتدا توضیح داده شود و سپس مورد بررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** سلامت اجتماعی، امیدواری، نشاط، تعاون، مسئولیت‌پذیری.

### مقدمه

سلامت اجتماعی، شرطی ضروری برای ایفای مطلوب نقش‌های اجتماعی است و انسان‌ها در صورتی می‌توانند فعالیت کامل و مؤثر داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آن‌ها را سالم بدانند و در حقیقت انسان سالم، محور رشد و تعالی جامعه است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

در کنار سلامت جسمی و روانی، سلامت اجتماعی قرار دارد و به شناخت فرد از نقش‌های اجتماعی خویش و گرایش وی به پذیرش آن‌ها و کنترل احساسات در جهت مثبت و در نهایت ایفای درست این نقش‌ها در جهت تعامل مؤثر با سایر افراد به گونه‌ای که به رشد فرد و جامعه کمک نماید، اشاره دارد.

از آنجا که انقلاب ما جوان است، اهمیت مقولاتی مانند سلامت اجتماعی برای ما دوچندان است. از سویی ضرورت دولت‌سازی اسلامی در زنجیره تمدن‌سازی اسلامی و واگذاری مسئولیت به جوانان در گام دوم انقلاب ایجاب می‌کند که ایفای نقش توسط جوانانی صورت گیرد که نه تنها خود در سطح بالایی از سلامت در تمام ابعاد قرار دارند، بلکه زمینه را برای ارتقای سلامت اجتماعی سایر مردم هم فراهم کنند.

به نظر می‌رسد جوانی را می‌توان دارای سطح خوبی از سلامت اجتماعی دانست که مسئولیت‌پذیر، عدالتمند و دارای الگوی شایسته، امیدواری، انگیزه و نشاط، تعاون و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی بوده و رضایت از زندگی داشته باشد.

اما متأسفانه بایسته‌های سلامت اجتماعی، از سوی دشمنان داخلی و خارجی مورد تهاجم واقع شده است؛ چنان که با معرفی الگوهای نامناسب، عدم واگذاری مسئولیت به جوان، پوشاندن و تحریف حقایق و تاریک و مبهم نشان دادن آینده کشور، سعی در تضعیف انگیزه و ناامیدسازی وی دارند تا نتواند از ظرفیت‌های خود در مسیر رشد و

تعالی بهره‌مند گردد و استعدادهای خویش را شکوفا سازد. لذا اهمیت بررسی سلامت اجتماعی جوانانی که توجه به آن‌ها، توجه به هویت آینده کشور است، ضروری است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در زمینه سلامت اجتماعی، روش اکثر نگاشته‌های صورت گرفته که به دلیل جدید بودن این بحث، اکثراً در قالب مقاله هستند، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه بوده است. این جستارها، نقش متغیرهای مختلف را در سلامت اجتماعی بررسی کرده‌اند؛ از جمله مقالات: «سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام؛ شاخص‌ها و آسیب‌ها» (مریم اسماعیلی)؛ «دین و سلامت اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با سلامت اجتماعی» (فیروز راد و دیگران)؛ «بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی» (محمدحسن میرزامحمدی و دیگران)؛ «بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد» (سیدعلیرضا افشانی و دیگران)؛ «مآخذشناسی توصیفی در حوزه سلامت اجتماعی» (زهرة نیک‌خلق احمدی)؛ و کتاب‌های: **مبانی سلامت اجتماعی** (منوچهر محسنی)؛ **مبانی تربیتی سلامت در اسلام** (فاطمه غلامی‌نژاد).

لازم به ذکر است که در دامنه جستجوی گردآورندگان این سطور، تحقیقی که به صورت خاص به معرفی بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان پردازد، یافت نشد. لذا این پژوهش بر آن است تا به بررسی این مسئله پردازد.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. بایسته

بایسته به معنای واجب، لازم و ضروری است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳/۳۷۴۸) و در این تحقیق، مراد ما لوازم سلامت اجتماعی جوانان است که هم برای اصل وجود سلامت اجتماعی و هم ارتقای آن، ضروری هستند.

### ۲-۱. سلامت اجتماعی

#### ۱-۲-۱. سلامت اجتماعی در لغت

ریشه «سلامت»، سلم است. راغب اصفهانی سلم و سلامت را چنین معنا می‌کند:

«السُّلْمُ وَالسَّلَامَةُ: التَّعَرُّى مِنَ الْآفَاتِ الظَّاهِرَةِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۱)؛ مصون بودن از بیماری ظاهری و باطنی (همو، ۱۳۷۴: ۲/۲۴۷).

«اجتماع»، مصدر و به معنای گرد هم آمدن، و «اجتماعی» به معنای آنچه که ویژه جامعه و آن که فطرتاً علاقمند به زندگی اجتماعی است، می‌باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۵).

### ۲-۲-۱. سلامت و ابعاد آن

سلامت مفهومی وسیع دارد و تعریف آن تحت تأثیر میزان آگاهی و طرز تلقی جوامع با شرایط گوناگون جغرافیایی و فرهنگی قرار می‌گیرد و البته سلامتی روندی پویا دارد و در طی زمان، مفهوم آن متغیر است. بیمار نبودن، قدیمی‌ترین تعریف از سلامتی است. اما از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت،<sup>۱</sup> سلامت عبارت است از: «برخوردراری از آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو»؛ لذا این تعریف نشانگر ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و جنبه معنوی برای سلامتی است (ر.ک: سام آرام و امینی یخدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۷).

### ۳-۲-۱. رویکردها در سلامت اجتماعی

سه رویکرد یا تلقی پیرامون بُعد اجتماعی سلامت وجود دارد: رویکرد اول: سلامت اجتماعی به مثابه جنبه‌ای از سلامت فرد در کنار سلامت جسمی و روانی؛

رویکرد دوم: سلامت اجتماعی به مثابه شرایط اجتماعی سلامت بخش؛  
 رویکرد سوم: سلامت اجتماعی به مثابه جامعه سالم (سمعی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳).  
 آنچه در این تحقیق مورد نظر است، رویکرد اول می‌باشد. البته لازم به ذکر است که این تلقی‌ها ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.

### ۴-۲-۱. سلامت اجتماعی در اصطلاح

تعاریفی که برای سلامت اجتماعی مطرح شده، بدین‌قرار است:  
 «سلامت اجتماعی به معنای ارزش‌گذاری شرایط یک فرد و کارایی او در جامعه و

1. Who.



در واقع، ارزیابی شرایط و کار فرد در جامعه است» (ر.ک: افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹). «سلامت اجتماعی، به توانایی فرد در تعامل مؤثر با دیگران و اجتماع به منظور ایجاد روابط ارضاکننده شخصی و به انجام رساندن نقش‌های اجتماعی اطلاق می‌شود» (سام‌آرام و امینی یخدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

«سلامت اجتماعی به شبکه ارتباطی فرد با اطرافیان در قالب همکاری، تعامل، همیاری، همدلی و همراهی می‌پردازد؛ اینکه فرد جایگاه مناسب و مطلوب و تأثیرگذاری را در شبکه‌های ارتباطی گروهی (دست کم دو نفر) با سایر افراد جامعه می‌یابد و با قرار گرفتن در این شبکه ارتباطی، هم خود او سود ببرد و هم وجودش برای دیگران، منشأ اثرات مثبت و حمایت اجتماعی باشد. رسیدن به این جایگاه تعیین‌کننده و مثبت، نیازمند به دستیابی فرد به شرایط تأمین رفاه جسمانی و روان‌شناختی اوست و نیازمند وجود اجتماع و جامعه‌ای است که خود از شرایط سلامت اجتماعی برخوردار باشد؛ یعنی جامعه‌ای میرا از نابرابری و تبعیض و طرد و تجاوز به حقوق انسانی» (بررسی سلامت اجتماعی...، ۱۳۹۶: ۴۹).

کیز<sup>۱</sup> مهم‌ترین و اثرگذارترین نظریه‌پرداز حوزه سلامت اجتماعی در سطح خرد است. او سلامت اجتماعی را عبارت از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع می‌داند. از نظر کیز، فردی از سلامت اجتماعی برخوردار است که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه مفید برای رشد و شکوفایی بداند و احساس کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهم است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

«سلامت اجتماعی به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه اشاره، و بر ابعادی از سلامت تأکید دارد که مربوط به ارتباط فرد با افراد دیگر و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و دربرگیرنده عواملی است که در کنار یکدیگر، نشانگر کمیت و کیفیت عمل افراد در زندگی اجتماعی است» (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۷). قبل از اشاره به تعریف مختار، توجه به این نکته مناسب است که در تعاریف بالا،

گاهی به هدف سلامت اجتماعی اشاره شده و گاهی رویکردهای دیگر سلامت اجتماعی هم در تعریف لحاظ شده و برخی تعاریف نیز ناظر به بایسته‌های سلامت اجتماعی تنها از دیدگاه جامعه‌شناسی است.

همچنین تمرکز بعضی از آن‌ها بر بُعد بینشی، و بعضی دیگر بر تعامل مؤثر و در واقع در فضای گرایش و کنشی مشهود است و این در حالی است که اسلام علاوه بر مطرح کردن بینش‌ها و گرایش‌های لازم، راه حل برای کنش‌ها هم مطرح نموده و بستر آن را در قالب حکومت دینی نیز فراهم کرده است.

تعریفی که ما در این تحقیق مدنظر داریم، چنین است: «شناخت فرد از نقش‌های اجتماعی خویش و گرایش وی به پذیرش آن‌ها و کنترل احساسات در جهت مثبت و در نهایت ایفای درست این نقش‌ها در جهت تعامل مؤثر با سایر افراد، به گونه‌ای که به رشد فرد و جامعه کمک نماید».

### ۳-۱. جوان

#### ۱-۳-۱. مفهوم لغوی جوان

دو تعبیر رایج در فرهنگ عربی در مورد جوان وجود دارد (ر.ک: محمدی ری‌شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۴)؛ اولی، تعبیر به «فتی» که از ریشه «فتی/فتو» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۳۷) و به معنای طراوت و شادابی است، و دیگری، تعبیر «شاب» از ریشه «شَب» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۹۲/۲)، به معنای شکوفایی و برخورداری از حرارت است (ر.ک: محمدی ری‌شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۴).

واژه «شاب» در زبان عربی به معنای جوانی و آغاز چیزی است و برای بیان دوره خاص به کار می‌رود و «فتی» به معنای تازه‌جوان، بزرگوار، کریم، سخاوتمند، برده، و... آمده است و صفت برای کسی است که در آن دوره قرار دارد. در زبان فارسی، «جوانی» و «جوان» از مفاهیمی هستند که معادل آن دو (شاب و فتی) به کار گرفته می‌شوند (صداقت، ۱۳۸۷: ۲۳).

واژه «جوان» در لغت‌نامه دهخدا به معنای برنا، هر چیز که از عمر آن چندان نگذشته باشد، شاب و مقابل پیر، معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵/۶۹۳۰).

واژه «جوانی» نیز اشاره به مرحله‌ای از زندگی انسان‌ها دارد که در آن، قوای جسمی و روحی بشر در بالاترین درجه و استعداد خود قرار دارد و به عبارت دیگر، تمامی استعدادهای درونی و بیرونی انسان، در اوج شکوفایی و ثمردهی است (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴).

### ۱-۳-۲. مراحل زندگی از نگاه قرآن

در قرآن کریم، مراحل زندگی از نظر توانمندی به سه دوره تقسیم شده که در آیات زیر مورد اشاره قرار گرفته است (محمدری شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۶):

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ (روم/۵۴)؛ خدا همان کسی است که شما را آفرید، در حالی که ناتوان بودید. آنگاه پس از ناتوانی قوت بخشید و سپس بعد از توانمندی، ناتوانی [و پیری] قرار داد. او هر چه بخواهد، می‌آفریند، و هم اوست دانای توانا.

﴿ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا﴾ (غافر/۶۷)؛ سپس شما را به صورت نوزادی [از شکم مادر] بیرون می‌فرستد تا به کمال نیرومندی خود برسید، سپس تا پیر شوید.

دوران کودکی و پیری، دوران ناتوانی است و دوره جوانی، دوران توانمندی است که کمال نیرومندی و قوت انسان در آن است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

﴿إِذَا زَادَ الرَّجُلُ عَلَى الثَّلَاثِينَ فَهُوَ كَهْلٌ وَإِذَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ فَهُوَ شَيْخٌ﴾ (ابن شعبه جزئی، ۱۳۶۳: ۳۷۰)؛ هر گاه عمر مرد از سی سال گذشت او «میانسال» است، و چون از چهل گذشت «پیر» است (همو، ۱۳۸۱: ۳۴۸).

مفهوم این سخن، آن است که دوران جوانی با بلوغ، یعنی پانزده سالگی، آغاز می‌شود و تا سی سالگی ادامه دارد.

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است؛ اولاً تعریف دوران جوانی ممکن است در اعصار مختلف تاریخ متفاوت باشد، و ثانیاً جوانی در افراد مختلف نیز متفاوت است. در جمع‌بندی آنچه گذشت، می‌توان گفت که مراد ما در این بحث از دوران جوانی، دوران رشد، شکوفایی، شادابی و گرمی زندگی است (ر.ک: محمدری شهری و

## ۴-۱. سبک زندگی اسلامی

«سبک زندگی اسلامی» اشاره به شیوه‌ای از زندگی دارد که کتاب الهی، منبع اصلی استخراج آن و بر مبنای عملی است که در جهت عمل به قوانین الهی انجام می‌شود. از مهم‌ترین معیارهای این سبک زندگی می‌توان به خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی اشاره کرد و در واقع، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد.

در این سبک از زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی داراست، و تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود می‌بیند. از این رو، همه شئون زندگی خود از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد.

چارچوب این سبک زندگی از سوی پروردگاری ترسیم شده که خالق عالم و آدم، و آگاه به ابعاد وجودی و نیازها و خواسته‌های اوست. پس به اقتضای حکمت الهی، نیازهای انسان‌ها در تمام ابعاد در این سبک زندگی لحاظ شده است (ر.ک: افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۸۸).

## ۲. جایگاه و اهمیت سلامت اجتماعی جوان از منظر اسلام

ریشه مشترک «سلم» در عناوین دین مبین اسلام و سلامت، بیانگر ارتباط ماهوی این دو مفهوم است. واژه سلام در معنای عافیت به صورت منفرد و یا در ترکیب با کلمات دیگر، ۳۳ بار در قرآن کریم<sup>۱</sup> تکرار شده است (صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۶). از نظر اسلام، پیش‌نیاز حرکت فرد و جامعه در مسیر کمال، سلامتی و آگاهی و

۱. برای نمونه: «يَهْدِي بِهٖ اللّٰهُ مَنۡ اَتَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده / ۱۶)؛ «وَاللّٰهُ يَدْعُوۡا اِلٰى دَارِ السَّلَامِ» (یونس / ۲۵)؛ نیز ر.ک: انعام / ۱۲۷؛ انبیاء / ۶۹؛ نمل / ۵۹؛ ق / ۳۴).

تأمین نیازهای اولیه مادی انسان است. همچنین به اهتمام مسلمانان نسبت به سرنوشت دیگران و تلاش برای حل مشکلات یکدیگر توصیه شده و از سویی بی تفاوتی نسبت به دیگران نکوهیده شده است (ر.ک: همان: ۲۳۹)؛ چنان که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ با اشاره به مسئولیت افراد نسبت به همدیگر می‌فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۲۴۲)؛ در مورد بندگان خدا و شهرهایش تقوای الهی را رعایت کنید؛ زیرا شما حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات نیز مسئول هستید... (نهج البلاغه، ۱۳۹۲: ۳۶۱ و ۳۶۳).

بالا تر از مسئولیت در مقابل دیگران، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که مسلمانی در گرو این توجه به امور دیگران است:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲)؛ هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد، مسلمان نیست (همو، ۱۳۶۹: ۲۳۸/۳).

طبق نظر اسلام، جامعه انسانی همچون سایر مخلوقات الهی، تحت سنن و قوانین معینی به حیات خویش ادامه می‌دهد و سنت برادر بودن مؤمنان با همدیگر و اصل عدالت، از اهم مصادیق سنن اجتماعی است که قرآن کریم به آن‌ها اشاره نموده است و در واقع از اعجازهای اجتماعی قرآن کریم محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

قرآن اخوت و برادری را به عنوان اصلی‌ترین مسئله‌ای که در پیوند اجتماعی انسان‌ها مطرح است، بیان می‌دارد (ایروانی و حسینی زیدی، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۶): «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»<sup>۲</sup>. جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» یکی از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی است؛ شعاری بسیار گیرا، عمیق، مؤثر و پر معنا.

اسلام سطح پیوند علایق دوستی مسلمانان را به قدری بالا برده که به صورت

۱. اعجاز اجتماعی قرآن به این معناست که قرآن در زمینه‌های اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده که قبل از قرآن سابقه نداشته و با عقل و فنون آن زمان، قابل دستیابی نبوده و بعد از مدت‌ها به این مطالب و لطایف قرآن پی برده شده است. از دیگر موارد و مصادیق اعجاز اجتماعی قرآن در زمینه قوانین و سنن اجتماعی می‌توان به سنت فراگیری آثار اعمال، سنت ظهور و سقوط امت‌ها، سنت ارسال رسل، سنت پیروزی حق بر باطل، سنت مجازات، سنت مهلت دادن و سنت عبرت‌آموزی اشاره نمود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ایروانی و حسینی زیدی، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۶).

۲. «مؤمنان برادر یکدیگرند؛ بنابراین میان دو برادر صلح برقرار سازید» (حجرات / ۱۰).

نزدیک‌ترین پیوند میان دو انسان با یکدیگر، آن هم پیوندی بر اساس مساوات و برابری، یعنی مانند علاقه دو برادر نسبت به یکدیگر مطرح می‌کند. روی این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و هر زبان و در هر سن و سالی، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند؛ هرچند یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب. به تعبیری دیگر، اسلام تمام مسلمان‌ها را در حکم یک خانواده می‌داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب می‌کند، نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند.

در روایات اسلامی نیز روی این مسئله تأکید فراوان شده و جنبه‌های عملی آن ارائه گردیده است؛ برای نمونه به یک حدیث پرمحتوا اشاره می‌شود (همان: ۷۱-۹۶). امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ...» (صدوق، ۱۴۰۲: الف: ۴۸)؛ مؤمن برادر مؤمن است، چون یک تن که اگر یکی از اندام آن به درد آید، دیگر اعضا نیز رنج می‌بینند... (همو، ۱۴۰۲: ب: ۴۹).

از سویی، دین مبین اسلام برای عوامل اجتماعی تهدیدکننده سلامت، مانند فقر، جهل و نادانی، تفرقه، ظلم، خشونت، خیانت، تبعیض جنسی و پیمان‌شکنی که همواره ذخیره سلامتی فرد و جامعه را مورد مخاطره قرار داده‌اند، راهکارهای مناسب معرفی کرده است (ر.ک: صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۹)؛ برای مثال، قرآن کریم در زمینه مبارزه با جهل و نادانی، ارتقای دانش را بیان می‌کند: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله / ۱۱)؛ خداوند آن‌ها را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی می‌بخشد.

همچنین برای جلوگیری و مبارزه با ظلم، متذکر بحث عدالت‌محوری می‌شود: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده / ۸)؛ عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

در واقع، قرآن اصل عدالت را به عنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

این آیه به یکی از اهداف متعدد ارسال پیامبران اشاره می‌کند. نکته جالب در جمله ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ این است که از خودجوشی مردم سخن می‌گوید. نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیا انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند؛ بلکه می‌گوید: هدف این بوده که مردم، مجری قسط و عدل باشند! مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند (ایروانی و حسینی زبیدی، ۱۳۹۲: ۹۶-۷۱).

انسان‌ها را دعوت به همبستگی و یکپارچگی اجتماعی می‌نماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران / ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر] چنگ زبید و پراکنده نشوید. ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا﴾ (انفال / ۴۶)؛ نزاع [و کشمکش] مکنید تا سست نشوید.

همچنین سفارش به وفای عهد و امانت‌داری می‌کند: ﴿أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء / ۳۴)؛ و به عهد [خود] وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«حَسُنَ الْعَهْدُ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن شعبه حزان، ۱۳۶۳: ۴۸)؛ به درستی که نیکویی عهد و پیمان از ایمان است [یعنی وفا کردن به آن و رعایت کردن آن] (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸۷/۲، شرح خوانساری).

همچنین در زمینه تعدیل ثروت، دستورالعمل‌های اسلام برای بازتوزیع ثروت در احکام خمس و زکات و توزیع عادلانه اموال عمومی (انفال)، تشویق به احسان و منع کسب مال حرام (رشوه و رباخواری و...) بسیار جامع و راهگشاست (ر.ک: صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۹-۲۴۰).

از سویی بر مبارزه با فساد و دعوت به عمل صالح تأکید دارد: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۴)؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگاران‌اند.

انسان‌ها را دعوت به صلح‌جویی می‌نماید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾ (انفال / ۶۱)؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در بیا.

به شدت به مبارزه با تبعیض جنسیتی برمی‌خیزد: ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ (تکویر/۹-۸)؛ و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند؟! (ر.ک: همان).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به تأکید اسلام بر بحث سلامت اجتماعی پی برد و در این بین، اهمیت این امر در مورد جوانان مضاعف است؛ زیرا دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای هستند و ساختن آینده جامعه نیز به دست آنهاست.

بحث از اهمیت دوره جوانی است؛ دوره‌ای که فصل شیرین حیات است و نشاط، شادابی، تلاش، احساس نیرو و نوگرایی، فضیلت‌جویی و... در آن جلوه می‌کند.

در اسلام، تکلیف‌پذیری از این دوره شروع می‌شود و جوان، مربی خویش و عهده‌دار مهم‌ترین رسالت الهی می‌گردد و اولین گام‌های تکلیف را تجربه می‌کند و همان گونه که در درون و اخلاق باید حد وسط را رعایت کند، در بیرون هم با آغاز تکلیف و واگذاری جوان در تمام امور و فعالیت‌های زندگی، به طور رسمی حضور او در اجتماع پذیرفته می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های مستقل اقتصادی و همکاری در جامعه پردازد؛ همکاری با فقرا شروع می‌شود، شخص تازه به تکلیف رسیده خمس و زکات می‌پردازد و در کنکور الهی قبول می‌شود و از این پس باید راه را از چاه تشخیص بدهد (ر.ک: صداقت، ۱۳۸۷: ۵۵-۵۷).

### ۳. بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان

سلامت اجتماعی دارای بایسته‌هایی است که در صورت گرد هم آمدن آنها، می‌توان جوان را دارای سلامت اجتماعی دانست.

دین اسلام که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه، و برای آنها برنامه دارد، به روابط اجتماعی و تعاملات فرد، توجهی ویژه دارد؛ چنان که توصیه‌های مهمی در جهت همکاری، همیاری و همدلی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت در زندگی اجتماعی، امیدواری و نشاط و عدالت‌مندی و... دارد.

در ادامه سعی داریم به برخی از مهم‌ترین بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان در سبک زندگی اسلامی پردازیم؛ همچنین با توجه به نظریه جامعه‌شناسی کیز، به بایسته‌ها



و عواملی از جمله شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی، انسجام اجتماعی و... که در کنار یکدیگر نشانگر کمیت و کیفیت عمل افراد در زندگی اجتماعی هستند، اشاره کنیم.

### ۳-۱. در سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی به دلیل جامعیت دین مبین اسلام، مؤلفه‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. مؤلفه اجتماعی به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده خود انجام می‌دهد.

در این بین از میان مؤلفه‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که به ارزیابی نحوه عملکرد فرد در جامعه می‌پردازد و به نظر می‌رسد که متأثر از نگرش‌ها و سبک زندگی انسان‌ها باشد، سلامت اجتماعی<sup>۱</sup> است (ر.ک: افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۸۸). در ادامه به اختصار، به مهم‌ترین بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان در سبک زندگی اسلامی اشاره می‌کنیم.

#### ۳-۱-۱. پیروی از الگوهای شایسته

انسان به گونه‌ای است که گویا الگوپذیری در متن خلقت او نهاده شده است؛ او متأثر از شخصیت دیگران می‌گردد و خوی و مرام دیگران را به خود می‌گیرد (ر.ک: وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۰/۱-۴۱).

در تعالیم دینی هم سفارش شده که مردم ائمه اطهار علیهم‌السلام را الگو قرار دهند. در قرآن، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الگوی حسنه معرفی شده<sup>۲</sup> و حضرت نیز همگان را به الگوگیری از اهل بیت علیهم‌السلام فرا خوانده (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۳۴) و فرموده است: «... أَهْلُ بَيْتِي يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَهُمْ الْأَيْمَةُ الَّذِينَ يُقْتَدَى بِهِمْ...» (صدوق، بی‌تا: ۵۴۷/۲)؛ ... خاندان من حق و باطل را از هم جدا می‌کنند و آنان‌اند پیشوایانی که باید از آنان پیروی نمود....

#### 1. Social health.

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَذِكْرٍ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

در این میان، اهمیت انتخاب الگو به ویژه برای جوانان که آمادگی بیشتری برای آموختن دارند و فطرت پاک و روح لطیف ایشان، بهتر پذیرنده سخن حق است، بر کسی پوشیده نیست؛ چنان که امام علی ع‌الیه‌السلام می‌فرماید (ر.ک: محمدی ری‌شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۹):

«... إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ...» (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۸)؛ قلب جوان مانند زمین خالی است، هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد.

همچنین امام صادق ع‌الیه‌السلام برای تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به ابوجعفر احوال چنین توصیه می‌فرماید:

«عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۲۸)؛ بر شما باد نسبت به جوانان که ایشان به هر خیری شتابان‌تر هستند.

لذا با توجه به اثرپذیری جوانان و روحیه تقلید قوی در ایشان، باید این روحیه را در مسیر صحیح هدایت کرد؛ زیرا تقلید دو گونه است: تقلید بدون دلیل و تقلید از روی آگاهی و خرد. تقلید بدون دلیل و کورکورانه، شایسته مقام انسانی نیست. اما تقلید خردورزانه و از روی منطق، باعث پیشرفت، کمال و در واقع اسوه قرار دادن نیکان و تلاشگران است (ر.ک: مؤسسه پیام امام هادی ع‌الیه‌السلام، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳).

با توجه به مطالب مذکور، لازم است که به تعریف دقیق مفهوم الگو بپردازیم. «الگو» در لغت به معنای «سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال، نمونه» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۷۹)، و در اصطلاح نمونه کاملی است که آن را قالب قرار می‌دهند تا مانند آن را بسازند. الگوی انسانی همان شخصیتی است که انسان می‌خواهد در پیمودن راه طولانی، او را پیشگام قرار دهد و مانند او مسیر زندگی را بپیماید و قدم در جای پای او بگذارد (صداقت، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۲).

اگر جوان از الگوهایی سرمشق پذیرد که دارای بیشترین سلامت اجتماعی و در تعاملات و روابط اجتماعی‌شان موفق باشند، می‌تواند سطح سلامت اجتماعی خود را بالا ببرد و تعاملات مؤثری با دیگران و اجتماع داشته باشد و نقش‌های اجتماعی را با بهترین کیفیت به انجام رساند.

### ۲-۱-۳. نشاط و امیدواری، نگاه مثبت به جامعه و رضایت از زندگی

از مهم‌ترین بایسته‌ها در سلامت اجتماعی جوانان، وجود انگیزه، شادابی و نشاط است (بررسی سلامت اجتماعی...، ۱۳۹۶: ۴۹). شادمانی و نشاط از عنصرهای مفید و باارزش برای زندگی است؛ به گونه‌ای که در آموزه‌های روان‌شناختی و دینی مورد توجه ویژه قرار گرفته و به آن عنایت خاصی شده است. برخورداری از چهره‌ شاد و بشاش و امیدوارانه از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است (ر.ک: نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳). در پرتو شادی و نشاط، زندگی دنیایی، طراوت و پویایی ویژه‌ای پیدا می‌کند و روح امید و پیشرفت در انسان دمیده می‌شود (پناهی، ۱۳۸۸: ۱۶).

اگر کسی در زندگی از یک جهان‌بینی صحیح و منطقی برخوردار باشد و برای خود هدف و انگیزه داشته باشد، به طوری که تمام زندگی‌اش را در راستای رسیدن به آن هدف ببیند، قطعاً از نشاط عمیق و دائمی برخوردار خواهد بود. بسیاری از افسردگی‌ها و احساس‌های منفی انسان، به نداشتن انگیزه در زندگی برمی‌گردد و انگیزه به نوبه خود از هدف برمی‌خیزد.

اگر زندگی ما دارای هدف مقدسی نباشد، هرگز نمی‌توان انتظار نشاط طولانی از آن داشت؛ اما اگر سعی کنیم به طور جدی به بازسازی افکار و شناخت خود بپردازیم و بتوانیم شناخت درستی از جهان و زندگی بیابیم و آن را جایگزین افکار نادرست کنیم، مشاهده خواهیم کرد که نشاط و شادی و انرژی جوانی در ما به اندازه‌ای به وجود می‌آید که تا پایان عمر، ما را همراهی می‌کند و به مرحله‌ای می‌رسیم که هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند ما را غمگین کند. طبق تعالیم قرآنی، یاد خدا و دل بستن به خدا و رسیدن به کمال انسانی که در بندگی خداست، آرامش‌دهنده قلب آدمی است که طوفان‌های سهمگین حوادث، هرگز قادر نیست کوچک‌ترین تزلزلی در آن ایجاد کند. به همین جهت، قرآن درباره اولیای خدا و کسانی که جز رسیدن به خدا هدفی ندارند (رجبی، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۳)، می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/۱۳)؛ کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس استقامت به خرج دادند، نه ترسی برای آنهاست و نه غمی دارند.

در توضیح بیشتر باید گفت که روح و صفات روحی انسان در عین استفاده از عالم

مادی، دارای سیر معنوی است و با عالم غیب ارتباط دارد و در صورت حفظ این ارتباط و سیر در عالم معنا می‌تواند نشاط روحی را روزبه‌روز افزایش دهد و این مهم تنها در سایه پرستش، اطاعت و بندگی خداوند متعال امکان دارد؛ زیرا شادابی و نشاط، خصلت‌های روحی انسان هستند و روح آدمی نشئت گرفته از روح پروردگار عالمیان است: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر/ ۲۹)؛ و در او از روح خویش دمیدم.

لذا با حفظ این ارتباط معنوی بین خالق و مخلوق، انسان می‌تواند روح و روانی سالم داشته باشد و تا هر زمان که این ارتباط و راز و نیاز با آفریدگار هستی ادامه یابد، آن شادابی و نشاط و شور و صفا برقرار خواهد بود (ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰)؛ همانند چراغی که هر آن باید به مرکز نور متصل، و تمام حرکات و فعالیت‌های آن در پرتو این نور باشد (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۴۴).

توجه به این نکته لازم است که نشاط جوانان باعث پویایی جامعه می‌گردد؛ زیرا جوانان در حکم موتور پیشران جامعه هستند.

امید و آرزو از سرفصل‌های ضروری زندگی است؛ به گونه‌ای که هیچ انسانی بدون امید و دلخوشی به آینده، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

همچنین تلاش و کوشش مرهون امید است و لذا یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌ها که سلامت انسان را از بین می‌برد، یأس و ناامیدی است؛ چنان که یأس از رحمت الهی بزرگ‌ترین گناه است و خداوند بی‌نیاز قادر، بندگان گنهکار خود را از ناامیدی برحذر می‌دارد: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾ (زمر/ ۵۳). خداوند و پیامبران الهی و مکتب دین، نور امید و شادی را در دل‌ها می‌افکند و به عکس، شیطان و پیروانش در هر زمان، ناامیدی و بدبینی را تبلیغ و ترویج می‌نمایند (ر.ک: همان: ۶۷-۶۸).

همچنین امید وافر به زندگی و آینده‌ای درخشان از عوامل مهم در موفقیت انسان است؛ تا انسان امید به آینده‌ای مطلوب را در دل نداشته باشد، نمی‌تواند از جهت روحی اقتناع شود و پشتکار لازم را در راه رسیدن به مقصود و هدف به خرج دهد. امید

۱. ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید.

باعث بهره‌مندی انسان از تمامی ظرفیت‌های روحی و جسمی‌اش می‌گردد.

در بهار عمر و رشد مادی و معنوی، یعنی جوانی، امید می‌تواند نقش کلیدی در اعمال و رفتار آدمی ایفا کند، استعداد‌های جوان را شکوفا سازد، اعتماد به نفس او را زیاد نماید، آینده‌اش را روشنی ببخشد، خیالات غیر واقعی و وسوسه‌های شیطانی را از بین ببرد و دورنمایی روشن را جلوی جوان بگذارد.

لذا اهمیت روحیه امیدواری در جوانی مضاعف است و امید نیز تنها باید به خداوند قادر متعال باشد؛ چون هر چه غیر از خداست، واسطه است و تمام واسطه‌ها را او ایجاد می‌کند و همه در گرو مشیت الهی هستند (ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷). ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق/ ۳)؛ هر کس بر خدا توکل کند، او برای وی بس است.

از سویی، تصویر مثبت از جامعه هم باعث می‌شود فرد در هر موقعیتی که قرار گیرد، برای بهبود وضعیت خویش از طریق شیوه‌های قانونی تلاش کند. فرد در این حالت، جامعه و نظام حاکم بر آن را در برابر خود مسئول می‌داند و معتقد است که مشکلات با تلاش‌های فردی او در بستر سالمی که دارد، قابل رفع است. لذا حس پیشرفت و پویایی در او زنده است (بررسی سلامت اجتماعی...، ۱۳۹۶: ۴۹).

رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و در واقع همان احساس خوشنودی است (سجودی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹).

زندگی در اندیشه دینی، مزرعه آخرت و خاستگاه رسیدن به کمال اخروی است. گروهی به غلط، دین را «زندگی ستیز» می‌دانند و گروهی به اشتباه «زندگی پرست» می‌شوند و ممکن است آنانی که از تفکر زندگی ستیزی جدا می‌شوند، به دامان زندگی پرستی درافتند. دین نه زندگی ستیز است و نه زندگی پرست؛ بلکه زندگی را بستر تکامل و مقدمه آخرت می‌داند. بنا بر آنچه گفتیم، زندگی موفق زندگی‌ای است که توأم با رضایت و خرسندی باشد. اگر زندگی بستر تکامل است، رضامندی هم شرط موفقیت در زندگی است. کسانی می‌توانند به تکامل بیندیشند که با زندگی خود، مشکل نداشته باشند. میان «مشکل داشتن در زندگی» با «مشکل داشتن با زندگی» تفاوت وجود دارد. همه انسان‌ها در زندگی مشکل دارند؛ اما انسان موفق کسی است که با زندگی‌اش مشکل نداشته باشد و این یعنی رضامندی از زندگی. برای رسیدن به

موفقیت باید به رضامندی رسید (پسندیده، ۱۳۹۳: ۷).

تحقیق‌ها نشان می‌دهد که سطح شادی هر فرد را کیفیت رضایت او از جریان کلی زندگی تعیین می‌کند؛ یعنی هر چه انسان از زندگی و اتفاق‌های آن راضی باشد، شادتر خواهد بود و اگر اتفاق‌های گوناگون موجب از بین رفتن رضایت فرد شود، همین قدر نیز موجب پایین رفتن سطح کلی شادی وی خواهد شد (فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲: ۸۸).

اگر جوان رضایت از زندگی داشته باشد، انگیزه‌اش برای ادامه فعالیت‌ها و همچنین ایفای نقش‌های اجتماعی بالاتر می‌رود و روحیه امیدواری بر زندگی او سایه می‌افکند و لذا می‌تواند استعدادهای خود را هر چه بیشتر به فعلیت برساند و روابط بهتری با دیگران برقرار نموده و حتی به رضایتمندی دیگران از زندگی هم کمک کند.

### ۳-۱-۳. مسئولیت‌پذیری و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی

در سبک زندگی اسلامی، یکی دیگر از بایسته‌های مهم سلامت اجتماعی، مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و پذیرش مسئولیت است. بر خلاف تفکر برخی که فرد را محور می‌دانند، اسلام دارای آموزه‌هایی در حوزه مشارکت‌های اجتماعی است که بر امور فردی دین غلبه دارد.

اهمیت مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران و داشتن مشارکت فعال و همچنین عدم انحصار آن به گروهی خاص، در این کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد تأکید واقع شده است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۴۹):

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ...» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۴)؛ همه شما مردم همانند چوپان هستید و [همچنان که او مسئول حفاظت و نگاهداری گوسفند است،] همه شما هم مسئولیت سنگینی به عهده دارید نسبت به زیردستان (همو، ۱۳۴۹: ۲/۲۵۰).

واژه مسئولیت با واژه‌هایی مانند وظیفه، تکلیف، تعهد و حق، تلازم دارد؛ زیرا تا وظیفه‌ای بر دوش کسی نباشد، مسئولیتی در قبال انجام یا ترک آن نخواهد داشت و هر گاه سخن از حق به میان می‌آید، تکلیف و مسئولیتی هم در پی آن خواهد بود و با اثبات حق برای یک طرف، تکلیف و مسئولیتی متوجه طرف دیگر خواهد شد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۴).

یکی از بزرگ‌ترین مواهب الهی به انسان، رسیدن انسان به مقام «تکلیف، تعهد و مسئولیت» است. بدون شک «تکلیف» و مسئولیت بدون «شناخت و آگاهی» ممکن نیست و این آگاهی از سه طریق ادراکات عقلی و استدلال، فطرت و وجدان بدون نیاز به استدلال، و از طریق وحی و تعلیمات انبیا و اوصیا حاصل می‌شود (ر.ک: میرزایی، ۱۳۹۹).

لذا از مواردی که دین در بحث سلامت اجتماعی به آن توجه کرده، شناخت حقوق و وظایف به عنوان یک شهروند است و رساله حقوق امام سجاد علیه السلام نشان‌دهنده اهمیت بحث رعایت حقوق دیگران در دین است (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۵۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است که نتیجه آن، نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران و تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و نیز درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار فرد شکل می‌گیرد (ر.ک: همان: ۱۶۰-۱۶۱).

در مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی کنترل درونی بر فرد حاکم است که برای برقراری روابط بر اساس همدلی، توجه به حقوق دیگران و به طور کلی نظم اجتماعی اهمیت دارد (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۱-۱۷۲).

این بُعد از ابعاد مسئولیت انسان، نسبت به دیگر انسان‌هاست که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و از مهم‌ترین آن‌ها مسئولیت نسبت به فرستادگان خداوند، یعنی قرآن، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه هدی علیهم السلام و اطاعت از آنان است.

دیگر حوزه‌های مسئولیت انسان در رابطه با دیگران، شامل تمام روابط خانوادگی و خویشاوندی، همسایگان، طبقات محروم، مؤمنان، اقشار جامعه، حکومت و یا حتی بشریت است که به شکل‌های گوناگونی چون محبت، رعایت حقوق، اقامه قسط، همکاری و هدایت صورت می‌گیرد (سبحانی‌نژاد و نجفی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

از سویی، فعالیت و تلاش از نشانه‌های مؤمن و متقی است و او بر اساس اتکا و اعتماد به خداوند و مهر گسترده او و نیز انجام فرمان الهی، همواره در فکر پیمودن راه‌های خدمت و پیشرفت است (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۵۵).

یکی از قوانین زندگی هم که باید به آن توجه داشت، فعالیت در پرتو برنامه‌ریزی و

آینده‌نگری است و مهم‌تر از آن، جهت‌گیری صحیح و هدفدار و متعالی است. انسان متقی در همه کارها به رضایت الهی و خیر و خدمت‌رسانی به بندگان خدا توجه دارد و قدمی در جهت رسیدن به منافع شخصی، که از بین رفتن حقوق دیگران و ایجاد ناراحتی و ضرر به مردم را در پی دارد، برنمی‌دارد و با توجه به اینکه رضای الهی را هدف تلاش‌های خود قرار داده، در راه هدایت است (ر.ک: همان: ۵۶-۵۵) و با توجه به سخن امام علی علیه السلام: «وَنَشَاطَا فِي هُدًى» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۰۵)، در هدایت بانشاط است (نهج البلاغه، ۱۳۹۲: ۴۷۵).

البته معنای دیگر کلام امام علیه السلام، تلاش مؤمن پرهیزگار برای هدایت مردم و نجات آنان از راه‌های نادرست است؛ یعنی علاوه بر فعالیت‌های معمول زندگی، با همان شرایطی که گفتیم، رسالت بزرگ‌تری را هم احساس می‌کند و آن راهنمایی و ارشاد دیگران و در حقیقت «امر به معروف» و «نهی از منکر» است و در صورت فراگیری این روحیه و احساس مسئولیت انسان‌ها نسبت به همدیگر و بی‌تفاوت نبودن به گمراهی دیگران، جامعه به سوی جامعه برتر اسلامی نزدیک خواهد شد (ر.ک: دین‌پرو، ۱۳۹۴: ۵۶).

### ۴-۱-۳. تعاون و همکاری

«تعاون» در لغت به معنای هم‌پشت شدن و یکدیگر را یاری کردن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴/۵۹۵۰). انسان به حکم اجتماعی بودن، در جهت آسایش و تأمین آرامش و امنیت خود، به دیگران نیازمند است و همین نیازها او را در جهت تعاون و مشارکت با دیگران ترغیب و تشویق، و گاه مجبور می‌کند.

اصولاً به همان اندازه که انسان‌ها و جوامع بشری مرفی‌تر و متکامل‌تر می‌گردند، مشارکت و همکاری انسان‌ها نیز باید افزایش یابد (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

دین مبین اسلام بر پایه تعاون و همکاری متقابل استوار است و ابعاد مختلف تعاون در آن مطرح است:

- تعاون در بُعد اجتماعی و سیاسی؛ مانند حج، نماز، جهاد، امر به معروف، توبی و...؛
- تعاون در بُعد اقتصادی؛ احکامی نظیر خمس و زکات، مالیات، انفاق مستحبی و...؛



- تعاون در بُعد اخلاقی؛ مانند رعایت حقوق والدین، همسایگان، ارحام، مسلمین و... (ر.ک: زاهدی اصل، ۱۳۸۷)، و به طور کلی از دستورات مهم اجتماعی قرآن کریم، دستور به تعاون و همیاری در امور خیر است (حیدری و نوروزی، ۱۳۹۵: ۵۵). قرآن می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده/ ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. طبق این اصل، مسلمانان موظف‌اند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند، ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است؛ هرچند مرتکب آن، دوست نزدیک یا برادر انسان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۳/۴). به عبارت دیگر، این اصل در آیه، یک سنت مسلم الهی و اسلامی برای سالم‌سازی جامعه اسلامی است؛ یعنی برای داشتن روابط سالم بین اهل ایمان و اسلام، دو رکن را در این آیه شریفه بیان می‌فرماید: رکن اول، مسئله حمایت، کمک و مساعدت به دیگران است؛ چه در بُعد مادی و چه در بُعد معنوی، اما بر محور برّ و تقوا. رکن دوم، نهی و عدم اعانه نسبت به اثم و عدوان است (تهرانی، ۱۳۹۴).

اگر این اصل در جامعه نهادینه گردد و مردم بدون توجه به روابط شخصی، نژادی و خویشاوندی، با آنان که به انجام کارهای سازنده و مثبت اقدام می‌کنند، همکاری و همیاری نمایند، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی حل می‌شود و جامعه‌ای مملو از تعاون به وجود می‌آید. البته باید دقت نمود که تعاون مورد تأکید دین، مترادف با همکاری نیست؛ زیرا شرط لازم در همکاری، وجود نیازمندی مشترک است و حال آنکه در تعاون چنین نیست؛ یعنی علاوه بر نیاز مشترک، تمایل انسان‌ها به معاضدت با یکدیگر نیز شرط است. به همین دلیل گفته می‌شود که رفتار تعاونی نیازمند دست‌کم «روح با هم بودن» و اعتماد به یکدیگر است و از این رو، تعاون چیزی فراتر و بالاتر از همکاری است. تعاون انگیزه‌ای است که فرد را تشویق و ترغیب می‌کند تا در فعالیت‌های روزمره، خود را وقف خدمت به دیگران در جهت نیل به اهداف عالی الهی نماید (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

همچنین یکی از دستوراتی که در جهت تحکیم همگرایی در جامعه ایمانی است، در آیه آخر سوره مبارکه آل عمران مطرح شده است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و متوجه روابط خود باشید و تقوای الهی پیشه کنید که رستگاری از آن شماست.

در این آیه، مؤمنان سفارش به صبر، ایجاد رابطه و تقوا شده‌اند که حاصل این سه بر محور ایمان، فلاح، رستگاری و سعادت حقیقی است. خداوند متعال در این آیه، دو نوع صبر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

صبرهای فردی (اصْبِرُوا): صبر بر سختی‌ها، معصیت‌ها، صبر در طاعت خداوند متعال؛

صبرهای اجتماعی (صابِرُوا/ رَابِطُوا): صبر بر یاری همدیگر، صبر در مشکلات اجتماعی، صبور بودن در مقابل همدیگر، اخوت و برادری، ملاحظت، تکریم به یکدیگر، استمداد در گرفتاری‌ها و مصائب، صبر در معصیت‌های اجتماعی نظیر تعدی به حقوق دیگران، سوءظن و غیبت، تمسخر، نامی و تجسس احوال همدیگر.

«رَابِطُوا» یعنی تلاش مداوم در ایجاد ارتباط سازنده با انسان‌ها به ویژه انسان‌های نیازمند، و منظور این است که انسان مؤمن و متقی با جزم نیروهای درونی و امکانات بیرونی در جهت کمک و یاری به انسان‌های دیگر جامعه حرکت کند؛ زیرا سعادت واقعی او جز در پرتو همکاری اجتماعی و اتحاد عملی امت اسلامی بر پایه ایمان و تقوا میسر نیست و در این آیه، همانند آیه ۲ سوره مبارکه مائده،<sup>۱</sup> بلافاصله صفت تقوا را متذکر می‌شود؛ یعنی بهترین نشانه تقوا به ویژه در بُعد عملی، اصلاح بین مسلمانان، ایجاد رابطه سالم و سازنده با آن‌ها و مساعدت و کمک به ایشان در امور خیر است (ر.ک: زاهدی اصل، ۱۳۸۷).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیه، منظور از «اصْبِرُوا» را صبر تک‌تک افراد بیان می‌کند؛ چون در ادامه، صبر در باب مفاعله (صابِرُوا/ مصابرة) به کار رفته است که

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده / ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد، و مصابره را به معنای تحمل اذیت‌ها توسط جمعیتی به اتفاق یکدیگر و تکیه صبر هر یک به صبر دیگری دانسته که در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست، دست به دست هم می‌دهد و تأثیر صبر بیشتر می‌گردد و این معنا امری است که هم در فرد، اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود، محسوس است و هم در اجتماع، اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون افراد آن در نظر گرفته شود؛ چون باعث می‌شود که تک‌تک افراد، نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود.

همچنین «رابطه» (مربطه) را اعم از مصابره از نظر معنا دانسته است؛ چون مصابره عبارت از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد است، و رابطه وصل کردن نیروهاست، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخاء و خوشی؛ و چون مراد از رابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد و با آن بعضی از سعادت دنیا تأمین می‌شود و سعادت حقیقی نیست، به همین جهت در ادامه، ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ را ذکر می‌کند که منظور فلاح تام حقیقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۳/۴-۱۴۴).

### ۳-۱-۵. عدالت‌مندی

از دیگر بایسته‌های سلامت اجتماعی، بحث عدالت و قانون است و قانون‌مدار و عدالت‌مند بودن یک فرد، نشان‌دهنده سلامت اجتماعی اوست و این یکی از نکته‌های برجسته دین است که دین، خود بزرگ‌ترین پشتوانه اجرای عدالت و قانون است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۵۳): ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/ ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در اهمیت عدالت‌مندی باید گفت که یکی از اهداف مهم بعثت انبیا، وجود عدالت و قانون است. دین مبین اسلام، قوانین عادلانه ارائه می‌دهد و روی استقرار نظام عادلانه

و دعوت به مبارزات آزادی‌بخش توجه جدی دارد و این مسئله، یکی از کارکردهای دین برای ایجاد سلامت اجتماعی است (ر.ک: همان).

همچنین چنان که ذکر آن گذشت، برای جلوگیری و مبارزه با ظلم، متذکر بحث عدالت محوری می‌شود (ر.ک: صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۹-۲۴۰): «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده/۸)؛ عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

بحث عدالتمندی برای جوانان بسیار مهم است؛ چنان که دیدن برخی بی‌عدالتی‌ها و قانون‌گریزی‌ها در جامعه، باعث نوعی واردگی آن‌ها نسبت به دین شده است و لذا باید به جوانان توجه داد که خداوند دین و پیامبران را برای اجرای عدالت در جامعه فرستاده است و در حقیقت برجسته‌ترین مؤلفه‌های دین ما، عدالت محوری است و اصل هدف حکومت جهانی که خداوند وعده آن را داده، بر پایه عدالت است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۵۳).

اگر عدالت رعایت شود و هر چیزی در جای خود قرار گیرد، موازنه رعایت می‌گردد، حقوق فردی و اجتماعی مردم محترم شمرده می‌شود، در توزیع ثروت تبعیض صورت نمی‌گیرد، در قضاوت‌ها بی‌طرفی رعایت می‌شود، در همه‌جا انصاف اعمال می‌گردد و هر کسی به آنچه سزاوار اوست، می‌رسد (وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹/۱).

### ۲-۳. بایسته‌های سلامت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی

ما در اینجا با توجه به نظریه سلامت اجتماعی کیز، به بیان بایسته‌های سلامت اجتماعی می‌پردازیم. کیز<sup>۱</sup> -اثرگذارترین نظریه‌پرداز حوزه سلامت اجتماعی در سطح خرد- پنج ملاک را برای سلامت اجتماعی برمی‌شمرد که هم‌راستا با نظریه روان‌شناختی و جامعه‌شناسی بسط پیدا می‌کنند:

#### ۱-۲-۳. انطباق (همبستگی) اجتماعی<sup>۲</sup>

انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. همبستگی اجتماعی در مقابل بی‌معنایی در زندگی، قابل مقایسه است و شامل

1. Keyes.
2. Social coherence.

ارزیابی فرد از اجتماع به صورت قابل فهم، قابل پیش‌بینی و مخصوص است و در حقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت سازمان‌دهی و ادارهٔ دنیای اجتماعی اطراف خود دارد. افراد سالم، علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی بوده و احساس می‌کنند که قادر به فهم وقایع اطرافشان هستند و خود را با تصور اینکه در حال زندگی در یک دنیای متکامل و عالی هستند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهایشان را از جهت فهم و درک زندگی ارتقا می‌بخشند (شربتیان و عزیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۷۶).

### ۲-۲-۳. انسجام اجتماعی<sup>۱</sup>

انسجام اجتماعی ارزیابی یک فرد با در نظر گرفتن کیفیت همراهی او با جامعه است. به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی ارزیابی فرد از کیفیت روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. فرد سالم احساس می‌کند که بخشی از اجتماع است و خود را با دیگرانی که واقعیت اجتماعی را می‌سازند، سهیم می‌داند.

سلامت و یگانگی اجتماعی، روابط افراد را با یکدیگر از طریق هنجارها منعکس می‌کند. مفهوم انسجام اجتماعی در برابر بیگانگی و انزوای اجتماعی قرار می‌گیرد. فردی که از انسجام اجتماعی برخوردار است، نسبت به اجتماع خود احساس نزدیکی می‌کند و گروه اجتماعی خود را منبعی از آرامش و اعتماد می‌داند (شهریاری‌پور و مرادی، ۱۳۹۵: ۸۶).

### ۳-۲-۳. سهم‌داشت (مشارکت) اجتماعی<sup>۲</sup>

سهم‌داشت اجتماعی باوری است که طبق آن، فرد خود را عضو مهمی از اجتماع می‌داند و تصور می‌کند که چیزهای ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد. ایفای سهم اجتماعی می‌تواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود؛ تلقی فرد از ارزشی که در جامعه می‌تواند داشته باشد. برای بسیاری از افراد سخت است که به این احساس برسند که سهم ارزشمندی در جامعه دارند؛ به ویژه وقتی که وجود خودشان برای خودشان ارزشمند نیست (شربتیان و عزیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

1. Social integration.
2. Social contribution.

### ۳-۲-۴. شکوفایی اجتماعی<sup>۱</sup>

شکوفایی اجتماعی عبارت است از ارزیابی استعداد و خط سیر اجتماع. این شاخص یعنی باور تکامل اجتماعی و این احساس که جامعه استعداد از قوه به فعل رسیدن را از طریق شهروندان و نهادهای اجتماعی دارد. شکوفایی اجتماعی شامل درک افراد از این موضوع است که آن‌ها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند که نوید توسعه بهینه و مطلوب را می‌دهد (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

### ۳-۲-۵. پذیرش اجتماعی<sup>۲</sup>

پذیرش اجتماعی شامل پذیرش تکثر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌هاست که همگی آن‌ها باعث می‌شوند که فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند. به عبارت دیگر، پذیرش اجتماعی به تفسیر فرد از جامعه و ویژگی‌های دیگران اشاره می‌کند. افرادی که دارای این بُعد از سلامت اجتماعی هستند، اجتماع را به صورت مجموعه‌ای از افراد مختلف درک می‌کنند و دیگران را با همهٔ نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی‌ای که دارند، می‌پذیرند و به دیگران به عنوان افراد باظرفیت و مهربان، اعتماد و اطمینان دارند. به عبارت دیگر، پذیرش اجتماعی، داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد و به طور کلی پذیرش افراد علی‌رغم برخی رفتارهای سردرگم‌کننده و پیچیده آن‌هاست. پذیرش اجتماعی، مصداق اجتماعی از پذیرش خود است. در پذیرش خود، فرد نگرش مثبت و احساس خوبی در مورد خود و زندگی گذشته دارد و خویش را با وجود ضعف‌ها و ناتوانی‌هایی که دارد، می‌پذیرد. افراد باور دارند که مردم می‌توانند ساعی و مؤثر باشند (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

## ۴. کارکردهای دین در سلامت اجتماعی

یکی از کارکردهای دین و سبک زندگی دینی، ایجاد جامعه‌ای توأم با سلامت

1. Social actualization.
2. Social acceptance.

اجتماعی است. بدیهی است که دین به عنوان ارزشی متعالی باعث به وجود آمدن و شکل‌گیری برخی روحیات و عملکردهایی در زندگی اجتماعی افراد می‌شود که بر هیچ کس پوشیده نیست. شاید مهم‌ترین تبعات جدی دین در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد آن جامعه است.

دین، جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند و نیز در پیروانش احساس خوش‌سعدت و خوشبختی اجتماعی به وجود می‌آورد. دین برای اصلاح روابط فردی و اجتماعی و ایجاد و ادامه یک زندگی سالم برای انسان ضرورت دارد. دین در متن زندگی بشر قرار دارد و دارای نقش حیاتی در ابعاد فردی و اجتماعی جامعه انسانی است.

در بررسی کارکردهای اجتماعی دین مشخص شده است که دین، هم در حیات اخروی و هم در حیات اجتماعی انسان‌ها نقش عمده‌ای دارد و کارکردهای اصلی آن در چند محور اصلی انسجام‌بخشی، معنا دادن به حیات انسان‌ها و اهتمام افراد برای اصلاح و سلامت جامعه می‌باشد.

در مجموع، جامعه دیندار دارای انسجام، وحدت، یکپارچگی و همبستگی بالایی است و شهروندانش از امنیت اجتماعی، سلامت در روابط خانوادگی و اجتماعی و نیز روح تعاون و همکاری بالایی برخوردارند و در برابر سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹-۹۰).

به دلیل اهمیت بحث، در ادامه دوباره و به صورت خلاصه و فهرست‌وار به نقش دین در سلامت اجتماع اشاره می‌کنیم:

آموزه‌های دینی با ایجاد یک قاعده فکری مشترک برای انسان‌ها، موجب رشد و تعالی و رسیدن به کمال و سعادت اجتماعی و هماهنگی مردم در عملکرد، اندیشه و رفتارهای خودشان با آموزه‌های دینی حاکم بر جامعه می‌گردد.

اسلام برای تمام ابعاد زندگی انسان، دستورالعمل و برنامه داشته و به طور مستقیم و غیر مستقیم در مسائل اجتماعی حضوری انکارناپذیر دارد و به عنوان یک عامل تأثیرگذار، اکثر فعالیت‌های همگانی، نظارت، کنترل، امنیت و مهار امور اجتماعی مردم را به عهده دارد.

آموزه‌های دینی ضمن بیان قبح انحرافات اخلاقی، مانع ارتکاب جرائم و مهار کجروی‌هاست و به بازتوانی و فرایند عدم تکرار جرم کمک می‌کند و ضامن اجرای ارزش‌ها و هنجارهای دینی است.

مهم‌ترین هدف تعالیم اسلام، اصلاح جامعه و عموم مردم است و نیرویی قوی در زندگی بشر بوده و عامل پیوند باورهای دینی، انسجام و وحدت‌بخشی، حیات‌بخشی و نظم در جامعه است.

اجرای مراسم دینی می‌تواند ارزش‌های پایدار اسلامی را به نسل‌های آینده منتقل کند و در اصلاح جامعه و تغییر افکار ناسالم به باورهای اصیل و پایدار مؤثر باشد (میرزاحمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۸).

### ۵. سنجش بایسته‌های سلامت اجتماعی در دیدگاه اسلام و جامعه‌شناسی

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت، می‌توان دریافت که دین الهی و علم بشر هر دو به بایسته‌های سلامت اجتماعی اشاره کردند. اما با نگاه دقیق‌تر در بحث مقایسه بین بایسته‌های مطرح‌شده در سبک زندگی اسلامی و در نگاه جامعه‌شناسی باید گفت اگر جامعه‌شناسی غربی در ارتباط با اجتماع، به انسجام اجتماعی دست یافته است و باور دارد که فرد باید با کیفیتی خاص با جامعه همراهی کند و ارزیابی خاصی از جامعه داشته باشد (شهریاری‌پور و مرادی، ۱۳۹۵: ۸۶)، اسلام در مورد ارتباط فرد با جامعه و یا نگرش وی به جامعه، دستور به تعاون می‌دهد؛<sup>۱</sup> یعنی علاوه بر آنچه غربی‌ها می‌گویند که فرد باید احساس کند بخشی از اجتماع و سهم در آن است و هنجارها را رعایت می‌کند و انزوا ندارد، حتی فرد باید تعاون داشته باشد و این تعاون را هم می‌فرماید که برّ و تقوا باشد، و روشن می‌کند که برّ در فضای اجتماعی چه معنایی پیدا می‌کند و تقوا چه معنایی دارد.<sup>۲</sup>

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده / ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

۲. برای مثال: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآلَتِ الْكِتَابِ وَالتَّيْبِينَ وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره / ۱۷۷؛ نیز ر. ک: بقره / ۱۸۹؛ آل عمران / ۹۲).



همچنین اینکه جامعه‌شناسی در انسجام اجتماعی، سلامت و یگانگی اجتماعی روابط افراد را با یکدیگر از طریق هنجارها منعکس می‌کند (ر.ک: همان: ۸۶)، اگر عدالت را که قرار دادن امور در موضع خودشان است<sup>۱</sup> (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳)، اشاره‌گر به هنجارها در نظر بگیریم، می‌تواند با عدالت‌مندی در اسلام هم ارتباط پیدا کند.

اگر جامعه‌شناسی غربی، سهم‌داشت یا مشارکت اجتماعی را مطرح می‌کند که فرد باید خودش را عضوی از اجتماع بداند و تصور کند که چیز ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، در برابر آن، اسلام می‌فرماید علاوه بر این نگرش که فرد سهمی در اجتماع دارد، در مقام عمل چه ارتباطی باید با جامعه پیدا بکند و اینکه باید مسئولیت بپذیرد و در واقع این مشارکت کردن داوطلبانه و بر اساس ظرفیت فرد، یک مسئله است، و اینکه او باید مسئولیتی را بر اساس نظام حقی که در جامعه برپا شده است و بر اساس ولایت که شناخت بهتری از ظرفیت انسان‌ها دارد، بپذیرد، مسئله دیگری است. اسلام افراد را در جایی که واقعاً برای آن ساخته شده‌اند، قرار می‌دهد و فرد مسئولیت را می‌پذیرد و صبر و استقامت نشان می‌دهد که این مرتبه بالاتری است.

در بحث شکوفایی اجتماعی در نگاه جامعه‌شناسی که معتقد است فرد باید باور به تکامل اجتماعی داشته باشد و باور به اینکه جامعه می‌تواند از قوه به فعل برسد (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۷)، در اسلام، این مسئله با امیدواری و نشاط و احساس رضایت به وجود می‌آید و اگر از دید غرب، در این حرکت تکاملی فقط پی به رشد و شکوفایی اجتماعی برده می‌شود و یا مثلاً این رشد در فضای توسعه و اقتصاد معنا می‌گردد، اسلام این رشد و شکوفایی اجتماعی را بیان می‌کند البته این حرکت تکاملی را در فرد، جامعه و تاریخ مطرح می‌کند؛ یعنی با رشد در تمدن که با ولایت ولی خدا صورت می‌گیرد، سیر تکاملی در تاریخ اتفاق می‌افتد (ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۸: ۴۴۵).

پیرامون پذیرش اجتماعی که جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند و اینکه لازم است فرد به دیگران اعتماد کند (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، باید گفت که این مسئله به

۱. «وَضَعُ كُلُّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ».

الگوی شایسته برمی‌گردد که فرد هم می‌تواند به دیگران اعتماد کند، در این حد که داشته‌هایش را به دیگران منتقل کند و الگوی شایسته‌ای برای آن‌ها گردد، و از طرفی هم آن‌قدر اعتماد کند که زندگی خودش را به دست ولیّی که جامعه را پیش می‌برد، بسپارد (ر.ک: مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۰).

در مورد انطباق اجتماعی که طبق دیدگاه جامعه‌شناسی، افراد علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی هستند (ر.ک: همان: ۱۷۷)، می‌توان گفت که اسلام علاوه بر این گرایش، در بحث کنش و عملکرد، افراد را دعوت به تعاون می‌کند.

البته توجه به این نکته ضروری است که در این نگاه، بایسته‌های سلامت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی، بر اساس نظریه‌ای که از کییز نقل شده، مطرح گردیده است و او سلامت اجتماعی را عبارت از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع می‌داند و لذا با توجه به اینکه تعریف او منحصر در نحوه نگرش است، بایسته‌هایی هم که مطرح نموده است (انطباق، انسجام، مشارکت، شکوفایی و پذیرش اجتماعی)، ناظر به این بُعد است و از اینجا، جامعیت دین اسلام در بحث سلامت اجتماعی روشن می‌گردد که در حوزه سلامت اجتماعی افراد، نگاهی به تمام ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی دارد.

### نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد:

۱- سلامت اجتماعی از ابعاد سلامت انسان است و به توانایی فرد در تعامل مؤثر با دیگران و اجتماع اشاره دارد و در سبک زندگی اسلامی، فردی را که از الگوهای شایسته پیروی می‌کند و دارای انگیزه، نشاط، امیدواری، نگاه مثبت به جامعه، مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و روحیه تعاون و مسئولیت‌پذیری است، می‌توان برخوردار از سلامت اجتماعی دانست و از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان هم بایسته‌هایی از جمله انطباق، انسجام، مشارکت، شکوفایی و پذیرش اجتماعی را می‌توان برای سلامت اجتماعی فرد ذکر کرد.

۲- در مقایسه بایسته‌های سلامت اجتماعی در سبک زندگی اسلامی و از دیدگاه

جامعه‌شناسی باید گفت که در برابر انسجام اجتماعی در جامعه‌شناسی، که ارزیابی فرد از کیفیت روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی دانسته شده و در حد یک نگرش است، اسلام تعاون را که در مرحله فراتر و کنش است، مطرح می‌کند. همچنین در بحث مشارکت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی که نگرش فرد به سهمی که در اجتماع دارد، می‌باشد، اسلام در مقام عمل، بحث مسئولیت‌پذیری را مطرح و انسان‌ها را در جایگاهی که برای آن ساخته شده‌اند، قرار می‌دهد. پیرامون شکوفایی اجتماعی که در نگاه جامعه‌شناسی، تنها توجه به تکامل اجتماعی دارد، امیدواری و نشاط در اسلام، نگاهی فراتر از تکامل اجتماع دارد و به رشد و تکامل فرد و تاریخ هم توجه می‌کند. در برابر پذیرش اجتماعی که به اعتماد به دیگران اشاره دارد، در اسلام، پیروی افراد جامعه از الگوهای شایسته الهی و ولی جامعه قرار دارد که اعتماد فرد به ایشان به گونه‌ای است که زندگی خویش را به دست آن‌ها می‌سپارد و در بحث انطباق اجتماعی و گرایش و علاقه افراد به طرح‌های اجتماعی، اسلام در مرحله کنش و عمل، امر به تعاون می‌نماید.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه علی شیروانی، چاپ سوم، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲ ش.
۳. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن شعبه حزانى، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۵. همو، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۶. اسماعیلی، مریم، «سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام؛ شاخص‌ها و آسیب‌ها در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه دین و سلامت»، *فصلنامه مطالعات جوان و رسانه*، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۴۴)، بهار ۱۳۹۶ ش.
۷. اصغری، محمود، «سرمایه اجتماعی، چيستى، مؤلفه‌ها و رابطه آن با دین»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۹۵)، مرداد و شهریور ۱۳۹۱ ش.
۸. افشانی، سیدعلیرضا، سیدپویا رسولی نژاد، محمد کاویانی، و حمیدرضا سمیعی، «بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال هشتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۹. امیدى، مصطفی، منصور حقیقتیان و سیدعلی هاشمیانفر، «سلامت اجتماعی و کارکردهای آن در جوامع شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر اصفهان)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۰. ایروانی، جواد، و سیدابوالقاسم حسینی زیدی، «اعجاز قرآن در سنت‌های اجتماعی»، *دوفصلنامه قرآن و علم*، سال هفتم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۱. «بررسی سلامت اجتماعی: مفاهیم، آسیب‌ها و راهکارها در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه سلامت و رسانه»، *مطالعات جوان و رسانه*، شماره ۱۸، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. بستانی، فواد افرام، فرهنگ *ابجدی الفبایی عربی - فارسی (ترجمه کامل المنجد الابدی)*، ترجمه رضا مهبیار، چاپ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. بهرامی، غلامرضا، *جوان*، چاپ سوم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. پسندیده، عباس، *رضایت از زندگی*، چاپ پانزدهم، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۱۵. پناهی، علی احمد، «عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روان‌شناسی»، *ماهنامه معرفت*، سال هجدهم، شماره ۱۴۷، اسفند ۱۳۸۸ ش.
۱۶. تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *شرح محقق بارع جمال‌الدین محمد خوانساری برغررالحکم و درر الکلم*، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۷. تهرانی، مجتبی، «ارکان سلامت جامعه در آیه تعاون»، ۱۳۹۴ ش. قابل دسترس در پایگاه فرهنگ علوم انسانی اسلامی پژوهه وابسته به پژوهشکده باقرالعلوم <http://pajoohe.ir>.
۱۸. جمعی از نویسندگان، «گزیده‌ای از پژوهش‌ها پیرامون جوانان و محبت اهل بیت علیهم‌السلام / مرجعیت دینی و علمی اهل بیت علیهم‌السلام»، *فصلنامه معارف اسلامی*، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام

- لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. حسینی زبیدی، سیدمحمد مرتضی بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق و تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. حمیری قمی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. حیدری، علیجان، و محمدجواد نوروزی، «مبانی فقهی مشارکت سیاسی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه اندیشه‌های حقوق عمومی*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران با همکاری روزنه، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. همو، *ارشاد القلوب*، ترجمه هدایت‌الله مسترحمی، چاپ سوم، تهران، مصطفوی، ۱۳۴۹ ش.
۲۶. دین‌پرور، سیدجمال‌الدین، *پندهای کوتاه از نهج البلاغه برای جوانان*، چاپ چهارم، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۴ ش.
۲۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی، تحقیق و تصحیح غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. همو، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. رجیبی، عباس، «راز جوانی»، *مجله شمیم یاس*، شماره ۳۲، آبان ۱۳۸۴ ش.
۳۰. زاهدی اصل، محمد، *مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. سام آرام، عزت‌الله، و مریم امینی یخدانی، «بررسی وضعیت سلامت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی قم»، *بانوان شیعه*، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۳۲. سبحانی نژاد، مهدی، و حسن نجفی، «تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی»، *فصلنامه سراج منیر*، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۳۳. سبحانی نیا، محمد، «راه و رسم زندگی، مسئولیت‌پذیری»، *فصلنامه معارف اسلامی*، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۸۸ ش.
۳۴. سجودی، عادل، رضا معصومی راد، سولماز آوردیده، و فرزین عبدی، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت)»، *فصلنامه رویش روان‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۲)، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۳۵. سمیعی، مرسله، حسن رفیعی، مصطفی امینی رارانی، و مهدی اکبریان، «سلامت اجتماعی ایران: از تعریف اجماع‌مدار تا شاخص شواهدمدار»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۳۶. شربتیان، محمدحسن، و سامره عزیززاده خانقاهی، «رابطه مهارت‌های زندگی با سلامت اجتماعی (نمونه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان حاجی آباد)»، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۷. شهریاری‌پور، رضا، و فرشاد مرادی، «مروری بر عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی در دانشجویان»، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۵ ش.

۳۸. صداقت، محمدعارف، *جوان و جوانی در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)*، قم، جامعه المصطفی‌السلام العالمیه، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الخصال*، مقدمه و ترجمه و تصحیح سیداحمد فهری زنجانی، تهران، علمیه اسلامیة، بی‌تا.
۴۰. همو، *مصادقة الاخوان*، تحقیق و تصحیح سیدعلی خراسانی کاظمی، کاظمیه، مکتبه الامام صاحب الزمان العامه، ۱۴۰۲ ق. (الف)
۴۱. همو، *مصادقة الاخوان*، ترجمه سیدعلی خراسانی کاظمی، قم، کرمانی، ۱۴۰۲ ق. (ب)
۴۲. صفی‌خانی، حمیدرضا، «سلامت از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۶ ش.
۴۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۴۵. فرجی، طوبی، و طلیعه خادمیان، «بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۴۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ ش.
۴۷. همو، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۸. محمدی ری‌شهری، محمد، و احمد غلامعلی، *حکمت‌نامه جوان (عربی - فارسی)*، ترجمه مهدی مهریزی، چاپ هشتم، دار الحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقائد*، چاپ چهل و پنجم، قم، بین‌الملل، ۱۳۸۹ ش.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۵۱. مهدی‌زاده، حسین، *بیش تمدنی: منظومه اعتقادات اجتماعی (تقریری از کلام اجتماعی حجة الاسلام و المسلمین سیدمحمد مهدی میرباقری)*، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۳ ش.
۵۲. مؤسسه پیام امام هادی (علیه‌السلام)، *جوانی، فرصت نوآوری و شکوفایی*، چاپ دوم، قم، مؤسسه پیام امام هادی (علیه‌السلام)، ۱۳۸۹ ش.
۵۳. میرباقری، سیدمحمد مهدی، *ولایت الهیه ۱: جایگاه امام در نظام پرستش*، چاپ دوم، قم، تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۵۴. میرزامحمدی، محمدحسن، محسن فرمهبینی فراهانی، و سهیلا اسفندیاری، «بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰ ش.
۵۵. میرزایی، سلمان (خبرنگار)، «شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی از منظر آیه‌الله مکارم شیرازی»، ۱۴/۰۱/۱۳۹۹ ش. قابل دسترس در خبرگزاری رسمی حوزه به نشانی <https://www.hawzahnews.com/news/893900>.
۵۶. وطن‌دوست، رضا و دیگران، *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*، چاپ پنجم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۴ ش.

## چارچوب مفهومی افول آمریکا

### در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)\*

- محمدعلی فاطمی نیا<sup>۱</sup>
- محمدرضا متقیان نژاد<sup>۲</sup>

#### چکیده

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و پیروزی در جنگ سرد، به عنوان یک ابرقدرت در نظم نوین جهانی ظهور یافت و با همراهی تعدادی از متحدان خود توانست یکه‌تاز نظام بین‌الملل باشد. در چند سال اخیر، مسائل و مشکلات درونی آمریکا از یکسو و شکل‌گیری قدرت‌های سیاسی و اقتصادی جدید از سوی دیگر، افول آمریکا را به یک مسئله نظری تجربی در ساحت علمی و سیاسی تبدیل کرده است. بنابراین بررسی اندیشه مقام معظم رهبری به عنوان یکی از نظریه‌پردازان افول آمریکا می‌تواند تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران باشد. این پژوهش قصد دارد با تکنیک تحلیل مضمون و بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA20، چارچوب و ابعاد افول آمریکا را از منظومه فکری مقام معظم رهبری استخراج نماید. جامعه آماری تحقیق،

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. عضو هیئت علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (نویسنده مسئول) (fateminia.s@ut.ac.ir).
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مرکز مطالعات راهبردی پیام نور (mrezaproje@gmail.com).

تمامی سخنرانی‌های ایشان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. در مجموع، ۲۲۹ کد استخراج شد که در ۶ مقوله سازمان‌دهنده قرار گرفت.

**واژگان کلیدی:** ایالات متحده آمریکا، افول تدریجی، افول سیاسی، افول اقتصادی، رهبری، هژمونی.

### مقدمه

توجه به ظهور و افول قدرت‌های جهان، یکی از جنبه‌های مهم سیاست‌گذاری می‌باشد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت برتر جهان ظهور کرد و با برتری در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی توانست سلطه و هژمون خود را بر جهان تحمیل کند (محمدمیرزائی، ۱۴۰۱: ۳۲). روند جهان تک‌قطبی به همین منوال در جریان بود تا با ظهور بازیگران جدید، سلطه آمریکا در جهان خدشه‌دار شد. ظهور چین به عنوان قدرت نوظهور در زمینه اقتصاد و فناوری، ظهور انقلاب اسلامی ایران به عنوان قدرت نوظهور ارزشی و ایدئولوژیک، و همچنین روسیه جدید به عنوان یک رقیب سنتی، جریان قدرت در جهان را از تک‌قطبی به چندقطبی تغییر داد (بیرانی و سعیدی راد، ۱۴۰۰: ۱۵۱).

طبق نظر فوکویاما، دوره اوج هژمونی آمریکا از سال ۱۹۸۹ همزمان با فروپاشی دیوار برلین تا بحران مالی سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، کمتر از بیست سال طول کشید. او معتقد است که مشکلات داخلی آمریکا همانند موریهایی، تخته زیرین هژمونی جهانی این کشور را از درون نابود کردند. از طرفی وی معتقد است که یکی از دلایل اصلی افول قدرت و هژمونی آمریکا، دوقطبی شدن جامعه و شکاف‌های داخلی آمریکاست (فوکویاما، ۱۳۹۰: ۵۱).

در خصوص افول قدرت آمریکا می‌توان به اندیشه‌های امامین انقلاب نیز توجهی ویژه داشت. همان طور که امام خمینی در نامه‌ای خطاب به گورباچف، فروپاشی و اضمحلال شوروی را پیش‌بینی کرد، مقام معظم رهبری نیز افول آمریکا را با ادبیاتی مانند: افول موریهانه‌وار و غرق شدن همچون کشتی تایتانیک مطرح کرده است (سیدمحسنی باغسنگانی، ۱۴۰۱: ۲۶). البته باید به این نکته توجه داشت که در هنگام کاربرد



مفهوم افول نباید مطلقاً آن را معادل فروپاشی یا تجزیه به سبک و سیاقی که برای اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد، در نظر گرفت. تجزیه، فروپاشی و افول در عین حالی که مفاهیمی نزدیک به هم هستند، اما با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند.

تجزیه به معنای تقسیم هژمون‌ها به بخش‌های کوچک‌تر است. در این فرایند، هژمون قدرتمند به دلایل فرهنگی، قومی، مذهبی یا سیاسی به بخش‌های کوچک‌تر تجزیه می‌شود. برای مثال، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای جدیدی مانند روسیه، اوکراین و بلاروس شکل گرفتند که هر کدام سیاست‌های مستقل خود را داشتند.

فروپاشی به معنای تخریب و تمام شدن ساختار هژمون است. این مفهوم به وضوح بیان می‌کند که هژمونی کاملاً نابود شده است و دیگر قدرتی باقی نمانده است؛ برای مثال، پس از جنگ جهانی دوم، هژمونی آلمان نازی دچار فروپاشی شد و دولت آلمان به دست دولت‌های متفقین تحت تأثیر قرار گرفت (دهشیری، ۱۳۹۷: ۵۱).

افول به معنای کاهش تدریجی قدرت و تأثیر هژمون‌هاست. در این فرایند، هژمون‌ها تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار می‌گیرند که باعث کاهش توان و تسلط آن‌ها می‌شود؛ برای مثال در قرون وسطی، هژمونی چون امپراتوری روم به تدریج قدرت خود را از دست داد و به افول رفت. از مفهوم افول طبق نظر جوزف نای، دو معنا مستفاد می‌گردد: یکی افول مطلق از حیث فرسایش یا زوال توان بهره‌گیری مؤثر از منابع، و دومی افول نسبی که در آن منابع قدرت کشورهای دیگر رشد بیشتری دارند؛ مانند هلند در قرن هفدهم که به لحاظ داخلی شکوفا بود، اما قدرت نسبی آن متأثر از رشد قدرت‌های دیگر در سرانجام افول افتاد (Nye, 2004: 155).

بدین ترتیب نگارندگان فارغ از تنوع نظریات اندیشمندان جهانی در خصوص افول قدرت آمریکا، در این مقاله به بررسی دیدگاه و نظریه‌های مقام معظم رهبری به عنوان متفکر سیاسی پرداخته‌اند. این پژوهش به روش کیفی و بهره‌گیری از تحلیل مضمون به رشته تحریر درآمده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از آن جهت است که با استفاده از اندیشه‌های مقام معظم رهبری و بهره‌گیری از آمار و اسناد، به مبحث افول تدریجی قدرت ایالات

متحدہ آمریکا در فضایی کاملاً علمی می‌پردازد و مبانی افول آمریکا در اندیشه مقام معظم رهبری را به صورت یک نظریه به جامعه علمی کشور ارائه می‌کند.

پرسش اساسی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: چارچوب افول آمریکا در منظومه فکری مقام معظم رهبری چیست؟

هدف اصلی مقاله، شناسایی چارچوب افول آمریکا در اندیشه مقام معظم رهبری است و نکته حائز اهمیت، لحاظ کردن این افول تدریجی در محاسبات خودمان است. طبق بیانات ایشان، اینکه در وضع سیاسی آمریکا یا در وضع اجتماعی و اقتصادی آمریکا چه اتفاقاتی افتاده و دارد می‌افتد، باید در محاسبات ما وارد بشود؛ زیرا فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران است که بتواند در عرصه روابط و نظام بین‌الملل حداکثر بهره را در جهت رسیدن به اهداف و منافع ملی خود ببرد.

### پیشینه

بسیاری از پژوهشگران با بررسی شاخص‌های مختلف ایالات متحده آمریکا در سطح داخل و بین‌الملل به این عقیده رسیده‌اند که آمریکا در حال افول می‌باشد. تعدادی از این پژوهش‌ها در قالب مقاله به صورت جدول زیر مطرح شده است:

جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده (سال)	عنوان	روش
۱	شهره پیرانی، آرش سعیدی راد (۱۴۰۰)	«افول سیاسی ایالات متحده آمریکا؛ زمینه‌ها و دلایل»	توصیفی - تحلیلی
۲	حسن محمد میرزائی (۱۴۰۱)	«بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا»	مطالعه اسنادی
۳	سعید جهانگیری و همکاران (۱۳۹۹)	«واکاوی چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تأکید بر ویروس کرونا»	توصیفی - تحلیلی
۴	شهره پیرانی و سید عبدالله رضوی (۱۳۹۹)	«بررسی پارامترهای سیاسی - اقتصادی افول ایالات متحده آمریکا»	توصیفی - تحلیلی
۵	محمد جمشیدی و زکیه یزدان‌شناس (۱۳۹۸)	«نظریه چرخه قدرت و تحولات قدرت ایالات متحده؛ بستری برای تحلیل رفتار سیاست خارجی»	توصیفی - تحلیلی

۶	خسرو دهقانی و همکاران (۱۳۹۸)	«تحلیل تأثیر سیاست‌های دونالد ترامپ بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا»	توصیفی - تحلیلی
۷	عبدالمحید قلسی زاده و محمدباقر حشمت‌زاده (۱۳۹۸)	«دینامیک بنیادی صعود چین در سیکل قدرت و چالش ثبات سیستمیک»	توصیفی - تحلیلی
۸	فرزاد جهان‌بین و محمدجواد فتحی (۱۳۹۷)	«بررسی و مقایسه مؤلفه‌های تمدنی میان ایران و آمریکا»	توصیفی - تحلیلی
۹	محمدرضا دهشیری (۱۳۹۷)	«افول قدرت نرم آمریکا؛ دلایل و پیامدها»	توصیفی - تحلیلی
۱۰	مهدی آهویی، دیاکو حسینی (۱۳۹۵)	«افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاست‌گذاری»	توصیفی - تحلیلی
۱۱	فرید زکریا (۱۳۹۷)	جهان پس از آمریکا	توصیفی - تحلیلی

پیرانی و سعیدی راد در پژوهشی توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۰ با عنوان «افول سیاسی ایالات متحده آمریکا؛ زمینه‌ها و دلایل» به این نتایج دست یافتند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا خود را به عنوان قدرت اول جهان (هژمونی برتر) معرفی کرد و با برتری قابل توجهی در عرصه سیاسی - نظامی و اقتصادی توانست موقعیت مسلطی در عرصه بین‌المللی به دست آورد؛ اما در حال حاضر، نشانه‌های مبتنی بر افول سیاسی این کشور نیز قابل مشاهده است. در حقیقت مطالعات نشان می‌دهد که آمریکا از نظر سیاسی (دموکراسی، حقوق بشر، سیاست خارجی، قدرت نرم و...) فاصله‌اش با سایر رقبا در حال کاهش است و در بعضی موارد از رقابت با آنها عقب مانده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های متعددی مانند نوع حکومت، یکجانبه‌گرایی، ایدئولوژی لیبرالیسم، کاهش نفوذ قدرت در کشورهای جهان سوم، کاهش نفوذ سیاسی آمریکا بر روی متحدانش، زوال اعتبار سیاست خارجی آمریکا و... مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده افول سیاسی است که می‌توان برای آمریکا در آینده تصور کرد.

جهانگیری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «اواکای چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تأکید بر ویروس کرونا» به این نتایج دست یافتند که آمریکا تا مدت‌ها به عنوان قدرت برتر، نظم بین‌الملل را بر اساس نظام تک‌قطبی شکل داده بود. نتایج تحقیق بر این تأکید دارد که ویروس کرونا باعث تغییر در نظریه‌ها

و روایت‌های کلان و خرد سیاسی به مفاهیم بنیادی حوزه سیاست و علوم سیاسی گردید؛ چنان که نگرش به دولت به ویژه کارکرد آن تغییر بنیادین یافت. اما اکنون جهان با وقایعی روبه‌رو شده است که این نظم تک‌قطبی و به معنایی دیگر هژمونی آمریکا را به چالش کشانده است. از دلایل چگونگی افول آمریکا می‌توان به این موارد اشاره کرد که آمریکا به دلیل سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه‌ای که در دهه‌های اخیر داشته است و از طرف دیگر ظهور قدرت‌های بزرگی همچون چین و نیز بحران کووید ۱۹، در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی رو به ضعف گذاشته و قدرت هژمونیک این کشور رو به افول است. این پژوهش بر روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف استوار بوده و روش به کار برده شده در آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

دهقانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تأثیر سیاست‌های دونالد ترامپ بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا» سعی دارند تا میزان تأثیر سیاست‌های این رئیس‌جمهور بر قدرت نرم آمریکا را بررسی نمایند. در همین راستا، سؤال اصلی مقاله این است که سیاست داخلی و خارجی ترامپ چه تأثیری بر قدرت نرم ایالات متحده داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله عبارت است از اینکه سیاست‌های اعلامی و اعمالی ترامپ به ویژه با محوریت دکترین «نخست آمریکا» باعث افول قدرت نرم آمریکا شده است. یافته‌های پژوهش با تکیه بر داده‌ها و شواهد موجود نشان می‌دهد که رویکرد اقتصادمحور و تمرکز شدید بر منطق هزینه - فایده، اتخاذ سیاست‌های درون‌گرایانه و تجدیدنظر یا خروج از برخی معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی باعث گردیده تا منابع قدرت نرم ایالات متحده از جمله سیاست خارجی و ارزش‌های سیاسی تحت تأثیر قرار گیرد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی - توصیفی است و برای تحلیل از نظریه قدرت نرم استفاده گردیده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده است.

هر کدام از آثار منتشرشده به نحوی به زمینه‌ها و عوامل مؤثر در افول هژمونی آمریکا پرداخته است؛ اما آنچه موجب نوآوری و تمایز مقاله حاضر با سایر پژوهش‌ها در این زمینه شده است، جامعیت پژوهش، استفاده از روش تحلیل مضمون و همچنین بهره‌گیری از نرم افزار MAXQDA20 در طبقه‌بندی و تحلیل بوده است. با توجه به

بررسی‌ها مشخص شد که در عمده این مقالات، مواردی از جمله افول هژمونی، افول در پارامترهای سیاسی و اقتصادی، افول قدرت نرم و افول سیاست خارجی آمریکا بررسی شده‌اند و کمتر پژوهشی مشاهده شد که به صورت منسجم به همه ابعاد افول بپردازد. همچنین از نظر روش پژوهش، عمده آثار به روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده‌اند و به جز چند مورد محدود، هیچ کدام از روش تحلیل مضمون استفاده نکرده‌اند. در نهایت امر می‌توان به این نکته هم عنایت داشت که پژوهش حاضر بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ استخراج شده است که از این حیث نیز دارای ابتکار است.

## ۱. مفاهیم تحقیق

### هژمونی

هژمونی واژه‌ای یونانی است که در روزگار جدید برای اولین بار توسط رابرت کوهن به جهت توضیح نقش آمریکا در نظام جهانی، وارد گفتمان روابط بین‌الملل شد و به معنای سلطه و رهبری یک کشور در نظام بین‌الملل است. مکاتب نظری روابط بین‌الملل تعریف متفاوتی از هژمونی داشته‌اند. در رویکرد سنتی که مبتنی بر قدرت سخت است، بهره‌مندی از زور و اجبار، کنترل ساختار نظام بین‌الملل و توان جهت‌دهی به رفتار واحدها، مساوی با قدرت هژمونیک بود و دولت هژمون بزرگ‌ترین قدرت جهان با برتری نظامی و اقتصادی تعریف می‌شود. ایکنبری هم با تأکید بر مؤلفه رضایت، هژمونی را در توان ابرقدرت برای ایجاد و حفظ نظم بین‌المللی مطلوب با استفاده از نهادها و قواعد مشروع بین‌المللی می‌داند (Schmidt, 2019: 3).

### افول

رابرت گیلپین در نظریه ثبات هژمونیک، افول را کاهش نسبی قدرت هژمون می‌داند که با تضعیف نهادها و هنجارهای بین‌المللی مطلوب ابرقدرت همراه است. بر اساس نظریات «جانشین هژمونیک»، افول هژمون از طرفی سبب افزایش قدرت رقیب، و از طرفی هم سبب کاهش قدرت نسبی خود هژمون می‌شود (Clark, 2011: 20).

## مبانی نظری

ایالات متحده آمریکا همانند سایر بازیگران سیاست بین‌الملل، دوران خاصی از مراحل رشد، بلوغ و سقوط را طی می‌کند که با توجه به شرایط مختلف، با بحران‌ها و مشکلات داخلی و خارجی فراوانی روبه‌رو شده است. بر این اساس، فرضیه‌های مختلفی در خصوص چگونگی فرایند افول مطرح است. اندیشمندانی همچون «استفن والت» که از پیروان مکتب واقع‌گرایی در محیط بین‌الملل است، معتقد به افول تدریجی آمریکا بوده و از آن با تعبیر افول «موریانه‌وار» یاد می‌کنند؛ افولی که به واسطه ضعف‌های ساختاری و بنیادی در محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده ایجاد شده و تدریجاً شالوده خود را می‌بلعد (خانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۲۱).

فرید زکریا نویسنده کتاب *جهان پس از آمریکا*، در نظریه‌ای تحت عنوان «خیزش دیگران» معتقد است آمریکا در حالی که از نظر فناوری و نظامی در جایگاه بی‌رقیبی قرار دارد، اما از نظر اقتصادی و صنعتی، اجتماعی، اخلاق و حقوق بشر از سایر رقیبان تازه‌نفس خود مانند چین، هند و همچنین رقیب سنتی خود روسیه که برای رسیدن به هژمون برتر خیز برداشته‌اند، عقب مانده است، که در آینده سبب خواهد شد حریفان جایگاه هژمون جهان را از آن خود کنند (Zakaria, 2019: 1).

نظریه‌پردازی مانند رابرت کیون پا را فراتر گذاشته و در کتاب خود به نام *بعد از هژمونی*، اساس نظری و تئوریک دنیای پساآمریکا را تئوریزه می‌کند و قائل به نظریه‌ای تحت عنوان «مدیریت جمعی» است. طبق این نظریه، اگر آمریکا می‌خواهد بعد از افول هژمونیک حداقل به عنوان یک بازیگر مؤثر در عرصه بین‌الملل نقش داشته باشد، باید در اندیشه تأسیس نهادی مشارکتی برآید که بر اساس ارزش‌های لیبرال و منافع مشترک پا گرفته باشد. همچنین اعضای مشارکتی باید احساس کنند که از همراهی کردن با آمریکا منتفع خواهند شد، نه اینکه بازی را باخته و همه منافع در نظام بین‌الملل عاید آمریکا خواهد شد. طبق این نظریه، سیاست‌های نظم بین‌الملل با مشارکت و همکاری اعضای نهاد مشارکتی تأمین خواهد شد و نه فقط بنا بر صلاح‌دید سیاست‌های آمریکایی؛ بر این اساس، عده‌ای شکل‌گیری گروه جی ۷ را در راستای تأمین همین هدف می‌دانند (سعیدی، ۱۳۹۸: ۱۵۱-۱۵۲).

همچنین در مقام مبنا، مقام معظم رهبری به عنوان یک نظریه پرداز در عالم سیاست در بیانات خود مطرح کرد:

«آمریکا رو به افول است. عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش کند؛ مربوط به طول تاریخ [است]. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است. این‌ها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه‌اش همین است و به این آسانی‌ها علاج‌شدنی نیست. این سنت الهی است، این‌ها محکوم‌اند به اینکه ساقط بشوند، محکوم‌اند به اینکه افول کنند، زائل بشوند از صحنه قدرت جهانی» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

با بررسی مبانی مشخص می‌شود که بحث افول در وضعیت هژمون آمریکا، امری قطعی است؛ اما فرایند و شرایط افول متفاوت است از این نظر که افول به صورت تدریجی اتفاق خواهد افتاد یا به صورت ناگهانی؟ و یا اینکه افول به علت پیشرفت سایر رقبای آمریکا است یا به علت ضعف‌های آمریکا در حوزه‌های مختلف که در نهایت منجر به بلعیده شدن ساختار از درون خواهد شد؟

طبق تحلیل بیانات رهبر معظم، افول آمریکا در دل شرایط دینی و عقلی میسر خواهد شد. مبحث عقلی آن است که آمریکا در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی خود دارای ضعف‌های بنیادینی است که منجر به افول تدریجی خواهد شد و مبنای دینی افول آن است که بنا بر سنت‌های الهی، جریان باطل و استکباری ناپودشدنی خواهد بود (سیدمحسنی باغسنگانی، ۱۴۰۱: ۲۶).

## ۲. روش تحقیق

مقاله حاضر به روش کیفی و از نوع تحلیل مضمون<sup>۱</sup> است. این روش در تحقیقات کیفی در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی رشد چشمگیری داشته است. این روش از سوی ریچارد بویاتزیس در کتاب *تبدیل اطلاعات کیفی و تحلیل مضمون و تدوین کد* به‌طور کامل ارائه و معرفی شده است (Boyatzis, 1998). کاربرد این روش به‌طور خلاصه

1. Thematic analysis.

عبارت است از: ۱- شناسایی (دیدن متن)؛ ۲- نمونه‌برداری (برداشت مناسب از داده‌های ظاهراً نامرتب)؛ ۳- دسته‌بندی و پوسته پوسته کردن (مشاهده نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت، سازمان، فرهنگ یا متن)؛ ۴- اطمینان و اعتبار بخشیدن (تبدیل داده‌های کیفی به کمی) (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۵).

یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و دشوارترین کارها در این گونه تحقیقات کیفی، شناخت مضمون یا تم است. به عبارت دیگر می‌توان گفت شناسایی مضمون یا تم، قلب تحلیل مضمون است؛ می‌توان گفت مهم‌ترین کار در تحلیل مضمون، مقوله‌بندی مفاهیم است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۱)، که سه ویژگی اساسی دارد: فراگیری، طرد متقابل و استقلال. مراحل این روش، با سه تکنیک تلخیص، تحلیل تفسیری و تحلیل ساختار بخش انجام می‌گیرد (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۴۸-۳۴۹).

در این پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مکتوب و صوتی منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری<sup>۱</sup> است. با تحلیل داده‌ها از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ در مجموع به ۶۴ فیش در خصوص مسئله افول آمریکا رسیدیم که با نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند.

### ۳. یافته‌ها

طبق تحلیل محتوای صورت‌گرفته مشخص شد که مقام معظم رهبری قائل به افول قطعی آمریکا است و آن را یک افول تدریجی و از درون خود سیستم می‌داند. ایشان این مطلب را چنین مطرح می‌کند:

«قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه‌انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف به مراتب تنزل کرده‌اند و پایین رفته‌اند. ما این را در محاسبات خودمان باید لحاظ کنیم. اینکه در وضع سیاسی آمریکا یا در وضع اجتماعی و اقتصادی آمریکا چه اتفاقاتی افتاده و دارد می‌افتد، باید در محاسبات ما وارد بشود. این را باز بعضی از خود آمریکایی‌ها گفته‌اند، بعضی‌ها می‌گویند "افول موربانه‌وار"؛ که این را [یک] نویسنده آمریکایی می‌گوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی می‌گوید "افول

1. <<https://khamenei.ir>>.



موریانه‌وار؛ یعنی مثل موریانه از درون دارد پوک می‌شود. خود نهادهای درون آمریکا این را می‌گویند.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

این نگاه پوسیدگی نظام آمریکا را می‌توان در آخرین نظر نظریه‌پرداز معروف آمریکا میشل فوکویاما هم مشاهده کرد. بنابراین مستفاد می‌گردد که افول آمریکا از نگاه ایشان به صورت یک افول تدریجی است و در ادبیات رهبری، تعابیری مانند: افول موریانه‌وار، پوسیدگی نظام آمریکا و همچنین غرق شدن مانند کشتی تایتانیک آمده است. طبق این مبانی، افول موریانه‌وار آمریکا در سخنرانی‌های ایشان دارای شش زمینه افول ایدئولوژی لیبرالیسم، سیاسی، نظامی، اخلاق و حقوق بشر، اقتصادی، و اجتماعی است. نکته حائز اهمیت این است که افول آمریکا و دوران پساآمریکا از نظر ایشان شروع شده است؛ ولی آنچه که مانع از آشکار شدن این مهم بر مردم جهان شده است، استفاده آمریکا از امپراتوری رسانه در جهت مستور نگاه داشتن این سقوط است که در ادامه، این مفاهیم در قالب جدول‌ها و کدگذاری مقوله‌ها تشریح خواهند شد.

### ۳-۱. مفهوم افول ایدئولوژی لیبرال دموکراسی

نظام فکری و ساختاری آمریکا بر مبنای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی پایه‌گذاری شده است؛ اما این کشور در مقام عمل از آن استفاده نمی‌کند و در مقابل، رویکردی واقع‌گرایانه و سخت را از خود نشان می‌دهد. این دوگانگی سبب ایجاد تعارض و همچنین کاهش محبوبیت سیستم حکومتی آمریکا شده است؛ به طوری که در نظرسنجی که در سال ۲۰۱۸ بین ۱۳۴ کشور انجام شد، محبوبیت سیستم‌های حکومتی روسیه و چین افزایش، و در مقابل، سیستم لیبرال دموکراسی آمریکایی کاهش محسوسی داشته است (Regilme, 2019: 102). این ضعف ایدئولوژی را نیز مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف بیان کرده است که در مفهوم‌سازی آن به صورت کدگذاری در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: افول ایدئولوژی لیبرالیسم

ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است؛ بلکه حتی لیبرال دموکراسی	افول ایده لیبرال دموکراسی	۱۳۹۷/۷/۱۲

		را هم که پایه‌ی اساسی تمدن غرب است، این‌ها بی‌آبرو کردند، دارند بی‌آبرو می‌کنند. لیبرال دموکراسی‌ای که امروز در غرب رایج است، خود آن‌ها را بیچاره کرده.
۱۳۹۹/۱۰/۱۹	ضعف ایدئولوژی و افول ایده لیبرال دموکراسی	برملا شدن ماهیت ارزش‌های ادعایی آمریکا که موجب تمسخر دنیا، حتی دوستان آمریکا شده، نشان‌دهنده‌ی اوضاع نابسامان آمریکاست که البته عجیب نیست، اما عجیب این است که عده‌ای هنوز آرزو و قبله‌شان آمریکاست.

### ۳-۲. افول سیاسی آمریکا

در خصوص افول آمریکا در حوزه سیاسی، می‌توان به انتخابات پرحاشیه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ اشاره کرد که ناکارآمدی زیرساخت‌های سیاسی و اجتماعی آمریکا را آشکار کرد و همچنین این دوره انتخابات از نظر حجم رسوایی‌های سیاسی، اخلاقی، افشاکاری‌ها در مناظرات انتخاباتی، آرای الکترونی و نحوه شمارش آرا و همچنین دخالت کشورهای دیگر از جمله روسیه در انتخابات آمریکا بی‌سابقه بوده که در نهایت منجر به هجوم طرفداران ترامپ به ساختمان کنگره شد و تیر خلاص به آن تصویر دموکراسی بود که آمریکا سال‌ها برای ایجاد آن در اذهان جهانیان هزینه کرده بود (پیرانی و سعیدی راد، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

طبق تحلیل‌های فوکویاما در وبگاه "The World Ahead"<sup>۱</sup> دوران هژمون آمریکا ۲۰ سال طول کشید و اوج این هژمون، حمله به عراق و افغانستان بود که به شکست حداکثری انجامید. از تمسخر در سیاست خارجی توسط دوستان و دشمنان گرفته تا همراهی نکردن کشورهای کوچک از سیاست‌های آمریکا، یکجانبه‌گرایی و خروج از پیمان‌های مختلف مانند خروج از توافق زیست‌محیطی پاریس، عدم موافقت با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، رد قرارداد اتاوا مبنی بر ممنوعیت استفاده از مین‌های ضد نفر، خروج از پیمان ضد موشک‌های بالستیک (ABM) و خروج از برجام، عواملی هستند که سبب بی‌اعتباری سیاست‌های خارجی آمریکا در جهان بین‌الملل شده‌اند.

1. <<https://www.economist.com/the-world-ahead/2021/11/08/francis-fukuyama-on-the-end-of-american-hegemony>>.

طبق تحلیل انجام شده، پرتکرارترین کلیدواژه افول در اندیشه مقام معظم رهبری، افول سیاسی است. افول سیاسی ۲۱ بار در ۶۴ سخنرانی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ تکرار شده است. در بین این سال‌ها، افول سیاسی در سال ۱۳۹۰ با ۴ تکرار بیشترین تواتر را داشته است. افول سیاسی در منظومه فکری مقام معظم رهبری شامل دو حوزه سیاست داخلی و خارجی است. طبق بیانات مقام معظم رهبری در حوزه سیاست داخلی، ضعف ساختاری و تنش‌های خونین آمریکا از نشانه‌های آشکار افول سیاسی است و خروجی این ضعف به قدرت رسیدن فردی با مختصات ترامپ و افتضاح انتخاباتی آمریکاست. در روش تحلیل مضمون سایر مفاهیم و کدهای استخراج شده به صورت جدول زیر است:

جدول شماره ۳: افول سیاست داخلی آمریکا

ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	سرنوشت سیصد و اندی میلیون جمعیت، دست یک آدمی با این مختصات، نشانه افول سیاسی آمریکاست. کسی که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او، تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست، وقتی رئیس یک کشوری می‌شود، نشان‌دهنده افول آن کشور است.	افول سیاست داخلی، انتخاب ترامپ نشانه افول آمریکا	۱۳۹۸/۰۳/۱۴
۲	الا در همین قضایای اخیری که در آمریکا اتفاق افتاد، [یعنی] این مسئله سقوط ترامپ با این وضع مفتضح و حوادثی که حول و حوش این قضیه اتفاق افتاد - که چیزهای کوچکی نیست-، این افول یک رئیس‌جمهور ناباب بود؛ افول آبروی آمریکا بود.	اشغال کنگره، اختلافات ترامپ و دیوان عالی، اختلاف شدید سیاسی	۱۳۹۹/۱۱/۱۹
۳	اوباما در سخنرانی چند روز پیش در کنگره، کمترین اشاره‌ای به این نکرد که ملت آمریکا بیش از چهار ماه است که توی خیابان‌هایند! توی این هوای سرد، در سرتاسر آمریکا، در ایالت‌های مختلف، این همه مردم بیایند توی	اختلاف شدید بین ایالت‌ها، جنبش وال استریت	۱۳۹۹/۱۱/۱۴

		خیابان‌ها بایستند، در مقابل فشار و ضربه‌های سخت پلیس ایستادگی کنند، این قابل اشاره کردن نبود؟! اصلاً اشاره‌ای نکردند.
۱۴۰۰/۰۲/۱۷	اختلاف رئیس‌جمهور با کنگره، اختلاف مجلس نمایندگان با سنا	۴ قضایای انتخابات در آمریکا و آزمون به شدت رسوای مدیران پرمدعا و متکبر آن، و مواجهه یک‌ساله ناموفق با کرونا در آمریکا و اروپا و حواشی شرم‌آور آن، آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی اخیر در مهم‌ترین کشورهای اروپایی، همه نشانه سیر نزولی و افولی اردوگاه غرب است.
۱۳۹۹/۱۰/۱۹	دوقطبی احزاب، افتضاح انتخاباتی	۵ وضع و حال بت بزرگ را امروز شما می‌بینید که این دموکراسی‌شان است؛ این افتضاح انتخاباتی‌شان است.
۱۳۹۰/۰۸/۱۰	ملت آمریکایی، اسیر یک مشت صهیونیست	۶ دولتمردانی با یک چنین کشور بزرگی، با یک چنین پیشرفت علمی‌ای، ملت خودشان را اسیر یک مشت صهیونیست کرده‌اند.
۱۳۹۹/۱۰/۱۹	فساد در برگزاری انتخابات، مناظره‌های اهانت‌آمیز نامزدها، ساختار معیوب رأی‌های اکثرال، مداخله روسیه در انتخابات	۷ شما امروز وضع آمریکا را مشاهده می‌کنید؛ این دموکراسی‌شان است؛ این افتضاح انتخاباتی‌شان است.
۱۴۰۰/۰۲/۱۷	ضعف ساختاری، ضعف ساختار ایالتی	۸ حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا، ضعف‌ها و اختلالات عمیق ساختاری و مدیریتی و اخلاقی غربی‌ها را در برابر جهانیان عریان کرد.

در حوزه سیاست خارجی، همراهی نکردن کشورهای جهان با سیاست‌های آمریکا، کاهش نفوذ آمریکا بر کشورهای تحت سلطه و رقیب، شکست سیاست‌های مداخله‌جویانه و همچنین ناتوانی در مقابل جمهوری اسلامی ایران از نشانه‌های این افول سیاست خارجی آمریکاست.

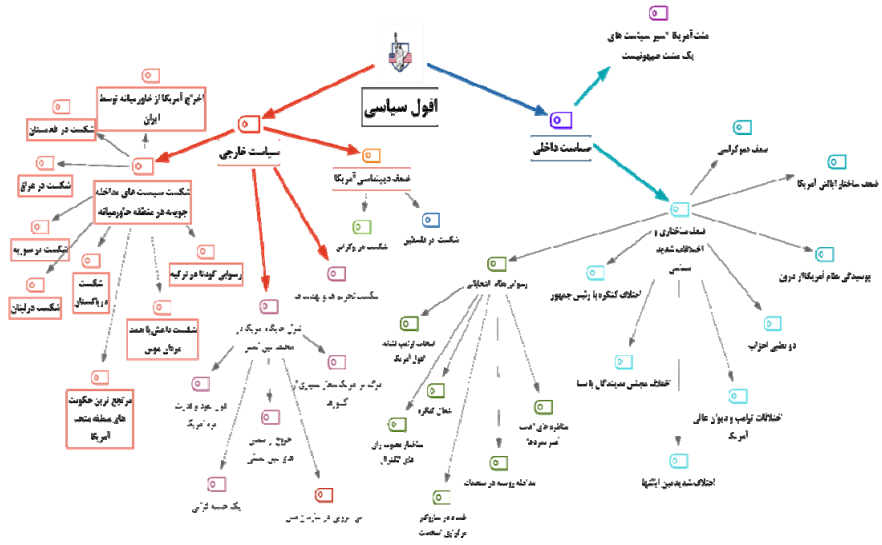
جدول شماره ۴: افول سیاست خارجی آمریکا

ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	امروز آمریکا از لحاظ دیپلماسی و سیاست خارجی، در موضع ضعف‌اند.	افول سیاست خارجی، ضعف دیپلماسی	۱۳۷۶/۱۰/۲۶
۲	همه واقعاتی‌های منطقه ما نشان می‌دهد که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون منطقه شکست خورده. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملت‌ها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سال‌هایتمادی است شکست پشت سر شکست!	شکست در خاورمیانه، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین، غزه، افغانستان، پاکستان	۱۳۹۳/۱۱/۱۹
۳	ریشه بحران در اوکراین، سیاست‌های آمریکا و غرب است که باید آن را شناخت و بر اساس آن قضاوت و اقدام کرد.	شکست در اوکراین	۱۴۰۰/۱۲/۱۲
۴	اتهام قوی وجود دارد که این کودتایی که در ترکیه رخ داد، با تدبیر و تهیه آمریکایی‌ها بود. اگر ثابت بشود، رسوایی بزرگی برای آمریکا است.	رسوایی کودتا در ترکیه	۱۳۹۵/۱۱/۰۵
۵	رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید که «حکومت ایران از قدرت آمریکا هراس دارد»؛ خب اگر ما از شما هراس داریم، چطور دهه ۵۰ شما را از ایران بیرون ریختیم و دهه ۹۰ شما را از کل منطقه خارج کردیم.	اخراج آمریکا از منطقه توسط ایران	۱۳۹۶/۱۰/۱۹
۶	اگر آمریکا می‌توانست در مقابل جمهوری اسلامی، کار مورد نظر خود را انجام بدهد، احتیاج نداشت با این کشورهای روسیاه بدنام مرتجع در منطقه ائتلاف تشکیل بدهد و از آن‌ها	مرتجع‌ترین حکومت‌های منطقه متحد آمریکا	۱۳۹۷/۰۴/۰۹

		کمک بخواهد و برای ایجاد اغتشاش و ناآرامی و ناامنی از آن‌ها کمک بگیرد.
۱۳۹۶/۰۹/۰۱	شکست داعش با همت مردان مؤمن	این چند توطئه پی‌درپی که در این منطقه، آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب و دیگران به وجود آورده بودند، همه با اقتدار جمهوری اسلامی نابود شد، از بین رفت. یکی از آن‌ها همین مسئله گروه تکفیری غیر انسانی داعش بود که خب بحمدالله با همت جوانان، با همت مردان مؤمن، با همت کسانی که نیروی مقاومت را قبول داشتند، نابود شد، از بین رفت.
۱۳۹۰/۱۱/۱۴	شکست تحریم‌ها و تهدیدها	این تحریم‌ها برای این است که ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند، ایران هم که عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ نتیجه این می‌شود که هیبت غرب می‌شکند.
۱۳۹۱/۰۵/۲۲	تنزل جایگاه آمریکا در محیط بین‌الملل	یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی‌ای که در نقشه دنیا انسان احساس می‌کند، افول و جهه آمریکا است.
۱۳۹۱/۰۵/۲۲	مرگ بر آمریکا شعار بسیاری از کشورها، بی‌آبرویی آمریکا در سازمان ملل	مرگ بر آمریکا دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود.
۱۳۹۷/۰۷/۱۲	افول نفوذ و قدرت نرم آمریکا	بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است.
۱۳۹۴/۰۱/۲۰	خروج از پیمان‌های بین‌المللی	گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید، به لبخند او فریب نخورید، به وعده نقد که می‌دهد - وعده نقد، نه عمل نقد - اعتماد نکنید؛ [چون] وقتی خرش از پل گذشت، برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد!

با بررسی کدگذاری‌ها و مفهوم‌سازی‌ها به مدل نظری سخنرانی‌های مقام معظم

رهبری در خصوص افول سیاست‌های آمریکا می‌رسیم که به صورت زیر است:



نقشه شماره ۱: افول سیاسی آمریکا

### ۳-۳. افول نظامی و امنیتی آمریکا

طی گزارشی که « کمیسیون راهبردی دفاع ملی » آمریکا در سال ۲۰۱۹ منتشر کرد،<sup>۱</sup> تصریح شده است:

« برتری نظامی دیرپای آمریکا از بین رفته و حاشیه خطای راهبردی این کشور به طرز دلهره آوری بالا رفته است. تردیدها درباره توانایی آمریکا برای بازسازی دشمنان و در صورت لزوم غلبه بر آنها و همچنین پایبندی واشنگتن به تعهدات جهانی اش فزونی گرفته است ».

در این گزارش از «ناکارآمدی‌های سیاسی» و «محدودیت‌های بودجه‌ای» به عنوان عواملی یاد شده است که توانایی دولت ایالات متحده را برای همساز شدن با سرعت بروز تهدیدهای امنیتی محدود کرده‌اند. اما سیر افول نظامی آمریکا را می‌توان در شکست در ویتنام، خروج خفت‌بار از افغانستان و حضور پرهزینه در عراق، سوریه و خلیج فارس مشاهده کرد (دهشیری، ۱۳۹۷: ۳۶).

دستگیری کماندوهای آمریکایی در خلیج فارس توسط پاسداران انقلاب اسلامی،

1. <<https://www.usip.org/publications/2018/11/providing-common-defense>>.

ساقط شدن و به کنترل درآمدن پهپادهای آمریکایی و در نهایت حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد را می‌توان افول تحقیرآمیز در حوزه نظامی برای آمریکا دانست. در نهایت، ناتوانی نظامی در حمایت از متحدان خود مثل رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب منطقه جنوب غرب آسیا، موجی از بی‌اعتمادی و ناتوانی نظامی و امنیتی آمریکا را در سطح جهان مخابره می‌کند.

در کلام رهبری، افول نظامی و امنیتی در ۴ مقوله تقسیم‌بندی می‌شود: ۱- افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی؛ ۲- شکست در سیاست‌های مداخله‌جویانه؛ ۳- شکست در تقابل با ایران؛ ۴- شکست در فلسطین.

رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر در خصوص شکست سیاست‌های نظامی و امنیتی آمریکا چنین فرمود:

«رئیس‌جمهور آمریکا [دونالد ترامپ] اعلام کرد که "در این منطقه غرب آسیا هفت تریلیون دلار خرج کرده‌ایم... و چیزی دستمان نیامد؛" این را خود او می‌گوید. این معنایش شکست است؛ آمریکا در منطقه شکست خورده است... شیطان بزرگ با آن همه تلاش، با آن همه وسوسه و دمدمه نتوانسته است به مقصود خود در این منطقه برسد... پول را خرج می‌کنند، اما سودی از آن نمی‌برند. بعد از این هم قدرت‌های شیطانی در این منطقه، هر چه پول خرج کنند، همین مطلب برایشان وجود دارد» (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۷/۰۳/۲۵).

آمریکایی‌ها می‌خواستند بر منابع نفتی منطقه تسلط کامل یافته و ضمن حذف نظام جمهوری اسلامی به کمر بند طلایی سوریه، عراق، ایران و افغانستان دست یابند، اسلام‌گرایی را در منطقه سرکوب کنند و اسرائیل را محور سازمان‌دهی مجدد نظام مورد نظر در خاورمیانه قرار دهند (جمشیدی و یزدان‌شناس، ۱۳۹۹: ۵۶)؛ اهدافی که آمریکا به آن‌ها دست نیافته است. اما اینکه چرا آمریکایی‌ها و متحدان غربی‌شان علی‌رغم بسیج امکانات فراوان و داشتن قدرت نظامی و اقتصادی برتر نتوانستند به پیروزی برسند، دلایل گوناگونی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- نداشتن درک درست از منطقه؛

طبق بررسی‌های مرکز پژوهش‌های المستقبل امارات، نداشتن درک درست از فرهنگ



جوامع خاورمیانه، هزینه نکردن برای توسعه و دولت‌سازی در کشورها، فقدان دیدگاه راهبردی برای بلندمدت، نادیده گرفتن هم‌پیمانان از سوی واشینگتن و کاهش اعتماد به آمریکا، در شکست این کشور در خاورمیانه نقش مهمی داشته است (آهویی، ۱۳۹۵: ۱۷).

۲- آمادگی و تدابیر مقاومت اسلامی در منطقه؛

۳- عدم همراهی کامل چین و روسیه با سیاست‌های آمریکا؛

۴- ایفای نقش ضد انسانی و جنایتکارانه اشغالگران و تحقیر مردم مسلمان و در نتیجه برانگیختن روح مقاومت و غیرتمندی در مقابل بیگانگان؛

۵- تحمیل هزینه‌های سنگین لشکرکشی نظامی بر اقتصاد آمریکا.

جدول مفاهیم افول نظامی و امنیتی آمریکا به شرح زیر است:

جدول شماره ۵: مفاهیم افول نظامی و امنیتی آمریکا

ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که در این منطقه غرب آسیا هفت تریلیون دلار پول خرج کرده‌اند! خودش می‌گوید که صحبت میلیون نیست، صحبت میلیارد نیست، صحبت تریلیون است. «هفت تریلیون - هفت هزار میلیارد - دلار ما در این منطقه خرج کرده‌ایم و چیزی دستان نیامد».	افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی، هزینه کمرشکن مالی	۱۳۹۷/۰۳/۲۵
۲	بنده عرض می‌کنم قدرت سخت آمریکا هم به شدت ضربه دیده. قدرت سخت یعنی قدرت نظامیگری، قدرت اقتصاد؛ این‌ها قدرت سخت است. بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا به شدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد [است].	تلفات بالای تجهیزات و نیروی انسانی	۱۳۹۷/۰۸/۱۲
۳	ریشه بحران در اوکراین، سیاست‌های آمریکا و غرب است که باید آن را شناخت و بر اساس آن قضاوت و اقدام کرد.	شکست در اوکراین	۱۴۰۰/۱۲/۱۲
۴	همه واقعیت‌های منطقه ما نشان‌دهنده این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد،	شکست سیاست‌های مداخله‌جویانه در خاورمیانه،	۱۳۹۳/۱۱/۱۹

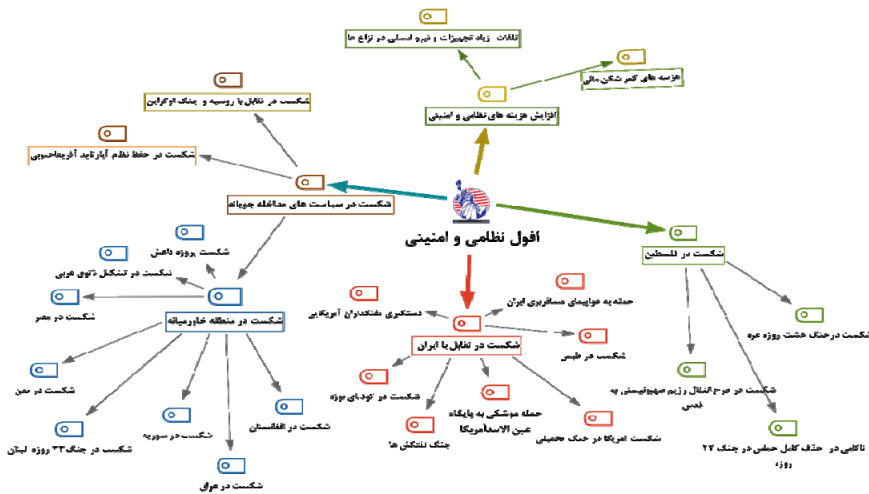
	سوریه، عراق، لبنان، فلسطین، غزه، افغانستان، پاکستان	آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملت‌ها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سال‌های متمادی است شکست پشت سر شکست!
۱۳۹۷/۰۱/۰۱	شکست پروژه داعش	جمهوری اسلامی توانست نقشه آمریکا را در منطقه خنثی کند. نقشه آمریکا این بود که گروه‌های شریک و ظالم و هتاک از قبیل داعش را به وجود بیاورد برای اینکه ذهن ملت‌ها را از رژیم غاصب صهیونیستی منصرف کند؛ این نقشه آمریکا بود که داعش را به وجود آورد. این نقشه را ما به توفیق الهی و باذن الله توانستیم خنثی کنیم.
۱۳۷۱/۰۴/۳۱	حمایت آمریکا از رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی	شاید کمتر رژیمی را بتوان یافت که به اندازه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی، در نظر و عمل شبیه یکدیگر باشند.
۱۳۹۰/۰۸/۱۴	شکست در یمن، بحرین، مصر	مبارزات و جانفشانی‌های مردم فلسطین و لبنان، قیام‌های دلیرانه مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه و همه حامل بشارت‌های بزرگی برای امت اسلامی و به ویژه کشورهای انقلابی جدید است.
۱۳۹۷/۰۵/۲۲	شکست در تقابل با ایران، شکست در طبس	آمریکایی‌ها یک بار هم اینجا حمله کردند به طبس - یادتان هست - خودشان را نجس کردند، برگشتند رفتند!
۱۳۷۴/۰۱/۳۰	شکست در کودتای نوژه	ماجرای کودتای نوژه توطئه خطرناکی بود. اما این توطئه هم به وسیله ارتشی‌ها خنثی شد.
۱۳۹۴/۱۰/۳۰	دستگیری تفنگداران دریایی آمریکا	این حرکتی که جوان‌های عزیز سپاه پاسداران ما در دریا کردند و در مقابل تجاوز دشمن از خودشان هويت و قدرت نشان دادند، کسانی که مسئولین

		سیاست هستند، در همه عرصه‌های جهانی همین جور عمل کنند.	
۱۳۶۹/۰۲/۱۲	حمله به هواپیمای مسافربری ایران	دولت آمریکا، همان دولتی است که افسر جنایتکارش دستور تیر داد، موشک شلیک کردند، هواپیمای مسافربری چند صد نفره را در دریا ساقط نمودند و مرد و زن و کوچک و بزرگ را نابود کردند و دولت آمریکا این افسر را محاکمه نکرد و شنیدیم که رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، به آن افسر مدال لیاقت داده است! این‌ها، این‌طور هستند.	۱۱
۱۳۹۹/۱۰/۱۹	حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد	وقتی که موشک جمهوری اسلامی می‌تواند پرنده متجاوز آمریکایی را که آمده روی آسمان ایران، ساقط کند، یا آن وقتی که موشک‌های ایرانی می‌توانند پایگاه عین‌الاسد را آن جور در هم بکوبند، آن وقت دشمن مجبور است در محاسبات خودش، در مورد تصمیم‌های نظامی خودش، روی این قدرت کشور و روی این توانایی کشور حساب کند.	۱۲
۱۳۹۶/۰۳/۰۳	شکست آمریکا در جنگ تحمیلی	هشت سال همه دنیا متفق شدند علیه ما و با ما جنگیدند؛ این یک واقعیتی است، همه دنیا! یعنی آمریکا علیه ما بود در عمل، ناتو علیه ما بود در عمل، شوروی آن روز علیه ما بود در عمل؛ مرتجعین منطقه -همین سعودی و کویت و بقیه- همه علیه ما بودند در عمل! یعنی همه آن‌ها علیه ما [در جنگ] شرکت داشتند. ما هم یک نهال تازه روئیده با تجربه‌های کم، توانستیم بر همه این‌ها فائق بیاییم. این تجربه ماست.	۱۳
۱۳۹۷/۰۸/۱۲	شکست در فلسطین	آمریکا رو به افول است؛ این را همه بدانند. آن کسانی هم که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله فلسطین را در این منطقه به کلی فراموش کنند، بدانند آمریکا رو به افول است. آن که زنده است، ملت‌های منطقه‌اند؛ آن چیزی که زنده است، حقایقی است که در این منطقه وجود دارد. آمریکا در منطقه	۱۴

		خودش هم رو به افول است، چه برسد در اینجا!
۱۳۹۰/۰۷/۰۹	شکست در غزه	۱۵
۱۳۸۶/۰۶/۲۳	ناکامی در حذف حماس	۱۶
۱۳۹۷/۰۴/۳۱	شکست در طرح انتقال قدس	۱۷

الگوی افول نظامی و امنیتی آمریکا در اندیشه مقام معظم رهبری به صورت زیر

است:



نقشه شماره ۲: افول نظامی و امنیتی آمریکا

### ۳-۴. افول اقتصادی آمریکا

تحلیل سیستماتیک اقتصاد آمریکا، بدون توجه به نظام سرمایه‌داری و مبانی لیبرال‌دموکراسی امکان‌پذیر نیست. همه شواهد دلالت بر آن دارد که شاخص‌های کلان اقتصاد آمریکا دچار افول شدیدی شده است؛ کاهش سهم اقتصاد آمریکا از تولید جهانی از ۲۱ درصد به ۱۵ درصد و قدرت گرفتن رقبای این کشور مانند چین با

تصاحب سهم ۱۷ درصدی در سال ۲۰۱۹، از دست دادن رتبه یک اقتصادی جهان و واگذاری آن به چین از سال ۲۰۱۶، افزایش نابرابری‌های اقتصادی و نیز چرخه‌های تجاری بحران‌زا که هر ۱۰ سال رخ می‌دهد، اقتصاد آمریکا را در معرض تهدیدات جدی و افول نسبتاً شدیدی قرار داده است. بی‌تردید افول قدرت اقتصادی آمریکا امری تحقق‌یافته است و استمرار این روند در سال‌های آتی، اقتصاد آمریکا را در وضع نامناسب‌تری قرار خواهد داد. از طرفی با افزایش نابرابری‌ها و ذات بحران‌زای نظام سرمایه‌داری و وقوع بحران‌های پی‌درپی، فروپاشی اقتصاد آمریکا هرچند محتمل است، اما زمان دقیقی برای آن قابل تصور نیست و دخالت عامل انسانی در اقتصاد همانند دولت می‌تواند این امر را دچار تسریع یا تأخیر کند (پیرانی و سعیدی راد، ۱۴۰۰: ۹۲).

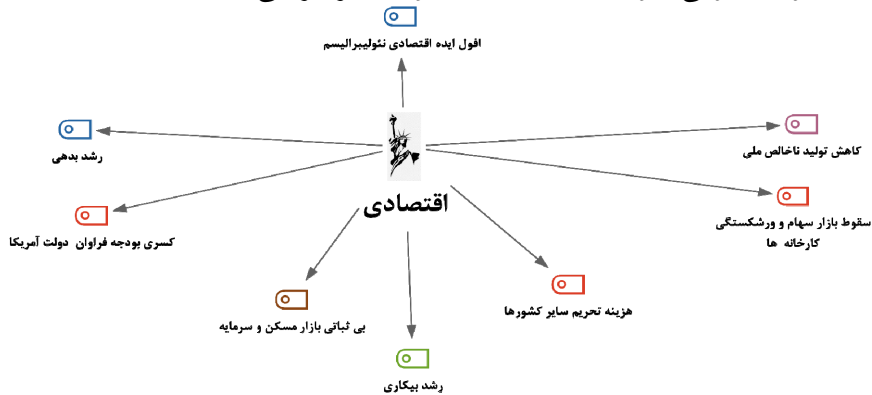
جدول مفاهیم افول اقتصادی به شرح زیر است:

جدول شماره ۶: مفاهیم افول اقتصادی آمریکا

ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	انتخاب‌های اقتصادی آمریکا در مسائل جهانی، با چالش عظیم قدرت‌های مردمی و سیاسی در دنیا مواجه می‌شود.	افول اقتصادی، افول ایده نئولیبرالیسم اقتصادی	۱۳۷۹/۰۵/۰۵
۲	این هم اقتصاد فلجشان است؛ اقتصاد آمریکا به معنای واقعی فلج است؛ ده‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان [وجود دارد]. این وضع امروز آمریکاست. این البته چیز مهمی است، لکن عجیب‌تر از این، این است که یک عده‌ای هنوز قبله‌شان آمریکاست، هنوز امید و آرزویشان به آمریکاست؛ آمریکایی که در یک چنین وضعی است.	رشد بیکاری، بی‌ثباتی بازار مسکن	۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۳	با این بحران اقتصادی‌ای که در اروپا وجود دارد، اتحاد اروپا جداً در تهدید است، یورو جداً مورد تهدید است. آمریکا هم به نحو دیگری؛ کسری بودجه فراوان، قرض فراوان، فشار مردم، حرکت ضد وال‌استریت، حرکت به قول خودشان- نود و نه درصدی. این‌ها حوادث مهمی است. البته وضع اروپا از آمریکا	کسری بودجه، سقوط بازار سهام	۱۳۹۱/۰۵/۰۳

		بدتر است؛ چند دولتشان سقوط کردند. الان در چندین کشور اروپایی بی ثباتی وجود دارد.
۱۳۹۷/۰۸/۱۲	رشد بدهی، کاهش تولید ناخالص ملی	اقتصادشان هم همین جور؛ آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است. رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکاست! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه آمریکاست در همین سال جاری؛ یعنی این‌ها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است.
۱۳۷۹/۰۵/۰۵	هزینه تحریم سایر کشورها	تحریم‌های آمریکا در دنیا با عکس‌العمل شدید مواجه می‌شود.

الگوی مفهومی مقوله‌های اقتصادی به صورت زیر طراحی شده است:



نقشه شماره ۳: افول اقتصادی آمریکا

### ۳-۵. افول موریه‌وار اجتماعی

در رابطه با ریشه‌های افول اجتماعی می‌توان گفت که گسست‌های سیاسی، فرهنگی، از بین رفتن عدالت اجتماعی و فروپاشی نگرش واحد فرهنگی به دلیل عدم اصالت فرهنگی - تاریخی موجب شکاف اجتماعی عمیقی شده است. از طرفی نیز انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی از بی‌اعتبار شدن مفهوم خانواده تا تبعیض، نژادپرستی و ابتدال فرهنگی در آمریکا به اوج خود رسیده است. ناکارآمدی ساختاری اجتماعی مانند ناکارآمدی و ناعادلانه بودن سیستم‌های قضایی، آموزشی، توزیع ثروت و خدمات اجتماعی مانند خدمات بهداشت و درمان به ویژه در دوره مدیریت کرونا به وضوح

مشاهده می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

نتیجه این شکاف‌ها و محرومیت‌های اجتماعی، ایجاد جنبش‌های مختلف در سرتاسر آمریکا است؛ مانند جنبش وال استریت در اعتراض به تبعیض اقتصادی و اجتماعی و یا جنبش "I can't breathe!"<sup>۱</sup> در اعتراض به تبعیض نژادی علیه سیاه‌پوستان و برخورد خشونت‌آمیز پلیس با مردم آمریکا که با سرکوب حداکثری مردم همراه بوده است. مهم‌ترین نکته در خصوص افول اجتماعی آمریکا، اضمحلال ایدئولوژی فرهنگ آمریکایی است که منجر به تضعیف هویت ملی و ارزش‌های آمریکایی شده است. جدول مفاهیم افول اجتماعی در اندیشه رهبری، این چنین از سخنرانی‌ها استخراج شده است:

جدول شماره ۷: مفاهیم افول موربانه‌وار اجتماعی آمریکا

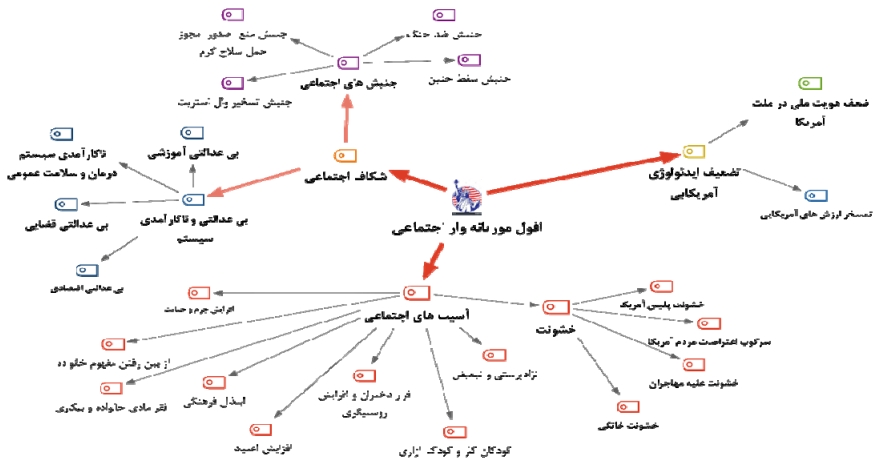
ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	برملا شدن ماهیت ارزش‌های ادعایی آمریکا که موجب تمسخر دنیا، حتی دوستان آمریکا شده، نشان‌دهنده اوضاع نابسامان آمریکاست.	ضعف ایدئولوژی، تمسخر ارزش‌ها	۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۲	[در آمریکا] علم پیشرفت می‌کند، آزمایشگاه‌ها کار می‌کنند، ساخت و ساز علمی و صنعتی و اتمی و غیره پیش می‌رود؛ اما روزه‌روز هویت ملی ضعیف‌تر می‌شود. این را آن‌ها می‌گویند؛ این آسیب‌پذیری مهمی است.	تضعیف هویت	۱۳۷۹/۰۵/۰۵
۳	در سرتاسر آمریکا، در ایالت‌های مختلف، این همه مردم بیابند توی خیابان‌ها در مقابل فشار و ضربه‌های سخت پلیس ایستادگی کنند، این قابل اشاره کردن نبود؟! اصلاً اشاره‌ای نکردند. می‌خواهند پنهان کنند. این هم حقوق بشرشان است.	خشونت، خشونت پلیس، خشونت خانگی	۱۳۹۰/۱۱/۱۴
۴	اینکه پلیسی پای خود را بر گردن سیاه‌پوستی قرار بدهد و فشار بدهد تا او جان بدهد، چیزی نیست که جدیداً به وجود آمده باشد، این طبیعت آمریکایی است و کاری است که با خیلی از کشورها مثل	خشونت پلیس، نژادپرستی و تبعیض، بی‌عدالتی قضایی، افزایش جرم و جنایت،	۱۳۹۹/۰۳/۱۴

1. <<https://www.nytimes.com/interactive/2020/06/28/us/i-cant-breathe-police-arrest.html>>.

	عراق، افغانستان، سوریه و... انجام دادند.	آسیب اجتماعی
۵	شما کسانی هستید که در قضیه آن قیام وال استریت هرچه توانستید علیه مردم کار کردید، لگد کردید، زدید، به تهمتی یا به احتمالی آدم‌ها را کشتید.	جنبش وال استریت، جنبش‌های اجتماعی، خشونت
۶	مردم آمریکا صف کشیده‌اند برونند اسلحه بخرند؛ چون احساس خطر می‌کنند در این ایام که باید اسلحه داشته باشند، یا برای بیمارها اولویت قائل بشوند	حمل اسلحه گرم، شکاف اجتماعی
۷	می‌گویند لزومی ندارد ما زحمت بکشیم و با این محدودیت، بیمار پیر و از کار افتاده و دچار مشکلات اساسی را معالجه کنیم؛ این‌ها حوادثی است که در آنجا اتفاق افتاده. بعضی‌ها از ترس کرونا خودکشی کرده‌اند.	ناکارآمدی سیستم درمان، تبعیض، بی‌عدالتی
۸	ده‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان [وجود دارد]؛ این وضع امروز آمریکاست.	فقر خانواده و بیکاری
۹	فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سست و متزلزل گردد.	از بین رفتن مفهوم خانواده، ابتذال فرهنگی
۱۰	آنچه که غربی‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند و داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده‌اند. مکرر در مطبوعات آمریکایی و اروپایی، میزان بالای زن‌آزاری‌ها و شکنجه‌ها و بی‌مهری‌ها منتشر شده است.	ابتذال فرهنگی، فرار دختران و افزایش روسپیگری، کودک‌آزاری
۱۱	شکاف‌های اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ خود آن‌ها بیچاره شده‌اند. حالا این آقا هم که آمده -این رئیس‌جمهور فعلی عجیب و غریب آمریکا- که دیگر به همه این‌ها چوب حراج زده و در واقع تهمه آبروی هم آمریکا و هم لیبرال دموکراسی را برده.	شکاف‌های اجتماعی، ناکارآمدی سیستم، بی‌عدالتی قضایی، بی‌عدالتی آموزشی



بنا بر مفاهیم استخراج شده، نقشه مفهومی افول اجتماعی این چنین طرح شده است:



نقشه شماره ۴: افول اجتماعی آمریکا

### ۳-۶. افول اخلاقی و حقوق بشر

حقوق بشر در کلام و رفتار حکمرانان آمریکایی، چیزی جز رفتار منافقانه و ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های مداخله جویانه در داخل و خارج آمریکا نیست. در واقعیت، حقوق بشر آمریکایی همان منافع امنیت ملی آمریکاست که از آن برای توطئه بهره می برد (قلی زاده و حشمت زاده، ۱۳۹۸: ۱۹۳).

وضعیت حقوق بشر در داخل آمریکا بدین شرح است که آمریکا کشوری با بالاترین تعداد زندان و زندانی، بیشترین آزار و اذیت‌های مهاجران و رنگین پوستان به صورت سیستماتیک، و کشوری با بالاترین آمار خشونت پلیس نسبت به شهروندان است. همچنین در سطح بین الملل با اضافه شدن جنایات جنگی، ترور انسان‌های آزاده و انواع و اقسام تحریم‌های ظالمانه، وضعیت حقوق بشری آمریکا بدتر می شود (سیدمحسنی باغسنگانی، ۱۴۰۱: ۲۷).

در کلام مقام معظم رهبری، افول اخلاقی و حقوق بشر آمریکا در ۴ مقوله به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

۱- نقض حقوق انسانی: نقض حق برخورداری از استانداردهای زندگی مناسب،

نقض حقوق زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت، نقض حق سلامت، نقض حق آموزش و دسترسی به دانش و فناوری و در نهایت نقض حق حیات و تحریم‌های ظالمانه؛

۲- جنایات جنگی: جنایت در افغانستان، عراق، سوریه، ویتنام، بمباران بیمارستان‌ها و مدارس، آمار بالای تلفات غیر نظامیان در جنگ‌ها از جمله آمار بالای تلفات زنان و کودکان در جنگ‌ها، ترور و حذف فیزیکی انسان‌های آزاده از جمله سردار سلیمانی؛

۳- حمایت از رژیم‌های جنایتکار: حمایت از عربستان در جنگ جنایتکارانه یمن، حمایت از رژیم پهلوی، حمایت از جنایات رژیم بحرین در سرکوب شیعیان و حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی.

### شکست آمریکا در تحقق حقوق بشر

اقدامات ایالات متحده آمریکا در نقض حقوق بشر در سراسر جهان همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بحث در مراکز مطالعات استراتژیک و نیز محافل سیاسی مطرح بوده است. مسئله حقوق بشر آمریکایی همواره جایگاهی ویژه در اندیشه و کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی داشته است. ایشان در یکی از فرازهای سخنان خود درباره حقوق بشر آمریکایی تأکید می‌کند:

«آمریکایی‌ها خجالت نمی‌کشند اسم حقوق بشر را می‌آورند؟ هر کس دیگری در دنیا ادعا بکند طرفداری از حقوق بشر را، دولتمردان آمریکا دیگر نباید این ادعا را بکنند، با این همه فضاحتی که در کارنامه آن‌ها نسبت به حقوق بشر هست» (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸).

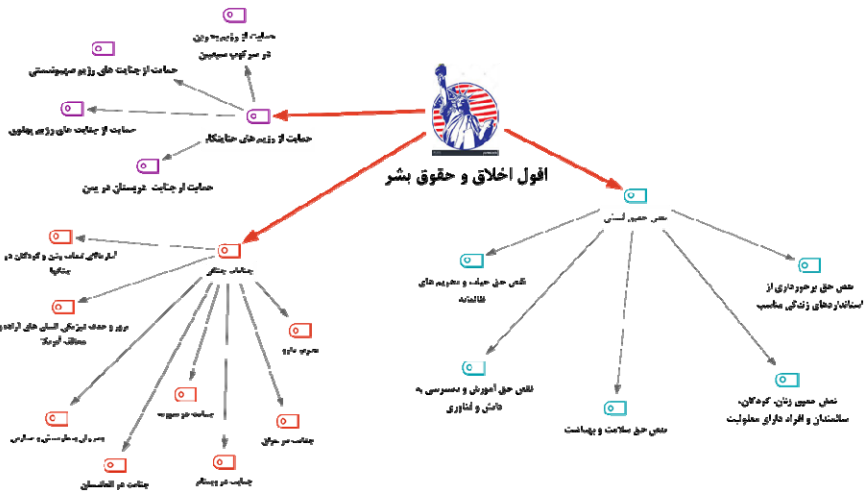
واقعیت این است که در زمینه اقدامات آمریکا در نقض فاحش حقوق بشر در سراسر جهان می‌توان یک سیاهه عریض و طویل ارائه کرد (ر.ک: همان). مقوله‌های مفهوم‌سازی شده در حوزه افول اخلاق و افول حقوق بشر در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول شماره ۸: افول اخلاق و افول حقوق بشر

ردیف	متن	مفهوم	تاریخ
۱	شیطان اکبر آمریکاست. این‌ها ادعاهای دروغی دارند؛ یکی از این ادعاها مسئله حقوق بشر است. ضد حقوق بشرنند و از حقوق بشر دم می‌زنند و مدام نام حقوق بشر را می‌آورند و آن را مطرح می‌کنند، در حالی که کارهایی که این‌ها می‌کنند، ضد حقوق بشر است.	افول حقوق بشر	۱۳۹۶/۱۰/۲۶
۲	از جنایت‌ها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی، این‌ها به طور مرتب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه چند دولت در یمن و کشتار مردم بی‌گناه یمن، این‌ها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت می‌کنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟	حمایت از رژیم‌های جنایتکار، حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی و عربستان	۱۳۹۸/۰۳/۱۴
۳	این حمله سحر دیشب به سوریه یک جنایت است! بنده صریحاً اعلام می‌کنم رئیس‌جمهور آمریکا، رئیس‌جمهور فرانسه و نخست‌وزیر انگلیس جنایتکارند و جنایت کردند!	جنایت جنگی، جنایت در سوریه	۱۳۹۷/۰۱/۲۵
۴	امروز در دنیا کسی نیست که باور کند آمریکا دنبال حقوق بشر است.	نقض حقوق انسانی	۱۳۹۱/۰۵/۰۳
۵	آمریکایی‌های دروغگوی ریاکار و خدعه‌گر که ادعای حقوق بشر و ادعای دموکراسی می‌کنند، در قضیه بحرین این جور علیه مردم وارد میدان می‌شوند.	حمایت از رژیم بحرین در سرکوب شیعیان، نقض حق برخورداری از استانداردهای زندگی مناسب	۱۳۹۰/۰۳/۱۴
۶	شما در موقعیتی نیستید که با کسی درباره حقوق بشر بحث کنید. در افغانستان کشتار را کم کردید؟ در عراق دخالتتان را کم کردید؟ از کشتار فاجعه‌آمیز مردم در غزه و کشتن کودکان حمایت نکردید که ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنید؟	جنایت در افغانستان و عراق، تلفات بالای زنان و کودکان در جنگ‌ها	۱۳۸۹/۰۱/۰۱

۱۳۹۲/۱۱/۲۸	نقض حق حیات، جنایت جنگی	شرکت «پلک واتر» را همه دیدند، حمله به کاروان‌های عروسی افغان‌ها را دیدند، کمک به تروریست‌های نامدار که افتخار می‌کنند به تروریست بودن خودشان را همه دیدند، عهدشکنی‌ها را دیدند، دروغگویی‌ها را دیدند؛ همه دنیا این‌ها را دیده است، باز می‌گویند حقوق بشر و خجالت هم نمی‌کشند! واقعاً این مقدار وقاحت در رفتار، این‌ها چیز عجیبی است.	۷
۱۳۹۶/۰۳/۱۴	بمباران مدارس و بیمارستان‌ها، نقض حق کودکان و زنان	نه مراکز نظامی یمن را، [بلکه] کوچه را، بازار را، مسجد را، بیمارستان را، خانه‌های مردم را؛ بی‌گناهان را می‌کشند، زن و کودک و بچه و بزرگ را به قتل می‌رسانند؛ آن وقت این‌ها می‌روند و اسم حقوق بشر می‌آورند.	۸
۱۳۹۹/۰۴/۳۱	ترور و حذف فیزیکی انسان‌های آزاده و مخالف آمریکا	جنایت آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس را یک نمونه از نتیجه حضور آمریکایی‌ها در عراق است. آن‌ها میهمان شما را در خانه شما کشتند و صریحاً به این جنایت اعتراف کردند، که این موضوع کوچکی نیست.	۹
۱۳۸۲/۰۱/۰۱	جنایت در ویتنام	ویتنام، یک کشور دورافتاده و ضعیف بود. در آن زمان آمریکا با تجهیزات فراوان، هواپیما، بمب، موشک و همه امکانات ارتباطاتی با مردمی جنگید که هیچ امکاناتی نداشتند.	۱۰
۱۴۰۰/۰۹/۲۱	نقض حق سلامت و بهداشت، نقض حق دسترسی به دانش و فناوری	دشمنان از رنج ملت ایران خوششان می‌آید؛ دلیلش چیست؟ دلیلش بمباران‌های شیمیایی دوران دفاع مقدس؛ هزاران جوان با بمباران شیمیایی دچار بیماری‌های صعب‌العلاج و غیرقابل علاج و دردناک شدند. یا همین تحریم دارویی؛ خدا رحم کرد که دانشمندان جوان ما توانستند واکسن کرونا را تولید کنند.	۱۱

الگوی مفهومی طراحی شده با نرم‌افزار Maxqda بدین شکل است:

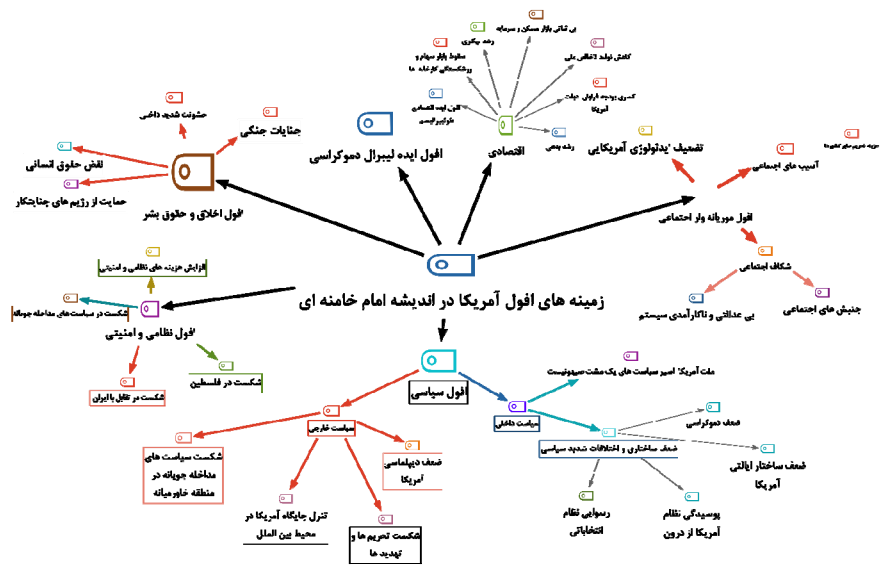


نقشه شماره ۵: افول اخلاق و حقوق بشر آمریکا

## ارائه مدل افول و نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در بیش از سه دهه بیانات مقام معظم رهبری مشخص شد که ایشان از بین مفاهیمی همچون فروپاشی، تجزیه و افول، معتقد به افول آمریکا آن هم از نوع تدریجی و از درون سیستم آمریکاست. افول به کاهش تدریجی قدرت اشاره دارد، سقوط به نابودی ناگهانی قدرت، فروپاشی به تخریب و تمام شدن ساختار، و تجزیه به تقسیم هژمون به بخش‌های کوچک‌تر اشاره می‌کند. ایشان برای چارچوب مفهومی خود در خصوص افول آمریکا، از تعابیری همچون افول موریانه‌وار، پوسیدگی نظام آمریکا و همچنین غرق شدن همچون کشتی تایتانیک استفاده کرده است. از نظر ایشان، این افول قطعی است و ما باید این نکته را در محاسبات خود وارد کنیم. همچنین آنچه مانع از آشکار شدن تمام‌عیار این افول شده است، امپراتوری رسانه‌ای و خبری آمریکاست که با اتکا به آن توانسته است شدت این سقوط را در نزد اذهان عمومی کم‌رنگ‌تر کند. طبق نظر ایشان، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، زمره‌های اولیه سقوط آمریکا در حوزه بین‌الملل شروع شد. آنچه موجب دشمنی آمریکا نسبت به ایران است، در واقع مربوط به مقابله گفتمانی است؛ گفتمان پوسیده لیبرال دموکراسی در مقابل ایده و گفتمان مردم‌سالاری دینی که علاوه بر عقلانیت بر نصرت الهی نیز

تکیه دارد. بعد از این تاریخ، آمریکا وارد چرخه افول و اضمحلال شد. در ادامه، دلایل افول را می‌توان در دو دسته عوامل خارجی و داخلی دسته‌بندی کرد. در حوزه خارجی می‌توان به ظهور قدرت‌هایی همچون چین، ایران و روسیه اشاره کرد. حوزه عوامل افول داخلی بسیار گسترده است، اما اساس فرایند افول آمریکا را باید در افول اندیشه و گفتمان لیبرال دموکراسی و تسری آن به سایر زمینه‌ها جستجو کرد. با توجه به مفاهیم استخراج شده در ۶ مؤلفه اصلی و ۲۲۹ کد مقوله‌بندی شده، الگوی کلی مفهومی زمینه‌های افول آمریکا با نرم‌افزار MAXQDA به صورت است:



نقشه شماره ۶: زمینه‌های افول آمریکا در اندیشه مقام معظم رهبری به صورت جامع

در اندیشه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین زمینه‌های افول آمریکا را می‌توان افول ایده لیبرال دموکراسی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اخلاق و حقوق بشر، و اجتماعی برشمرد. افول سیاسی خود به دو شاخه افول سیاست داخلی و خارجی تقسیم می‌شود؛ در حوزه سیاست داخلی می‌توان به افول در نوع حکومت، شکست در دفاع از دموکراسی، تهی بودن از مفاهیم ارزشی و اخلاقی، رسوایی انتخابات، افتضاح انتقال قدرت از ترامپ به بایدن، حمله و اشغال کنگره نام برد. در حوزه سیاست خارجی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شکست نقشه‌ها در خصوص ایران، افول هژمون و رهبری دنیا، شکست

سیاسی در خاورمیانه، شکست در حل مسئله فلسطین، یکجانبه گرایی و تحریم کشورها، پیمان شکنی های بین المللی و کاهش نفوذ بر کشورها و در مقابل عدم همراهی سایر کشورها در اجرای سیاست ها.

در حوزه اضمحلال نظامی و امنیتی می توان به شکست نقشه های نظامی و امنیتی در خصوص ایران، شکست در خاورمیانه و خروج از آن، خروج از ویتنام، شکست در مبارزه با تروریسم و بازتولید گروه های تروریستی مانند داعش، ناکارآمدی نظامی در حمایت از اسرائیل و دولت های مرتجع در خلیج فارس اشاره کرد.

مهم ترین نکات در حوزه افول اقتصادی آمریکا در کلام رهبری، رشد بدهی میلیاردی، کاهش تولید ناخالص ملی، رشد بیکاری و بی ثباتی در بازار مسکن است.

در حوزه افول اخلاق و حقوق بشر می توان به مواردی مانند: جنایات جنگی، حمایت از جنایات رژیم های مرتجع در به خاک و خون کشیدن مظلومان عالم و نقض حقوق انسانی در ابعاد مختلف اشاره کرد. اما طبق گفته رهبری، آنچه که منجر به روسیاهی آمریکا شده است، ترور سردار سلیمانی بود؛ چرا که ایشان خود حافظ حقوق بشر بوده است.

افول اجتماعی نیز از موارد قابل ذکر در کلام معظم له است و شامل اعتراضات گسترده ملت آمریکا در مقابل نظام سرمایه داری آمریکا با برپایی جنبش هایی مانند جنبش وال استریت و همچنین در کنار آن، مشکلات اجتماعی مانند: نژادپرستی، شکست در حقوق بشر، اختلاف بر سر مجوز حمل سلاح و تبعات آن و در نهایت شکست در مدیریت کروناست.

با این تفاسیر می توان چنین استنباط کرد که موضوعاتی مثل توان سیاسی و نظامی که زمانی نقطه قوت آمریکا بوده، در سال های اخیر خود سبب افول آمریکا شده است. بنا بر افزایش حوزه نفوذ این قدرت در عرصه بین الملل، هزینه های اقتصادی این حضور افزایش یافته است و به تدریج با ظهور قدرت های اقتصادی و نظامی جدید در عرصه جهانی، به چالش جدی برای آمریکا تبدیل شده است.

هرچند که آمریکا در حال افول است، اما نکته قابل توجه این است که بین افول آمریکا و فروپاشی آمریکا باید تفاوت قائل شد. مثال عینی در این خصوص، کشور

انگلستان است. انگلیس که زمانی هژمون جهان در اردوگاه اروپا محسوب می‌شد، به مرور قدرت خود را از دست داد و بیشتر درگیر مشکلات داخلی شد. اما با این افول، همچنان به عنوان بازیگر تأثیرگذار سیاسی مطرح می‌باشد. با این تفاسیر، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از گفتمان مردم‌سالاری دینی به عنوان مبنا و همچنین استفاده از استراتژی‌هایی همچون مقاومت و ایجاد اتحاد با کشورهای اسلامی با هدف تشکیل امت اسلامی و همچنین با همکاری راهبردی با کشورهای ضد امپریالیست و ضد آمریکایی، چرخه افول آمریکا را سرعت بخشد و به دنبال پیروز کردن مبنای ناب اسلامی در گفتمان جهانی باشد. این پژوهش به دنبال آن بود که با سیر تحلیلی در اندیشه و کلام رهبر انقلاب، کیفیت این افول و ضعف ایالات متحده آمریکا را بررسی کند و در نهایت به فرضیه‌های خود مبنی بر ضعف و زمینه‌های افول آمریکا پاسخ مناسبی بدهد.



## کتاب‌شناسی

۱. آهویی، مهدی، و دیاکو حسینی، «افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاست‌گذاری»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ششم، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۲. پیرانی، شهره و سیدعبدالله رضوی، «بررسی پارامترهای سیاسی - اقتصادی افول ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره دهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۹)، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۳. پیرانی، شهره، و آرش سعیدی راد، «افول سیاسی ایالات متحده آمریکا؛ زمینه‌ها و دلایل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا*، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰ ش.
۴. جمشیدی، محمد، و زکیه یزدان‌شناس، «نظریه چرخه قدرت و تحولات قدرت ایالات متحده؛ بستری برای تحلیل رفتار سیاست خارجی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۵. جهان‌بین، فرزاد، و محمدجواد فتحی، «بررسی و مقایسه مؤلفه‌های تمدنی میان ایران و آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۶. جهانگیری، سعید، مهسا فرحان جم، و ابراهیم متقی، «واکاوی چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تأکید بر ویروس کرونا (از منظر حقوقی و سیاسی)»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۷. خانی، محمد، «استراتژی آمریکا در خلیج فارس با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، اداره آموزش و پرورش معاونت سیاسی، کد پژوهش ۱۰۳۹۶، ۱۳۸۷ ش.
۸. دهشیری، محمدرضا، «افول قدرت نرم آمریکا؛ دلایل و پیامدها»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال هشتم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۹. دهقانی، خسرو، محمدعلی بصیری، و عنایت‌الله یزدانی، «تحلیل تأثیر سیاست‌های دونالد ترامپ بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۱۰. سعیدی، روح‌الامین، «آیا ظهور اژدهای شرقی صلح‌آمیز خواهد بود؟» *ماهنامه عصراندیشه*، سال پنجم، شماره ۲۰، مهر ۱۳۹۸ ش.
۱۱. سیدمحسنی باغسنگانی، سیدمهدی، «نظریه افول آمریکا از نگاه آیه‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا*، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، تابستان ۱۴۰۱ ش.
۱۲. صدیق سروستانی، رحمت‌الله، «کاربرد تحلیل محتوی در علوم اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۵ ش.
۱۳. عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی، و محمد شیخ‌زاده، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۱۴. فلیک، اووه، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. فوکویاما، فرانسیس، *پایان تاریخ و انسان واپسین*، ترجمه عباس و زهره عربی، تهران، خنکده، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. قلی‌زاده، عبدالحمید، و محمدباقر حشمت‌زاده، «دینامیک بنیادی صعود چین در سیکل قدرت و چالش ثبات سیستمیک»، *فصلنامه سیاست جهانی*، سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی ۳۰)، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۱۷. محمدمیرزائی، حسن، «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا»، *فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۳)، بهار ۱۴۰۱ ش.

18. Boyatzis, Richard E., *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*, USA, Case Western Reserve University, 1998.
19. Clark, Ian, "China and the United States: a succession of hegemonies?", *International Affairs*, Vol. 87(1), 2011.
20. Nye, Joseph S., *Power in a Global Information Age: From Realism to Globalization*, London & New York, Routledge, 2004.
21. Regilme, Salvador Santino F. Jr & James Parisot, "Debating American Hegemony - Global Cooperation and Conflict", Intro. in: Salvador Santino F. Regilme Jr & James Parisot (Eds.), *American Hegemony and the Rise of Emerging Powers*, 2019.
22. Schmidt, Brian C., "The debate on American hegemony", Dialogue of Civilizations Research Institute, 1-9, 2019.
23. Zakaria, Fareed, "The Self-Destruction of American Power: Washington Squandered the Unipolar Moment", *Foreign Affairs Magazine*, Vol. 98(4), July/August 2019.





the theorists of the erosion (decline) of the USA can be determinative of the political and economic orientations of the Islamic Republic of Iran. With The technique of the thematic analysis and with the application of the software MAXQDA20, This note is going to extract the framework and dimensions of the erosion (decline) of the USA from the intellectual system of Ayatollah Khamenei. The research statistical population is all his speeches from 1989 to 2021. Altogether 229 codes were extracted and were put in 6 organizer categories.

**Keywords:** *The United States, The gradual erosion (decline), Political erosion, Economic erosion, Leadership, Hegemony.*





important. In the Islamic lifestyle and from the view of sociology the requirements should be considered for this dimension of health. In the Islamic lifestyle, the person who follows a worthy model and has hope, motivation cheerfulness, answerability, cooperation, equitability, and a feeling of satisfaction can have social health. From the view of sociology, requirements can be counted such as cohesion, unity, participation, flourishing, and social acceptance. Internet, software, library sources, and documents have been used in this research, and with the analytic-descriptive method it has been attempted the different aspects of the issue be explained initially and then they have been studied.

**Keywords:** *Social health, Hopefulness, Cheerfulness, Having answerability, Cooperation.*

## **The Conceptual Framework of the Erosion of US in Intellectual System of Ayatollah Khamenei**

□ *Muhammad Ali Fateminia (An academic board member of the Ministry of Science, Research & Tech.)*

□ *Muhammad Reza Muttaqiannezhad (An MA student of Payame Noor Center for Strategic Studies)*

**A**fter World War II and its victory in the Cold War, the United States emerged as a superpower in the new world order, and being accompanied by some of its allies it could be the totalitarian in the international order. In recent years the inward problems of the United States from one side and the formation of new political and economic from the other side, the erosion (decline) of the USA has changed to a theoretical-empirical problem in the scientific-political space. Therefore, the study of Ayatollah Khamenei's thought as one of

components governing soft power is the social capital which Imam Khamenei with true explanation accurate use and comprehensive knowledge of the moods and culture of public opinions especially youths has implied to as a bridge for the development and victory of the Islamic Revolution. The importance of this category, to a certain degree, is that the success of communities, persons, and somehow the society's achievements depend on. With this approach, the present paper with a descriptive-analytic method with understanding the declaration of the second phase of the Revolution interpreted the concept of social capital in the defensive school of Imam Khamenei. The determination of the Revolution's nature and its social capital in the next 40 years in the declaration of the second phase of the Revolution is an attempt to stabilize and strengthen the defensive components of stable security that finally results in the creation of the new Islamic civilization with applying an Islamic-Iranian model of progress.

**Keywords:** *Social capital, Soft power, The defensive school, The second Phase of the Revolution.*

## The Obligations of Social Health of Youths in Islamic Lifestyle and Perspective of Sociology

- *Sayyed Ali Sajjadizadeh (Assistant professor at Razavi University of Islamic Sciences)*
- *Azam Rahmati (Member of the Scientific Research Institute of Maktab-e Narjes)*
- *Atefeh Estakhri (3<sup>rd</sup> level graduate of the Scientific Research Institute of Maktab-e Narjes)*

**F**rom the man's healthy dimension, social health is more necessary for youths who are the main engine of society. From the perspective of Islam the category of the social health of youths is more



all capacity of the rational, transmitted knowledge and natural methods and has selected the approach of the methodic convergent diversity in humanity.

**Keywords:** *Methodology, Positivism, Transcendent theosophy or al-Hikmat al-Muta'āliyah, Humanity, Research.*

## **Understanding Social Capital in the Defensive School (Ideology) of Imam Khamenei in the Light of the Declaration of the Second Phase of the Revolution**

□ *Mahmoud Rasouli (Assistant professor at University of Zanjan)*

□ *Maryam Rahmani (Assistant professor at University of Zanjan)*

One of the most important issues in respect to a country is its security and defense against different threats. In the past, the security of a country was measured only by its military power and weapons and military supplies but today military equipment does not contain security alone but using other equipment such as soft power can establish security and defend against threats. This new dimension of power which its literature has been theorized by Western scholars like Joseph Nye, however, the foundation of the Imam Khomeini movement did not attain victory except by utilization of these social and cultural components which today emerge in the form of the soft war. Today, it is inevitable for Islamic Republic of Iran considering its significant strategic and geo-politic position to strengthen the soft power dimensions while strengthening the different dimensions of hard power (military and economic power). One of the most important

**Keywords:** *The new Islamic civilization, The proportional youths, The second phase of the Islamic revolution, The resistance, Unity building civilization.*

## **The Effect of the Methodological Principles of Positivism and Transcendent Theosophy or al-Hikmat al-Muta'āliyah on Humanity; A Comparative Study**

□ *Muhammad Hussein Jamalzadeh (A PhD student in Social Sciences of Muslims, University of Tehran)*

One of the common schools in the modern world is Positivism whose methodological principles have affected not only natural sciences but also humanity. This paper with the analytic-descriptive method and library collection of data criticized five main principles of the positivism school including the principles of ontology, anthropology, epistemology, sociology, and axiology based on the principles of Transcendent theosophy or al-Hikmat al-Muta'āliyah. The limit of existence to matter, incompatibility of human freedom with necessity, inconformity of mind with object, the reality of society, and not perceiving values (absences of values) are the most important criticisms of Transcendent theosophy or al-Hikmat al-Muta'āliyah on the methodology of the positivism school. The most important findings of this research are the Positivists selected the quantitative research and limited the research to the data of experience-based they have the approach of the methodic convergent unity in the humanity methodology, while al-Hikmat al-Muta'āliyah considered the qualitative and quantitative method and non-exclusiveness of the sources of knowledge to natural sciences has used





According to the Islamic revolution teachings and both Imams of the Revolution, the way which the Islamic republic covers is to achieve a new Islamic civilization. From this perspective and along with the civilizing horizon of the Islamic Revolution, concerning the competence of the youths in proportion to the second phase of the Islamic revolution and also determining how to act with a comprehensive view of cross-border and strategic longitudinal direction as stated by the great Islamic revolution leader is the most mandatory (required) in comparison to other necessities and the change of the world modern order in the different religious, political, scientific, cultural, economic areas and with the defensive nature of the resistance with using the capacity of unity building civilization at the level of the Islamic community is of the necessities which should be paid attention and emphasized. For this reason, while defining the merits of the proportional youths, the note has attempted to determine the stages of the unity-building civilization and the way of the role-playing of the proportional youth under the theory of the resistance in 3 primary themes and 72 sub-themes based on the system of the supreme leader thought of Islamic Revolution. According to the findings of the present research and for establishing the connection between the theory and practice areas and planning the effective role-playing of youths in proportion to the second phase of the Islamic revolution in the world areas with the approach to the modern Islamic civilization, suggestions have been presented in the strategic and practical levels with the approach of discourse making-systemization chain.

The present paper is going to extract the anthropology components included in the defensive theory of Ayatollah Khamenei which are stated in his speeches and determine them on the Quran ground. The study of anthropology revolves around three general axes of insight, orientation, proactive and reactive or beliefs, interests, and practices based on Claude Rivière's view according to three specifications: reasoning, feeling, and behavior. The Quranic documentation of the mentioned components in the speeches of the leader about the category of the defense and its interpretation is the goal of this research which the method is descriptive-analytic. The findings show that in the defensive theory of the leader identifying the enemy is the most essential component constituting the beliefs of defenders, tendency to spirituality and having no excessive tendency to the material world are the most important instances in human desires of Mujahid (Muslims who are fighting in support of Islam) with its more appearance in spy and escaping from war in proactive dimension giving help and assistance to the religion and the divine saints, resistance, comprehensive progress on defensive power is of anthropology components.

**Keywords:** *The holy Quran, Anthropology, Defense, The supreme leader.*

## **The Youths in Proportion to the Second Phase of the Islamic Revolution; The Defensive Factor in the Resistance Creating Unity and Building Civilization (Components and Howness)**

□ *Majid Bisheh (PhD in Human Resource Management, Allameh Tabataba'i University)*



Khamenei's speeches for studying the position of the Qur'anic sunnah of winning of truth against falsehood in the defensive thoughts of Imam Khamenei this paper has been written. At the look of the holy Quran, the truth is victorious and the falsehood because of not originality has not been constant and is vanished. According to the promise of God in the Quran verses, the sunnah of winning of truth in the form of the elimination of falsehood and the establishment of the truth, protecting God's messengers, believers, and those who believe in God, the victory of Hezbollah, the promise of the appointment of a successor in the land inheritors and imamah, and leadership in the land, ... appears. From the view of Imam Khamenei, the victory of the Islamic revolution is based on this divine sunnah and the occurrence of this sunnah in any current depends on patience, resistance, combat, overcoming fear, hopefulness, etc. Emphases, citations, and the promises of winning of truth front have been stated several times like many samples of his citations to this constant divine rule in history like the delicate and complicated situation of the 33-day war is a sign of his deep attention to this God's sunnah and its important place in his defensive thought.

**Keywords:** *The sunnah of winning of truth, Truth front, The defensive thought of Imam Khamenei, Divine traditions.*

## **The Examination of the Anthropology Components in the Defensive Theory of Ayatollah Khamenei with Relying on The Holy Quran**

□ *Kamran Oveysi (Assistant professor at the University of Islamic Sciences)*

## Abstracts

### **The Sunnah of Winning of Truth against Falsehood in the Quran Verses and Hadiths and Its Position in the Defensive Thought of Imam Khamenei**

□ *Muhammad Taqi Ahmadi Parto (A PhD student of Al-Mustafa International University)*

□ *Masoumeh Khoeini (Level 2 student of Jamiat al-Zahra seminary)*

**C**ontrary to some Western social science scholars who deny the problem of the fixed and constant laws governing social equations, Islam emphasizes this issue titled the custom or tradition of God and the way Allah conducts the affairs and the rules governing the universe (Arabic: سنت sunnah). The sunnah of winning truth against falsehood is of the rules which are definite and constant (unchangeable). With the descriptive-analytic method and examining some related Quran verses and hadiths and samples of Imam

# پژوهش‌های اجتماعی اسلام

دوفصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۱۲۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):  
دکتر قاسم ابراهیمی‌پور (استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی)  
دکتر یحیی بوذری‌نژاد (دانشیار دانشگاه تهران)  
دکتر سیدمرتضی حسینی شاهرودی (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)  
دکتر علی خیاط (استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی)  
دکتر حسن خیری (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی)  
دکتر محمد سلطانیه (استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی)  
دکتر عبدالحسین کلاتری (دانشیار دانشگاه تهران)  
دکتر علیرضا روحی (دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی)



مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا):  
حجة الاسلام دکتر مهدی راسخی / دکتر محمد رفیق / حجة الاسلام دکتر محمد سلطانیه / دکتر محمد رضا قائمی نیک / حجة الاسلام دکتر محسن مدنی‌نژاد / حجة الاسلام دکتر غلامعلی مقدم



این فصلنامه در وبگاه‌های زیر قابل دسترسی است:  
[www.sid.ir](http://www.sid.ir) و [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir) و [www.magiran.com/razavi](http://www.magiran.com/razavi)  
و [www.civilica.com](http://www.civilica.com) و [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)



«ترتیب مقالات بر اساس حروف الفبای نویسنده اول می‌باشد.»  
«آرای نویسندگان مقالات لزوماً دیدگاه مجله نیست.»  
«نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.»

تأییدیه علمی ترویجی:

رتبه علمی - ترویجی دوفصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی به استناد ماده واحد مصوب ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و بر اساس مصوبه ۳۶۹ جلسه ۱۰۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، به مدت دو سال تمدید گردید (۱۴۰۱/۱۱/۲۹). شمارگان مشمول رتبه: از شماره ۸۹

صاحب امتیاز  
دکتر علیرضا روحی



مدیر مسئول  
محمد امامی

سر دبیر  
محمد سلطانیه

مدیر اجرایی  
اسماعیل شفیعی

نحوه انتشار  
به صورت الکترونیکی در وبگاه  
<https://razavi.ac.ir>

ارتباط با کارشناس  
«تماس با ما» در سامانه نشریات

نشانی پستی

مشهد، ص پ ۹۱۷۳۵-۴۶۱

رایانامه

[razaviunmag@gmail.com](mailto:razaviunmag@gmail.com)